

В. Х. Парсаданян

**Персидско-дари-русский
и
дари-персидско-русский
С Л О В А Р Ь**

**содержит свыше 3500 существующих различий
в современном персидском и дари**

Ереван 2002

03
17-18
h2

W/15

27

ЕРЕВАНСКИЙ УНИВЕРСИТЕТ "ГРАЧЬЯ АЧАРЯН"

Դ. Խաչատրյանի թարգմ.

Персидско-дари-русский

и

дари-персидско-русский

С Л О В А Р Ь

содержит свыше 3500 существующих различий
в современном персидском и дари

Составил: **ВРЕЖ ХАЧАТУРОВИЧ ПАРСАДАНЯН**



Երևան 2002

ՀՀ ԳԱՒԱԿԱՆ ԳՐԱԴԱՐԱՆ
ԲԵՐԿՐԵՏԻՆԻ
ՆԱԽԱՐԱՐՈՒԹՅՈՒՆ
20.09.2002թ.

19541

قاموس

فارسی - دری - روسی

و

دری - فارسی - روسی

شامل تفاوت‌های موجود در ذخیره لغوی فارسی امروزی و دری معاصر
(حاوی اضافه تر از ۳۵۰۰ لغت و ترکیب)

تالیف: وریژ خاچاطوری پارسادانیان

ایروان ۲۰۰۲

فرهنگ

فارسی - دری - روسی

و

دری - فارسی - روسی

دربگیرنده تفاوت‌های موجود در واژگان فارسی امروزی و دری معاصر
(درحد و بیش از ۳۵۰۰ واژه و ترکیب)

تالیف: ورژ خاچاطوری پارسادانیان

ایروان ۲۰۰۲

УДК 801.3=809.155=82 (076.3)
ББК 81.2 Ирн -4+ 81.2 Р-4
П 278

В ПАМЯТЬ ДОРОГОГО ОТЦА И БРАТА РОБЕРТА

به یاد پدر و برادر عزیزم روبرت

ИЗДАЕТСЯ РЕШЕНИЕМ УЧЕННОГО СОВЕТА
ЕРЕВАНСКОГО УНИВЕРСИТЕТА "ГРАЧЬЯ АЧАРЯН"
این کتاب بر اساس مصوبه شورای علمی دانشگاه «هراچیا آچاریان» ایروان
به چاپ می رسد

Редакторы: Доктор, профессор Голам Реза Сотуде
Жасмен Парсаданян

ویراستاران: دکتر غلامرضا ستوده
ژاسمن پارسادانیان

П 278 Персидско-дари-русский и дари-персидско-русский
словарь - Ер., Тигран Мец, 2002, 240 стр.

П 4602030000 2002
774(01)2002

ББК 81.2 Ирн -4+ 81.2 Р-4

ISBN 99930-52-73-6

© В. Парсаданян

بنام خداوند جان و خرد

نخستین بار که کار ارزنده آقای پارسادانیان استاد دانشگاه «هراچیا آچاریان» ارمنستان را دیدم، لهجه بسیار روان و درست ایشان مرا نوید داد که یکی از فارسی زبانان سرانجام این حرکت لازم علمی را به سامان رسانده است.

مطالعه در گونه های رایج فارسی در افغانستان و ایران حایز اهمیت است زیرا شاید در جهان کمتر زبانی یافت می شود که با دو یا سه اسم در دو یا چند کشور، زبان رسمی و جاری و معمول باشد. جایی فارسی بگویند و همان را جایی دیگر دری بنامند و در جایی تاجیکی. به قول هانف اصفهانی:

سه نگرده بر بزم ارارو را پرنیان خوانی و حریر گو پرند

درست است که هر سه نام اطلاق بر یک ساختار زبانی از حیث گنجینه واژگان، دستگاه دستوری و دستگاه آوایی است، ولی پی بردن به همه زوایای دستوری و شناخت گوشه و کنار گنجینه واژگان و تشخیص و ضبط آواهای هر زبان به غنای آن کمک می کند و راه تعلیم و توسعه آن را هموار می سازد و استفاده از علوم و فنون جدید با آن زبان امکان پذیر تر خواهد بود.

کاری که آقای پارسادانیان انجام داده اند گرچه فارسی زبان مادری ایشان نیست ولی خدمتی است که در حقیقت به زبان فارسی یا دری یا تاجیکی به جای آورده اند و وظیفه ای را که یکی از اهل این زبان باید ادا می کرد ایشان متکفل و مباشر آن شده اند.

آنان که بالغت سروکار دارند ارزش تحقیق آقای پارسادانیان را خوب می دانند و نگاهی به کتابی که ایشان تالیف کرده اند نشان خواهد داد که زبان فارسی در قلمرو و گمترش خود چه توانمندیهایی دارد.

اگر رابطه فرهنگی دستخوش دگرگونی روابط سیاسی بین کشورهای ایران و افغانستان و تاجیکستان و چند جای دیگر نشده بود، امروز اهل این زبان به مراحل پیشرفته تری از دانش زمانه می رسیدند. متأسفانه به همان علت گویندگان این نقاط از تحولات حوزه زبانی یکدیگر بی خبر و

غافل و محروم مانده اند و فهرست واژگانی که آقای پارسادانیان ارائه داده اند سند محکمی بر این ادعاست و جا دارد که همه فارسی زبانها در هر گوشه و کنار جهان از این تحقیق آگاه گردند و نویسندگان و مترجمان و محققان زبان و ادب فارسی از آن بهره گیرند.

بسیاری از گونه های قدیم واژگان فارسی که در آثار گویندگان و نویسندگان هم بکار رفته در این کتاب ملاحظه می شود مانند: خیر (xayow, xeyow) به معنی آب دهن، تف.

زدیدار پیران فرو ماندند خیر زیر لبها برافشانند

فردوسی

ناگفته سخن بخوی مرد است خوش نیست سخن مگر که در فم

ناصر خسرو

و از همین قبیل است: تیار کردن به معنی آماده کردن، خسته خانه به معنی بیمارستان. دیده درای به معنی بی شرم و بی حیا. خیل و ختک به معنای فامیل و خانواده. زینه به معنی پلکان. پس آمدن به معنی بازگشتن. پسین به معنی بعدی. پسان تر به معنی بعدتر. چپر یا کپر به معنای خانه و دیواری که از چوب و علف سازند:

آب چون مردان جنگی در زره باغ چون دیوار شهر اندر چپر

پوربهای جامی

(به نقل از جهانگیری)

کنار جوی از سبزه چپر بست میان کوه از لانه کمر بست

استاد (به نقل از جهانگیری)

جستجو در گونه های زبان فارسی و واژه های درست و زیبایی مانند:

گلگون دردی به جای آنزین. بود و باش به جای اقامت. سبک دوش کردن به جای انضصال خدمت و غیره در اختیار همه فارسی زبانان قرار می دهد و گویندگان هر گونه ای با لغاتی که ساخته اند می توانند مدد رسان باشندگان فارسی زبان سرزمینهای دوست و همسایه بوده باشند.

دکتر ضامرضا ستوده

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

و

معاون مرسته لغتنامه دهخدا

تهران - بهمن ۱۳۷۸

اهداف تألیف و شیوه بهره گیری از فرهنگ

در هزار سال اخیر بر اثر رویدادهای بزرگ تاریخی، رشد جوامع منطقه و دیگر گویبهای سیاسی و فرهنگی، زبان فارسی در مسیر تکاملی خود، راه ویژه ای پیموده است. زبان فارسی که زبانی است زاینده شمار زیادی از واژه های کهن و مفاهیم مرده را از گنجینه واژگان خود بیرون ریخته و به جای آنها هزاران لغت تازه ساخته و یا از زبانهای بیگانه اقتباس نموده و حتی به بسیاری از مفاهیم و کلمات کهن در کاربردهای جدید معانی تازه ای بخشیده است.

زبان فارسی رایج در افغانستان یا دری معاصر یکی از مهمترین زبانهای رایج در افغانستان است. این زبان که در واقع دنباله زبان فارسی میانه و فارسی باستان است راه تکامل نسبتاً آهسته و درازی را طی نموده است و در واژگان خود لغات و اصطلاحات کثیری را از دوره های مختلف زبان فارسی حفظ کرده است.

در طول سالیان دراز چنین تحول سریع زبانی در فارسی از یک سو و از سوی دیگر بنا به حفظ و استفاده واژه های قدیم و مرده و جامد شده فارسی باستان و میانه در زبان معاصر افغانستان تفاوتهای کثیری در گونه های فارسی و دری چه از نگاه واژه سازی و چه از لحاظ تلفظ، ایجاد کرده است. این تفاوتها همواره مورد توجه و علاقه محققان، مترجمان، زبانشناسان و بازرگانان کشورهای مختلف بوده است.

امروز این زبانها، زبانهای رسمی دولتهای ایران و افغانستان است و هر یک از آنها رفته رفته به هنجار گفتار تهران و کابل نزدیک می شوند.

فرهنگ نگاری و لغت نویسی از زمانهای قدیم قسمتی از ادب فارسی به شمار می رفته است و در طول تاریخ، کتابهای لغت با ارزش متعددی تدوین شده و به چاپ رسیده است. ولی

در هر دو بخش این فرهنگ مدخلهای فارسی و دری و معنای روسی آنها در یک سطر عرضه شده که با علامت < از یکدیگر جدا می شوند. گاهی به علت کمبود جا در یک سطر، معنای روسی آنها به سطر بعدی منتقل می شود. در این فرهنگ کلمات مترادف فارسی و دری از یکدیگر با نقطه جدا می شوند.

واژه هایی که در نوشتار مختلف ولی در معنی و تلفظ یکسانند با علامت << مشخص شده است. مثلاً << **لوچک** >> **لچک** یا **سوجه** >> **سچه** و غیره. بعضی از مدخلها در جمع ارایه شده است. در این صورت مفرد آنها در پرانتز پیشنهاد می شود و بر عکس، در پهلوی مفرد بعضی از مدخلها جمع آنها عرضه می شود.

گاهی بعد از واژه های اصلی ترکیبایی نیز عرضه می گردد. در ترکیباتی که کلمه اصلی قسمت اول آن را تشکیل نمی دهند با خط فاصله (-) عرضه می گردد. مثلاً در بخش فارسی - دری. روسی بعد از مدخل **آب میوه گیری** ترکیب **ماشین آب میوه گیری** در سطر بعدی با خط فاصله چنین ارایه شده است: - **ماشین آب میوه گیری** و یا در بخش دری - فارسی - روسی بعد از مدخل **آب میوه کشی** ترکیب **ماشین آب میوه کشی** در سطر بعدی با خط فاصله چنین پیشنهاد شده است: - **ماشین آب میوه کشی**.

در هر دو بخش این فرهنگ واژه هایی که در نوشتار یکسان ولی در تلفظ مختلف اند با علامت * مشخص شده اند. معانی مختلف بعضی از واژه ها شماره بندی شده است. به طور مثال در بخش دری - فارسی - روسی کلمه **جگوه** که یکی از معنای فارسی آن کلمه **ستیزه** می باشد با شماره ۱ و معنی دوم آن که کلمه **چانه زنی** است با شماره ۲ تفکیک شده است.

زبان دری معاصر واژه های متعددی از زبان پشتو اقتباس کرده که در نوشتار بعضی از آنها حروف الفبای پشتو حفظ شده است. جهت تشخیص چنین کلمات در هر دو بخش این فرهنگ پیش از مدخل مورد نظر علامت * گذاشته شده است.

امیدواریم این فرهنگ که خالی از کاستی ها و نواقص نیست مورد استفاده عموم فرهنگیان، دانش پژوهان، علاقه مندان و دستداران زبان فارسی و دری معاصر، مترجمان،

تأسیس حساب زبانشناسان، صاحب نظران، کارشناسان و اهل ادب دست به تالیف فرهنگهای تطبیقی و تکمیلی فارسی - دری و دری - فارسی نزده اند. هر چقدر دامنه دانش و آموزش زبان فارسی وسیع تر می گردد نیازهای دانش پژوهان، دانشجویان و مترجمان به انواع مختلف فرهنگها بیشتر می شود.

مؤلف در طول تدریس دانشگاهی و مطالعه و تتبع دقیق واژگان زبان دری معاصر و مقایسه آن با واژه های فارسی امروزی و آشنایی با ساختار زبان پشتو، موفق به جمع آوری تفاوتهای موجود در واژگان این دو گونه زبان شده و در تالیف و تدوین این فرهنگ سعی و کوشش نموده تا گامهای نخستین در این راه برداشته باشد.

این فرهنگ از بخشهای فارسی - دری - روسی و دری - فارسی - روسی تشکیل شده است و در برگیرنده بیشتر از ۳۵۰۰ واژه و ترکیب می باشد.

نگارنده این دستور واژگان فارسی امروزی را با واژگان دری معاصر افغانستان تطبیق نموده، شمار زیادی از واژه ها را که چه در نوشتار و چه در تلفظ متفاوت می باشند ارائه داده و به ترتیب الفبا آورده و با در نظر داشتن گسترش روابط فرهنگی کشورهای همجوار منطقه معنای روسی واژه های تطبیق شونده هر دو گونه زبان فارسی و دری را نیز در این فرهنگ پیشنهاد نموده است. جهت اطلاع بیشتر دستداران زبان فارسی امروزی و دری معاصر افغانستان و برای کاربرد درست تر واژه ها، شمار زیادی از واژه های عربی نیز که در واژگان هر دو گونه زبان معنای مشترک دارند در این فرهنگ گنجانیده است.

یکی از اهداف تالیف این فرهنگ ایجاد امکان بیشتر برای مقایسه درست و درک بهتر مطالب زبان و ادبیات فارسی و دری می باشد. دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی و کسانی که به زبان فارسی تسلط کامل دارند می توانند با استفاده از این فرهنگ با زبان دری افغانستان معاصر نیز آشنا شوند.

برای تلفظ دقیق واژه های فارسی و دری از خط آوا نگاری بین المللی استفاده کرده و در هر جا که برای بیان تلفظ خاص و محلی لازم بوده چند نشانه ابداعی خود را به کار برده است. در ارائه معنای روسی واژه های مورد نظر از نشانه های اختصاری تخصصی نیز استفاده کرده.

دانشجویان و کارشناسان سطوح مختلف قرار گیرد. با توجه به مطالب پیش گفته شده از استادان ارجمند زبان فارسی و دری، صاحب نظران، دانشمندان و پژوهشگران درخواست می گردد تا نظر خود را در باره این فرهنگ اعلام فرمایند تا در آینده بتوانیم فرهنگی کاملتر در دست داشته باشیم.

مؤلف از استاد معظم جناب آقای دکتر غلامرضا ستوده استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و معاون محترم موسسه لغتنامه دهخدا و سرکار خانم ژاسمن پارسادانیان که با کمال رضایت کار پر زحمت ویراستاری این اثر را پذیرفته و رایزنی لازم انجام داده اند تشکر و قدردانی می نماید.

نویسنده این سطور مراتب امتنان خود را از ریاست محترم اتحادیه تجار ایرانی در ارمنستان که در حروفچینی کامپیوتری این فرهنگ یاری نموده اند ابراز می دارد.

ورژ پارسادانیان

کلیه پیشنهادات و نظریات خود را به این نشانی ارسال دارید:

Armenia – Yerevan 375010
Moskavian 3, Hrachia Acharian University

Цель составления словаря, его построение и способ использования

Исходя из исторических, экономических, социальных и культурных перемен в регионе, на протяжении многих веков персидский язык, который является одним из древнейших языков мира, претерпел значительные изменения, прошел три периода развития (древний, средний и новый).

Новый или современный персидский язык за период более тысячелетнего существования накопил множество новых слов и понятий.

Этот древний индоиранский язык на территории Афганистана долгое время именовался фарси, кабули, фарси-кабули, а в настоящее время дари.

Язык дари распространен главным образом в средней и центральной областях (провинциях) Афганистана и является одним из государственных языков многонационального Афганистана.

Язык дари, сохранив в себе лексический состав персидского языка, в течении многих веков, заимствовал множество слов из арабского, пушту, тюрских, индийских и европейских языков,

прошел медленный, но своеобразный путь развития. Содержит в себе большое количество слов из средне-персидского языка.

Язык дари своими фонетическими и лексическими правилами постепенно отдалился от родственного персидского языка.

Образовавшиеся лексические различия языка дари с современным персидским языком издавна привлекал к себе внимание многих путешественников, востоковедов, ученых, переводчиков, специалистов и деловых людей.

По языку дари написаны труды, изучены отдельные языковые проблемы, диалекты, изданы различные словари. Однако до сих пор, к сожалению, нет словаря различий слов персидского и дари.

Данный персидско-дари-русский и дари-персидско-русский словарь является первым опытом в области сопоставления словарного состава современного языка дари и персидского. Он охватывает свыше 3500 существующих различий в словарных составах этих языков.

Предлагаемый словарь разработан на основании образовавшихся лексических, фонетических и грамматических различий между этими двумя родственными языками и по нашему мнению он сможет послужить дополняющей функцией для обогащения знаний владеющего этими языками.

Настоящий словарь состоит из двух частей *персидско-дари-русский* и *дари-персидско-русский*. Расчитан на широкий круг лиц, изучающих персидский и дари, преподавателей, студентов, переводчиков и специалистов, занимающихся различной проблематикой Ирана и Афганистана.

В словаре заглавные слова расположены в алфавитном порядке. Каждое слово и словосочетание образуют отдельную словарную статью. Если заглавное слово в словосочетании не является первым

словом, то данная словарная статья пишется через дефис. Например после заглавного слова *آب میوه گیری* /*ābmivegirī*/ **выжимать сок**, на следующей строке через дефис идет *ماشین آب میوه گیری* /*māšīne ābmivegirī*/ **соковыжималка** и т.д.

Учитывая особенности словарного состава современного языка дари, в словаре дается транскрипция латинскими буквами.

В словаре синонимы заглавных слов персидского и дари отделяются знаком (.). Например: *آکادمی* /*ākādemī*/ *تولنه* /*toulane*/ **академия** или *آزبست* /*āzbest*/ *پنبه نسوز* /*panbeye nasuz*/ **асбест** и т.д.

В отдельных случаях рядом с заглавными словами (персидский и дари) в скобках дается множественное число данных слов и наоборот.

Одинаковые по значению и правописанию сопоставляемые слова, которые произносятся по-разному, выделены знаком (*).

В словаре нашли также отражения некоторые заимствования из языка пушту, в которых сохраняются отдельные буквы алфавита пушту. Такие слова обозначаются также знаком (*).

Слова дари, имеющие разные правописания, но одинаковые фонетические составы, даются в одной словарной статье и отделяются знаком (<<). Например: *سچہ* << *سچہ* /*sočča*/ **чистый, прозрачный** или *لوچک* << *لوچک* /*ločak*/ **сброд, подонок** и т.д.

Как сопоставляемые слова, так и их русские эквиваленты даются на одной строке и отделяются (◊) знаком. В случае если персидские, дари и русские слова не помещаются на одной строке, то переносятся на следующие строки. Предлагаются также различные значения отдельных слов на персидском, дари и русском языках.

В разделе русских эквивалентов словаря введена система условных сокращений.

В настоящем словаре охвачены слова разговорной речи языка дари, а также заимствованные слова, которые отличаются друг от друга не только произношением, но и правописанием. Например: آرشیو /ārsīv/ ✧ آرشیف /ārsīf/ архив и т.д.

Автор выражает глубокую признательность профессору Тегеранского университета Голам Реза Сотуде и Жасмен Парсаданян за оказанную консультацию при составлении и редактировании словаря, а также руководству Союза иранских торговцев и производителей в Ереване за содействие в компьютерном наборе словаря.

Отдавая себе отчет, автор уверен, что настоящий словарь не лишен недостатков и упущений и одновременно сообщает, что все практические замечания и предложения будут приняты с благодарностью.

В. Парсаданян

Обо всех замечаниях и предложениях
просьба сообщить по адресу:

Республика Армения, 375010, Ереван,

Московия 3, Университет "Грачи Ачарян".

آوانگاری الفبای فارسی ودری

Транскрипция алфавита персидского и языка дари

حروف الفبا Буквы	آوانگاری Транскрипция	حروف الفبا Буквы	آوانگاری Транскрипция
آ	ā	س	s
ا	a	ش	š
اِ	e	ص	s
اُ	o	ض	z
ب	b	ط	t
پ	p	ظ	z
ت	t	ع	ā, a, o, e, '
ث	s	غ	q
ج	j	ف	f
چ	č	ق	q
ح	h	ک	k
خ	x	گ	g
ح , خ , ع	s	ل	l
د	d	م	m
ذ	z	ن	n
ر	r	و	w, v, ou, u, o
ز	z	ه	h, a
ژ	j	ی	y, i, e

* درنوشتار واژه های اقتباس شده از زبان پشتو در زبان دری معاصر این حروف الفبای پشتو حفظ گردیده است.

* Эти буквы алфавита языка пушту сохранены в заимствованных словах языка дари.

فهرست اختصارات

Список условных сокращений

анат.	анатомия	прил.	прилагательное
бот.	ботаника	разг.	разговорный
вет.	ветеринария	спорт.	спорт
воен.	военное дело	тех.	техника
геогр.	география	физ.	физика
дипл.	дипломатия	фин.	финансы
зоол.	зоология	хим.	химия
мед.	медицина	экон.	экономика
муз.	музыка	элект.	электротехника

مراجع وماخذ استفاده شده

Основные лексикографические пособия, использованные
при составлении словаря

- علی اکبر دهخدا، «لغتنامه دهخدا» در ۱۴ جلد، تهران ۱۳۷۲
دکتر مرحوم علی اکبر نفیسی (ناظم الاطباء)، «فرهنگ نفیسی» در ۵ جلد، تهران ۱۳۱۸
حسن عمید، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران ۱۳۶۲
دکتر محمد معین، «فرهنگ فارسی»، تهران ۱۳۷۴
دکتر مهشید مشیری، «فرهنگ زبان فارسی»، تهران ۱۳۷۴
غلامحسین صدری افشار، «نسترن حکیمی و نسترن حکیمی»، «فرهنگ فارسی امروز»، تهران ۱۳۷۵
عبدالله افغان نویسی، «افغان قاموس فارسی به پشتو» در ۳ جلد، کابل ۱۳۳۵
عبدالله افغان نویسی، «لغات عامیانه افغانستان»، کابل ۱۳۶۴
دکتر محمد عارف غوثی، «قاموس اقتصاد انگلیسی-دری»، کابل ۱۳۵۳
سید قاسم رشتیا، «کلمات دخیل پشتو در زبان دری»، کابل

- П.Б. Зудин "Краткий афгано-русский словарь". Гос. изд. "Иностранных и национальных словарей". Москва, 1950 г.
И.К. Овчинникова, Г.А. Фуругян, Ш.М. Бади "Русско-персидский словарь". Изд. "Советская энциклопедия". Москва, 1965 г.
Г.М. Аслапов "Афгано-русский словарь". Изд. Советская энциклопедия". Москва, 1966 г.
Л.Н. Киселева, В.И. Миколайчик "Дари-русский словарь". Изд. "Русский язык". Москва, 1978 г.
Б.Я. Островский "Карманный русско-дари словарь". Изд. "Русский язык". Москва, 1987 г.
М.Ф. Слинкин "Русско-дари военный и технический словарь". Москва, 1981 г.
Г.Г. Алиев "Персидско-русский и русско-персидский военный словарь". Москва, 1972 г.
Г.А. Восканян "Русско-персидский словарь". Изд. "Русский язык". Москва, 1986 г.
Ж.М. Мирзабекян "Русско-персидский политехнический словарь". Изд. Советская энциклопедия". Москва, 1973 г.
Г.М. Налбандян "Персидско-армянский словарь". Изд. "Луйс". Ереван, 1987 г.
А.С. Гарибян "Русско-армянский словарь". Изд. АН Арм ССР. Ереван, 1968 г.
"Армянско-русский словарь". Изд. АН Арм ССР. Ереван, 1984 г.
"Персидско-русский словарь" (в двух томах). Изд. АН СССР. Москва 1983 г.
В.Д. Аракин, З.С. Выгодская, Н.Н. Ильин "Англо-русский словарь". Гос. изд. "Иностранных и национальных словарей". Москва, 1955 г.
В.К. Мюллер "Англо-русский словарь". Москва, 1963 г.

- "Persian-English Dictionary". Tehran 1363
"The shorter Oxford English Dictionary". Oxford University Press, 1984
"Khayam's Dictionary English-Persian". Tehran
Arianpur Kashani Abbas, "Farhange Kamele Englisi-Farsi". Amirkabir Publishing House. Tehran 1363
H.A. Asmangulian & M.I. Hovhannisian "English-Armenian Dictionary". Hayastan Publishing House. Yerevan 1984

ЧАСТЬ ПЕРВАЯ

ПЕРСИДСКО - ДАРИ - РУССКИЙ

بخش اول

فارسی - دری - روسی

الفبای فارسی
Персидский алфавит

آ	alef	ص	sād
ب	be	ض	zād
پ	pe	ط	tā
ت	te	ظ	zā
ث	se	ع	eyn
ج	jīm	غ	qeyn
چ	če	ف	fe
ح	he	ق	qāf
خ	xe	ک	kāf
د	dāl	گ	gāf
ذ	zāl	ل	lām
ر	re	م	mim
ز	ze	ن	nun
ژ	je	و	vāv
س	sin	ه	he
ش	šin	ی	ye

آب بند ābband بند band ج پلاطینا
 آب پاش ābpāš پاشی bānti ج لایکا
 آب پاشی ābpāš چرکاب čerkāb ج (زمین) پودینک
 آب تمیز ābe tamiz آب سچ ābe sočča ج
 آب تیره ābe tire آب خیره ābe xira ج
 آب دهن ābdahan خاوو хауов, хеуов ج
 آب گرم کن << آبگرمکن ābgarmkon بایلر bāylar ج
 آب میوه گیری ābmivegiri آب میوه کشی ābmeywakaši ج
 - ماشین آب میوه گیری māšine ābmivegiri ماشین آب میوه کشی māšine ābmeywakaši ج
 آبا اجدادی ābā aždādi ابایی ābāyi ج
 آباژور ābājur لوستر luster قندیل qandil ج
 آبان (ماه) ābān عقرب aqarab ج
 آبتنی ābtani شنا šenā آب بازی ābbāzi ج
 آبتنی کردن ābtani kardan شنا کردن šenā kardan آب بازی کردن ābbāzi kardan ج
 آبجو (abjo) ābejo آبجو bir ج
 آبجی ābji آب (محو) āpa ج
 آبزی ābriz آبزی ābriza ج
 آبگرمکن << آب گرم کن ābgarmkon آبگرمی ābgarmi ج
 آبگونه ābgune مایع māye آبکی ābaki ج
 آبگیر ābgir دند dand غدير qadir ج
 آبله ābele چچک << چچک ččak ج
 آبمیوه ābmive آبجو jus ج
 آبنبات ābnabāt شیرینی širini چاکلیت čākleyt ج
 آبونه ābune مشترک moštarak ج
 آپارتمان * āpārtmān آپارتمان āpārtomān ج
 آپاندیس āpāndis آپندکس āpāndeks ج
 آپاندیسیت āpāndisit آپندیسیت āpāndisit ج

آقای معلم *moallem sāheb* ◇ صاحب معلم *āqāye moallem*
 اکاسی *ākāsi* ◇ عکاسی *akāsi* ◇ ж бот. акация
 актив *aktiv* ◇ فعال *fa'āl* ◇ اکتیف *aktif* ◇ м
 агреман, соглашение дипл. ◇ *āgremān* ◇ اگریمان *agreymān*
 шалаш из веток и травы ◇ *ālāčiq* ◇ چپر *čapar*
 сделать шалаш из веток ◇ *ālāčiq sāxtan* ◇ چپر زدن *čapar zadan*
 вишня ж бот. ◇ *ālbālu* ◇ آرغنجی *ārqañji* ◇ آلبالو *ālūbālu*
 Германия ◇ *ālmān* ◇ جرمنی *jermani*
 слива ж, алыча ж ◇ *ālu* ◇ آرغنج *ārqañj*
 алюминий *āluminiyom* ◇ آلومینیم *ālmoni-yam* ◇ м
 готовый ◇ *āmāde* ◇ حاضر *hāzer* ◇ تیار *tayār* ◇ تکره *takra* ◇ تکله *takla*
 обработка ж ◇ *āmādesāzi* ◇ پراسس *prāses*
 آماده کردن *āmāde kardan* ◇ تیار کردن *tayār kardan*
 статистика ж ◇ *āmār* ◇ احصائیہ *ehsāiyya*
 آمارشناس *āmāršenās* ◇ احصائیہ گیر *ehsāiyagir* ◇ م *ehsāiyanawis*
 آماریگیر *āmārgir* ◇ احصائیہ نویس *ehsāiyanawis* ◇ م *ehsāiyagir*
 ампер элект. ◇ *āmpēr* ◇ امپیر *ampiar*
 амперметр элект. ◇ *āmpersanj* ◇ امپیرمیتр *ampiarmitar*
 инъекция, укол ◇ *āmpul* ◇ تزریق *tazriq* ◇ پیچکاری *pečkāri*
 آمپول زدن *āmpul zadan* ◇ تزریق کردن *tazriq kardan* ◇ پیچکاری کردن *pečkāri kardan*
 делать укол, инъектировать
 آموزش و پرورش *āmūzešoparvareš* ◇ تعلیم و تربیہ *ta'limotarbiya*
 обучение, образование
 - وزارت آموزش و پرورش *vazārate āmuzeš va parvareš*
 министерство просвещения с *wazārate ta'limotarbiya*
 техникум *āmūzešgāh* ◇ تخنیک *taxnikom* ◇ м
 آموزشگاه نظامی *āmūzešgahe nezāmi* ◇ لیسہ عسکری *lisaye askari*
 военное училище с
 آنجین *āñjin* ◇ التهاب لوزتین *eltehābe louzateyn* ◇ آنجین *āñjin* ◇ گلون درد *golundardi*
 ангина мед. ж
 آنی *āni* ◇ فوری *fourī* ◇ ترق زدن *taraqzadani*
 آوارگی *āvāregi* ◇ یله گردی *yalagardi*
 آواره *āvāre* ◇ یله گرد (محاوره ای) *yalagard*
 آوریل *āvril* ◇ اپریل *april*
 آহারی *āhāri* ◇ ناقدار *qāqdār*
 آهک *āhak* ◇ جونہ *čona* ◇ ж

آهن*āhan ⇨ آهن āhen c ژیلهزو
 изделия из железа ⇨ āhenbāb باب آهن
 металлом ⇨ āhanqorāze قرأه آهن
 лист железный ⇨ āhentaxta تخته آهن
 кровельное железо ⇨ āhenčādor چادر آهن
 мутное зеркало ⇨ āyene ye tire تیره آینه خیره āyina ye xira c

|

абер*abr ⇨ ابر aber c ژیلهزو
 благотворитель м ⇨ rezākār رضا کار
 аберуцин ⇨ abručin موی چینک muycinac m
 шелковод, шелкопряд м ⇨ pelawar پيله ور
 шелководство ⇨ pelakaši پيله کشی
 ابزار آلات ⇨ abzārālāt لوازم lavāzem. افزار afzār c سامان sāmān
 домашние предметы, инструменты
 ابزار آلات کار ⇨ abzārālāte kār سامان کار sāmāne kār
 اتاق ⇨ otāq خانه xāne ⇨ kouta کوته
 اتاق اتومبیل ⇨ otāqe otomobil بادی bādi m
 اتاق حمام ⇨ otāqe hammām غسل خانه qoselxāna ж
 اتصال ⇨ ettesāli شارتی sārті c
 اتم ⇨ atom اتم atom m
 атмосфера ⇨ atmosfer اتموسفر
 اوتو ⇨ utu اوتو utu m
 اتوبوس ⇨ otobus بس bas. سرویس sarvis. موتر سرویس mutare sarvis
 اتومبیل ⇨ otomobil خودرو xodrou ⇨ mutar موتر
 اتومبیل باری ⇨ otomobile bāri کامیون kāmyun. باری bāri ⇨ mutare lāri لاری lāri
 грузовая машина ж, грузовик м
 اتومبیل شخصی ⇨ otomobile šaxsi سواری savāri ⇨ mutare tezraftār رفتار tezraftār
 легковая машина ж
 اتومبیل ⇨ otomobilhā عاده جات arrādajāt (и)
 اتومبیلی ⇨ otomobili ماشین رو māšinrou ⇨ mutarraw موتررو
 - راه اتومبیلی ⇨ rāhe otomobili راه ماشین رو rāhe māšinrou ⇨ sarake mutarraw سرک
 автомобильная дорога, шоссе

ارتش *arteš* * اردو *ordu* * армия ж
 ارثیه *ersiyē* * ترک *taraka* * наследство с
 اردو *ordu* * کمپ *kamp* * лагерь м
 اردیبهشت (ماه) *ordibehešt* * ثور *saur* * II месяц солнечного года
 ارز *arz* * اسعار (سر) *as'ār* * валюта ж
 ارز خارجی *arze xāreji* * اسعار خارجہ *as'āre xāreja* * иностранная валюта ж
 ارزاق *arzaq* * ارتقا *ertezaq* * продовольствие, провиант
 ارزاقی *arzaqi* * غذایی *qazāyi* * ارتقا *ertezaqi* * продовольственный
 ارزان *arzan* * ارزان بیع *arzānbey* * дешевый прил.
 ارزش *arzeš* * بها *bahā* * قیمت *qeymat* * نرخ *nerx* * стоимость, цена ж
 ارزش مایه *arzeše māye* * قیمت تمام شد *qeymate tamāmšod* * себестоимость ж
 ارشد *aršad* * بزرگ *bozorg* * مشر *mešer* * старший прил.
 ارک *ark* * ارگ *arg* * дворец короля
 ارکستر *orkestr* * آرکسترا *ārkestrā* * оркестр м
 ارگ *org* * ارغنون *arqanun* * орган муз.
 اره فلز *arreye felezzbor* * پل آهن بری *pale āhenbori* * ножовка по металлу ж
 از *az* * برای *barāye* * درک *darak* * из-за, за, для
 از این طرف و آن طرف *az in tarafa o'ntaraf* * لروبر *lerober* * отовсюду
 از این نکته نظر *az in نکته nazar* * از این درک *az in darak* * с этой точки зрения
 از قدیم *az qadim* * از قدیمها (محاورة ای) *qadimhā* * издавна
 از هر لحاظ *az har lahāz* * از هر درک *az har darak* * со всех точек зрения
 ازت *azot* * نیتروژن *nitrojen* * نایتروجن *nāytrojen* * азот м
 اساس *asās* * پایه *pāye* * تهداب *tahdāb* * основа ж
 اساسنامه *asās-nāme* * لایحه *lāyeha* * اصولنامه *osulnāma* * устав
 اسب *asb* * اسپ *asp* * تپق *tapāq* * лошадь ж
 اسب بخار *asbe boxār* * حارس پاور *hārspāwar* * лошадиная сила ж
 اسب سوار *asbsavār* * چاپ انداز *čāpandāz* * наездник м
 اسب فروش *asbforuš* * آس والا *āswālā* * продавец лошадей м
 اسباب بازی *asbābbāzi* * سامان بازی *sāmāne bāzi* * игрушка ж
 اسباب کشی *asbābkeši* * کوچ کشی *kaučkaši* * کوچ کشی کردن *kaučkaši kardan* * переселение с, переезд
 اسباب کشی کردن *asbābkeši kardan* * کوچ کشی کردن *kaučkaši kardan* * переселиться из одного дома в другой
 اسباب و لوازم سفر *asbāb va lavāzeme safar* * بار و بنه *barobone* * بارو بونه *bārobuna* * багаж, дорожные вещи
 اسپورت *esport* * سپورت *seport* * спорт м
 استاد *ostād* * پروفیسور *profesor* * پروفیسر *porfeysar* * پوهنوال *pohanwāl* * профессор м

اثاثیه *asāsiye* * لوازم خانه *lavāzeme xāne* * سامان خانه *sāmāne xāna* * مفروشات *mafrušāt* *
 предметы домашнего обихода
 اجاره دهنده *ejāredahande* * تیکه دار *tekkadār* * арендодатель м
 اجاق *ojaq* * داش *dāš* * плита (печь)
 اجاق آشپزخانه *ojaqe āšpazxāne* * داش آشپزخانه *dāše āšpazxāna* * кухонная плита ж
 اجاق برقی *ojaqe barqi* * داش برقی *dāše barqi* * электрическая печь ж
 اجرت *ojrat* * مزد *mozd* * اجورہ *ajura* * плата, поденная плата ж
 اجل رسیده *ajalreside* * اجل گرفته *ajalgerefta* * обреченный на гибель
 احساس شخصیت *ehsāse šaxsiyyat* * تلخه (محاورة ای) *talxa* *
 чувство чести, самолюбие
 احساس شرافت *ehsāse šerāfat* * تلخه (محاورة ای) *talxa* *
 чувство чести, самолюбие
 احضار به خدمت *ehzār be xedmt* * جلب عسکری *jalbe askari* *
 احضاریه خدمت سربازی *ehzāriyeye xedmate sarbāzi* * پشک *pešk* *
 повестка военкомата
 احمق *ahmaq* * نادان *nādān* * تپنگوز *tapangoz* * дурак м
 احوال پرسى *ahvālporsi* * جورپرسیانی *jurporsāni* * احوال گیری *ahvālgiri* *
 спрашивать о здоровье
 احوال و خبر کسی را گرفتن *ahvāloxabare kasi rā gereftan* * درک زدن *darak zadan* *
 разыскивать (кого-либо)
 استخراج *exrāj* * انفصال خدمت *enfesāle xedmat* * سبکدوش کردن *sobokduš kardan* *
 освободить с работы, увольнять
 اخراج از وظیفه *exrāj az vazife* * برطرفی *bartarafi* * увольнение
 اخراج کردن از وظیفه *exrāj kardan az vazife* * برطرف کردن *bartaraf kardan* *
 увольнять с работы
 اخراج کردن (از چیزی) *exrāj kardan* * کشیدن *kašedan* * выгонять
 اخلاق *axlāq* * کراکت *karāktar* * کرکتر *karaktar* * м характер
 اداره مالیات *edāreye māliyat* * مستوفیت *mostofiyyat* * налоговой инспекция ж
 ادرار *edrār* * شاش *šāš* * بول *bawl* * پیشاب *pešāb* * моча анат.
 ادرار کردن *edrār kardan* * شاشیدن *šāšidan* * بول کردن *bawl kardan* * мочиться
 ادوکلن *odokolon* * عطر *atr* * کولونیا *koloniyā* * духи
 ارابه *arrābe* * گاری *gāri* * گادی *gādi* * کراچی *karāči* * арба, телега
 ارابه چی *arrābeči* * کراچی وان *karāčiwān* * کراچی ران *karāčirān* * м возчик
 ارباب *arbāb* * آقا *āqā* * صاحب *sāheb* * بادار *bādār* * м господин, хозяин
 ارباب خانم *arbāb xānom* * سرکار خانم *sarkār xānom* * بادار *bādāra* * ж хозяйка
 اربابی *arbābi* * باداری *bādāri* * барство, вести себя как господин
 ارتباطی *erteбатчи* * لین من *laynman* * м связист

افتادن * oftādan ♦ افتادن aftādan. افتیدن aftidan. فتابدن fetādan ♦ упасть, падать
 افزار afzār ♦ ابزار آلات abzārāiāt. لوازم lavāzem ♦ سامان sāmān ♦
 домашние предметы, инструменты
 افزودنیهای خوراکی afzudanihāye xorāki ♦ چاشنی čāšni. مساله masāla ♦
 приправа ж
 افست ofset ♦ آنسیت āfseyt ♦ م офсет
 افغانی afqāni ♦ افغان afqān ♦ م افغانец
 اقارب aqāreb. اقوام aqwām ♦ بستگان bastegān ♦ خیل و ختک xeyloxatak ♦
 родственники, родня ж
 اقارب داماد aqārebe dāmād ♦ دامادخیل dāmadxeyl ♦ зятя
 اقامت eqāmat. سکونت sokunat ♦ بودوباش budobāš ♦ проживание
 اقامت داشتن eqāmat daštan ♦ بودوباش داشتن budobāš dāštan ♦
 находиться, пребывать, проживать
 اقامت کردن eqāmat kardan ♦ سکونت کردن sokunat kardan ♦ بودوباش کردن budobāš kardan ♦
 жить, проживать
 اقامتی eqāmati. مسکونی maskuni ♦ رهاشی rahāyeshi ♦ жилой
 اقدامات eqdāmāt. تدابیر tadābir ♦ اجراء ejrāāt ♦ мероприятия
 - برنامه اقدامات barnāme-ye eqdāmāt ♦ پلان اجراء pelāne ejrāāt ♦
 план мероприятий
 - گزارش اقدامات gozāreše eqdāmāt ♦ راپور اجراء rāpore ejrāāt ♦
 отчет о выполненных работах
 اقوام aqwām. اقارب aqāreb ♦ طایفه tāyefe ♦ خیل و ختک xeyloxatak ♦
 родственники, родня ж
 اقیانوس آرام oqīānuse ārām ♦ بحر الکاهل bahrelkāhel ♦ Тихий океан
 اکتبر oktober ♦ اکتوبر oktoḡbar ♦ м октябрь
 اکتشافات ektešāfāt ♦ تفحصات tafahasāt ♦ ж разведка
 اکتشافات ژئولوژی ektešāfāte jeoloji ♦ تفحصات جیالوجی tafahasāte jīālōjī ♦
 геологоразведка ж
 اکسپرس ekspres. فوری fouri ♦ چپاوی čapāwi ♦ екстерном
 اکسیژن oksijen ♦ آکسیجن āksijan ♦ м кислород
 الان alān. همین حالا hamin hālā ♦ فعلاً fe'lan ♦ прямо сейчас
 البته albatte ♦ معلوم دار (محاوړه ای) ma'lumdār ♦ конечно
 التهاب لوزیتین eltehabē louzateyn ♦ آنژین ānjīn ♦ گلون دردی golundardi. آنجین ānjīn ♦
 ангина мед.
 الک alak ♦ غریبال qarbāl. غلبیل qalbīl ♦ с решето, сито
 الک دولک alakdolak ♦ دنده کلک dandakalak ♦ "چیژیکی" ♦ детская игра
 الک ریز alake rīz ♦ میده بیز maydabez ♦ с мелкое сито
 الک ریز ārd rīz ♦ آردبیز ārdbez ♦ сито (мелкое), мучное сито

استاد ostād. دانشیار dānešyār ♦ پوهنیار pohan-yār ♦ доцент, преподаватель
 استاندار ostāndār ♦ گورنر gawarnar. والی wālī ♦ м استاندار
 استحمام estehmām. حمام کردن hammām kardan ♦ غسل qosel. جان شویی jānšuyī ♦ купание
 استخراج نفت estextrāje naft ♦ پترول کشی petrolkašī ♦ добыча нефти
 استخوان سینه مرغ ostoxāne sineye morq ♦ جناغ jenāq ♦ چناق čenāq ♦
 дужка (кость птицы) ж
 استراتژی esterāteji ♦ استراتیژی estrāteji ♦ ж стратегия
 استراتیژیک esterātejik ♦ استراتیژیکی estrātejiki ♦ стратегический прил.
 استقبال esteqbāl ♦ پیشوا pešwā ♦ встреча
 - برای استقبال کسی رفتن barāye esteqbāle kasi raftan ♦
 به پیشوای کسی بر آمدن ba pešwāye kasi barāmadan ♦
 استکان estekān. گیلās gilās ♦ گلاس gelās ♦ м стакан
 استوارنامه ostovār-nāme ♦ اعتمادنامه e'temād-nāma ♦
 اسفنج esfenāj ♦ سبزی پالک sabzipālak. پالک pālak ♦
 шпинат бот.
 اسفنج esfanj ♦ ابر abr ♦ ж губка
 اسفند esfand (ماه) ♦ حوت hut ♦ XII месіац солнечного года
 اسقف osqofe a' zam ♦ لوی اسقف loy osqof ♦ м католикос
 اسکناس eskenās ♦ بانکنوت bānknōt ♦ м банкнот
 اسکی eski ♦ سکی seki ♦ лыжи
 اسکی بازی کردن eskibāzi kardan ♦ سکی کردن seki kardan ♦
 кататься на лыжах
 اسلحه aslahe ♦ سلاح salāh. واسله wāsla ♦ с оружие
 اسلحه فروش aslaheforuš ♦ واسله وال wāslawāl ♦ продавец оружия
 اسناد asnād ♦ صکوک sokuk ♦
 документы
 اشتباه eštebāh ♦ غلط qalat ♦ غلطی qalati ♦ ж ошибка
 اشتباه کردن eštebāh kardan ♦ خطا xatā kardan ♦
 ошибиться
 اشغال ešqāl. مشغول mašqul ♦ مصرف masruf ♦
 занятый
 اصل asl ♦ راجس rājes ♦
 натуральный, настоящий прил.
 اصلاحات eslāhāt ♦ ریفورم rīform ♦ ж реформа
 اصول osul ♦ پرنسپ pransip ♦
 принцип
 اضافه bānā ♦ الحاقیه elhāqīya ♦
 пристройка
 اطلاعات ettelāāt ♦ معلومات ma'lumāt ♦
 ж информация
 اظهارنامه ezhārnāme ♦ علم و خبر elmoxabar ♦
 декларация ж
 اعتبار نامه e'tebār-nāme (السی) ♦ لیتراف کریدت leytrāfkredet ♦
 м аккредитив
 اعتراض e'terāz ♦ پروتست protest ♦ м протест
 اعلان ظهر e'lāne zohr ♦ توپ چاشت tope čāšt ♦
 пушечный выстрел в полдень
 اغذیه aqziye ♦ ماکولات mākulāt ♦
 продукты питания

электрик м ✧ *barqwālā* برق والا ✧ *barqi* برق ✧ *simkeš* سیم کش ✧ *elektriki* الکتریکی
 заика ✧ *totla* (محاوره ای) تتله ✧ *alkan* الکن
 модель, выкройка, образец ✧ *pātan* پاتن ✧ *olgu* الگو
 мاس шیشه بری ✧ *almāse šīsebori* قلم آئینه بری ✧ *qalame āyinabori*
 алмаз стеклорезный тех.
 посылка ж ✧ *pārsal* پارسل ✧ *baste* بسته ✧ *amānate posti* امانت پستی
 империалист м ✧ *emperyālest* امپریالیست ✧ *amperiālist* امپریالیست
 империализм м ✧ *emperyālizem* امپریالیزم ✧ *amperiālist* امپریالیسم
 امتحان شفاهی ✧ *emtehāne šafāhi* ✧ امتحان زبانی ✧ *emtehāne zobāni*
 устный экзамен, зачет ✧ *emtehāne taqirri* امتحان تقریری ✧ *emtehāne*
 ✧ *emtehāne tahriri* امتحان تحریری ✧ *emtehāne katbi* امتحان کتبی
 письменный экзамен
 льгота ✧ *tashil* تسهیل ✧ *emtiyāz* امتیاز
 чаяние с ✧ *heyla* میله ✧ *omidvāri* امیدواری
 князь м ✧ *rājā* راجا ✧ *amir* امیر
 генерал-армии м ✧ *sterjenerāl* ستر جنرال ✧ *sardār* سردار ✧ *jenerāl* ژنرال ✧ *amir* امیر
 склад м ✧ *godām* گدام ✧ *dipu* دیپو ✧ *tahwilxāna* تحویلخانه ✧ *anbār* انبار
 торговый склад ✧ *godāme tejāratī* گدام تجارتي ✧ *anbāre bāzargāni* انبار بازرگانی
 заведующий складом м ✧ *godāmdār* گدامدار ✧ *tahwildār* تحویلدار ✧ *anbārdār* انباردار
 складировать ✧ *godām kardan* گدام کردن ✧ *anbār kardan* انبار کردن
 инвентаризация ж ✧ *mawjudi* موجودی ✧ *anbārgardāni* انبارگردانی
 склад, амбар, хранилище ✧ *anbārxāna* انبارخانه ✧ *anbāri* انباری
 складывать, копить ✧ *anbār kardan* انبار کردن ✧ *anbāštan* انباشتن
 анбор ✧ *anbor* ✧ *anbur* انبور ✧ *anbor* انبور
 щипцы, клещи, плоскогубцы ✧ *mexkaš* میخکش ✧ *anbor* انبور
 толпа ж ✧ *katla* کتله ✧ *tude* توده ✧ *anbuh* انبوه
 куча ж, гряда ж ✧ *kout* کوت ✧ *anbuh* انبوه
 انتصاب ✧ *entesāb* ✧ *tabadolotaqaror* تبديل و تقرر ✧ *moqārrari* مقرری
 назначение должности
 انجام ✧ *anjām* ✧ *tatbiq* تطبیق ✧ *anjām* انجام
 анжман ✧ *anjomān* ✧ شورائی ✧ *šourāī* ✧ مجمع ✧ *maǰma'* ✧ جمعیت ✧ *ǰam' iyyat* ✧ *jam* *soyuz*, совет, общество
 اندازه ✧ *andāze* ✧ سایز ✧ *sāyz* ✧ *andāze gereftan* اندازه گرفتن ✧ *qaddandām gereftan*
 снять мерки
 اندازه گیری ✧ *andāzegiri* ✧ سایز گیری ✧ *sāyzgeri* ✧ *andāze gereftan* اندازه گرفتن
 запас м ✧ *zaxira* ذخیره ✧ *anduxte* اندوخته

андوهггин qamgin ◇غمگين ◇jegarxun جگر
 потрясенный горем, удрученный прил.
 мышление, мысль ◇čort چرت ◇feker فکر ◇feker* فکر ◇andīše اندیشه
 энергия ж ◇enerjī انرژی ◇niru نیرو ◇enerjī انرژی
 институт м ◇anstitu انستیتو ◇enstitut انستیتوت
 дисциплина ж ◇despelin دسپلین ◇enzebāt انضباط
 премия, вознаграждение ◇an`ām انعام ◇piškeši پیشکشی ◇baxšeši بخششی
 эхо с ◇enfelāq انفلاق ◇pajvāk پژواک ◇tuf توف ◇enekāse صوت انعکاس
 взрыв м ◇enfejār انفجار ◇enfelāq انفلاق
 ядерный взрыв ◇enfejāre hasteyi انفجار هسته ای ◇enfelāqe zorrawī ذروی
 انفصال خدمت ◇enfesāle xedmat اخراج از وظیفه ◇exrāj az
 освободить с работы, увольнять ◇sobokduš کردن سبکدوش
 палец ◇kelk کلک ◇angošt انگشت
 безымянный палец м ◇angošte benām انگشت بینام ◇angošte halqe حلقه
 انگشت سبابه ◇angošte sabbābe انگشت شهادت ◇angošte šahādat
 указательный палец м
 мизинец м ◇kelk کلک ◇angošte xord انگشت خورد ◇angošte kučak کوچک
 انگشت نامزدی ◇angoštare nāmzadi انگشت شال انگشتر ◇šālangoštar
 кольцо для помолвки
 сброд, подонок ◇ločak لچک ◇ločak << razil رذیل ◇oubaش ouble
 август м ◇āgast آگست ◇ut اوت
 зенит м ◇awj اوج ◇ouj اوج ◇ouj* اوج
 высоко подниматься ◇nanigak šodan ننگی گک شدن ◇ouj gereftan گرفتن
 удар пяткой ◇ordangi اوردنگی ◇paslagadi پس لگدی
 мастер м, слесарь ◇mestari مستری ◇māstar ماستر ◇ustā اوستا
 превосходство, преимущество ◇olaviyyat اولیت ◇awwaliyyāt اولیت
 население с ◇ahāli اهالی ◇jam`iyyat جمعیت ◇nofus نفوس
 اهالی مذکر ◇ahālie mozakkar اهالی مذکر ◇ahālie mozakkar اهالی
 мужская часть населения ж
 اهالی مونث ◇ahālie moannas اهالی مونث ◇ahālie moannas
 женская часть населения ж
 адала کننده ◇ehdā konande اعاده کننده ◇e`āda dehandā
 адала کننده خون ◇ehdā konandeye xun اعاده دهند خون ◇e`āda dehandaye xun
 идея, мысль, взгляд м ◇aqide عقیده ◇nazar نظر ◇ide ایده ◇mafkura مفکوره
 идеал м ◇ideāل ایده ◇idaāl ایدال
 стоять ◇istād kardan ایستاد کردن ◇istādan ایستادن

بادنجان bādenjān. بادمجان bādemjān ✧

بانجان bānjān. بادنجان bādenjān siyāh سیاه بادنجان سوسنی bādenjāne susani ✧

баклажан м

بار bār. سنگینی sangini ✧ نقل seq ✧

بار bār. مرتبه martabe. دفعه dafе ✧ کرت karat ✧

باران bārān ✧ بارش bāreš ✧

باران bārān ast ✧ بارش است bāreš ast ✧

باران شروع شده است bārān šoru šode ast ✧ بارش شروع شده است bāreš šoru šoda ast ✧

дождь пошел

بارانی (اسم) bārāni ✧ برساتی barsāti ✧

بارانی (صفت) bārāni ✧ برشتی brešti ✧

باربر bārbar. حامل hammāl ✧ جوالی jawālī ✧

بار سفر bāre safar ✧ بگاج bagāj. بگاز bagāj. سامان sāmāne safar ✧

باردار bārdār. حامله hāmele ✧ حامله دار hāmeladār ✧

بارداری bārdāri. حاملگی hāmelegi ✧ حامله گی hāmelagi ✧

بارو بارو barobone. اسباب و لوازم سفر asbābolavāzeme safar ✧ بارو بونه bārobuna ✧

багаж, дорожные вещи

باری bāri. اتومبیل باری otomobile bāri. کامیون kāmyun ✧ موتورلاری mutare lāri. لاری lāri ✧

грузовая машина ж, грузовик м

باریک bārik ✧ تنک tonok ✧

баз bāz ✧ دیگر degar ✧

بازآموزی در خارج bāzāmuzi dar xārej ✧ فیلوشپ felošep ✧

بازار bāzār. مارکیت mārket. مندهی mandahey ✧

базар روز bāzāre ruz ✧ مکاره makkāra ✧

базаркрытый рынок м ✧ چته čatta ✧

базарматериалы бāzār māterīāl. خوراکی bāzāre mavādde xorāki ✧

базарпродуктовый рынок м ✧ مندوی mandawi ✧

базарпоиск рынка бāzār poyshk. مآرکیتنگ mārketeng ✧

базаринспектор здравоохранения бāzār inspektor zdravoohraneniya. روغتیاوال ruqtiyāwāl ✧

базиркідن bāzi kardane. پیاده کردن piyāde kardan ✧

разборка, переборка тех. pārchē kari (ماشینری) pārchākāri ✧

разкاردن bāzi kardane xamir ✧ تنک کردن kardan xamir ✧

возвращаться бāzgaštan ✧ پس آمدن pas āmadan ✧

бедокур, шалун м bāziguš. بلاک balāgak ✧

батарея, аккумулятор bātri. بطری betri ✧

батоло бātlāq ✧ دلدل daldal. جبه (محاوره ای) jaba ✧

болотистая местность бātlāqzār ✧ دلدزار daldalzār. جبه زار jabazār ✧

ایستگاه istgāh. نیروگاه nirugāh ✧ استیشن esteyšan. دستگاه dastgāh ✧

نیروگاه حرارتی nirugāhe harārti ✧ دستگاه برق حرارتی dastgāhe barqe harārti ✧

теплоэлектростанция ж

این طور in tor ✧ اینسان (محاوره ای) insān ✧

اینچ inč ✧ انچ enc ✧

ایوان eyvān ✧ ایوان aywān ✧

ب

با bā. همراه hamrāh ✧ کت (محاوره ای) kate. بخش baxše. کتی (محاوره ای) kati ✧

با اعتماد bā etemād ✧ ثقة seqa ✧

با تربیت bā tarbiyat ✧ با تربیه bā tarbiya ✧

با سواد bā savād ✧ خواننده xānenda ✧

با شکوه bā šokuh ✧ شاندار šāndār ✧

با صدای بلند حرف زدن bā sedāye boland harf zadan ✧ درآیندن darāyidan ✧

говорить громким голосом

با عجله bā ājale ✧ حله halagak ✧

با عجله bā ājale ✧ تریله tarapla ✧

با هم bā ham ✧ یکجا yakjā ✧

بابا bābā. پدر بزرگ pedarbozorg ✧ پدرکلان padarkalān ✧

باجناق bājenāq. شوهر خواهر زن xāharzan ✧ باجه bāje ✧

باد bād ✧ شمال šamāl ✧

بادبادک bādbādak ✧ کاغذ kāqazparān. کدی پران godiparān ✧

بادبزن bādbezan ✧ پکه paka ✧

باد صبا bāde sabā ✧ شمال šamāl ✧

باد فتنه bāde fatq ✧ چره čarre. فتنه fataq ✧

بادکش bādkeš ✧ کدوگ kadugak ✧

بادکش انداختن bādkeš andāxtan ✧ کدوگ نشانندن kadugak nešāndan ✧

ставить банки мед.

بادکنک bādkonak ✧ پوقانه poqāna ✧

بادمجان bādemjān. بادنجان bādenjān ✧

بانجان bānjān. بادنجان bādenjān siyāh سیاه بادنجان سوسنی bādenjāne susani ✧

баклажан м

بالاړو bālārou. آسانسور āsānsor. ✧ ښځه ښځه
 بالاش bāleš. بالشت bālešt. ✧ подушка
 بالکن bālkon. برنده baranda. ✧ веранда, терраса
 باندائ bāndāj. بانداج bandāj. ✧ бинт, повязка
 باندپیچ bāndpič. بنداځ bandāč. ✧ бинт, повязка
 بوت bot. ژون juan. ✧ یدول, کومیر
 بتن beton. بیتیم bitum. ✧ کانگریټ kāngreyt. کانگریټ kāngreyt. ✧ бетон
 بتن آرمه beton ārme. ✧ کانگریټ آرمه dārārme kāngreyte. ✧ железобетон
 بتن ریز betonriz. ✧ کانگریټ ریز kānkreytriz. ✧ бетонщик
 بتن کاری betonkāri. ✧ کانگریټ کاری kānkreytkāri. ✧ бетонирование
 بتونه batune. ګلګل galgal. ✧ замазка
 بچګانه baččegāne. کود کانه kudakāne. ✧ اشتګانه oštokāne. ✧ детский прил.
 بچګی baččegi. کودګی kudaki. ✧ اشتګی oštoki. ✧ چوپه کی čučiagi. ✧ ество, детство
 بچه bačče. فرزند farzand. کودګ kudak. ✧ اولاد awlād. ✧ اشتګ (محاوره ای) oštok. ✧
 بچه دار baččedār. اولاد awlād. ✧ یمه‌یوځی awlāddār
 بچه ګریه baččeye gorbe. ✧ چوپه پشک čučiapašak. ✧ котенок
 بچه موش baččeye muš. ✧ چوپه موش čučiamuš. ✧ мышонок
 بخار boxār. جوش صورت juše surat. ✧ شیرینګه širinke. ✧ прыщ
 بخت baxt. سرنوشت sarnevešt. ✧ طالع tāle. ✧ судьба
 بخش baxš. سکتور sektor. ✧ сектор
 بخشنامه baxšnāme. متحد المال mottahedolmāl. ✧ циркулярное письмо
 بخصوص bexosus. ✧ خاصا xāssatan. ✧ особенно
 بدشانس badšāns. بدبیار badbiyār. ✧ невезучий прил.
 بدکاره badkāre. زن ګمره zane gomrāh. ✧ څارګر qar. ✧ распутная женщина
 بدمینتون badminton. ✧ بدمنتون badmenton. ✧ бадминтон
 - راکت بدمینتون rākete badminton. دنده dandaye badmenton. ✧
 راکټکا بدمینتون raketa badminton. ✧
 بدون وقفه bedune vaqfe. ✧ لایق‌قطع lāyanqaṭ. ✧ непрерывный прил.
 بدهی bedehi. دیت debet. ✧ дебет фин. м
 برابر barābar. یکسان yaksān. ✧ одинаковый, равный
 برادر barādar. ✧ بیادار biyādar. ✧ برادر berādar. ✧ брат
 برادر بزرګ barādar bozorg. ✧ آکه ākha. ✧ لالā lāl. ✧ старший брат
 برادر پدر زن barādere pedarzan. ✧ اودر خسр awdorxorosor. ✧ брат тестя
 برادر تنی barādere tani. ✧ برادر سکه berādere sekka. ✧ برادر عینی berādere ayni. ✧
 برادر زن barādarzan. ✧ خسره xosorbor. ✧ брат жены
 برادر زن barādarzan. ✧ خسره xosorbor. ✧ брат жены

брат мужа, девер м *eywar* بارادر *barādaršouhar*
 из-за, за, для *darak* از *az*
 ярлык м, этикетка ж *leybal* لیبل *barčasb* برچسب
 авария ж *aksidan* اکسیدن *tasādoḡ* تصادف *barxord* برخورد
 1. емкость 2. мощность ж *zarfiyyat* ظرفیت *tavān* توان *bord* برد
 брезент м *kermeč* کرمچ *tarpāl* ترپال *brezent* برزنت
 брезентовый *kermeči* کرمچی *brezenti* برزنتی
 перевернутый прил. *sarčapa* سرچپه (محاوړه ای) *baraks* برعکس
 играть в снежки *barfjangi* برف جنگی *barfbāzi* برف بازی
 хлопья снега, снежинка ж *paqondabarḡ* پاغنده برف *barfpāre* برف پاره
 мокрый снег *tarbarḡ* تربرف *barfrize* برف ریزه
 молния ж *almāsak* الماسک *barqak* برقک *barq* برق
 вспышка молнии *barqak zadan* برق زدن *barq zadan* برق زدن
 лист м *tāsbarg* طاسبرگ *barg* برگ
 перелицовка одежды *čapagardān* چپه گردان *bargardāne lebās* برگردان لباس
 проведение *tadwir* تدویر *bargozāri* برگزاری
 программа ж *marāmnāma* مرامنامه *porogrām* پروگرام *barnāme* برنامه
 план *pelān* پلان *barnāme* برنامه
 план мероприятий *pelāne ejrāāt* پلان اجراءات *barnāme* برنامه
 план долгосрочный *pelāne derāzmoddat* پلان درازمدت *barnāme* برنامه
 план развития м *pelāne enkešāfi* پلان انکشافی *barnāme* برنامه
 генеральный план м *māstarpelān* ماستر پلان *barnāme* برنامه
 план короткий *pelāne qasirolmoddat* پلان قصیر *barnāme* برنامه
 план краткосрочный *pelāne kutāhmoddat* پلان کوتاه مدت *barnāme* برنامه
 крупно-зернистый рис м *berenje lok* برنج لک *berenje dorost* برنج درشت
 зерно *pale xarrāti* پال خراطی *borrandeye tarāškāri* تراشکاری (تکنیکی)
 токарный резец тех. м *barande šodan* برنده شدن *be dast āvardan* به دست آوردن *kamāyi kardan* کمایی کردن
 победить, добывать, зарабатывать *bors* برس *brose* بروس
 щетка ж *šotka* شوتکه *kafšpākkon* کفش پاک کن *butpāk* بوت پاک
 щетка для чистки обуви ж *ster* ستر *kalān* کلان *bozorg* بزرگ
 большой прил. *mešer* مشر *aršad* ارشد *bozorg* بزرگ
 крупный *kata* کته *bozorg* بزرگ
 завязывать *band kardan* بند کردن *bastan* بستن

билетная касса, продажа билетов ♦ *teketforuši* فروش تکت ♦ *belitforuši* بیلیط فروش

бомба ♦ *bam* بم ♦ *bomb* بمب

бомбардировщик м ♦ *bamafgan* بم افگن ♦ *bombafkan* بمب افکن

ядерная бомба ж ♦ *bame zorrawi* بم ذروی ♦ *bombe hasteyi* بمب هسته ای

бомбардировка ♦ *bambārdmān* بمباردمان ♦ *bambārd* بمبارد

бомбардировать ♦ *bambārd kardan* کردن بمبارد ♦ *bombārd kardan* بمباران کردن

строитель м ♦ *me'mār* معمار ♦ *bannā* بنا (اسم)

поэтому ♦ *banābarin* بنابراین ♦ *banābarin* بنابراین

банд ♦ *band* باند ♦ *qayd* قید ♦ *qayd* uez, цени

банд ♦ *band* باند ♦ *sagak* سگک ♦ *qaytak* قیتک ♦ *qaytak* пряжка

банд ♦ *bandpič* باند پیچ ♦ *zaxempeč* زخم پیچ ♦ *zaxempeč* бинт, повязка ж

банд ♦ *bande jurāb* باند جوراب ♦ *qaytake jurāb* جراب قیتک ♦ *qaytake jurāb* застежка ж

банд ♦ *bandzan* باند زن ♦ *patragar* پتره گر ♦ *patragar* починающий фарфоровую посуду

банд ♦ *bandkeši* باند کشی ♦ *engāfkāri* انگافکاری ♦ *engāfkāri* промазка швов

банд ♦ *bandar* بندر ♦ *port* پورت ♦ *port* порт м

бензин ♦ *benzin* بنزین ♦ *petrol* پترول ♦ *petrol* бензин м

бензоколонка ж ♦ *tānke petrol* تانک پترول ♦ *tānke petrol* помпе бензин

бензин ♦ *manba'e benzin* منبع بنزین ♦ *tānke petrol* تانک پترول ♦ *tānke petrol* резервуар бензина м

бензин ♦ *benzin rixtan dar māšin* بنزین ریختن در ماشین ♦ *suxtgiri* سوخت گیری ♦ *suxtgiri* тил گیری ♦ *telgiri*

заправка автомобиля бензином

бенфш ♦ *banafš* بنفش ♦ *banāfāni* بانجانی ♦ *banāfāni* sousani ♦ *sousani* фиолетовый прил.

бенфше ♦ *banafše* بنفشه ♦ *benafša* آدم چهره ♦ *ādamčehra* фиалка ж

буран ♦ *burān* بوران ♦ *xākbād* خاکباد ♦ *xākbād* буран, буря, метель, ураган

бурсия ♦ *bursie* بورسیه ♦ *skālaršip* سکالرشپ ♦ *skālaršip* право на учебу в загранице ♦ *burs* بورس

буса ♦ *buse* بوسه ♦ *bosa* поцелуй м

бусидан ♦ *busidan* بوسیدن ♦ *busidan* целовать

буфет ♦ *bufe* بوفه ♦ *kāfeteryā* کافه تریا ♦ *kāfeteryā* kantin ♦ *kāntin* буфет м

бук ♦ *buq* بوق ♦ *hāran* هارن ♦ *hārang* هارنگ ♦ *hārang* āran ♦ *āran* آرن ♦ *ārang* آرنг ♦ *ārang* сигнал, гудок, сирена ж

бук ♦ *buq zadan* بوق زدن ♦ *hāran kardan* هارن کردن ♦ *hāran kardan* āran ♦ *āran* آرن کردن ♦ *āran kardan* сигнализировать

буқламун ♦ *buqalamun* بوقلامون ♦ *filmurq* مرغ ♦ *filmurq* индюк м

бул ♦ *buldāni* بول دانی ♦ *pāt* پات ♦ *pāt* судно ♦ *pāt* ночной горшок

булдаг ♦ *buldāg* (نژاد سگ) ♦ *tigar* تیگر ♦ *tigar* бульдог м

буи ♦ *buye zirbaqal* بوی زیربغل ♦ *zafar* ذفر ♦ *zafar* запах подмышек

бе ♦ *beh* بهی ♦ *behi* айва ж

бе ♦ *be in tartib* به این ترتیب ♦ *hamčenin* همچنين ♦ *hakazā* حکذا ♦ *hakazā*

также, так, таким образом

bastan ♦ *bastan* بسته ♦ *basta kardan* بستن ♦ *peš kardan* پوش کردن ♦ *peš kardan* закрывать

bastane dar ♦ *bastane dar* بستن در ♦ *peš kardan dar* پوش کردن در ♦ *peš kardan dar* закрывать дверь

bastani ♦ *bastani* بستنی ♦ *āys* آیس ♦ *āyskrim* کریم ♦ *āyskrim* شیریح ♦ *širyax* мороженое с

baste ♦ *baste* بسته ♦ *bandal* بندل ♦ *bandal* связка, тюк

baste ♦ *baste* بسته ♦ *gada* گده ♦ *gada* пучок м, пачка ж

baste ♦ *baste* بسته ♦ *pāqonda* پاغنده ♦ *pāqonda* ком, тюк

baste ♦ *baste* بسته ♦ *amānate posti* امانت پستی ♦ *pārsal* پارسل ♦ *pārsal* посылка ж

bastebandi ♦ *bastebandi* بسته بندی ♦ *paking* پکینگ ♦ *paking* упаковка ж

bastebandi kardan ♦ *bastebandi kardan* بسته بندی کردن ♦ *paking kardan* پکینگ کردن ♦ *paking kardan* упаковывать

besyār ♦ *besyār* بسیار ♦ *lok lok* لک لک ♦ *lok lok* много-много

bošqāb ♦ *bošqāb* بشقاب ♦ *qāb* قاب ♦ *qāb* رکابی ♦ *rekābi* тарелка ж

boške ♦ *boške* بشکه ♦ *bilar* بیلر ♦ *bilar* бочка ж ♦ *biral* بیرل

botri ♦ *botri* بطری ♦ *butal* بوتل ♦ *butal* бутылка, бутыль

botriye ♦ *botriye* بطری ♦ *kučak* کوچک ♦ *butalak* بوتلک ♦ *butalak* маленькая бутылка ж, флакон м

ba'dan ♦ *ba'dan* بعد ♦ *pasān* پسان ♦ *pasān* потом, затем

ba'd az zohr ♦ *ba'd az zohr* بعد از توب ♦ *ba'd az top* پشین ♦ *pešin* بعد از ظهر

ba'dtar ♦ *ba'dtar* بعدتر ♦ *pasāntar* پسان تر ♦ *pasāntar* позднее

ba'di ♦ *ba'di* بعدی ♦ *pasin* پسین ♦ *pasin* дальнейший

baqale ♦ *baqale* بغل ♦ *kāmiyun* کامیون ♦ *kenāre bādi* کناربادی ♦ *kenāre bādi* борт грузовой автомашины м

baqqāl ♦ *baqqāl* بقال ♦ *attār* عطاری ♦ *banjāra* بنجاره ♦ *banjāra* галантерея ж

baqqāli ♦ *baqqāli* بقالی ♦ *attāri* عطاری ♦ *boniyagari* بنیه گری ♦ *boniyagari* بنجاره گی ♦ *banjāragi*

boks ♦ *boks* бокс ♦ *moštzani* مشت زنی ♦ *bokseng* بوکسنگ ♦ *bokseng* бокс м

bogzār ♦ *bogzār* بگذار ♦ *bān* بان ♦ *bān* 1. оставь 2. положи

balqur ♦ *balqur* بلغور ♦ *suji* سوجی ♦ *suji* манная крупа ж

balqur ♦ *balqur* بلغور ♦ *ārde* آرد ♦ *ārde* سوجی ♦ *ārde* манная крупа ♦ *ārde*

bolandpāye ♦ *bolandpāye* بلند پایه ♦ *āliqadr* عالی رتبه ♦ *āliqadr* عالی مقام ♦ *ālimaqaṁ*

bolandgu ♦ *bolandgu* بلندگو ♦ *lodspikar* لود اسپیکر ♦ *lodspikar* динамик, громкоговоритель м

bolvār ♦ *bolvār* بلوار ♦ *xeṭābān* خیابان ♦ *xeṭābān* аллея ж

blok ♦ *blok* блок ♦ *blāk* بلاک ♦ *blāk* блок м

belit ♦ *belit* بیلیط ♦ *tekes* تکت ♦ *teket* تکت ♦ *teket* билет

belite ♦ *belite* білет ♦ *baxtāzmāyi* بخت آزمایی ♦ *baxtāzmāyi* تکت ♦ *baxtāzmāyi* лотерейный билет ♦ *baxtāzmāyi*

belite ♦ *belite* білет ♦ *sinemā* سینما ♦ *sinemā* تکت ♦ *sinemā* билет в кинотеатр м ♦ *sinemā*

belitforu ♦ *belitforu* بیلیط فروش ♦ *teketforu* تکت فروش ♦ *teketforu* продавец билетов

بی تقصیر *bi taqsir* ⇨ بی قصور *beqosur* ⇨ невинный
 بی حیا *bi hayā* ⇨ بی شرم *bi šarm* ⇨ دیدۀ درای *didadarāy* ⇨ ناگلی
 بی خانمان *bi xānemān* ⇨ بی پیراهن و تنبان *beperāhanotonbān* ⇨ بی سرپناه *besarpanāh* ⇨
 бездомный прил.
 بی خواب *bi xāb* ⇨ بیدار خواب *bidārxāb* ⇨ невыспавшийся
 بی خیال *bi xiyāl* ⇨ بی پروا *beparwā* ⇨ беззаботный
 بی شرم *bi šarm* ⇨ بی حیا *bi hayā* ⇨ دیدۀ درای *didadarāy* ⇨ ناگلی
 بی فرزند *bi farzand* ⇨ بی اولاد *beawlād* ⇨ м бездетный
 بی نام *bi nām* ⇨ گمنام *gomnām* ⇨ неизвестный прил.
 بی همتا *bi hamtā* ⇨ تک *tak* ⇨ تاق << طاق *tāq* ⇨ единственный
 بی هوشی *bi huši* ⇨ جل زده گی *jalzadagi* ⇨ обморок
 بیات *biyāt* ⇨ خشک *xošk* ⇨ قاق *qāq* ⇨ сухой, черствый
 نان بیات *nāne biyāt* ⇨ نان خشک *nāne xošk* ⇨ نان قاق *nāne qāq* ⇨ черствый хлеб м
 بیخود *bixod* ⇨ بیهوده *bihude* ⇨ چتی (محاوره ای) *cati* ⇨ бессмысленно, зря
 بید *bid* ⇨ کویه *koya* ⇨ ж моль
 بیدار *bidār* ⇨ ویش *weš* ⇨ бодрствующий
 بیسکویت *biskuit* ⇨ کیک *keyk* ⇨ м кекс
 بیضه * *beyze* ⇨ بیضه *bayza* ⇨ анат. яичко
 بیکار *bikār* ⇨ هرزه گو *harzegu* ⇨ دزد *dozd* ⇨ ستروک *struk* ⇨ бездельник, болтун, вор
 بیل * *bil* ⇨ بیل *bel* ⇨ ж лопата
 بیل مکانیکی *bile mekāniki* ⇨ شاول *šāwal* ⇨ شاول *šāwal* ⇨ экскаватор тех.
 بیمار *bimār* ⇨ خسته *xasta* ⇨ ناجور *nājūr* ⇨ м больной
 بیمار شدن *bimār šodan* ⇨ ناجور شدن *nājūr šodan* ⇨ заболеть
 بیمار ناتوان *bimāre nātāvān* ⇨ جایمانده *jāymānda* ⇨ м тяжелобольной
 بیمارستان *bimārestān* ⇨ خسته خانه *xastaxāna* ⇨ روغتون *ruqtun* ⇨ شفاخانه *šafāxāna* ⇨
 больница ж
 بیمارستان نظامی *bimārestāne nezāmi* ⇨ شفاخانه عسکری *šafāxānaye askari* ⇨ м госпиталь
 بیماری *bimāri* ⇨ ناجوری *nājūri* ⇨ ж болезнь
 بیننده * *binande* ⇨ تماشاگر *tamāšāgar* ⇨ بیننده *binenda* ⇨ سیل بین (محاوره ای) *saylbin* ⇨ м зритель
 بیولوگ *biolog* ⇨ زیست شناس *zistšenās* ⇨ بیالوجست *biyālojest* ⇨ биолог
 بیولوژی *bioloji* ⇨ زیست شناسی *zistšenāsi* ⇨ بیالوجی *biyāloji* ⇨ биология
 بیوه * *bive* ⇨ بیوه *bewa* ⇨ ж вдова
 بیهوده *bihude* ⇨ پارچا و *pārčāw* ⇨ напрасный, бесполезный, пустой
 بیهوده *bihude* ⇨ بیخود *bixod* ⇨ چتی (محاوره ای) *cati* ⇨ бессмысленно, зря

به این طریق *be in tariq* ⇨ بدینسان *bedinsān* ⇨ таким образом
 به ترتیب *be tartib* ⇨ ترتیب وار *tartebwār* ⇨ по очереди
 به دانه *behdāne* ⇨ بهی دانه *behidāna* ⇨ айвовые косточки
 به دست آوردن *be dast āvardan* ⇨ درک کردن *darak kardan* ⇨ добывать
 به دست آوردن *be dast āvardan* ⇨ برنده شدن *barande šodan* ⇨ کمایی کردن *kamāyi kardan* ⇨
 به زودی *be zudi* ⇨ عنقریب *anqarib* ⇨ скоро
 به زور *be zur* ⇨ زده و کند (محاوره ای) *zadaokanda* ⇨ едва-едва
 به طور منظم *be tore monazzam* ⇨ به طور مرتب *be tore morattab* ⇨ لا ینقطع *lāyanqat* ⇨
 непрерывный прил.
 به مد *be mod* ⇨ فیشن *fišani* ⇨ модный
 به مقام بلند رسیده *be maqāme boland reside* ⇨ جای رسیده *jāy rasida* ⇨
 достигший высокой должности
 به وسیله پست *be vasileye post* ⇨ به ذریعه پوسته *ba zariaye pusta* ⇨ почтой
 به وسیله چیزی *be vasileye čizi* ⇨ به ذریعه چیزی *zariaye čizi* ⇨ через что-то
 به وسیله نامه *be vasileye nāme* ⇨ به ذریعه مکتوب *ba zariaye maktub* ⇨ письмом
 بها *bahā* ⇨ ارزش *arzeš* ⇨ قیمت *qeymat* ⇨ نرخ *nerx* ⇨ ж стоимость, цена
 بهداشت *behdāšt* ⇨ روغتیا *ruqtiya* ⇨ с здравоохранение
 بهداشت *behdāšt* ⇨ حفظ الصحیه *hefzossahhiya* ⇨ ж санитария, гигиена
 بهداشتی *behdāšti* ⇨ صحی *sehhi* ⇨ лечебный, гигиенический
 - غیر بهداشتی *qeyre behdāšti* ⇨ غیر صحی *qayre sehhi* ⇨ негигиеничный, антисанитарный прил.
 بهره برداری *bahrebardāri* ⇨ بهره گیری *bahregiri* ⇨ چالانی *čālāni* ⇨ حفظ و مراقبت *hefzomoraqebat* ⇨
 эксплуатация ж
 بهره برداری کردن *bahrebardāri kardan* ⇨ چالاندن *čālāndan* ⇨
 пускать, сдать в эксплуатацию
 بهمن (ماه) *bahman* ⇨ دلو *dalwa* ⇨ XI місяць сонячного года
 بهمن *bahman* ⇨ ریزش برف *rizeše barf* ⇨ برف کوچ *barfkuč* ⇨
 снежная лавина ж, снежный обвал м
 بی آلاش *biālāyeš* ⇨ پاک *pāk* ⇨ تمیز *tamiz* ⇨ سوچه << سچه *sočča* ⇨ чистый
 بی ادب *bi adab* ⇨ بی نزاکت *benezākat* ⇨ بی ادب *benezākat* ⇨ невежливый, невоспитанный прил.
 بی اعتنائی کردن *bi etenāyi kardan* ⇨ بی شأنه گک *šānagak zadan* ⇨
 не обращать внимания
 بی بضاعت *bi bezāat* ⇨ فقیر *faqir* ⇨ غریب *qarib* ⇨ دوکره *dogra* ⇨ бедный, нищий
 بی پول *bi pul* ⇨ بی پیسه *bepeysa* ⇨ без денег
 بی تربیت *bi tarbiyat* ⇨ بی تربیه *betarbiya* ⇨ невежа

پ

پاسداری $\diamond$ pāsāri $\diamond$ پاسداری $\diamond$ pāsāri $\diamond$ پاسداری $\diamond$ pāsāri
 پاسگاه $\diamond$ pāsghāh $\diamond$ پاسگاه $\diamond$ pāsghāh $\diamond$ پاسگاه $\diamond$ pāsghāh
 پاسگاه مرزی $\diamond$ pāsghāhe marzi $\diamond$ پاسگاه مرزی $\diamond$ pāsghāhe marzi $\diamond$ پاسگاه مرزی $\diamond$ pāsghāhe marzi
 پاشنه $\diamond$ pāsne $\diamond$ پاشنه $\diamond$ pāsne $\diamond$ پاشنه $\diamond$ pāsne
 پاشنه بلند $\diamond$ pāsneboland $\diamond$ پاشنه بلند $\diamond$ pāsneboland $\diamond$ پاشنه بلند $\diamond$ pāsneboland
 پاشنه پا $\diamond$ pāsneye pā $\diamond$ پاشنه پا $\diamond$ pāsneye pā $\diamond$ پاشنه پا $\diamond$ pāsneye pā
 پاشنه کفش $\diamond$ pāsneye kaš $\diamond$ پاشنه کفش $\diamond$ pāsneye kaš $\diamond$ پاشنه کفش $\diamond$ pāsneye kaš
 کابلک $\diamond$ kabluk $\diamond$ کابلک $\diamond$ kabluk $\diamond$ کابلک $\diamond$ kabluk
 پاشیده $\diamond$ pāside $\diamond$ پاشیده $\diamond$ pāside $\diamond$ پاشیده $\diamond$ pāside
 پاک $\diamond$ pāk $\diamond$ پاک $\diamond$ pāk $\diamond$ پاک $\diamond$ pāk
 پاک سازی $\diamond$ pāksāzi $\diamond$ پاک سازی $\diamond$ pāksāzi $\diamond$ پاک سازی $\diamond$ pāksāzi
 پاک کاری $\diamond$ pāk kārī $\diamond$ پاک کاری $\diamond$ pāk kārī $\diamond$ پاک کاری $\diamond$ pāk kārī
 پاک کردن $\diamond$ pāk kardan $\diamond$ پاک کردن $\diamond$ pāk kardan $\diamond$ پاک کردن $\diamond$ pāk kardan
 پاکی $\diamond$ pākī $\diamond$ پاکی $\diamond$ pākī $\diamond$ پاکی $\diamond$ pākī
 پاکرد $\diamond$ pākard $\diamond$ پاکرد $\diamond$ pākard $\diamond$ پاکرد $\diamond$ pākard
 پاکون $\diamond$ pāgon $\diamond$ پاکون $\diamond$ pāgon $\diamond$ پاکون $\diamond$ pāgon
 پالتو $\diamond$ pālto $\diamond$ پالتو $\diamond$ pālto $\diamond$ پالتو $\diamond$ pālto
 پالتوی جیری $\diamond$ pāltoye jiri $\diamond$ پالتوی جیری $\diamond$ pāltoye jiri $\diamond$ پالتوی جیری $\diamond$ pāltoye jiri
 پالوده $\diamond$ pālode $\diamond$ پالوده $\diamond$ pālode $\diamond$ پالوده $\diamond$ pālode
 پایتخت $\diamond$ pāyetax $\diamond$ پایتخت $\diamond$ pāyetax $\diamond$ پایتخت $\diamond$ pāyetax
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 بلند پایه $\diamond$ bolandpāye $\diamond$ بلند پایه $\diamond$ bolandpāye $\diamond$ بلند پایه $\diamond$ bolandpāye
 پایه گذاری $\diamond$ pāyegozāri $\diamond$ پایه گذاری $\diamond$ pāyegozāri $\diamond$ پایه گذاری $\diamond$ pāyegozāri
 پایی $\diamond$ pāyi $\diamond$ پایی $\diamond$ pāyi $\diamond$ پایی $\diamond$ pāyi
 پایین $\diamond$ pāyin $\diamond$ پایین $\diamond$ pāyin $\diamond$ پایین $\diamond$ pāyin
 پتک $\diamond$ potk $\diamond$ پتک $\diamond$ potk $\diamond$ پتک $\diamond$ potk
 پتو $\diamond$ patu $\diamond$ پتو $\diamond$ patu $\diamond$ پتو $\diamond$ patu
 پخش برنامه رادیویی $\diamond$ paxš barnāme ye rādyoyi $\diamond$ پخش برنامه رادیویی $\diamond$ paxš barnāme ye rādyoyi
 трансляция, радиопередача
 پخش کردن از رادیو $\diamond$ paxš kardan az rādyo $\diamond$ پخش کردن از رادیو $\diamond$ paxš kardan az rādyo
 транслировать, передавать по радио
 پدال $\diamond$ pedāl $\diamond$ پدال $\diamond$ pedāl $\diamond$ پدال $\diamond$ pedāl
 اکسلرатор, педаль тех.

охрана ж $\diamond$ pahra $\diamond$ بهره $\diamond$ payra $\diamond$ بهره $\diamond$ payra $\diamond$ بهره $\diamond$ payra
 застава воен. ж $\diamond$ tahāna $\diamond$ تهانه $\diamond$ tahāna $\diamond$ تهانه $\diamond$ tahāna
 погранзаства ж $\diamond$ tahānaye sarhaddi $\diamond$ تهانه سرحدی $\diamond$ tahānaye sarhaddi
 каблук м $\diamond$ kuri $\diamond$ کوری $\diamond$ kuri $\diamond$ کوری $\diamond$ kuri
 высокий каблук $\diamond$ koriboland $\diamond$ کوری بلند $\diamond$ koriboland
 пятка ж $\diamond$ kuriye pā $\diamond$ کوری پا $\diamond$ kuriye pā
 пашне кفش $\diamond$ pāsneye kaš $\diamond$ پاشنه کفش $\diamond$ pāsneye kaš
 пашне $\diamond$ pāsneye but $\diamond$ پاشنه بوت $\diamond$ pāsneye but
 каблук, задник м
 разбросанный прил. $\diamond$ pāsān $\diamond$ پاشان $\diamond$ pāsān
 پاک $\diamond$ pāk $\diamond$ پاک $\diamond$ pāk $\diamond$ پاک $\diamond$ pāk
 чистый, прозрачный прил.
 پاک سازی $\diamond$ pāksāzi $\diamond$ پاک سازی $\diamond$ pāksāzi
 پاک کاری $\diamond$ pāk kārī $\diamond$ پاک کاری $\diamond$ pāk kārī
 чистота ж $\diamond$ safāyi $\diamond$ صفایی $\diamond$ safāyi
 پاک کردن $\diamond$ pāk kardan $\diamond$ پاک کردن $\diamond$ pāk kardan
 پاکی $\diamond$ pākī $\diamond$ پاکی $\diamond$ pākī
 پاکرد $\diamond$ pākard $\diamond$ پاکرد $\diamond$ pākard
 лестничная площадка ж $\diamond$ zinaxāna $\diamond$ زینه خانه $\diamond$ zinaxāna
 погоны воен. $\diamond$ sarsāna $\diamond$ سرشانه $\diamond$ sarsāna
 пальто с $\diamond$ bālāpoš $\diamond$ بالاپوش $\diamond$ bālāpoš
 пальто из замша $\diamond$ bālāpoše sābari $\diamond$ بالاپوش سابر $\diamond$ bālāpoše sābari
 палуде $\diamond$ pālode $\diamond$ پالوده $\diamond$ pālode
 پایتخت $\diamond$ pāyetax $\diamond$ پایتخت $\diamond$ pāyetax
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 پایه $\diamond$ pāye $\diamond$ پایه $\diamond$ pāye
 بلند پایه $\diamond$ bolandpāye $\diamond$ بلند پایه $\diamond$ bolandpāye
 پایه گذاری $\diamond$ pāyegozāri $\diamond$ پایه گذاری $\diamond$ pāyegozāri
 پایی $\diamond$ pāyi $\diamond$ پایی $\diamond$ pāyi
 پایین $\diamond$ pāyin $\diamond$ پایین $\diamond$ pāyin
 پتک $\diamond$ potk $\diamond$ پتک $\diamond$ potk
 پتو $\diamond$ patu $\diamond$ پتو $\diamond$ patu
 پخش برنامه رادیویی $\diamond$ paxš barnāme ye rādyoyi $\diamond$ پخش برنامه رادیویی $\diamond$ paxš barnāme ye rādyoyi
 трансляция, радиопередача
 پخش کردن از رادیو $\diamond$ paxš kardan az rādyo $\diamond$ پخش کردن از رادیو $\diamond$ paxš kardan az rādyo
 транслировать, передавать по радио
 پدال $\diamond$ pedāl $\diamond$ پدال $\diamond$ pedāl
 اکسلرатор, педаль тех.

پریدن (با چترنجات) paridan ◇ jump kardan ◇
 прыгать с парашютом
 priz. کلید برق kelide barq ◇ وال ساکت wālsāket ◇ ساکت sāket ◇
 розетка элект. ж
 پریشان خاطر parišānxāter ◇ خاطر پریشان xāterperišān ◇
 огорченный прил.
 примус primus ◇ اشتوب estob ◇
 примус м
 pajvāk. انعكاس صوت en'ekāse sout ◇ توف tuf ◇
 эхо с
 pajuheš. تحقیق tahqiq ◇ سروی serwey ◇
 изыскание, исследование
 pasfardā. پس صبا passabā ◇
 پسفردا
 pasmāndegi. عقب مانده asmāndagi ◇
 پس ماندگی
 pasmānde. عقب مانده āqabmānda ◇
 پس استالый
 post. پسته posta. پوسته pusta. داک dāk ◇
 پست
 poste. پست اکسپرس poste ekspres. پیشتاز pištāz ◇
 پست فوری
 dāke. چاوی dāke čapāwi ◇
 اکستерна почта
 poste marzbāni. تنه سرحدی tanaye sarhaddi ◇
 پست مرزبان
 pestān. چوچو čačū ◇
 پستان
 pestānak. پستان رابری pestāne rābari ◇
 پستانک
 pestānake šīše. شیرچوش šīrčūš ◇
 پستانک شیشه
 postxāne. پسته خانه postaxāna. پوسته خانه pusta xāna ◇
 پستخانه
 pesar. بچه bačča ◇
 پسر
 pesarbaččeye kučak. بچگک baččagak ◇
 پسر بچه کوچک
 pesaramu. اودر بچه awdorbačča ◇
 پسر عمو
 pasandide. زیبا zibā ◇
 پسندیده
 poštepa. پای پچلک pāypočolak ◇
 پشته
 poštepa zadan. پشته پای پچلک pāypočolak dādan ◇
 پشته پا
 pošte pārcē. راسته چه rāstaye čapa ◇
 پشته پارچه
 pošte jebhe. لوجستیک lojestik ◇
 پشته جبهه
 poštibān. حامی hāmi ◇
 پشتیبان
 pašimān. پشیمان pašimān ◇
 پشیمان
 poke juš. لایتر woldeng lāytare ◇
 پک
 poke juškāri. برنه woldeng baranaye ◇
 پک جوش کاری
 plomb. سرغچ sorquč ◇
 پلمب
 plomb kardan. مهر و موم کردن mohromum kardan ◇
 پلمب کردن
 sorquč kardan. سرغچ کردن

پیاده کردن (تجهیزات) piyāde kardan باز کردن (تجهیزات) bāz kardan

پارچه کاری (ماشینری) pārcākāri разборка, переборка тех.

پیاز piyāz * کلچه پیاز kolčapeyāz лук репчатый м

پیازچه piyāzče * نوش پیاز nušpeyāz лук зеленый м

پیپ * pip * پایپ pāyp. پیپ paup трубка (курительная) ж

پیپ pit * چلیک čalik * бидон м

پیچ pič * بولت bolt * болт тех.

پیچ خوردن (پا) pič xordan * میچ خوردن (محاورة ای) moč xordan

پیچ و خم جاده pičoxame jādde گولایی gulāyi * (повороты) m

پیچ و مهره pičomohre * نت و بولت natobolt * болт и гайка

پیچگوشتی pičgušti * پیچ تاو pečtāw. پیچ تو pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پیچگوشتی pečtāw. پیچکشی pečkaši *

پله pelle. پلکان pellekân * زینه zina * лестница ж

پلگرد پله pāgarde pelle * زینه خانہ zinaxāna * лестничная площадка ж

پلی تکنیک politeknik * پولی تخنیک politaxnik * м

پلیس polis * پولیس polis * полиция

پمپ pomp * بمبہ bamba * насос, помпа

پمپ آب آب pompe āb * واتر پمپ wātarpomp * водонасос, помпа ж

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پمپ بنزین pompe benzin * تانک پترول tånke petrol. تانک تیل tånke tel. پمپ پترول pampe petrol *

پنبه panbe * پخته paxta * хлопок, хлопчатник, вата ж

پنبه خام panbeyе xām * پخته خام paxtaye xām * хлопок-сырец м

پنبه کار panbekār * پخته کار paxtakār * хлопковод м

پنبه کاری panbekāri * پخته کاری paxtakāri * хлопководство

پنبه نسوز panbeyе nasuz * آزیست āzbest * اسبست asbest * м

پنجره panjare * کلکین kelkin * с * окно

پنجه panje * تلی tali * ступня ж

پنجه پا panjeje pā * تلی پای talipā * (پ) * ступня, подошва ноги ж

پنس pans. گیره سر gireye sar * سیخک sixake tu * шпилька для волос

پنکه panke * بادپکه bādpaka * м

پنهان penhān. مخفی maxfi * پت pot * скрытый, тайный

پنهان شدن penhān šodan. مخفی شدن maxfi šodan * پت شدن pot šodan * скрываться

پنهان کردن penhān kardan. مخفی کردن maxfi kardan * پت کردن pot kardan * скрывать

پودر * pudr * پودر pudar * м

پودر شده pudršode (صفت) * ریز riz * ترمیده tarmayda * мелкого помола

پودینگ puding * پودین pudin * м

پوکه puke * پوچک pučak * ж

پول pul * پیسه paysa. وجود wujuh * деньги, монета

پول خرد pule xord * پیسه میده paysaye mayda * ж

پولور pulover * جمپر jampar. ژاکت jākat * ж

پونز punez * آلپن alpen * ж

پهن pahn. عریض ariz * بردار bardār * широкий прил.

پهن pehen. کود حیوانی kude heyvāni. کود kud. تاپه tāpe. تاپال tāpāl *

پهنار anbān. تپاله tapāla. پارو pāru * м

پهنا pahnā * بار bar * ширина

پی * pey * پی pay * м

پیاده piyāde * پای پیاده pāypeyāda. پایه کی pāyaki * пешком

پیاده شدن piyāde šodan * فرآمدن far āmadan * спускаться, слезать, сходить

تریلی *treyli* ✧ تریلر *tereylar* م ✧
 تزریق *tazriq*. آمپول *āmpul* ✧ پیچکاری *pečkāri* ✧
 تزریق کردن *tazriq kardan*. آمپول زدن *āmpul zadan* ✧ پیچکاری کردن *pečkāri kardan* ✧
 делать укол, инъектировать ✧
 تزئینی *tazyini* ✧ تزیناتی *tazyināti* ✧
 تسلیم *taslim* ✧ تحویلی *tahwili*. تسلیمی *taslimi* ✧
 تسلیم کردن *taslim kardan*. سپردن *sepordan* ✧ تحویلدهی *tahwildehi* ✧
 تسمة *tasme*. گیره *gire*. حلقه آهنی *halqeye āhani*. رکابک *rekābak* ✧ پترة *patra* ✧
 железная скоба ✧
 تشت *tašt* ✧ تپ *tap* ✧
 تشکیل دادن *taškil dādan* ✧ چپاندن *čāpāndan* ✧
 تصادف *tasādoḡ*. برخورد *barxord* ✧ اکسیدن *aksidan*. تصادم *tasādom*. تکر *takar* ✧
 تصادف کردن *tasādoḡ kardan* ✧ تکر خوردن *takar xordan* ✧
 تصمیم *tasmim* ✧ فیصله *faysala* ✧
 تصمیم گرفتن *tasmim gereftan*. حل کردن *hall kardan* ✧ فیصله کردن *faysala kardan* ✧
 решать ✧
 تصمیم نامه *tasmimnāme* ✧ فیصله نامه *faysalanāma* ✧
 تظاهرات *tazāhorāt* ✧ مظاهرة *mozāhera* ✧
 تعطیل *ta`til* ✧ رخصت *roxsat* ✧
 تعطیلات *ta`tilāt* ✧ رخصتی *roxsati* ✧
 تعطیلی *ta`tili* ✧ رخصتی *roxsati* ✧
 تعمداً *taamodan* ✧ عمداً *amdan* ✧
 تعمیر *ta`mir* ✧ ترمیم *tarmim* ✧
 تعمیر اساسی *ta`mire asāsi* ✧ ترمیم اساسی *tarmime asāsi* ✧
 تعمیر جزئی *ta`mire jozi* ✧ ترمیم جزئی *tarmime jozi* ✧
 تعمیر کردن *ta`mir kardan* ✧ جور کردن *jur kardan* ✧
 تعمیرگاه *ta`mirgāh* ✧ ترمیمگاه *tarmimgāh*. ترمیم خانه *tarmimxāna*. ورکشاپ *warakšāp* ✧
 мастерская (ремонтная) ✧
 تعمیم *ta`mim* ✧ ترویج *tarwij* ✧
 تفتیش کردن *taftiš kardan* ✧ تلاشی کردن *talāši kardan* ✧
 تغدان *toḡdān* ✧ تغدانی *toḡdāni* ✧
 تفریح *tafrih* ✧ ساعت تیری *sāatteri*. سات تیری *sāatteri* ✧
 времяпрепровождение, развлечение ✧
 تفریح *tafrih*. گردش *gardeš* ✧ چکر *čakar*. میله *mela*. هواخوری *hawāxori* ✧
 تفریح در حین کار *tafrih dar heyne kār* ✧ دمگیری (محاوره ای) *damgeri* ✧
 تفریح کردن *tafrih kardan* ✧ سات تیری کردن *sāatteri kardan* ✧
 تقریباً *taqriban* ✧ تخمیناً *taxminan* ✧

تخم ریزی *toxmrizi* ✧ تخم پاشی *toxompaši* ✧
 تخم مرغ *toxom* ✧ تخم *toxom* ✧
 تخمدان *toxmdān* ✧ تخمدانی *toxomdāni* ✧
 تدابیر *tadābir*. اقدامات *eqdāmāt* ✧ اجراءات *ejrāāt* ✧
 - برنامه اقدامات *barnāmeye eqdāmāt* ✧ پلان اجراءات *pelāne ejrāāt* ✧
 план мероприятий ✧
 - گزارش اقدامات *gozāreše eqdāmāt* ✧ راپور اجراءات *gāpore ejrāāt* ✧
 отчет о выполненных работах ✧
 تدارک *tadārok* ✧ اکمالات *ekmālāt* ✧
 تراخم *tarāxom* ✧ کوکرة *kokra* ✧
 تراز *tarāz* ✧ بیلاس *bilāns* ✧
 تراز *tarāz*. ژئو *jeo* ✧ آبترازو *ābtarāzu* ✧
 تراز بازرگانی *tarāze bāzargāni* ✧ بیلاس تجارتی *bilāns tejāratī* ✧
 торговый баланс экон. ✧
 تراسب *tarāsob*. فرونشینی *forunešini* ✧ ترسب *tarassob* ✧
 ترانسفورماتور *trānsformātor* ✧ ترانسفورمر *trānsformar*. ترانسفورمن *trānsforman* ✧
 трансформатор м тех. ✧
 ترانسمیسیون *trānsmission* ✧ ترانسمیشن *trānsmešan* ✧
 ترب *torob* ✧ ترب *torb*. ملی *moli* ✧
 تربچه *torobče* ✧ ملی سرخک *molisurxak* ✧
 تربیت *tarbiyat* ✧ تربیه *tarbiya* ✧
 تربیتی *tarbiyati* ✧ تربیوی << تربیه وی *tarbiyawī* ✧
 ترت و مرت *tertomer* ✧ تیت و پرک *titoparak* ✧
 ترسو *tarsu* ✧ ترسندوک *tarsandok* ✧
 ترسیدن *tarsidan* ✧ بیم داشتن *bem dāstan* ✧
 ترق و تروق *taraqotoruq* ✧ ترق و تروق *taraqotoruq* ✧
 ترقه *tarraqe* ✧ پتاقی *patāqi* ✧
 ترک *tarak* ✧ ترق *taraq* ✧
 ترکاندن *tarakāndan* ✧ ترقاندن *taraqāndan* ✧
 ترکیدن *tarakidan* ✧ ترکیدن *taraqidan* ✧
 ترم *term*. نیم سال تحصیلی *nim sāle tahsili* ✧ سمستر *semestar* ✧
 ترمز *tormoz* ✧ برک *breyk* ✧
 ترة *tare* ✧ گنده *gandana* ✧
 ترة بار *tarebār* ✧ ترکاری *tarkāri*. سبزیجات *sabzijāt* ✧
 تریاک *teryāk* ✧ افیون *afyun* ✧
 تریبون *tribun*. میز خطابه *mize xatābe* ✧ تریبون *tarbiun* ✧
 кафедра ж ✧

تندرو ♦ tondrou ♦ تاجا ♦ *tajā* م ♦ расторопный, быстроходный прил.
 تندرونده ♦ tondravande ♦ تاجار ♦ *tajār* م ♦ быстроногий
 تنزِيل خوار ♦ *tanzilxār* ♦ نزول خوار ♦ *nozulxār* ♦ سودخور ♦ *sudxor* م ♦ ростовщик
 تنظیف ♦ *tanzif* ♦ داکه ♦ *dāka* ♦ صافه ♦ *sāfa* ♦ ململ ♦ *malmal* ж ♦ марля, кисея
 تنظیم کننده ♦ *tanzim konande* ♦ دیسپیچر ♦ *despičar* ♦ دیسپیچر ♦ *dispečar* م ♦ диспетчер
 تنگ ♦ *tong* ♦ تنگ آب ♦ *tonge āb* ♦ جگ ♦ *jag* ♦ کувشین
 تنگنا ♦ *tangnā* ♦ تنگ ♦ *tanga* с ♦ ущелье
 تنگی ♦ *tangi* ♦ کمی ♦ *kami* ♦ ضیق ♦ *ziq* ♦ نехватка
 تنگی نفس ♦ *tangiye nafas* ♦ نفس تنگی ♦ *nafastangi* ж ♦ астма, одышка
 تنور ♦ *tanur* ♦ تندور ♦ *tandur* م ♦ печь для выпечки хлеба, тондыр
 تنها ♦ *tanhā* ♦ فقط ♦ *faqat* ♦ صرف ♦ *serf* ♦ только
 تنی ♦ *tani* ♦ سکه ♦ *sekka* ♦ родной по крови
 - برادر تنی ♦ *barādare tani* ♦ برادر سکه ♦ *berādare sekka* م ♦ родной брат
 تنیس ♦ *tenis* ♦ تینیس ♦ *tenes* م ♦ теннис
 توالت ♦ *tuālet* ♦ دستشویی ♦ *dastšuyi* ♦ مستراح ♦ *mostarāh* ♦ کنار آب ♦ *kenāre āb* ♦ تشناب ♦ *tašnāb* ♦
 туалет, туалетная комната
 توالت فرنگی ♦ *tuāletfarangi* ♦ کمود ♦ *kamud* م ♦ унитаз
 توان ♦ *tavān* ♦ برد ♦ *bord* ♦ ظرفیت ♦ *zarfiyyat* ж ♦ 1. емкость 2. мощность
 توانا ♦ *tavānā* ♦ مستعد ♦ *mostaed* ♦ способный
 توانایی کار کردن ♦ *tavānāiye kār kardan* ♦ مستعد بکار ♦ *mostaed bakār* ♦
 трудоспособный
 توبه ♦ *toubē* ♦ توبه ♦ *tawba* с ♦ раскаяние
 توبه کار ♦ *toubekār* ♦ توبه کار ♦ *tawbakār* ♦ кающийся, раскаивающийся
 توت فرنگی ♦ *tutfarangi* ♦ توت زمینی ♦ *tute zamini* ♦ اشتبری ♦ *eštabri* ж ♦ клубника
 توده ♦ *tude* ♦ انبوه ♦ *anbuh* ♦ کتله ♦ *katla* ж ♦ толпа
 توده مردم ♦ *tudeye mardom* ♦ کتله انسانی ♦ *katlaye ensāni* ♦ مردم ♦ *katlaye mardom* ♦
 толпа ж
 تور ♦ *tur* ♦ دام ♦ *dām* ♦ جال ♦ *jāl* ♦ рыболовная сеть, сеть для ловли птиц
 تور مو ♦ *ture mu* ♦ جالی مو ♦ *jāliye mu* ♦ сетка для волос
 تورسیمی ♦ *ture simi* ♦ جالی سیمی ♦ *jāliye simi* ж ♦ металлическая сетка
 تورم ♦ *tavarrom* ♦ انفلاسیون ♦ *enfelāsiun* ж ♦ инфляция
 تورنمنت ♦ *tornoment* ♦ دوره مسابقات ♦ *doureye mosābeqāt* ♦ تورنمنت ♦ *tornament* م ♦ турнир
 توری ♦ *turi* ♦ جالی ♦ *jālī* ♦ сетка, тюль
 توری موی ♦ *turiye muy* ♦ کیسه موی ♦ *kiseye muy* ♦ خلطه موی ♦ *xaltaye muy* ♦
 сетка для волос ж

تقریبی ♦ *taqribi* ♦ تخمینی ♦ *taxmini* ♦ приближительный
 تقویت ♦ *taqviyyat* ♦ تقویه ♦ *taqviyya* ♦ усиление, укрепление
 تقویم ♦ *taqvim* ♦ سالنامه ♦ *sālnāme* ♦ جنتری ♦ *jantari* م ♦ календарь
 تقویم جیبی ♦ *taqvime jibi* ♦ کلز ♦ *kaliz* م ♦ карманный календарь
 تک و جفت ♦ *takojoft* ♦ جفت و تاق ♦ *joftotāq* ♦ (игра) чет-нечет
 تکان ♦ *tekān* ♦ حرکت ♦ *harekat* ♦ جتکه ♦ *jotka* с ♦ движение
 تکان خوردن ♦ *tekān xordan* ♦ شور خوردن ♦ *šurxordan* ♦ двигаться
 تکان دادن ♦ *tekān dādan* ♦ تکاندن ♦ *takāndan* ♦ двигать
 تکمیل ♦ *takmil* ♦ کامل ♦ *kāmel* ♦ پوره ♦ *pura* ♦ полный
 تکمیل کردن ♦ *takmil kardan* ♦ پوره کردن ♦ *pura kardan* ♦ дополнять, совершенствовать
 تکنولوژیست ♦ *teknolojist* ♦ تکنالوجست ♦ *teknālojest* م ♦ технолог
 تکنولوژی ♦ *teknoloji* ♦ تکنالوجی ♦ *teknāloji* ж ♦ технология
 تکنیسین ♦ *teknisian* ♦ تخنیکر ♦ *taxnikar* ♦ تخنیک دان ♦ *taxnikdān* ♦ تکنیشن ♦ *teknīšan* م ♦ техник
 تکنیک ♦ *teknik* ♦ تخنیک ♦ *taxnik* ж ♦ техника
 تکه ♦ *teke* ♦ پاغنده ♦ *pāqonda* ♦ ком
 تکه تکه ♦ *tekke* ♦ تیکه ♦ *tikke* ♦ قالب ♦ *qāleb* ♦ دانه ♦ *dāne* ♦ کلچه ♦ *kolča* ж ♦ штука м, кусок
 تکه پنبه ♦ *tekkeye panbe* ♦ پاغنده پنبه ♦ *pāqondaponbe* ♦ клочок ваты
 تگرگ ♦ *tagarg* ♦ جاله ♦ *jālā* ♦ ژاله ♦ *jālā* م ♦ град
 تلفن ♦ *telefon* ♦ تیلфон ♦ *telefon* م ♦ телефон
 تلگراف ♦ *telegrāf* ♦ تیلگراف ♦ *telegrāf* ♦ телеграф м, телеграмма
 تلگرام ♦ *telegrām* ♦ تیلگرام ♦ *telegrām* ж ♦ телеграмма
 تماشا ♦ *tamāšā* ♦ سیل ♦ *sayl* م ♦ смотр
 تماشا کردن ♦ *tamāšā kardan* ♦ سیل کردن (محاوره ای) ♦ *sayl kardan* ♦
 تماشاگر ♦ *tamāšāgar* ♦ بیننده ♦ *binande* ♦ تماشا بین ♦ *tamāšābin* ♦ سیل بین (محاوره ای) ♦ *saylbin* ♦
 зритель м
 تمام شدن ♦ *tamām šodan* ♦ انجام یافتن ♦ *anjām yāftan* ♦ завершаться
 تمبر ♦ *tambr* ♦ تکت پوستی ♦ *tekete pusti* ♦ تکت پوست ♦ *tekete pusta* ж ♦ почтовая марка
 تشک ♦ *tamešk* ♦ راسبری ♦ *rāsbari* ♦ малина бот.
 تمیز ♦ *tamiz* ♦ پاک ♦ *pāk* ♦ بی آلاش ♦ *biālāyeš* ♦ سوچه << سوچه ♦ *sočča* ♦ чистый
 تن ♦ *ton* ♦ تن ♦ *tan* ж ♦ тонна
 تنبان ♦ *tonbān* ♦ شورت ♦ *šort* ♦ زیرشلواری ♦ *ziršalvāri* ♦ نیکر ♦ *nikar* ♦ چوته ♦ *čouta* ♦ трусы
 تنبيه ♦ *tanbih* ♦ جزا ♦ *jazā* с ♦ наказание
 تنبيه نمودن ♦ *tanbih nemudan* ♦ جزا نمودن ♦ *jazā namudan* ♦ наказать
 تند ♦ *tond* ♦ تر << تیز ♦ *tez* ♦ быстрый прил.

تیکه بزرگ *tikkeye bozorg* ♦ خرسنگ *xarsang* ♦ жлыба
 تیکه تیکه *tikke tikke* ♦ توته توته *tota tota* ♦ разломанный на куски
 تیکه سنگ *tikkesang* ♦ توته سنگ *totasang* ♦ обломок камня
 تیکه نان *tikkenān* ♦ تکه نان *tekkaye nān* ♦ نان *totanān* ♦ ломоть хлеба, кусок хлеба
 تيله *tille* ♦ تشله *tešla* ♦ م шарик из стекла, стеклянный шарик
 تيله بازی *tillebāzi* ♦ تشله بازی *tešlabāzi* ♦ игра со стеклянными шариками

ث

ث سه نقطه *seye se noqte* ♦ ث مثلث *seye mosallas*
 народное название пятой буквы алфавита
 ثانياً *sānian* ♦ دوم *dovom* ♦ ثانی *sāni*
 ثانیه * *sāniye* ♦ ثانیه *sāniya* ♦ секунда
 ثانیه شمار *sāniyeshomār* ♦ پاندول *pāndul* ♦ ثانیه گرد *sāniyagard* ♦ секундомер
 ثبت شده *sabt šode* ♦ راجستری *rājestari* ♦ зарегистрированный
 شروتمند *servatmand* ♦ دارا *dārā* ♦ پیسه دار *paysadār* ♦ دنیا دار *donyadār*
 богатый, богач, состоятельный

ج

جایی *jāy* ♦ پای *pāy* ♦ پدال *pedāl* ♦ پایدل *pāyda* ♦ акселератор, педаль тех.
 جاجیم *jājim* ♦ زیلو *zilu* ♦ گلیم *gelim* ♦ سدرنجی *sadranji* ♦ سترنجی *satranji* ♦ شطرنجی *šatranji*
 дорожка, половик *m*
 جادگمه *jādogme* ♦ کاج *kāj* ♦ петля в одежде
 جاده *jādde* ♦ خیابان *xiyābān* ♦ وات *wāt* ♦ ж проспект, улица
 جاده *jādde* ♦ راه *rāh* ♦ شاهراه *šāhrāh* ♦ سرک *sarak* ♦ جاده, шоссе, трасса
 جاده سازی *jāddesāzi* ♦ راه سازی *rāhsāzi* ♦ سرک سازی *saraksāzi*
 дорожное строительство *c*
 جاده شلوغ *jāddeye šolug* ♦ سرک پرپیروبار *sarake porbirobār* ♦ шумная дорога
 جاروب زن *jārubzan* ♦ خاکروب *xākrob* ♦ م дворник, уборщик
 جارو کش *jārukeš* ♦ خاکروب *xākrob* ♦ م дворник, уборщик

توفان *tufān* ♦ برف باد *barfbād* ♦ توفان باد *tufānbād* ♦ تندباد *tondbād* ♦ буря, буран
 تولد *tavallo* ♦ تولدی *tawalodi* ♦ рождение *c*
 توله سگ *turesag* ♦ چوپه سگ *čūčasag* ♦ کچک *kočak* ♦ م щенок
 تولید *toulid* ♦ محصول *mahsul* ♦ پیداوار *paydāwār* ♦ продукция
 تولید شده در کارخانه *toulid šode dar kārkhāne* ♦ پریفابریکت *perifābrikt*
 заводское изделие
 تون *tun* ♦ تنسته *tanesta* ♦ основа коврика
 ته دیگ *tahdig* ♦ ته دیگی *tahdegi* ♦ пригар плова на дне котла
 ته نشست *tahnešast* ♦ ته نشین *tahnašin* ♦ م осадок
 تهدید و سرزنش *tahdidosarzaneš* ♦ اتکه و پتکه *atakaopataka* ♦ порицание
 تهوع *tahavvo* ♦ دل بد *delbad* ♦ тошнота
 تهوع دست دادن (حالت) *tahavvo' dast dādan* ♦ دل بد آوردن *delbad āwardan*
 иметь тошноту
 تهیه *tahiye* ♦ تکه کاری *tekkakāri* ♦ ж заготовка
 تهیه کنندگان *tahiye konandegān* ♦ تکه کاران *tekkakārān* ♦ заготовители
 تهیه کننده *tahiye konande* ♦ تکه کار *tekkakār* ♦ م поставщик
 تیپ (نظامی) *tipe* ♦ لوا *lewā* ♦ ж бригаде воен.
 تیر (ماه) *tir* ♦ سرطان *saratān* ♦ IV месяц солнечного года
 تیر (پایه) *tir* ♦ فیلیپایه *filpāya* ♦ бревно, столб
 تیراندازی *tirandāzi* ♦ شلیک *šelik* ♦ فیر *fāyr* ♦ فایر *fāyr* ♦ گلوله باری *golulabāri*
 обстрел, выстрел, стрельба
 تیراندازی کردن *tirandāzi kardan* ♦ شلیک کردن *šelik kardan* ♦ فایر کردن *fāyr kardan*
 стрелять
 تیر آهن *tirāhan* ♦ آهن گادر *āhengādar* ♦ م швеллер
 تیر چراغ برق *tire čerāqe barq* ♦ چراغ پایه *čarāqpāya* ♦ م фонарный столб
 تیره *tire* ♦ خیره *xira* ♦ мутный прил.
 تیزآب * *tizāb* ♦ تیزآب *tezāb* ♦ ж азотная кислота
 تیزبین * *tizbin* ♦ تیزبین *tezbin* ♦ зоркий
 تیشه *tiše* ♦ تبر تیشه *tabarteša* ♦ тесло
 تیغ *tiq* ♦ پل ریش *pale riš* ♦ پاکی *pāki* ♦ پل ریش تراشی *pale rištārāši* ♦ ж бритва, лезвие
 تیغ *tiq* ♦ لبه *labe* ♦ تیغچه *tiqče* ♦ پل *pal* ♦ лезвие тех.
 تیغچه مته *tiqčeye matte* ♦ لبه برنده مته *labeye borrandeye matte* ♦ تیغچه مته *tiqčeye matte*
 پل برمه *pale barma* ♦ م nakonechnik сверла
 تیغچه *tiqče* ♦ درپرده *darparda* ♦ ж деревянная перегородка
 تیکه *tikke* ♦ توته *tota* ♦ م кусок
 تیکه *tikke* ♦ تکه *tekke* ♦ قالب *qāleb* ♦ دانه *dāne* ♦ کلچه *kolča* ♦ ж штука, кусок

جمع کننده مالیات *ja`m konandeye māliyāt* ♦ تحصیلدار *tahsildār*

налогоособирагель

جمعیت *jam`iyyat*. اهالی *ahālī* ♦ نفوس *nofus* с ♦جمعیت صلیب سرخ *jam`iyyate salibe sorx* ♦ جمعیت صلیب احمر *jam`iyyate salibe ahmar*

общество "Красного Креста"

جناب آقا *jenābe āqā* ♦ شاغلی *šāqlay* ♦جناب *jenāq*. استخوان سینه مرغ *ostoxāne sineye morq* ♦ چناق *čenāq*

дужка (кость птицы) ж

جناب شکستن *jenāq šekastan* ♦ عروس کشک *āruskesak* ♦ "бери и вспомни" играть вجنب *janb* ♦ به اتصال *ba ettesāl* ♦جنب دانشگاه *janbe dānešgāh* ♦ به اتصال دانشگاه *ba ettesāle dānešgāh*

возле университета

جو *jou* ♦ جو *jav*. کلو *kaljāw* ♦جو *jāwāz* ♦ لایسنس *lāysans* с ♦جو *juje* ♦ چوچه *čuča* ♦جو *juje* ♦ چوچه مرغ *čučamurq* م ♦جو *jujētiqi* ♦ خارپشت *xārpust*. خارپشت *xārpustak* م ♦جو *jujēye morq* ♦ چوچه مرغ *čučamurq* م ♦جو *juje* ♦ دلگی *delgay* ж ♦جوراب *jurāb* ♦ جراب *forāb* ♦جوراب شلوار *jurābšalvārī* ♦ سلدراج *selderāj*. سلتراج *selterāj* ♦

трико, женские панталоны

جوش *juš*. جوش صورت *juše surat*. بخار *boxār* ♦ شیرینکه *širinka* م ♦جوشکاری *juškārī*. جوش *juš* ♦ ولدنگ *woldeng*. ولدنگ کاری *woldengkārī* ж ♦جوشکاری گرم *juškārīye garm* ♦ ولدنگ گیسو *woldenge gaysi* ♦

газовая сварка, автогенная сварка

جو *jok* ♦ نکاهی *fakāhi* م ♦جوهر *jouhar* ♦ جوهر *jawhar* م ♦جوهر *jouhar*. مرکب *morakkab* ♦ رنگ قلم *range qalam* ♦جوهر سقر *jouhare saqqez* ♦ تارپین *tārpīn* م ♦جهانگرد *jahāngard* ♦ تورست *tūrest*. گزندوی << گرهندوی *garzandoy* م ♦جهانگردی *jahāngardi* ♦ تورزم *tūrezm* م ♦جیب *jīb* ♦ جیب *jeb* م ♦جیر *jir* ♦ سابر *sābar* ж ♦جیر جیرک *jirjirak* ♦ بمبیرک *bambīrak*. چرچرک *čerčerak*. چراسک *čarāsak*. چراسک *jerāsak* ♦

сверчок зоол. м

جیره *jire* ♦ استحقاق *estehqāq* ж ♦جاری *jārī*. زن برادر شوهر *zane barādaršouhar* ♦ زن ایور *zane eywar*

жена брата мужа ж

جاسوس *jāsus* ♦ اجنت *ajent*. گرگ (محاوره ای) *gargak* ♦جاکلیدی *jākelidi* ♦ کلی *keliband* م ♦جالیز *jālīz* ♦ فالیز *fālīz*. پالیز *pālīz* ♦جالیز کاری *jālīzkārī* ♦ فالیز کاری *fālīzkārī*. پالیز کاری *pālīzkārī* ♦جالیزی *jālīzi* ♦ فالیزی *fālīzi*. پالیزی *pālīzi* ♦جامه کهنه *jāme kohne* ♦ جند *jānda* ♦جانشین موقت *jānešīne movaqqat* ♦ کفیل *kafil* ♦زمانه *jānevaršenās* ♦ زولوگست *zoologest* م ♦جانورشناسی *jānevaršenāsi* ♦ زولوگستی *zoologesti* ж ♦جبر *jabr* ♦ الجبر *aljabr* ж ♦جبران *jobrān* ♦ تاون *tāwān* ♦جذام *jōzām* ♦ خورد *xora* ж ♦جرثقیل *jarresaqil* ♦ کرن *kren*. کرین *kreyn*. موترکین *mutare kreyn* ♦

подъемный кран тех. м

جز *jōz*. قسمت *qesmat* ♦ لخت *loxt* م ♦جستجو کردن *josteju kardan* ♦ پالیدن *pālidan* ♦جشن *jašn* ♦ میلہ *mela* ♦جشن گرفتن *jašn gereftan* ♦ تجلیل نمودن *tajlil namudan* ♦جعبه دنده *ja`beye dande* ♦ گیربکس *gerbaks* ♦جعبه سیگار *ja`beye sigār* ♦ سگرت دانی *segret dāni* ♦جغد *jōqd* ♦ جغد *juqd* ж ♦جفت *jōft* ♦ جورہ *jura* ж ♦جفت شدن *jōft šodan* ♦ جورہ شدن *jura šodan* ♦جک *jak* ♦ تایرکش *tāyrkas* م ♦جگری *jegari* ♦ سرخ جگری *sorxe jegari* ♦جلا *jālā* ♦ درخشش *daraxšeš* م ♦جلا دهنده *jālādahande*. زداینده *zodāyande*. روشنگر *roušangar* ♦جلاد *jallād* ♦ دارکش *dārkaš* م ♦جلد *jeld* ♦ پوست *poost* ♦جلسه *jālese* ♦ جلسه *jālesa* с ♦جلگه *jolge*. دشت *dašt* ♦ جلگه *jelga*. وادی *wādi* ж ♦جلیتقه *jelitqe*. ژیلت *jilet* ♦ واسکت *wāskat* م ♦جم *jam* ♦ جام *jām* م ♦

چاپ ✧ čāp طبع ✧ tab
 چاپ کردن ✧ čāp kardan طبع کردن ✧ tab ` kardan
 چاپخانه ✧ čāp xāne مطبعه ✧ matbaa
 چاپلوس ✧ čāplus چالپوس ✧ čāplus m
 چادر ✧ čādor چادری ✧ čādorī ж
 چادر، палатка ✧ čādor хейма ✧ čādor * хейме ✧ tājz تاجز
 چارپایه ✧ čārpāye چارپایی ✧ čārpāyi
 چارق ✧ čaroq چاروق ✧ čāruq
 چاق ✧ čāq چور ✧ čur
 چاله ✧ čāle گودال ✧ goudāl چقور ✧ čqur چقر ✧ čqur
 چانه ✧ čāne (اسم) الاش ✧ alāša ж
 چانه زنی ✧ čānezani جگره ✧ jagra
 چای ✧ čāye کامرنگ ✧ čāye kamrang چای آبگین ✧ čāye ābgīn
 چایدان ✧ čāydān چایدانی ✧ čāydāni
 چپ ✧ čap چپک ✧ čapak
 چپ دست ✧ čapast چپک ✧ čapak
 چپ راست ✧ čaprāst چنگک و مادهگی ✧ čangakomādagi
 چپراس ✧ čaprās چنگک و مادهگی ✧ čangakomādagi
 چپو ✧ čapu چپه دست ✧ čapadest
 چپه ✧ čape برعکس ✧ baraks سرچپه (محاوره ای) ✧ sarčapa
 چپه شدن ✧ čappe šodan تکر شدن ✧ takar šodan
 چپه شدن ✧ čape šodan سرچپه شدن ✧ sarčapa šodan
 چتر ✧ čatr چتری ✧ čatri
 چترنجات ✧ čatre nejat پاراشوت ✧ parāšut m
 چراغ ✧ čerāq دیواری ✧ čerāq divāri براکت ✧ barāket m
 چراغ راهنمایی ✧ čerāq rāhnehmāyi چراغ ترافیکی ✧ čarāq tarāfiki m
 چراغ نفتی ✧ čerāq nafti فانوس ✧ fānus الیکین ✧ aleykeyn ж
 چراگاه ✧ čarāgāh مرغزار ✧ marqazār علفچر ✧ alafčar c
 چرب ✧ čarb چربی ✧ čarbi چربو ✧ čarbu m
 چرخ ✧ čarx عراده ✧ arrāda c

چرخ خیاطی ✧ čarxe xayūāti ماشین خیاطی ✧ māšīne xayūāti ж машина швейная
чрх گوشت ✧ čarxe gušt ماشین گوشت ✧ māšīne gušt мясорубка ж
چرځدنده ✧ čarxdande گرای ✧ gerāri س зубчатое колесо с
چړک ✧ čerk ریم ✧ rim م гной м
چړک نویس ✧ čerknevis چتل نویس ✧ čatalnawis черновик м
چرم کف کش ✧ čarme kafe kafš تل بوت ✧ tale but подметка ж
چرمىنه ✧ čarmine چرم باب ✧ čarbāb кожанные изделия
چسفیل ✧ čosefil ذرت ✧ zorrāt پله ✧ pola воздушная кукуруза
چشم * ✧ češm چشم ✧ časem глаз
- مردمک چشم mardomake češm ننی گل ✧ nanigak зрачок м
چشم انداز ✧ češmandāz منظره ✧ manzare دور نما ✧ durnomā вид, пейзаж
چشم به هم زدن ✧ češm beham zadan مؤذ بهم رساندن ✧ meja baham rasāndan
моргать глазом
چشمک ✧ češmak ابروگک ✧ abrugak کرشمه ✧ karašma подмигивание
چشمک زدن ✧ češmak zadan ابروگک زدن ✧ abrugak zadan کرشمه کردن ✧ karašma kardana
моргать, подмигивать
چشونده ✧ češande چاشنی گیر ✧ časniger м дегустатор
چغندر ✧ čoqondar لبلبو ✧ lablabu свекла ж
چفت ✧ çeft قلنك ✧ qolfak چفتي ✧ çefti жадвижка ж, шпингалет м
چکاوک (پرنده) ✧ čakāvāk ملاګګ ✧ mollāgak жаворонок м
چکش ✧ čakoš میخکوب ✧ mexkub молоток м
چکمہ ✧ čakme بوت موزه ✧ bute muza муза ✧ muza сапоги
چکیدان ✧ çekidan چلک کردن ✧ čalak kardan протекать, капать
چکیدانه سقف ✧ çekidane safq چکک ✧ čakak протекание крыши
چلانیدن ✧ celāndan شیلیدن ✧ špelidan выжимать белье
چلغوز ✧ čalquz فضله ✧ fazle پخیال ✧ payxāl помёт м
چلو صاف کن ✧ čelousāfkon چلو صافی ✧ čelusāfi چلني ✧ čalani дурушлаг м
چلوکش ✧ čeloukeš صافی ✧ sāfi زازل ✧ zāzal дурушлаг м
چماق ✧ čomāq دانګ (محاوره ای) ✧ dāng سوتاه ✧ sota посох
چمهجه ✧ čamče فاشق بزرګ ✧ qašoqe bozogrg چمچه ✧ čamča كنفچه ✧ kafča половник
چمدان ✧ čamedan صندوق ✧ sanduq جامه داني ✧ jāmadāni بكس ✧ baks сундук
چمدان های سفر ✧ čamedānhāye safar بګس های سفر ✧ bakshāye safar багаж м
چنگ ✧ čang قلاب ✧ qollāb چنگګ ✧ čangak چاپوز ✧ čāpuz крючок м
چنگال ✧ čangāl پنجه ✧ panja ж вилка
چوب پرده ✧ cube parde سرپرده ✧ sarparda راد پرده ✧ rāde parda карниз

باردار *bārdār* حامله *hāmele* حامله دار *hāmeladār* *beremennaya*
 حامی *hāmi*. پشتیبان *poštibān* * ساتندوی *sātandoy*. پالندوی *pālandoy*
 پوشاک، حفاظت *hāmi*
 حب *habb*. قرص *qors* * تابلیت *tābleyt*. گولی *guli* *
 حباب *hobāb* * پوکانه *pukāna* *
 حتی *hattā* * حتا *hattā* *
 حجره *hojre* * غرفه *qorfa* *
 حجم * *hājim* * حجم *hojm* *
 حد اقل *hadde aqqal* * حد اصغر *hadde asqar* *
 حد اکثر *hadde aksar* * حد اعظم *hadde a'zam* *
 حدیث *hadis*. حکایت *hekāyat* * افسانه *afšana* *
 حراج *harāj* * لیلام *lilām* *
 حراج کننده *harāj konande* * لیلامچی *lilāmci* *
 حراجی *harāji* * لیلامی *lilāmi* *
 حرارت گرمی *harāratgarmi* * مرکز گرمی *markazgarmi* *
 حراست *herāsat* * ترصد *tarassod* *
 حراست هوایی *herāsat havāyi* * ترصد هوایی *tarassode havāyi* *
 حریف *harf* * زد *zadan* *
 حرکت *harekat*. تکان *tekān* *
 حسابدار *hesābdār* * محاسب *mohāseb* *
 حسابدار ارشد *hesābdāre aršad* * سرمحاسب *sarmohāseb* *
 حسابداری *hesābdāri* * محاسبه *mohāseba* *
 - سرفصل های حسابداری *hesābdāri sarfasl hāye* * پلان شیت *pelānsit* *
 حسابداری نقدی *hesābdāriye naqdi* * محاسبه نقدی *mohāsebeye naqdi* *
 حسابداری مالی *hesābdāriye mali* *
 حصار *hesār*. نرده *narde* * قطاره *qatāra*. کتاره *katāra* *
 حصیه *hasbe* * محرقه *moharraqa* *
 حصیر *hasir* * بوریا *buryā* *
 حصیریاف *hasirbāf* * بوریایاف *buryābāf* *
 حصیرفروشی *hasirforuši* * بوریافروشی *buryāforuši* *
 حضور و غیاب *hozuroqiyāb* * حاضری *hāzeri* *
 حفار *haffār*. حفر کننده *hafr konande* * برمه کار *barmakār* *
 حفاری *haffāri* * برمه کاری *barmakāri* *
 حفر کننده *hafr konande*. حفار *haffār* * برمه کار *barmakār* *
 حق الزحمه *haqqozzahme* * حق الزحمه *haqqozzahmat*. فیس *fis* *
 حق الزحمه *haqqozzahme* * حق الزحمه *haqqozzahmat* *
 حق الزحمه *haqqozzahme* * حق الزحمه *haqqozzahmat* *
 حق الزحمه *haqqozzahme* * حق الزحمه *haqqozzahmat* *

چوب پنجه *čubranbe* * دهان پتک *dehānpotak*. کارک *kārk*. کاک *kāk* *
 - باز کن چوب پنجه *bāzkone čubranbe* * کاک کش *kākkas* *
 چوب چوپانی *čube čupāni* * کتک *kotak* *
 چوب چوگان بازی *čube čougānbāzi* * دنده *danda*. دنده هوکی *dandaye hokey* *
 کلیوшка، پالکا спорт. ж
 چوب سرمه *čube sorme* * سلانی *salāyi* *
 چوب سیگار *čubsigār* * لب نی *labnay* *
 چوبی که در وقت شخم استفاده می شود *čubi ke dar vaqte šoxm estefāde mišavad* *
 کلی گک *keligak* *
 چوپان *čupān* * پاده وان *pādawān* *
 چوپانی *čupāni* * پاده وانی *pādawāni* *
 چوگان *čougān* * هوکی *hokey* *
 چهارچوب پنجره *čharčube ranjare* * تنگ کلکین *tabange kelkin* *
 چهارراه *čharrah* * چوک *čawk* *
 چهارگوش *čhārguš*. مربع *morabba* * چهارکنج *čhārkonj*. چهار گوشه *čhārguša* *
 چهارچوب *čahčah* * چهارچوب *čahčama* *
 چهره *čehre* * چهره خط *čehraxatt* *
 چیدن *čidan* * تاله کردن *tāla kardan* *
 چیدن سفره *čidane sofre* * تاله کردن دستر خان *tāla kardane desterxān* *
 راستی *čidane* *
 چیزهای ضروری *čizhāye zarur* * چیزهای کارآمد *čizhāye kārāmad* *
 چینی *čini* * چینیائی *čināyi* *
 چینی *čini* * چینیائی *čināyi* *

ح

حاشیه *hāšiye* * لبکی *labaki* *
 حاشیه دور *hāšiye dore* * لبکی دور *labaki dore* *
 حاضری *hāzeri* * حاضری گرفتن *hāzeri gereftan* *
 حالت تهوع *hālate tahavvo* * دل بدک *delbadak*. دل بدی *delbadi* *
 حاملگی *hāmelegi*. بارداری *bārdāri* * حاملگی *hāmelagi* *
 حاملگی خارج از رحم *hāmelegiye xārej az rahem* *
 حمل خارج رحمی *hāmele xārejrahemi* *

удивление с ⇨ *heytrat* حیرت ⇨ *hayrat* حیرت
 حیف* ⇨ *heyf* حیف ⇨ *hayf* حیف
 хитрость ж ⇨ *farib* فریب ⇨ *com* چم
 животное с ⇨ *haywān* حیوانات (حيوانات)
 - مثانه حیوانات ⇨ *massāneye heyvānāt* پوقانه ⇨ *roqāna* مочевой пузыря (животных)

خ

خار ⇨ *xār* سرخار ⇨ *sarxār* жульничка
 خاریشت بزرگ ⇨ *xārpošte bozorg* چکاسه ⇨ *čakāsa* м (большой) еж
 خارج از رحم ⇨ *xārej az rahem* خارج رحمی ⇨ *xārejerahemi* внематочная
 خار و خاشاک ⇨ *xāroxāšāk* خس و خاشاک ⇨ *xasoxāšāk* сор
 خار و خس ⇨ *xāroxas* خس و خاشاک ⇨ *xasoxāšāk* сор
 خاش ⇨ *xāš* خاشاک ⇨ *xāšāk* خس ⇨ *xas* خاشه ⇨ *xāšā* ж
 خاشاک ⇨ *xāšāk* خاش ⇨ *xāš* خس ⇨ *xas* خاشه ⇨ *xāšā* ж
 خاک انداز ⇨ *xākandāz* بیلچه ⇨ *belča* совок
 خاکروبه ⇨ *xākrupe* خاک جارو ⇨ *xākjāru* м
 خاکریز ⇨ *xākriz* سپر خاک ⇨ *soporxāk* لوک خاک ⇨ *lokxāk* насыпь, землянное укрепление
 خاکستری ⇨ *xākestari* بور ⇨ *bor* تومی ⇨ *tumi* серый прил.
 خاکی ⇨ *xāki* خامه ⇨ *xāma* м
 خالی ⇨ *xāli* داک ⇨ *dāk* пустой
 خاموش کردن ⇨ *xāmuš kardan* گل کردن ⇨ *gol kardan*
 потушить, выключать, погасить
 خاموشی ⇨ *xāmuši* خپ ⇨ *xop* тишина ж
 خامه ⇨ *xāme* قیماق ⇨ *qaymāq* ж сметана
 خانم ⇨ *xānom* میرمن ⇨ *merman* госпожа, женщина ж
 خانم باز ⇨ *xānombāz* دختر باز ⇨ *doxtarbāz* زنکه باز ⇨ *zanakabāz* м бабник
 خانه ⇨ *xāne* اتاق ⇨ *otāq* کوته ⇨ *kouta* м
 خانهای که کودک در آن به دنیا می آید ⇨ *xāneyi ke kudak dar ān be donyā miāyad* дом где рождается ребенок
 زچه خانه ⇨ *zočchāxāna* پاک سازی ⇨ *pāksāzi* پاک کاری ⇨ *pākkāri* очистка
 خانه کوچک ⇨ *xāneye kučak* کوتی ⇨ *koti* м домик

حق به جانب ⇨ *haqqbejāneb* حق به طرف ⇨ *haqqbataraf* правый
 حقوق ⇨ *hoquq* معاش ⇨ *maāš* ж
 حقوق معین ⇨ *hoquqe moa'yan* دستمزد ⇨ *dastmozd* تنخواه ⇨ *tanxāh*
 заработная плата ж, оклад м
 حقیقت واقعی ⇨ *haqiqate vāqei* حقیقت عینی ⇨ *haqiqate ayni*
 объективная реальность ж
 حکایت ⇨ *hekāyat* حدیث ⇨ *hadis* افسانه ⇨ *afsāna* ж басня
 حکایت ⇨ *hekāyat* حکایه ⇨ *hekāya* ж
 حکم* ⇨ *hokm* حکم ⇨ *hokom* м
 حل کردن ⇨ *hall kardan* فیصله کردن ⇨ *faysala kardan* решать
 حلبی ⇨ *halabi* جست ⇨ *jast* ж
 حلقه آهنی ⇨ *halqeye āhani* تسمه ⇨ *tasme* گیره ⇨ *gire* رکابک ⇨ *rekābak* پتره ⇨ *patra*
 железная скоба
 حلقه قفل در ⇨ *halqeye qofle dar* زلفی ⇨ *zolfi*
 кольцо для дверной цепочки, петля
 حلقه نامزدی ⇨ *halqeye nāmzadi* چله ⇨ *čela* кольцо обручальное
 حمال ⇨ *hammāl* باربر ⇨ *bārbar* قلی ⇨ *qoli* جوالی ⇨ *jawālī* м
 حمام ⇨ *hammām* غسل خانه ⇨ *qoselxāna* ж
 حمام کردن ⇨ *hammām kardan* استحمام ⇨ *estehmām* غسل ⇨ *qosel* جان شویی ⇨ *jānšuyi* купание
 حمایت ⇨ *hemāyat* حمایت ⇨ *hemāya* защита, покровительство
 حمایت طفل و مادر ⇨ *hemāyate teflomādar* روزتون ⇨ *rozentun*
 защита матери и ребенка
 حمل* ⇨ *haml* حمل ⇨ *hamel* перевозка
 حمله کردن ⇨ *hamle kardan* یورش بردن ⇨ *yureš bordan* حمله ور شدن ⇨ *hamlewar šodan*
 нападать, атаковать
 حنا ⇨ *hanā* خینه ⇨ *xina* ж
 حوزه ⇨ *houze* رقبه ⇨ *roqaba* زون ⇨ *zon* ж
 حوله ⇨ *houle* روی پاک ⇨ *ruypāk* روی مال ⇨ *ruymāl* с
 حوله حمام ⇨ *houleye hammām* جان خشکان ⇨ *jānxoškān* банное полотенце
 حیاتی ⇨ *hayāti* معیشتی ⇨ *maišati* жизненный
 حیاط ⇨ *hayāt* حویلی ⇨ *hawili* м двор
 حیثیت* ⇨ *heysiyyat* حیثیت ⇨ *haysiyyat* پرستیج ⇨ *parastij* پرستیج ⇨ *parastij*
 престиж, репутация, авторитет м
 حیران* ⇨ *heyrān* حیران ⇨ *hayrān* изумленный, удивленный
 حیران شدن ⇨ *heyrān šodan* حیران ماندن ⇨ *hayrān māndan*
 изумляться, удивляться, восхищаться

خانه میبله xāneye moble ✧ سامان دار sāmāndār ✧ ж квартира меблированная
 خانه ییلاقی xāneye yeylāqi ✧ باغ bāq ✧ صیفیه sayfiya ✧ ж дача
 خبر (از کسی) xabar ✧ درک darak ✧ ж (от кого-либо) вестъ
 خبرنگار xabarnegār ✧ نامه نگار nāmanegār ✧ м журналист корреспондент
 ختنه xatne ✧ ختان xatān ✧ обрезание
 خدمات بهداشتی xadamāte behdāšti ✧ سرویس صحي serwise sehhi ✧
 медицинское обслуживание с, медслужба
 خدمت سربازی xedmate sarbāzi ✧ نظام وظیفه nezām vazife ✧
 خدمت عسکری xedmate askari ✧ ж военная служба
 خدمتکار xedmatkār ✧ پادو pādo ✧ نفر nafar ✧ м курьер, слуга
 خرابکاری xarābkāri ✧ سابوتاژ sābotāz ✧ ж саботаж, диверсия
 خراش xarāš ✧ پرت part ✧ خراشیده gi xarāšidagi ✧
 - جای خراش ناخن jāye xarāše nāxon ✧ پرتله partala ✧ ж царапина
 خراشیدن با ناخن xarāšidan bā nāxon ✧ پرت کشیدن part kašidan ✧
 خرامیدن * xarāmīdan ✧ خرامیدن xerāmīdan ✧ چامیدن čāmīdan ✧
 عزیزه xarboze ✧ خربوزه xarboza ✧ ж дыня
 خرنج xarčang ✧ خارچنگ xārčāng ✧ м рак, краб
 خرد xord ✧ خرده xorde ✧ میده (محاوره ای) mayda ✧ мелкий
 خرداد (ماه) xordād ✧ جوزا jauzā ✧ ж III месяц солнечного года
 خرد خرد xord xord ✧ میده میده mayda mayda ✧ мелко-мелко
 خرد خرد کردن xordxord kardan ✧ جاب جاب jāb jāb ✧ کردن
 خرد کردن xord kardan ✧ توتہ tota ✧ توتہ tota ✧
 خرد کردن xord kardan ✧ ۱- میده کردن mayda kardan ✧ ۲- چکیدن (محاوره ای) čokīdan ✧
 خردسال xordsāl ✧ خرد ترک xordtarak ✧ ✧ маленький
 خردل xardal ✧ مصتر mastar ✧ ж горчица
 خرده xorde ✧ خرد xord ✧ میده (محاوره ای) mayda ✧ мелкий
 خرده ریز نان xorderize nān ✧ میدهگی (نان) maydagi ✧ крошки (хлеба)
 خرده فروش xordeforuš ✧ پرچون فروش parčunforuš ✧
 خرده فروش xordeforuš ✧ میده فروش maydaforuš ✧
 خرده فروشی xordeforuši ✧ پرچون فروشی parčunforuši ✧
 خرده نان xordenān ✧ ریزگی نان rezagiye nān ✧ крошки хлеба
 خرمگس xarmagas ✧ غور مگس qormagas ✧ м овод
 خروف xoropof ✧ غوغز qeqej ✧ м храп

خزان ✧ *xazān* ✧ تیرماه ✧ *termāh* ✧ ж осыз
 خزنده ✧ *xazande* ✧ خرنده ✧ *xazenda* ✧ с пресмыкающееся
 убыток м ✧ *xesāra* ✧ خساره ✧ *xesārat* ✧ خسارت
 усталый прил. ✧ *mānda* ✧ مانده ✧ *xaste* ✧ خسته
 утомительный прил. ✧ *xastakon* ✧ کن خسته ✧ *xaste konande* ✧ خسته کننده
 будь здоров, молодец ✧ *mānda nabāši* ✧ مانده نباشی ✧ *xaste nabāši* ✧ خسته نباشی
 разбитый, уставший, усталый ✧ *tekkatekka* ✧ تکه تکه ✧ *xasteokufte* ✧ کوفته و خسته
 лунное затмение ✧ *mahtābgeraftagi* ✧ گی مهتاب گرفته ✧ *xosuf* ✧ خسوف
 сухой, черствый ✧ *qāq* ✧ قاق ✧ *bayāt* ✧ بیات ✧ *xošk* ✧ خشک
 خشکبار ✧ *xoškbār* ✧ خشکبار ✧ *xoškbāb* ✧ میوه خشک ✧ *teywaye xošk* ✧ сухофрукты
 خشکه بار ✧ *xoškebār* ✧ خشکبار ✧ *xoškbāb* ✧ сухофрукты
 خشکی ✧ *xoški* ✧ خشکه ✧ *xoška* ✧ ж суша геогр.
 خط ✧ *rāh* ✧ راه ✧ *lāyn* ✧ لاین ✧ *layn* ✧ ж линия
 خط انتقال برق ✧ *xatte enteqlāle barq* ✧ لاین انتقال برق ✧ *layne enteqlāle barq* ✧ ж
 линия электропередачи (ЛЭП)
 خط تیره ✧ *xatte tire* ✧ خط فاصله ✧ *xatte fāsele* ✧ ж черточка
 خط ✧ *xatt* ✧ راه ✧ *rāh rāh* ✧ خط دار ✧ *xattdār* ✧ в полосу, полосатый прил.
 خط شکسته ✧ *xatte šekaste* ✧ خط شکست ✧ *xatte šekast* ✧ вид почерка
 خط فاصله ✧ *xatte fāsele* ✧ خط تیره ✧ *xatte tire* ✧ ж черточка
 خط لوله ✧ *xatte lule* ✧ پاپ لاین ✧ *pāyplayn* ✧ м трубопровод
 خط لوله گاز ✧ *xatte luleye gāz* ✧ پاپ لاین گاز ✧ *pāyplayne gāz* ✧ м газопровод
 خط لوله نفت ✧ *xatte luleye naft* ✧ پاپ لاین تیل ✧ *pāyplayne tel* ✧ м нефтепровод
 خفاش ✧ *xoffāš* ✧ موش پرن ✧ *muše parān* ✧ شب پرک ✧ *šabparak* ✧ летучая мышь зоол.
 حل ✧ *xol* ✧ خنگ ✧ *xeng* ✧ لوده ✧ *louda* ✧ м балда, болван
 خلبان ✧ *xalabān* ✧ هواپاز ✧ *hawābāz* ✧ طیاره ران ✧ *tayyārārān* ✧ طیاره وان ✧ *tayyārāwān* ✧ هوانورد ✧ *hawānaward* ✧ ж
 пилот, летчик м, авиатор
 خلبان ✧ *xalabān* ✧ پیلوت ✧ *pilut* ✧ ж пилот, летчик м, авиатор
 خلبانی ✧ *xalabāni* ✧ هوانوردی ✧ *hawānawardi* ✧ ж авиация
 خلف وعده ✧ *xolfe va`de* ✧ بی لفظی ✧ *belafzi* ✧ невыполнение обещания
 خلف وعده کردن ✧ *xolfe va`de kardan* ✧ بی لفظی کردن ✧ *belafzi kardan* ✧ ж
 не выполнять обещанное
 خلم ✧ *xelm* ✧ خلم ✧ *xelem* ✧ сопла
 خمپاره ✧ *xompāre* ✧ مین ✧ *min* ✧ مین ✧ *mayn* ✧ ж мина воен.
 خمپاره انداز ✧ *xompāreandāz* ✧ هواوان ✧ *hāwān* ✧ м миномет воен.
 خمره ✧ *xomre* ✧ جات ✧ *čāti* ✧ м большой глинянный кувшин

خیریه* *xeýriye* ✧ خیریه *hayriya* ✧ благотворительный
 خیلی تاریک *xeýli târik*. کاملاً تاریک *kâmelan târik* ✧ تپ و تاریک (محاوره ای) *tapotârik* ✧
 совсем темный
 خیلی شلوغ *xeýli şoluq* ✧ پرریو و بار *porbirobâr* ✧ шумный, многолюдный
 خیمه* *xeyme*. چادر *çâdor* ✧ خیمه *xeyma*. تازجی *tâjji*. غزدی *qajdi* ✧ шатер, палатка
 خیمه بزرگ *xeymeye bozorg*. یورت *yurt* ✧ خرگاه *xergâh* ✧ м. юрта, шатер

2

دادستان dādstān * سارنوال << sārnanwālī * прокурор м
دادستانی dādstetāni * سارنوالی << sārnanwālī * прокуратура ж
دادگاه dādgāh * محکمه mahkama * суд м
دادگاه عالی dādgāhe āli * ستړه stera mahkama * верховный суд
داد و ستد dādosetad * داد و گرفت dādogereft * торговля, товарообмен
دارا dārā. ثروتمند servatmand * پیسه دار paysadār * богат, состоятельный
دارایی dārāyi * مایملک māymlak * состояние, имущество с
دارایی dārāyi * مالیہ māliya. فنانس << fenāns * богатство, финансы
دارایی غیرمنقول dārāiye qeyre manqul * جایداد jāydyād * недвижимое имущество с
داربست dārbast * خوازہ xawāza * строительные леса
دارچین dārčini * دارچینی dārčini. دالچینی dālčini * ж * корица
دارکوب (کاکلی) dārkub * نجار nājjarak * м * дятел
دارو dāru * ادویه adwiyā * الدواء adwiyā * с * лекарство
دارو فروشی dāruforuši. داروخانه daruxāne * درملتون derملتun. ادویه فروشی adwiyāforuši. * аптека ж
داروخانه dāruḡxāne. دارو فروشی dāruforuši * درملتون derملتun. ادویه فروشی adwiyāforuši. * аптека ж
داروساز dārusāz * کمپودر kampudar * м * фармацевт
داروسازی dārusāzi * فارمسی fārmasi * ж * фармацевтика
داس شمشیری dāse šamširi * داسکله dāskala * м * садовый нож
داشتن dāštan * داشته بودن dāšta bodan * * иметь
دام dām * تلک talak * мышеловка, капкан
دام dām. تور tur. جال jāl * * рыболовная сеть, сеть для ловли птиц
دام (بازی) dām * دوازده بزه dawāz dahboza * (игра) * шашки

دربان darbān پاسدار pāsdār نگهبان negahbān پیره دار payradār پیره دار pahrādār
 охранник, караульный, часовой
 دربان darbān چاوش ēawuš چوکی دار čawkidār
 сторож м, охранник м
 دربارنی darbāni چوکی دار čawkidār
 охрана ж
 درجه darāje پایه pāye رتبه rotba
 ранг
 درجه darāje کتگوری katagori
 категория ж
 در حدود dar hodude تخمین taxmin
 приблизительный, приблизительно
 در حضور dar hozur پیش روی pešroy
 в присутствии
 درخت ذغال axte deraxte سیاه چوب siyāhčob
 кизиловое дерево
 در رابطه با dar rābete bā در رابطه با dar rābete bā
 касающийся чего-либо
 درخواست darxāst استعلام este lām
 заявление с
 درخواستی darxāsti عریضه ariza
 заявление с
 درز darz شکاف šekāf مریک tuyak
 трещина ж
 درز darz لا lā انگاف engāf
 щель, шов
 درصد darsad سود sud تکت پولی teketpuli
 процент, гербовый сбор, дивиденд
 درصد darsad تکتانه teketāna
 процент м
 درصدی darsadiye وام tekespuli
 процент займа
 درگوشی گفتن dareguši goftan پس پس کردن pespes kardan
 шептаться
 درل drel برمه barma
 дрель тех.
 درل برق drele barqi برمه برقi barmaye barqi
 электрическая дрель тех.
 درو * dero درو deraw
 жатва ж
 دروازه بان darvāzebān گول کیپر golkipar
 вратарь м
 دروغ doruq ساختگی sāxtagi
 поддельный, обман м
 درویش darviš صوفی sufi چنده پوش čondapoš
 дервиш, нищий
 دریا daryā بحر bahr
 море с
 دریاچه daryāče بحیره bahira
 озеро с
 دزد dozd بی کار bikār هرزه گو harzegu ستروک struk
 бездельник, болтун, вор
 دسامبر desāmbr دسمبر desambar
 ديسمبر disambar
 декабрь м
 دست dast (لباس) ثوب saub
 единица измерения одежды
 دست انداز dastandāze rah ماهور māhūr چتوری سرک čoquriye sarak
 دست انداز (дорожная) овраг, яма
 دست اندرکار dastandarkār ماهر māher
 چیره دست čiradest
 опытный, знающий
 دست خط dastxatt نسخه قلمی noxhaye qalami
 рукопись ж
 دست درازی dastderāzi دست اندازی dastandāzi
 دست درازی کردن dastderāzi kardan دست اندازی کردن dastandāzi kardan
 задевать, задеть, притеснять

دام پرووری dāmparvari مالداري māldāri
 животноводство с
 دام داری dāmdāri مالداري māldāri
 животноводство с
 دامپزشک dāmpzešk وترنر weterenar
 ветеринар м
 دامپزشکی dāmpzeški وترنری weterenari
 ветеринарный, ветеринария
 دانا dānā پوهند pohand
 знающий
 دانش dāneš علم elm پوهنه pohane
 siyāns
 ساینس sāyns
 знание с, наука ж
 دانشجو dānešju محصل mohassel
 студент м
 دانشجوی فوق لیسانس dānešjuye fouqe lisāns
 аспирант m
 mohassele māstari
 محصل ماستری
 دانشسرا dānešsarā دارالمعلمین dārolmoallemīn
 педагогическое училище с
 دانشکده dāneškade ۱- پوهنی pohani * پوهنځی pohanzay ۲- انستیتوت enstitut
 1.факультет 2.институт
 دانشکده dāneškade فاکولته fākulta
 факультет м
 دانشگاه dānešgāh پوهنتون puhantun
 پوهانتون puhāntun
 университет м
 دانشمند dānešmand عالم ālem پوهندوی pohandoy
 ساینس sāyns
 دان sāynsdān
 ученый м
 دانشمندان dānešmandān علما olamā
 پوهان pohān
 ученые
 دانشیار dānešyār پوهنیار pohanyār
 پوهنمل pohanmal
 доцент, преподаватель
 دانه dāne دانه dānagak
 крупинка, зернышко
 دانه dāne عدد adad تیکه tikke
 قالب qāleb کلچه kolča
 کوسک m, شتوка ж
 دانه برف dāneye barf چیر برف čirbarf
 снежинка ж
 دایی dāyi ماما māma
 дядя (брат матери) м
 دبیر dabir منشی monši
 секретарь м
 دبیرستان dabirestān لیسه lisa
 средняя школа
 دبیرستان شبانه dabirestāne šabāne شبی lise
 spi lisa
 вечерняя школа
 دچار dočār دوچار dočār
 подвергшийся
 دختر ناتانی doxtare nātani دختر اندر doxtarandar
 падчерица ж
 دخل daxl تینگ دوکان tabange dokān
 прилавок
 درآمد darāmad عاید (عواید. عایدات) āyed
 м
 درآمد ملی darāmade melli عاید ملی āyede melli
 национальный доход
 دراز derāz طویل tavil طولانی tulāni
 کشال kašāl
 kašāl
 долгий
 دراز رخ derāzrox روی کتابی ruyketābi
 человек с длинным лицом м
 درازمدت derāzmoddat طویل المدت tawilolmoddat
 долгосрочный прил.
 وام درازمدت vāme derāzmoddat قرضه طویل المدت qarzaye tawilolmoddat
 долгосрочный кредит м
 درام drām درامه derāma
 драма ж
 دراماتیک drāmātik دراموی derāmawī
 драматический

دفتر سیاسی ⇨ *daftare siyāsi* ⇨ بیروی سیاسی ⇨ *buroye siyāsi* ⇨ политбюро
 دفعه ⇨ *daf' e*. بار ⇨ *bār*. مرتبه ⇨ *martabe* ⇨ کرت ⇨ *karat* ⇨ *раз*
 دقت کردن ⇨ *deqqat kardan* ⇨ غور کردن ⇨ *qour kardan* ⇨ обращать внимание
 دقیقه * ⇨ *daqiqe* ⇨ دقیقه ⇨ *daqīqa* ⇨ دقیقه
 دقیقه شمار ⇨ *daqiqe šomār* ⇨ دقیقه گرد ⇨ *daqiqagard* ⇨ минутная стрелка
 دکان ⇨ *dokān* ⇨ دکان ⇨ *dukān* ⇨ магазин
 دکتر ⇨ *doktor* ⇨ دکتر ⇨ *doktor*. داکتر ⇨ *dāktar* ⇨ دکتر م ⇨ *dāktar*
 دکتر زنان ⇨ *doktore zanān* ⇨ داکتر نسائی ⇨ *dāktare nesāyi* ⇨ гинеколог
 دکتر کشیک ⇨ *doktore kešik* ⇨ داکتر نوکیوال ⇨ *dāktare nāwkariwāl* ⇨ дежурный врач
 دکتر ⇨ *doktorā* ⇨ داکتری ⇨ *dāktari* ⇨ докторантура
 دکور ⇨ *dekor* ⇨ دیکور ⇨ *dekor* ⇨ декорация
 دلار ⇨ *dolār* ⇨ دلار ⇨ *dālar* ⇨ دلار م ⇨ *dālar*
 دلخور شدن ⇨ *delxor šodan* ⇨ دل بد شدن ⇨ *delbad šodan* ⇨ обижаться
 دلسرد ⇨ *delsard* ⇨ سرددل ⇨ *sarddel* ⇨ безразличный
 دلفین ⇨ *dolfin* ⇨ الدفین ⇨ *dālfīn* ⇨ дельфин
 دلگشا ⇨ *delgošā* ⇨ دلگشا ⇨ *delkošā* ⇨ радушный
 دلگیر ⇨ *delgir*. آزرده ⇨ *āzorde*. رنجیده ⇨ *ranjide* ⇨ *deq* ⇨ расстроенный, взволнованный
 دلمه ⇨ *dalme* ⇨ چکه ⇨ *čakka* ⇨ *dalme* ⇨ творог
 دلمه ⇨ *dolme* ⇨ دولمه ⇨ *dolma* ⇨ голубцы
 دله ⇨ *dale* ⇨ خفک ⇨ *xafak* ⇨ *dale* ⇨ куница зоол. ج
 دلیر ⇨ *delir* ⇨ سرباز ⇨ *sarbāz* ⇨ *delir* ⇨ отважный
 دلیل ⇨ *dalil*. علت ⇨ *ellat* ⇨ پلمه ⇨ *palma* ⇨ *dalil* ⇨ причина
 دماغ اصغر ⇨ *demāqe asqar* ⇨ دماغ کوچک ⇨ *demāqe kučak* ⇨ мозжечок
 دماغ کبیر ⇨ *demāqe kabir*. مغز ⇨ *maqz* ⇨ دماغ سر ⇨ *demāqe sar* ⇨ головной мозг
 دمباریک ⇨ *dambārik* ⇨ زاغول ⇨ *zāqol* ⇨ *dambārik* ⇨ круглогубцы
 دمبه سرخ شده گوسفند ⇨ *dombeye sorx šodeye gusfand* ⇨ جبق ⇨ *jejeq*
 жареное баранье сало
 دمپایی ⇨ *dampāyi* ⇨ چپک ⇨ *čaplak*. سربانی ⇨ *sarpāyi*. سلیر ⇨ *selipar* ⇨ *dampāyi* ⇨ шлепанцы, тапочки
 دندان آسیا ⇨ *dandāne āsiyā* ⇨ دندان کرسی ⇨ *dandāne korsi* ⇨ *dandāne* ⇨ коренной зуб
 دندان در آوردن ⇨ *dandān dar āvardan* ⇨ دندان کشیدن ⇨ *dandān kašidan* ⇨ *dandān* ⇨ прорез зубов
 دندان قرچه ⇨ *dandān qereče*. دندان کروچه ⇨ *dandān koruče* ⇨ دندان قرچک ⇨ *dandān qerčak*
 скрежетание зубами
 دندان قرچه کردن ⇨ *dandān qereče kardan* ⇨ دندان قرچک کردن ⇨ *dandān qerčak kardan*
 скрежетать, скрепеть зубами
 دندان کروچه ⇨ *dandān koruče*. دندان قرچه ⇨ *dandān qereče* ⇨ دندان قرچک ⇨ *dandān qerčak*
 скрежетать зубами

دست شویی ⇨ *dastšuyi*. توالت ⇨ *tuālet*. مستراح ⇨ *mostarāh* ⇨ کنار آب ⇨ *kenāre āb*. تشناب ⇨ *tašnāb*
 туалет, туалетная комната
 صابون دستشویی ⇨ *sābune dastšuyi* ⇨ صابون جان شویی ⇨ *sābune jānšuyi*
 туалетное мыло с
 دست شویی ⇨ *dastšuyi* ⇨ تپ دستشویی ⇨ *tape dastšuyi* ⇨ умывальник
 دست گشاده ⇨ *dastgošāde* ⇨ دست گشاده ⇨ *destkošāda* ⇨ щедрый, великодушный
 دستبند ⇨ *dastband* ⇨ کره ⇨ *kara* ⇨ браслет
 دستپاچی ⇨ *dastpāčegi* ⇨ وارخطایی ⇨ *wārxatāyi* ⇨ растерянность
 دستپاچه ⇨ *dastpāče* ⇨ وارخطا ⇨ *wārxatā* ⇨ растерянный, смущенный
 دستک ⇨ *dastak* ⇨ توله دست ⇨ *tuladest* ⇨ предплечье анат.
 دستگاه گیرنده رادیویی ⇨ *dastgāhe girandeye rādyoyi* ⇨ دستگاه آخذ رادیویی ⇨ *dastgāhe āhezaye rādioyi*
 دستگیر کردن ⇨ *dastgir kardan*. زندانی کردن ⇨ *zendāni kardan*. قید کردن ⇨ *qayd kardan*
 1. заковать в цепи 2. заключить в тюрьму
 دستمال ⇨ *dastmāl* ⇨ دست پاک ⇨ *destpāk* ⇨ платок
 دستمزد ⇨ *dastmozd*. حقوق معین ⇨ *hoquqe moa'yan* ⇨ *tanxāh* ⇨ دستمزد
 заработная плата ж, оклад м
 دستورالعمل ⇨ *dasturolamal* ⇨ تعلیمات نامه ⇨ *ta' limātnāma*. طرز العمل ⇨ *tarzolamal*
 инструкция, положение
 دستور کار روز ⇨ *dasture käre ruz* ⇨ آجندا ⇨ *ājandā* ⇨ повестка дня
 دسته (نظامی) ⇨ *daste* ⇨ بلوک ⇨ *buluk* ⇨ *daste* ⇨ взвод воен.
 دسته ⇨ *daste* ⇨ پارت ⇨ *pārt* ⇨ *daste* ⇨ группа
 دسته جمعی ⇨ *dastejam`i* ⇨ کتلوی >> کتله وی ⇨ *katlawi* ⇨ массовый
 دسته دسته شدن ⇨ *daste daste šodan* ⇨ پارت پارت شدن ⇨ *pārt pārt šodan*
 разделяться на группы
 دستیار ⇨ *dastyār*. معاون ⇨ *moāven* ⇨ مرستیال ⇨ *mrastiyāl*
 помощник, ассистент, заместитель м
 دستیار وزیر ⇨ *dastyāre vazir* ⇨ قلم مخصوص ⇨ *xalammaxsus* ⇨ *dastyār* ⇨ помощник министра
 دشت ⇨ *dašt*. جلگه ⇨ *jolge* ⇨ وادی ⇨ *wādī* ⇨ *dašt* ⇨ долина
 دشت اول هر کاری ⇨ *dašte avvale har kārī* ⇨ دستلاف ⇨ *destlāf* ⇨ *dašt* ⇨ почин (в торговле)
 دشت شخم زده ⇨ *dašte šoxm zade* ⇨ شیدار ⇨ *šodyār*. شیار ⇨ *šiyār* ⇨ *dašt* ⇨ вспаханное поле
 دشمن ⇨ *došman* ⇨ اشار ⇨ *ašrār* ⇨ *došman* ⇨ враг
 دشوار ⇨ *došvār*. سخت ⇨ *saxt* ⇨ چتین ⇨ *čatin* ⇨ *došvār* ⇨ трудный
 دشواری ⇨ *došvāri*. معضله ⇨ *moazzele* ⇨ تکلیف ⇨ *taklif* ⇨ *došvāri* ⇨ трудность
 دفتر (اداره) ⇨ *daftar* ⇨ تحریرات ⇨ *tahrirāt* ⇨ *daftar* ⇨ канцелярия
 دفترداری ⇨ *daftardāri* ⇨ اوراق ⇨ *awraq* ⇨ *daftardāri* ⇨ канцелярия

тан, дуг (напиток из кислого молока) ◇ duq ◇ دوغ *doq*
 двойняшки ◇ duquli دوغولی *dogāna* ◇ دوگانه *doqolu*
 сложенный вдвое, согнутый пополам ◇ duqāt دوقات *dolā* ◇ دوله
 государство с ◇ sarkār سرکار *doulat* ◇ دولت
 государственный прил. ◇ sarkāri سرکاری *doulati* ◇ دولتی
 двухсменный ◇ duwaqta دو هفته *donoubate* ◇ دونوبسته
 второй ◇ sāni ثانی *sānian* ◇ ثانیا *dovom* ◇ دوم
 двести ◇ dusad دوصد *devist* ◇ دویست
 десять миллионов ◇ krur کرور *dah miliyon* ◇ ده میلیون
 рот анат. м ◇ dehān دهان *dahān* ◇ دهان *
 X месяц солнечного года ◇ jādی جدی *dey* ◇ دی (ماه)
 предисловие с ◇ debāča دیباچه *dibāče* ◇ دیباچه *
 диплом м ◇ deplom دیپلوم *diplom* ◇ دیپلم
 дипломат м ◇ deplomāt دیپلمات *diplomāt* ◇ دیپلمات
 дипломатический ◇ deplomāti دیپلماتی *diplomātik* ◇ دیپلماتیک
 дипломатия ж ◇ deplomāsi دیپلوماسی *diplomāsi* ◇ دیپلوماسی
 поле зрения с ◇ sāhaye دید *didgāh* ◇ دیدگاه
 поздно ◇ nāwaxt ناوخت *der* ◇ دیر *dir* ◇ دیر *
 опаздывать ◇ tāl خوردن (محاوره ای) *dir kardan* ◇ دیر کردن
 вчера ◇ dinaruz دینه روز *deruz* ◇ دیروز *
 вчерашний прил. ◇ bāsi باسی *diruzi* ◇ دیروزی
 поздно ◇ nāwaxta ناوخته *dirvaqt* ◇ دیروقت
 древний ◇ derin دیرین *dirin* ◇ دیرین *
 диск муз. ◇ rikārd ریکارد *safheye musiqi* ◇ صفحه موسیقی *disk* ◇ دیسک
 дифтерия ж ◇ defteri دفتری *defteri* ◇ دیفتري
 котел м ◇ čeri چری *dig* ◇ دیگ
 богарный (земли) ◇ lalmi للمی *deymi* ◇ دیمی
 стена ж ◇ dewāl دیوال *dewār* ◇ دیوار *
 сумасшедший прил. ◇ dewāna دیوانه *divāne* ◇ دیوانه

пластинка, диск муз. ✧ *rikārd* ريكارد ✧ *safheye musiqi* صفحه موسيقى ✧ *disk* ديسك

дифтерия ж ✧ *defteri* دفتري ✧ *difteri* ديفتري

котел м ✧ *čeri* چري ✧ *dig* ديگ

богарный (земли) ✧ *lalmi* للمي ✧ *deymi* ديمي

стена ж ✧ *dewāl* ديوال ✧ *dewār* ديوار ✧ *divār* ديوار ✧ *divār* ديوار

сумасшедший прил. ✧ *dewāna* ديوانه ✧ *divāne* ديوانه

راه سازی rāhsāzi. جاده سازی ĩāddesāzi. ♦ سرک سازی saraksāzi
 дорожное строительство с
 رایگان رایگان. moft ♦ بلاعوض belāewaz ♦
 رتیل رتیل. qande ♦ غنبد qondal ♦
 رحم rahem. زهدان zehdān ♦ بیچه دان baččadān ♦
 رخت آوین raxtāviz ♦ کوت بند kutband ♦
 رخت شویی raxtsuyi. لباس شویی lebāšsuyi ♦ کالا شویی kālāšuyi ♦
 رختکنی raxtkani ♦ دریشی کنی derišikani ♦
 رد پا radde pā ♦ پل pal ♦
 رد کردن rad kardan ♦ تیر کردن ter kardan ♦
 ردیف radiif ♦ قطار qatār ♦
 رذیل razil. اوباش oubāš ♦ لوچک << ločak ♦
 رزرو rezerv ♦ ریزرف rizarf. ریزرویشین rizerveyšan ♦
 رزرو کردن rezerv kardan ♦ ریزرویشین کردن rizerveyšan kardan ♦
 رژه reje ♦ رسم گذشت rasme gozašt ♦
 رستوران restorān ♦ رستوران rasturānt ♦
 رسید resid. قبض qabz. صورت حساب surathesāb ♦ بل bel ♦
 رشته rešte ♦ شق (شقو) šaq ♦
 رشد rošd ♦ انکشاف enkešāf ♦
 رشوه rošve ♦ رشوت rešwat ♦
 رشوه خوار rošvexār ♦ رشوت خور rešwatxor. پیسه خور paysaxor ♦
 رشوه خور rošvexor ♦ پیسه خور paysaxor. رشوت خور rešwatxor ♦
 رشوه خوردن rošve xordan ♦ شکم خوردن šekam xordan ♦
 رشوه دادن rošve dādan ♦ شکم دادن šekam dādan ♦
 رفت و آمد raftoāmad ♦ ارشه درشه (مجاوره ای) aršadarša ♦
 رفیق rafiq. دوست dust ♦ ملگری melgari ♦
 رقص raqqās. رقصه raqqāse ♦ بازیگر bāzigar. بازیگر bāzengar ♦
 رقصه raqqāse ♦ کنچی kancī ♦
 رقص raqs ♦ اتن atan. بازی bāzi. دانس dāns ♦
 رقصیدن raqsidan ♦ دانس کردن dāns kardan ♦
 رک و راست rokorāst ♦ صاف و ستره sāfosotra ♦
 رکابک rekābak. تسمه tasme. گیره gire. حلقه آهنی halqeye āhani ♦ پتره patra ♦
 آهنی آهنی ♦
 رکورد rekord ♦ ریکارد rikārd ♦
 رکورد rekord ♦

ذ

ذخیره کردن (پول) zaxire kardan ♦ پاسره کردن (پول) pāsera kardan ♦
 ذرت zorrat ♦ جواری jawāri ♦
 ذرت zorrat. چس فیل čosefil ♦ پله pola ♦
 ذره zarre ♦ رشکیگک raškigak ♦

ر

راحتی rāhati ♦ آرامی ārami ♦
 رادیاتور rādyātor ♦ رادیتر reditar ♦
 رادیوگرافی rādyogrāfi. پرتونگاری partounegāri ♦ اکسریز eksreyz ♦
 راکت (بدمینتون) rāket ♦ دنده (بدمینتون) danda ♦
 رانندگی rāndeve ♦ وعده دار wa`dadār ♦
 رانندگی rānandegi ♦ درایوری drāyvari. دریوری dreyvari. موترانی mutarrāni ♦
 راننده rānande. شوفر šufer ♦ درایور drāywar. دریور dreywar. موتران mutarrān. موتران mutarwān ♦
 راننده کامیون rānandeye kāmyun. راننده اتومبیل rānandeye otomobile bāri ♦
 راننده کامیون rānandeye kāmyun. راننده اتومبیل rānandeye otomobile bāri ♦
 راه rāh. خط xatt ♦ لین lāyn. لاین lāyn ♦
 راه rāh. جاده ĩādde. شاهراه šāhrāh ♦ سرک sarak ♦
 راه rāh. دست انداز dast āndāze. راه māhur. چغوری sarak ♦
 راه rāh. خط xatt ♦ ریل reyl. خط rāh ♦
 راه rāh. اتومبیلی rāhe otomobili. راه ماشین رو rāhe māšinrou ♦ سرک mutarraw ♦
 راه rāh. خاکي xāki ♦ سرک xāma ♦
 راه rāh. دهلیز dahliz ♦
 راه rāh. دهلیز dahliz ♦

- روغن کشی *rouqankeši* * تیل کشی *telkaši* * *otzhimka masla*
 روغن گیری *rouqangiri* * تیل کشی *telkaši* * *otzhimka masla*
 روغن نباتی *rouqane nabāti* * تیل نباتی *tele nabāti* * *maslo rastitel'noe*
 روغندان *rouqandān* * تیل دانی *teldāni* * روغندانی *rouqandāni* * *maslenka zh*
 رولحافی *rolahāfi* * شیت لحاف *šite lehāf* * *pododeyālnik m*
 روند *ravand* * پروسه *prose m*
 روی پارچه *ruye pārče* * راسته *rāste* * *lycevaia storona tkani zh*
 رویا روی *ruyāruy* * چشم به چشم *čāsembačāsem* * چارچشم *čārčšem*
 * *s glazu na glaz, licom k licu*
 رهبر *rahbar* * لیدر *līdar m*
 رهبران *rahbarān* * سران *sarān* * اراکین *arākin* * *glavy, rukovoditeli*
 رهبر *rahbare kor* * کاندکتر *kāndaktar* * *dirižer*
 رهنمود *rahnemud* * دایرکتیف *dāyrektyw* * *direktiva zh*
 ریز *riz* * پودر شده *puđrōde* * ترمیده *tarmayda* * *melkogo pomola*
 ریز * *riz* * ریز *rez* * *rezagak* * *melkij*
 ریزش برف *rizeše barf* * بهمن *bahman* * برف کوچ *barfkuč*
 * *snežnaja lavina zh, snežnyj obval m*
 ریسمان دار *rismāne dār* * چاتو *čātu* * *verevka viseliцы zh*
 ریش تراش برقی *rištārāše barqi* * ماشین ریش *māšine riš* * *elektrobritva zh*
 رئیس *rayis* * سرپرست *sarparast* * آمر *āmer* * *načal'nik, rukovoditel', zaveduyushchij*
 رئیس حسابداری *rayise hesābdāri* * مدیر محاسبه *modire mohāseba* * *glavnyj bukhgalter*

ز

- زاج *zāč* * زجه *zočča* * زاج *zāč* * *roženica (po sed'moj den' posle rodov)*
 - روزهای زاج *ruzhāye zāč* * روزهای زاجگی *ruzhāye zāčagi* * *poslerodovye dni*
 زاپاس *zāpās* * لوازم یدکی *lavāzeme yadaki* * فالتو *fāltu* * *porzajāt* * *zapasnye časti*
 زائیدن *zāyidan* * چشیدن *čōšidan* * زاد کردن *zād kardan* * *rozhat'*
 زالو *zālu* * جوک *žauk* * زلو *zalu* * *piyavka zh*
 زانو *zānu* * توله پای *tulapāy* * *golennj zh*
 - کاسه زانو *kāseye zānu* * عینک زانو *aynake zānu* * *kolennaja čashka zh*
 زانویی *zānuyi* * زانوخم *zānuxam* * *koleno trubj teh*
 زایشگاه *zāyešgāh* * زیزنتون *zizentun m* * *rodnyj dom m*

- رنجیدن *ranjidan* * آزرده شدن *āzorde šodan* * *deq šodan* * *rasstraivatsja, volnovatsja*
 رنجیده *ranjide* * آزرده *āzorde* * دلگیر *delgir* * *deq*
 * *rasstroennyj, vzvolnovannyj pril.*
 رنده نباتات *randeye nabātāt* * ملی تراش *molitarāš* * *terka zh*
 رنگ تیره *range tire* * رنگ خیره *range xira* * *temnyj (cvet) pril.*
 رنگ روغنی *range rouqani* * سفیده روغنی *safedaye rouqani* * *maslyanaja kraska*
 رنگ کار *rangkār* * نقاش *naqqāš* * رنگمال *rangmāl* * *maляр m*
 رنگارنگ (پارچه) *rangārang* * تپه گل *tapagul* * *raznoцветная ткань*
 رنگین *rangin* * رنگه *ranga* * *цветной pril.*
 رنگین کمان *ranginkamān* * کمان رستم *kamāne rostam* * *радуга zh*
 روادید *ravādid* * ویزا *vizā* * ویزه *wiza* * *visa dipl. zh, pravo s*
 روانشناسی *ravānšēnāsi* * سایکالوجی *sāykāloji* * *psichologija zh*
 روابط *robāt* * انسان میخانیکی *ensāne mixāniki* * *robot m*
 روبالشی *rubāleši* * شیت بالشت *šite bālešt* * پوش بالشت *poše bālešt* * *navolocka zh*
 روپوش *rupušt* * بالاپوش *bālāpošt* * *xalat*
 روتختی *rutaxti* * سرجائی *sarjāyi* * *pokryvalo s*
 رود *rud* * دریا *daryā* * *reka zh*
 رودخانه *rudxāne* * دریا *daryā* * *reka zh*
 روروک *rourouak* * پای دوانک *pāydwānak* * *бегунки*
 روز *ruz* * * *den' m* * *warša* * *den' m*
 روز تعطیل *ruze ta' til* * * *ruze* * *выходной день m* * *warša roxsati*
 روز تولد *ruze tavallod* * تولدی *ruze tawallodi* * *den' roždenija m*
 روز گذرانی *ruzgozarāni* * روز چلاتی *ruzčālāni* * *ruzčālāni*
 * *žalkoe suščestvovanie, žit' v nužde*
 روزنامه *ruznāme* * اخبار *axbār* * *gazeta* * *farida*
 روزهای زاج *ruzhāye zāč* * روزهای زاجگی *ruzhāye zāčagi* * *poslerodovye dni*
 روش *rouš* * میتود *metod* * *metod m* * *rouš*
 روشن *roušan* * فعال *faāl* * چالان *čālān* * *действующий, включенный*
 روشن کردن چراغ *roušan kardane čerāq* * بل کردن *bel kardan* * *žazhigat' svet*
 روشن کردن ماشین یا دستگاه *roušan kardane māšin yā dastgāh* * *roušan*
 چالان کردن *čālān kardan* * *включать, приводить в действие*
 روشنفکر *roušanfekr* * منور *monawwar* * *интеллигент m*
 روشنفکران *roušanfekrān* * منورین *monawwarin* * *интеллигенция zh*
 روغن *rouqan* * آیل *āyil* * تیل *tel (til)* * *maslo s*
 روغن سوخت *rouqane suxt* * میلانیل *mobilāyil* * *1. avtol teh. 2. gorjučee*

زنان *zanān* * نسوان *neswān* * женщины
 زنانه *zanāne* * نسایی *nesāyi* * женский прил.
 زنبه *zanbe* * پشنگ *pašang* * носилки (для земли)
 زنبه *zanbe* * چپان *čapān* * носилки
 زنجفیل *zanjafil* * ادرك *adark* * имбирь бот.
 زنخندان *zanaxdān* * زناق *zenāq* * подбородок м, нижняя челюсть ж
 زندان *zendān* * بندی خانه *bandixāna* * حبس *habs* * тюрьма ж
 زندانی *zendāni* * بندی *bandi* * حبسی *habsi* * арестант м
 زندانی شدن *zendāni šodan* * بندی شدن *bandi šodan* * حبس شدن *habs šodan* * быть арестованным
 زندانی کردن *zendāni kardan* * دستگیر کردن *dastgir kardan* * قید کردن *qayd kardan* *
 1. заковать в цепи 2. заключить в тюрьму
 زندگانی *zendegāni* * زندگی *zendegi* * ژوندون *juandun* * жизнь ж
 زندگانی *zendegāni* * معیشتی *maišati* * жизненный
 زندگی *zendegi* * زندگانی *zendegāni* * ژوندون *juandun* * жизнь ж
 زندگی *zendegi* * شرایط زندگی *šarāyete zendegi* * گزاره *gozāra* * жизнь, условия жизни
 زندگینامه *zendegināme* * سوانح *sawāneh* * биография ж
 زنگ ساعت *zange sāat* * شماته *šamāta* * м * звон, бой (часов)
 زنگ فلز *zange felezz* * مورچانه *murčāna* * موریانه *murīāna* * ржавчина ж
 زود *zud* * فوری *fourī* * عاجل *ājel* * срочно, безотлагательно прил.
 زود باش (ندا) *zudbāš* * حله *hala* * поспеши
 زهدان *zehdān* * زهد *zehd* * رحمة *rahem* * بچه دان *baččādān* * анат. * матка ж
 زهکش *zehkeš* * زاه بر *zāhbar* * زاه کش *zāhkaš* *
 дренажная, осушительная канава ж
 زهکشی *zehkeši* * راه کشی *zāhkaši* * дренаж м, осушка ж
 زیان *ziyān* * تپ (محاورة ای) *tap* * убыток
 زیان آور *ziyānāvar* * ژبل *jobal* * زبل *zobal* * вредитель, причиняющий вред
 زیان کردن *ziyān kardan* * تپ خوردن *tap خوردن* * потерпеть убыток
 زیبا *zibā* * پسندیده *pasandide* * مقبول *maqbul* * избранный, приятный, красивый
 زیپ *zip* * زپ *zēp* * ж * молния (одежды)
 زیرپوش مردانه *zirpuše mardāne* * پیراهن رکابی *pirāhane rekābi* * بنیان *banyān* *
 майка, тельняшка ж
 زیر پیراهنی *zirpirāhani* * خراطة *xarāta* * ж * майка ж
 زیر شیروانی *zirsirvāni* * زیر آهن پوش *zire āhenpuš* * بالاخانه *bālāxāna* * чердак м
 زیرزمین *zirzamin* * تاكوی *tākawī* * m * подвал, погреб

زبان *zabān* * لسان *lesān* * м * язык
 زبان بند *zabānband* * زبان تنله *zobāntotla* * заика
 زبان مادرشوه *zabāne mādaršouhar* * زبان خوش *zobāne xošu* * вид кактуса бот.
 زجر * زجر *zajr* * زجر *zajer* * с * пытка, мука, мучение
 زخم * زخم *zaxm* * زخم *zaxet* * ж * рана
 زخمی *zaxmi* * انگار *afgār* * раненый
 زخمی شدن *zaxmi šodan* * انگار شدن *afgār šodan* * получать травму
 زداینده *zodāyande* * جلا دهنده *jālādahande* * روشنگر *roušangar* * полировщик
 زردآلو *zardālu* * غیسی « قیسی *qaysi* * м * абрикос
 زرداب *zardāb* * صفرا *safra* * زرده *zarda* * ж * желчь
 زردنبو *zardnabu* * زردنبوک *zardanbuk* * زردمبوک *zardambuk* *
 бледный, пожелтевший прил.
 زردی *zardi* * زرده *zarda* * м * желтуха ж, гепатит мед.
 زشت گفتن *zešt goftan* * تندى کردن *tondi kardan* * грубить
 زعفران *zafarān* * جادی *jādi* * шафран бот.
 زغال چوب *zoqāle čub* * انگشت *angešt* * древесный уголь
 زغیر *zaqir* * زغر *zeqer* * лен
 زکام *zokam* * ریزش *rizeš* * м * насморк м, грипп
 زمان *zamān* * اوان *awān* * время
 زمبیل *zambil* * سبد *sabad* * تکرى *tokri* * ж * плетеная корзина
 زمبیل بزرگ گرد *zambile bozorge gerd* * توکره *tokra* * ж * большая круглая корзина
 زمستان *zemestān* * دی *dey* * ж * зима
 زمین ساختمانی *zamine sāxtemāni* * زمین تعمیراتی *zamine ta' mirāti* *
 строительная площадка ж
 زمین شناس *zaminšenās* * جيولوجست *jiolojest* * جيولوجست *jiolojest* * м * геолог
 زمین شناسی *zaminšenāsi* * جيولوجى *jioloji* * جيولوجى *jioloji* * ж * геология
 زمینه *zamine* * مضمون *mazmun* * (учебный) * ж * тема ж, предмет м
 زن *zan* * نسا *nesā* * ж * жена
 زن برادر *zane barādar* * عروس *arus* * ینگ *yanga* * ж * невестка
 زن برادر شوهر (جاری) *zane barādaršouhar* * زن ایور *zane eywar* * ж * жена брата мужа
 زن بی سرپرست *zane bi sarparast* * زن ترک شده *zane tark šode* * جته *jota* *
 покинутая женщина
 زن پیر *zane pir* * سابونه *sābuna* * ж * старушка
 زن ترک شده *zane tark šode* * زن بی سرپرست *zane bi sarparast* * جته *jota* *
 покинутая женщина
 زن جادوگر *zane jādugar* * ساحره *sāhera* * ж * ведьма

ساختمان sâxtemân * تعمیر ta' mir * здание
 - نقاشی ساختمان naqqâšīye sâxtemân * سفیده چونه safedačuna * ж побелка
 ساختمان فرودگاه sâxtemâne forudgâh * ترمینال tarminâl * ترمینل tarminal *
 здание аэровокзала с
 ساختمان مسکونی sâxtemâne maskuni * مسکن maskan *
 تعمیر بودباش ta' mire budobâš * خانه ره‌ایشی xânaye rahâyešī * жилой дом *
 ساختمانی sâxtemâni * تعمیراتی ta' mirâti * строительный *
 - مواد ساختمانی mavâdde sâxtemâni * مصالح تعمیراتی masâlahe ta' mirâti *
 стройматериалы
 ساطور sâtur * ساتول sâtul * секач, нож для рубки мяса *
 ساعت sâat * بجه baja * час *
 ساعت آب گرم sâate âbe gârm * صحت حمام sehgate hammâm * с легким паром *
 ساعت ساز sâatsâz * ساعت فروش sâatforuš * والا sâatwâlâ *
 продавец часов, часовщик м
 ساعت شماطه دار sâate šamâtedâr * ساعت زنگ دار sâate zangdâr * жудильник м *
 ساعت فروش sâatforuš * ساعت ساز sâatsâz * والا sâatwâlâ *
 продавец часов, часовщик м
 ساقه sâqeq * نار nâr * стебель, росток *
 ساقه گندم sâqeqe gandom * نارگندم nâre gandom * стебель пшеницы *
 ساکت sâket * چپ çep * خاموش xâmoš * тихо, молча *
 ساکت شدن sâket šodan * چپ شدن çep šodan * خاموش شدن xâmoš šodan * молчать *
 ساکن (ساکنین) sâken * باشندده (باشندگان) bâšenda *
 سال sâl * کال kâl * год *
 سال میلادی sâlê milâdi * سال عیسوی sâlê isawî * год нашей эры *
 سالاد sâlâd * خورش xoreš * салат *
 سالانه sâlâne * سالنامه sâlânâme * کالنی kâlânay * ежегодник, альманах *
 سالن کنفرانس sâlone konferâns * تالار کنفرانس tâlâre konfarâns *
 سالن ورزشی sâlone varzešî * گیمنازیوم jemnâziyûm * спортивный зал *
 سالنامه sâlânâme * تقویم taqvim * جنتری jantari * календарь *
 سالنامه sâlânâme * سالانه sâlâne * کالنی kâlânay * ежегодник, альманах *

زیرزمینی (صفت) zirzamini * تحت الارضی tahtolarzi *
 - آبهای زیرزمینی âbhâye zirzamini * آبهای تحت الارضی âbhâye tahtolarzi *
 подземные воды
 زیرزمینی zirzamini * انباری anbâri * ته خانه tahxâna * زیرخانه zirxâna * ж погреб *
 زیرشلواری ziršalvâri * زیرپتلونی zirpatluni * кальсоны *
 زیرشلواری ziršalvâri * تنبان tonbân * شورت sort * چوته čouta * نیکر nikar * трусы *
 زیره zire * جوش jušan * тмин бот. м *
 زیست شناس zistšenâs * بیولوگ biolog * بیولوژیست biolojist * بیالوجست biyâlojest * биолог *
 زیست شناسی zistšenâsi * بیولوژی bioloji * بیالوجی biyâloji * биология *
 زیستگاه zistgâh * خوابگاه xâbgâh * لیلیه layliya * c * общежитие *
 زیلو zilu * گلیم gelim * جاجیم jâjim * سترنجی satranjî * پلاس palâs * سدرنجی sadranjî * شطرنجی šatranjî *
 پالاس m, коврик, половик м, дорожка
 زین zin * پاردم pârdam * c * седло *

ژ

ژاپن jâpon * جاپان jâpân * Япония *
 ژاکت jâket * جاکت jâkat * жакет м *
 ژاکت و دامن jâketodâman * جاکت دامن jâkatdâman * женский костюм м *
 ژانویه jânvie * جنوری januwari * м январь *
 ژنده jende * جامه کهنه jâmeye kohne * جنده jânda * поношенная, рваная одежда *
 ژنده پوش jendepuš * جنده پوش jâdapuš * м оборванец *
 ژنراتور jenerâtor * جنراتور jenerâtor * جنرتو jeneretar * м генератор *
 ژنرال jenerâl * جنرال janrâl (jenerâl) * м генерал *
 ژنرال امیر jenerâl amir * سردار sardâr * دگرجنرال degarjenerâl * ستر جنرال sterjenerâl *
 генерал-армии воен. м
 ژوئن juan * جون jun * м июнь *
 ژوئیه juiye * جولائی julâyi * м июль *
 ژورنال سینمایی jurnâlê sinemâyi * سرفلمی sarfelmi * مجله سینمایی majallaye sinemâyi *
 киножурнал
 ژیلت jilet * جلیتقه jelitqe * واسکت wâskat * мужской жилет м *
 ژیمناستیک jimnâstik * جمناستک jemnâstek * ж гимнастика *
 ژئو jeo * تراز tarâz * آبتراز âbtarâzu * нивелир тех. *
 ژئودزی jeodezi * جیودیزی jiodezi * ж геодезия *

سرانجام sar-njām. بالاخره belaxare ✧ آخر دست āxerdast ✧
 سرایدار sar-āydār ✧ خانه سامان xānasāmān ✧
 سرباز sarbāz ✧ عسکر (عساکر) askar ✧
 سربازخانه sarbāzخانه ✧ چاونی čāwni ✧ چونی čawni ✧ قوغوش qouquš ✧ قاغوش qāquš ✧ قشله qešla ✧
 казарма ж
 سربازی sarbāzi ✧ عسکری askari ✧
 - خدمت سربازی xedmate sarbāzi. نظام وظیفه nezām vazife ✧
 военная служба ж ✧ xedmate askari
 - احضار به خدمت ehzār be xedmāt ✧ جلب عسکری jalbe askari ✧
 призыв на военную службу (мобилизация)
 سربرگ sarbarg ✧ برگه bargе ✧
 سرپرست sarparast. رئیس rayis ✧ آمر āmer ✧
 начальник, руководитель, заведующий ✧
 سرتختی sartaxti ✧ ستره satra ✧
 سرتیپ sartip ✧ برید جنرال bridjenerāl ✧
 генерал-майор м, воен. ✧
 سرخ sorx ✧ سرخ الوانی sorxe alwāni ✧
 ярко-красный прил. ✧
 سرخ آتشین sorxe ātašin ✧ سرخ الوانی sorxe alwāni ✧
 ярко-красный прил. ✧
 سرخ شدن sorx šodan ✧ سرخ و زرد شدن sorxozard šodan ✧
 گدی گک شدن godigak šodan ✧
 покраснеть от смущения, смущаться, краснеть
 سرخک sorxak ✧ سرخکان sorxakān ✧
 ж ✧
 корь мед.
 سرد sard. سرما sarmā ✧
 خنک xonok ✧
 м ✧
 холод
 سردسته sardaste ✧ سرغنه sarqana ✧
 глава, вождь ✧
 سردوشی sarduši. پاگون pāgon ✧
 سرشانه saršāna ✧
 погоны воен. ✧
 سرشماری saršomāri ✧ احصائیة نفوس ehsāiyaye nofus ✧
 перепись населения ✧
 سرعمله saramale. سرکارگر sarkārgar ✧ آمرکار āmerkār ✧
 прораб ✧
 سرفصل های حسابداری sarfaslhāye hesābdāri ✧
 پلان شیت pelānšit ✧
 план счетов ✧
 سرکار خانم sarkār xanom ✧
 ارباب خانم arbāb xānom ✧
 کدبانو kadbānu ✧
 باداره bādāra. میرمنه mermana ✧
 ж ✧
 хозяйка ж ✧
 господа ж ✧
 سرکارگر sarkārgar. سرعمله saramale ✧
 آمرکار āmerkār ✧
 прораб ✧
 سرکارگر sarkārgar. سرعمله saramale ✧
 باشی bāši ✧
 бригадир м ✧
 سرگرد sargord ✧ جگر jager ✧
 майор воен. ✧
 سرگیجه sargije ✧ دوران dawarāne sar ✧
 سرچرخي sarčarxi. سرگنس (محاوره ای) sargans ✧
 головокружение
 سرگیجه داشتن sargije dāštan ✧
 سرگنس شدن (محاوره ای) sargans šodan ✧
 чувствовать головокружение
 سرلشکر sarlaškar ✧ تورن جنرال turanjenerāl ✧
 генерал-лейтенант м ✧
 سرما sarmā. سرد sard ✧
 خنک xonok ✧
 м ✧
 холод
 سرما خوردگی sarmā xordegi ✧
 خنک زده گی xonok zadagi ✧
 простуда ✧

سبد sabad. زمبیل zambil ✧ تکرۍ tokri ✧
 плетеная корзина ж ✧
 سبد بزرگ sabade bozorg ✧
 خمبه xomba ✧
 большая корзина ж ✧
 سبزینه sabzine ✧
 زرغونه zarquna ✧
 м ✧
 хлорофилл бот.
 سبیل sebil ✧
 بروت borut ✧
 یس ✧
 سپاه sepāh. سپه sepeh ✧
 قول اردو qulordu ✧
 м ✧
 корпус воен.
 سپتامبر septāmbir ✧
 سپتمبر septembar ✧
 м ✧
 сентябрь ✧
 سپردن sepordan. تسلیم کردن taslim kardan ✧
 تحویلدهی tahwildehi ✧
 tahwildehi ✧
 передача, сдача ✧
 سپرز seproz ✧
 طحال tahāl ✧
 ✧
 селезенка анат.
 سپه sepah. سپاه sepeh ✧
 قول اردو qulordu ✧
 м ✧
 корпус воен.
 ستاد setād ✧
 ارکان arkān ✧
 м ✧
 штаб ✧
 ستاد کل setāde koll ✧
 درستیز drestiz ✧
 حرب arkāne harb ✧
 ✧
 генеральный штаб армии
 ستمگر setamgar ✧
 ظالم zālem ✧
 ✧
 жестокий, тиран ✧
 ستوان sotvān ✧
 بریدمن bridman ✧
 ✧
 лейтенант воен.
 ستوان یکم sotvān yekom ✧
 لمری lomraybridman ✧
 ✧
 старший лейтенант воен. м
 ستوان دوم sotvān dovom ✧
 دوهم doym ✧
 بریدمن doymbridman ✧
 ✧
 лейтенант воен. м
 ستوان سوم sotvān sevom ✧
 دریم deryambridman ✧
 ✧
 младший лейтенант воен. м
 ستون sotun ✧
 گارد gārdar ✧
 گادر gādar ✧
 ✧
 балка
 ستیزه setizeju ✧
 جگار jagār ✧
 ✧
 задира, немиролюбивый ✧
 سجاده sajjāde ✧
 جای نماز jāynemāz ✧
 ✧
 سجاف sejjāf ✧
 درزمایه darzmāya ✧
 ✧
 سجاغ sejjāf kardan ✧
 درزمایه deryambridman ✧
 ✧
 گرفتن darzmāya gereftan ✧
 ушивать, подшивать с запасом
 سخت saxt. دشوار došvār ✧
 چتین čatin ✧
 ✧
 трудный ✧
 سخت saxt. سفت seft. محکم mohkam ✧
 کورکی kuraki ✧
 ✧
 твердый, крепкий ✧
 سخنان soxanrān ✧
 لکچر lekčardehande ✧
 دهند ✧
 лектор, выступающий м ✧
 سخنرانی soxanrāni ✧
 کانفرنس kānfarans ✧
 لکچر lekčar ✧
 ✧
 лекция ж ✧
 سخنرانی soxanrāni. نطق notq ✧
 بیانیة bayāniya ✧
 ✧
 выступление, заявление ✧
 سخنرانی شفاهی soxanrāniye šafāhi ✧
 تقریر taqir ✧
 ✧
 выступление, речь (устная)
 سده sade ✧
 صدی sadi ✧
 ✧
 столетие, век ✧
 سرازیری sarāziri ✧
 اوتراپی otrāyi ✧
 ✧
 спуск, уклон ✧
 سراسر sarāsare ✧
 هفت haft eqlim ✧
 ✧
 весь мир ✧
 سران sarān. رهبران rahbarān ✧
 اراکین arākin ✧
 ✧
 главы, руководители ✧
 سران sarāne doulat ✧
 اراکین arākin dowlat ✧
 ✧
 главы государств ✧

سلامت و تندرست salāmat va tendorost ⇨ جور و تیار jurotayār ⇨ здоровый
سلامتی salāmati ⇨ جانجوری (محاوره ای) jānjuri ⇨ здоровье
sen. صحنه sahne ⇨ ستیج setej. ستیج setej ⇨ сцена
سنباد (سمباده) sonbāde ⇨ کاغذ regmāl ⇨ ریگمال kâqaze regmāl. ریگمال regmāl
наждачная бумага ж
سنبه نشان sonbenešān ⇨ برمه خال barmaxāl. خال senbe xāl ⇨ кернер тех.
соннат sonnat. آداب ādāb ⇨ عنعنه an' ana ⇨ tradition
соннати sonnati ⇨ عنعنوی an' anawi ⇨ традиционный прил.
сенج senj ⇨ تال tāl ⇨ (ударный музыкальный инструмент) тал
сенج زن senjzan ⇨ تالچی tālči ⇨ играющий на тале (музыкант)
сенжақ * sanjāq ⇨ پن pen. سنجاқ senjāq ⇨ булавка ж
сенжақ سینه sine ⇨ گل sine ⇨ لاکت lākat ⇨ брошь ж
sanaд ⇨ دستاویز dastāwiz ⇨ документ
sangrize ⇨ جغله jaqala ⇨ гравий м (щебенка)
sangini ⇨ ثقیل saqil. گرگ gerang ⇨ тяжелый прил.
sangini سنگینی ⇨ ثقل seq ⇨ тяжесть ж
savar kardan ⇨ تجهيزات savār kardan. مونتاژ کردن montāj kardan
бسته کاری کردن ⇨ تجهيزات bastakārī kardan ⇨ монтировать
savārī ⇨ شخصی šaxsi ⇨ موتور تیز رفتار tezraftār ⇨ mutare tezraftār
легковая машина ж
sup ⇨ شوربا ūrbā ⇨ суп м
sut ⇨ اشپلاق ešplāq. شپیلی špelay ⇨ свисток, свист
sut zadan ⇨ اشپلاق کردن ešplāq kardan ⇨ свистеть
sue tafāhom ⇨ غلط فهمی qalatfahmi ⇨ недоразумение, непонимание
suxт ⇨ روغنیات rawqaniyāt. محروق mahruq. محروقات mahruqāt ⇨ горючее, топливо
suxte havāpeymā ⇨ محروقات طیاره mahruqāte tayyāra ⇨ горючее для самолета
suxtgiri ⇨ بنزین ریختن در ماشین benzīn rixtan dar māšin ⇨ تیل گیری telgiri
заправка автомобиля бензином
sud ⇨ ربع rebh ⇨ прибыль ж
surāx ⇨ دفة dafa ⇨ отверстие с
surāxe suzan ⇨ خرت سوزن xerte suzan. دفة سوزن dafaye suzan ⇨ шольное ушко
sosis ⇨ ساسج sāsej ⇨ сосиска
souqāti ⇨ سرراهی sarāhi ⇨ гостинец, сувенир
siyāsat ⇨ پالیسی pālisi ⇨ политика ж
siyāsatmadār ⇨ سیاست وال siyāsatwāl ⇨ политический деятель м

sarmā xordan ⇨ خورند xordan ⇨ простудиться
sormedān ⇨ سرمه dāni sormadāni ⇨ флакон для сурьмы
sarnevešt ⇨ بخت baxt ⇨ طالع tāle ⇨ судьба ж
sarvān ⇨ تورن turan ⇨ капитан воен. м
sarvāne aršad ⇨ جگ تورن jagturan ⇨ капитан воен.
servis. کمپلیکٹ komplekt ⇨ سیت sit ⇨ комплект, сервиз м
servise čāxori ⇨ سیت چایخوری site čāxori ⇨ чайный сервиз м
sarhang ⇨ دگروال degarwāl. غند mešer qondmešer ⇨ полковник воен. м
sarhang dovom ⇨ دگرمن degarman. غند mešer qondmešerdu ⇨ سرهنگ دوم
подполковник воен. м
sariosseyr ⇨ تیزرفتار tezraftār ⇨ экспресс м
sath ⇨ سویه sawiya ⇨ уровень м
sathe zendegi ⇨ سویه زندگی sawiyaye zendagi ⇨ уровень жизни м
sathe ma' lumāt ⇨ سویه معلومات sawiyaye ma' lumāt ⇨ سطح معلومات
سطح знаний м
satle zobāle ⇨ کاغذدانی kâqazdāni ⇨ корзина для бумаг ж
sa'yokušes ⇨ تپ و تلاش (محاوره ای) tapotalāš ⇨ хлопоты
sayokušes kardan ⇨ تپ و تلاش کردن tapotalāš kardan ⇨ хлопотать
sefāreš ⇨ فرمایش farmāyes ⇨ заказ м
sofāl ⇨ تیکر tekar. کلال kollāl ⇨ керамика, глина ж
spfāli ⇨ کلالی kollālī ⇨ глиняный
seft ⇨ سخت saxt. محکم mohkam ⇨ کورکی kuraki ⇨ твердый, крепкий
sefid ⇨ ساجی sāči ⇨ белый прил.
sefidāb ⇨ سفیده safeda ⇨ ж
sefide ⇨ سفیدی safedi ⇨ яичный белок м
safineye keyhāni ⇨ سفینه فضائی safīnaye fazāyi ⇨ سفینه کیهانی
космический корабль м
saqf ⇨ چت čat ⇨ потолок, навес
soqm ⇨ تبق tabaq. تیک tabak ⇨ ящур вет.
sekske ⇨ حکک hekek ⇨ ж
sekske kardan ⇨ حکک کردن hekek kardan ⇨ سکسکه
sokunāt ⇨ اقامت eqāmat ⇨ بودوباش budobāš ⇨ سکونت کردن
sokunāt kardan ⇨ اقامت کردن eqāmat kardan ⇨ سکونت کردن
بودوباش کردن budobāš kardan ⇨
жить, проживать.
sagak ⇨ قیتک qaytak. کمرکل kamargol ⇨ пряжка
sel ⇨ توبرکلوز tobarkoloz ⇨ туберкулез м

- شاهی $\diamond$ šāhi تره تیزک $\diamond$ taratizak کресс бот. м
شب جمعه $\diamond$ šabe jom'e جمعه رات $\diamond$ jom' arāt в пятницу вечером
شب و روز $\diamond$ šaboruz شبان و روزان $\diamond$ šābānoruzān днём и ночью
شبانه $\diamond$ šabāne شی $\diamond$ špi вечерний, вечером
شبانه روزی $\diamond$ šabāneruzi مکتب لیلیه $\diamond$ maktabe layliya интернат
شیدر $\diamond$ šābdar شفتل $\diamond$ šaftal. شفتل $\diamond$ šaftar клевер бот. м
شبه جزیره $\diamond$ šebhejzazire جزیره نما $\diamond$ jazirenomā полуостров
شپش $\diamond$ šepeš شیش $\diamond$ šebes вошь ж
شتر $\diamond$ šotor اشتر $\diamond$ oštor верблюд
شجره نامه $\diamond$ šajārenāme نسب نامه $\diamond$ nasabnāma генеалогическое дерево
شخص بزرگسال $\diamond$ šaxse bozorgsāl پدر $\diamond$ pedar پابه $\diamond$ bāba отец, папа, дед
شخصیت $\diamond$ šaxsiyyat اتوریته $\diamond$ utorita авторитет
شخم $\diamond$ šoxm قلبه $\diamond$ qolba плуг м
شخم کاری $\diamond$ šoxmkārī قلبه کشی $\diamond$ qolbakaši пахота ж
شخم کردن $\diamond$ šoxm kardan شیاریدن $\diamond$ šodyāridan. شیاریدن $\diamond$ šīyāridan. قلبه کردن $\diamond$ qolba kardan
пахать, вспахивать
شراب $\diamond$ šarāb وین $\diamond$ wāyn. واین $\diamond$ wāyn vino
شرایط زندگی $\diamond$ šarāyete zendegi گزاره $\diamond$ gozāra. شرایط معیشتی $\diamond$ šarāyete maišati
жизненные условия, условия жизни
شرکت $\diamond$ šerkat فرم $\diamond$ ferm фирма ж, товарищество
شرمنده $\diamond$ šarmande شرمندوک $\diamond$ šarmandok застенчивый прил.
شریان $\diamond$ šarayān رگ $\diamond$ rag артерия анат. ж
شریان سبات $\diamond$ šarayāne sobāt رگ خواب $\diamond$ rage xāb сонная артерия анат.
شریک غم $\diamond$ šarīke qam غم شریک $\diamond$ qamšarik
разделяющий горе, сочувствующий м
شست $\diamond$ šast انگشت $\diamond$ angoste کلان большой палец м
شعله $\diamond$ šo`le لمبه $\diamond$ lomba пламя с
شغل $\diamond$ šoql حرفه $\diamond$ herfa специальность
شفا دادن $\diamond$ šafā dādan معالجه کردن $\diamond$ moāleje kardan. شفا دادن $\diamond$ tadāwi kardan
شفا یافتن $\diamond$ šafā yāftan معالجه شدن $\diamond$ moāleje šodan. شفا شدن $\diamond$ tadāwi šodan
شفاهی $\diamond$ šafāhi تقریری $\diamond$ taqriri. زبانی $\diamond$ zobāni устный
- امتحان شفاهی $\diamond$ emtehāne šafāhi
امتحان زبانی $\diamond$ emtehāne zobāni. امتحان تقریری $\diamond$ emtehāne taqriri. устный экзамен, зачет
شکاف $\diamond$ šekāf درز $\diamond$ darz انگاف $\diamond$ engāf. شکاف $\diamond$ šegāf. شعله $\diamond$ šegāf
شکاف $\diamond$ šekāf مویک $\diamond$ muyak трещина ж
شکافتن $\diamond$ šekāftan شکافتن $\diamond$ šegāftan. раскалывать, рассекать

- سیاه سرفه $\diamond$ siyāhsorfe سرفه سیاه $\diamond$ sorfasiyāh. КОКЛЮШ мед.
سیب زمینی $\diamond$ sibzamini کچالو $\diamond$ kačālu. картофель м
سیرک $\diamond$ sirk سرکس $\diamond$ sarkas цирк м
سیصد $\diamond$ sisad سه صد $\diamond$ sesad. триста
سیگار $\diamond$ sigār سگرت << سگریٹ $\diamond$ segret. сигарета
سیلی $\diamond$ sili چپات $\diamond$ čapāt. چپلاق $\diamond$ čapalāq. شپلاق $\diamond$ špelāq. تپانچه << $\diamond$ tapānča
удар ладонью, пощечина ж
سیم کش $\diamond$ simkeš الکتریکی $\diamond$ elektriki. برقی $\diamond$ barqi. برق والا $\diamond$ barqiwāla. электрик м
سیم کشی $\diamond$ simkeši لین دوانی $\diamond$ layndawāni. проводка ж
سیمان $\diamond$ simān سمنت $\diamond$ sement. کانگر $\diamond$ kāngar. цемент м
سینه بند $\diamond$ sineband واسکت $\diamond$ wāskat. لیفچیک, бюстгалтер м
سینه پهلوی $\diamond$ sinepahlu سیننه بغل $\diamond$ sinabaqal. воспаление легких с
سینی $\diamond$ sini پتنوس << پطنوس $\diamond$ patnus. поднос м

ش

- شاخ زدن $\diamond$ šāx zadan تکر زدن $\diamond$ takar zadan. бодать
شارژ $\diamond$ šārz چارج $\diamond$ čārj. зарядка аккумулятора
شاسی زنگ $\diamond$ šāsiye zang دوگمه گک زنگ $\diamond$ dogmagake zang. кнопка звонка ж
شاش $\diamond$ šāš. ادرار $\diamond$ edrār. بول $\diamond$ bawl. پیشاب $\diamond$ pešāb. моча анат.
شاشیدن $\diamond$ šāšidan. ادرار کردن $\diamond$ edrār kardan. بول کردن $\diamond$ bawl kardan. мочиться
شاشو $\diamond$ šāšu شاشوک (محاوره ای) $\diamond$ šāšuk. часто мочающийся
شاغول $\diamond$ šāqul شاول $\diamond$ šāwal. отвес м
شاگرد اول $\diamond$ šagerde avval. شاگرد ممتاز $\diamond$ šahgerde momtāz. اول نمره $\diamond$ awwalnomra
отличник м
شاگرد شوفر $\diamond$ šagerdsufer کلینر $\diamond$ kelinar. помощник водителя м
شاگرد ممتاز $\diamond$ šahgerde momtāz. شاگرد اول $\diamond$ šagerde avval. اول نمره $\diamond$ awwalnomra
отличник м
شال پوشی $\diamond$ šāle pašmi پتو $\diamond$ patu. одеяло, плед, шерстяная шаль
شامگاه $\diamond$ šāmgāh. عصر $\diamond$ asr. بیگا $\diamond$ bigā. بیگاه $\diamond$ bigāh. دیگر $\diamond$ digar. вечером
شانس $\diamond$ šāns چانس $\diamond$ čāns. шанс м
شانه په سر $\diamond$ šānebesar. شانه سرک $\diamond$ šānasarak. УДОД м
شاهره $\diamond$ šāhrāh. جاده $\diamond$ jādde. راه $\diamond$ rāh. سرک $\diamond$ sarak. ж. дорога, шоссе с, трасса ж

شکر *šekar* ♦ *bura* بوره م ♦ *pesok* (сахарный) م
 شکر * *šokr* ♦ *šokor* شکر ж ♦ *slava* слава ж
 شکسته بند *šekaste band* ♦ *taxtaband* تخته بند ♦ *лангет мед.*
 شکلات *šokolât*. شکولات ♦ *šukulât* چاکلیت << چکلیت *čāklit* (čāklejt) ♦ *шоколад м*
 شکمو *šekamu* ♦ *šekambu* شکمو ♦ *обжора*
 شکننده *šekanande* ♦ *šekanand* شکنند ♦ *прил.* хрупкий, ломкий
 شلاق *šallāq*. تازیانه ♦ *tāzyāne*. قمچی ♦ *qamči* ♦ *دوره dorra*. کمچی ♦ *kamči*. قمچین ♦ *qamčīn*
 کнут م, پلеть م
 شلنگ *šelāng* ♦ *pāy* پیپ ♦ *pāy* پاپ م ♦ *шланг м*
 شلوار *šalvār* ♦ *šalvār* پتلون << پتلون ♦ *patlun* ♦ *брюки*
 شلوع *šoluq* ♦ *šolubār* بیروبار ♦ *birobār* 1. скопление народа, 2. шумно
 - خیلی شلوع ♦ *xeili šoluq* ♦ *porbirobār* پر بیروبار ♦ *шумный, многолюдный*
 شلیک *šelik*. تیراندازی ♦ *tirandāzi* ♦ *fāy* فایر ♦ *fāy* فیر ♦ *стрельба, выстрел*
 شلیک کردن ♦ *šelik kardan*. تیراندازی کردن ♦ *tirandāzi kardan* ♦ *fāy* فایر کردن ♦ *fāy kardan* ♦ *فایر کردن fāy kardan*
 стрелять
 شماره *šomāre*. نمره ♦ *nomre* ♦ *nambar* نمبر ♦ *число, номер*
 شماره اتومبیل ♦ *šomāreye otomobil*. نمره اتومبیل ♦ *nomreye otomobil* ♦ *لمبر پلیت lambarpalit*
 номерной знак м (автомашинны)
 شماره گیری ♦ *šomāregiri* ♦ *dāyl kardan* دایل کردن ♦ *dāyl kardan* ♦ *набирать номер по телефону*
 شمال * *šomāl* ♦ *šomāl* شمال ♦ *šemāl* север м
 شمالی ♦ *šomālī* ♦ *sāyax* سایه رخ ♦ *sāyax* теновой, несолнечный
 شنا ♦ *šenā*. آبتنی ♦ *ābtani* ♦ *āb* آب بازی ♦ *ābbāzi* ♦ *شنا کردن šenā kardan* ♦ *آبتنی کردن ābtani kardan* ♦ *آب بازی کردن āb bāzi kardan* ♦ *شنا کردن šenā kardan*
 شناخت ♦ *šenāxt* ♦ *moarrefat* معرفت ♦ *شناخت*
 شناختن ♦ *šenāxtan* ♦ *moarrefat* معرفت داشتن ♦ *moarrefat daštan* ♦ *شناختن*
 - نمی شناسم ♦ *nemišenāsam* ♦ *moarrefat nadāram* معرفت ندارم ♦ *moarrefat nadāram* ♦ *не знаком*
 شوخی ♦ *šuxi* ♦ *mazāq* مذاق << مزاق ♦ *mazāq* ♦ *шутка ж*
 شوخی کردن ♦ *šuxi kardan* ♦ *mazāq kardan* مزاق کردن ♦ *mazāq kardan* ♦ *شوخی کردن*
 شورای ملی ♦ *šourāye melli* ♦ *wolosi jerga* ولسی جرگه ♦ *wolosi jerga* ♦ *اولوسی جرگه ulusi jerga*
 национальное собрание
 شورت ♦ *šort*. تنبان ♦ *tonbān*. زیرشلواری ♦ *zīršalvāri* ♦ *چوته čouta*. نیکر ♦ *nikar* ♦ *труссы*
 شوره ♦ *šure* ♦ *sabosak* سبوسک ♦ *перхоть ж*
 شوهر ♦ *šouhar* ♦ *šouhar* شوی (مهاورهای) ♦ *šuy* ♦ *شوهر муж, супруг*
 شوهر ♦ *šouhar* ♦ *šouhar* راننده ♦ *rānande* ♦ *شوهر šouhar*
 موتوروان ♦ *mutarwān*. موتران ♦ *mutarrān*. دریور ♦ *dreywar*. درایور ♦ *drāywar* ♦ *водитель*
 شکلات ♦ *šokolât*. شکلات ♦ *šokolât* چاکلیت << چکلیت *čāklit* (čāklejt) ♦ *шоколад м*
 شوهر ♦ *šouhar* ♦ *šouhar* شوی (مهاورهای) ♦ *šuy* ♦ *شوهر муж, супруг*

شوهر خواهر ♦ *šouhare xāhar* ♦ *yāzane* یازنه ♦ *зять м*
 شوهر خواهر زن ♦ *šouhare xāharzan*. باجناغ ♦ *bājenāq* ♦ *bāje* ♦ *свояк м*
 شویید ♦ *ševīd* ♦ *šebet* شیت ♦ *укроп бот.*
 شهادت ♦ *šehādat* ♦ *šahedi* شاهی ♦ *с* ♦ *شهادت*
 شهادت دادن ♦ *šehādat dādan* ♦ *šahedi dādan* ♦ *освидетельствовать*
 شهردار ♦ *šahrdār* ♦ *šārwāl* شاروال ♦ *мэр м*
 شهرداری ♦ *šahrdāri* ♦ *šārwālī* شاروالی ♦ *ж мэрия*
 شهرک ♦ *šahrak* ♦ *mine* مینه ♦ *городок, квартал м*
 شهرک نظامی ♦ *šahrake nezāmi* ♦ *qeslagāh* قشله گاه ♦ *военный городок*
 شهریور (ماه) ♦ *šahrivar* ♦ *senbela* سنبله ♦ *sonbola* ♦ *VI* *месяц солнечного года*
 شهریه ♦ *šahriye* ♦ *fayz* فیز ♦ *оплата за учебу*
 شیب * *šib* ♦ *šeb* شیب ♦ *уклон м*
 شیپور ♦ *šeypur* ♦ *torm* ترم ♦ *труба (музыкальный инструмент) ж*
 شیپورچی ♦ *šeypurči* ♦ *tormči* ترمچی ♦ *трубач м*
 شیپورزن ♦ *šeypurzan* ♦ *tormči* ترمچی ♦ *трубач м*
 شیر * *šir* ♦ *šer* شیر ♦ *лев м*
 شیر آب ♦ *šire āb* ♦ *širdahan* شیردहन ♦ *кран м*
 شیر فلکه ♦ *šire falake* ♦ *wāl* وال ♦ *клапан, вентиль м тех.*
 شیردان ♦ *širdān* ♦ *širdāni* شیردانی ♦ *ж*
 شیرمایع ♦ *šire māye* ♦ *šire ābgīn* شیر آبگین ♦ *разбавленное молоко*
 شیروانی ♦ *širvāni* ♦ *cat* چت ♦ *крыша*
 شیروانی آهنی ♦ *širvāniye āhani* ♦ *āhenpoš* آهن پوش ♦ *широуані آهنی*
 آهنی ♦ *širvāniye āhani* ♦ *širvāniye āhani* ♦ *ж*
 شیرینک ♦ *širinak* ♦ *širinča* شیرینچه ♦ *сыпь ж, прыщики*
 شیرینی ♦ *širini* ♦ *kolča* کلچه ♦ *мучное с*
 شیرینی ♦ *širini*. آبنبات ♦ *ābnabāt* ♦ *čāklejt* چاکلیت ♦ *ж конфета*
 شیشه بر ♦ *šišebor* ♦ *šišebor* آینه بر ♦ *āyīnabor* ♦ *стеклорез*
 - الماس شیشه بری ♦ *almāse šišebori* ♦ *qalame āyīnabori* قلم آینه بری ♦ *алмаз стеклорезный тех.*
 شیمی ♦ *šimi* ♦ *kimiya* کیمیا ♦ *ж химия*
 شیمی (صفت) ♦ *šimi* ♦ *kimiya* کیمیا ♦ *химический прил.*
 شیمیایی ♦ *šimiya* ♦ *kimiya* کیمیا ♦ *химический прил.*

صندوق پستی sanduqe posti ⇨ بکس پوسته bakse pista ⇨ почтовый ящик
 صندوق عقب اتومبیل sanduqe aqabe otomobil ⇨ تولىبکس tulbaks ⇨ багажник м
 صندوقخانه sanduqxāne ⇨ پس خانه pasxāne ⇨ чулан м
 صورت حساب surat hesāb ⇨ رسید resid ⇨ قبض qabz ⇨ بل bel ⇨ квитанция, счет-фактура
 صورتی (رنگ) surati ⇨ گلایی golābi ⇨ розовый цвет прил.
 صوفی sufi ⇨ درویش darviš ⇨ چنده پوش čondapoš ⇨ нищий
 صیاد sayyād ⇨ ماهی گیر māhigir ⇨ م fish
 صیادی sayyādi ⇨ ماهی گیری māhigiri ⇨ рыбная ловля
 صیقل دادن seiqal dādan ⇨ پالش کردن pāleš kardan ⇨ полировать
 صیقل دهی seyqaldehi ⇨ پالش pāleš ⇨ полировка

ض

ضبط zabt ⇨ ریکارد گیری rikārdgiri ⇨ запись ж
 ضبط صوت zabte sout ⇨ تایپ ریکارد tāyprikārdar ⇨ тейп рикардер ⇨ магнитофон
 ضبط کردن zabt kardan ⇨ تایپ کردن tāyp kardan ⇨ ریکارد گیری rikārdgiri kardan
 ضبط کردن (فونوگراف کردن)
 ضخامت ran ⇨ زخمāmate rān ⇨ پت ran ⇨ pate rān ⇨ толщина ляжки
 ضخیم zaxim ⇨ کلفت koloft ⇨ دبل dabal ⇨ толстый, плотный, крепкий прил.
 ضربت zarbat ⇨ ضربه zarba ⇨ удар м
 ضرر کردن zarar kardan ⇨ نقض کردن naqz kardan ⇨ потерпеть убыток
 ضمانت zemānat ⇨ گارانتی gārānti ⇨ گارانتی gārānti ⇨ гарантия ж

ط

طایفه tāyefe ⇨ اقارب aqāreb ⇨ اقوام aqvām ⇨ خیل و ختک xeyloxatak ⇨
 родственники, родня ж
 طبق tabaq ⇨ تنگ tabang ⇨ چغل çeql ⇨ лоток, большой деревянный поднос
 طبقه tabaq ⇨ منزل manzel ⇨ этаж м
 طبیعت insan ⇨ ate ensān ⇨ گل و خشت geloxešt ⇨ натура ж

ص

صابون دستشویی sābune dastšuyi ⇨ صابون جان شویی sābune jānšuyi ⇨ туалетное мыло
 صاحب خانه sāhebxāne ⇨ خانه والا xānawālā ⇨ хозяин дома м
 صاحب خر sāhebe xar ⇨ خروالا xarwālā ⇨ хозяин осла, владелец осла
 صاحب گاری sāhebe gāri ⇨ گاریچی gāriči ⇨ گادی والا gādiwālā ⇨ گادی wān ⇨ gādiwān
 извозчик, владелец телеги м
 صاف sāf ⇨ پاک pāk ⇨ بی آلیش bi ālāyeš ⇨ سپه >> سوچه sočča ⇨ чистый, прозрачный
 صاف کن sāfkon ⇨ صافه sāfa ⇨ فیلتر, icedilka
 صافی sāfi ⇨ چلوکش celoukeš ⇨ زازل zāzal ⇨ дурушлаг м
 صبح sobh ⇨ پیگا pagā ⇨ پیگاه pagāh ⇨ صباح sabāh ⇨ утро с
 صبح sobh ⇨ صبحکی (محاوره ای) sobhaki ⇨ утром
 صبحانه sobhāne ⇨ صباناری sabānāri ⇨ ناشتا nāštā ⇨ завтрак м
 صبحانه خوردن sobhāne xordan ⇨ ناشتا nāštā kardan ⇨ завтракать
 صبر kon ⇨ باش bāš ⇨ подожди, погоди
 صحنه sahne ⇨ سن sen ⇨ استر setr ⇨ استیژ setej ⇨ ستیج setej ⇨ сцена ж
 صدای زیر sedāye zir ⇨ صدای تریب sedāye tarbam ⇨ низкий голос
 صدای ضعیف sedāye zaif ⇨ صدای تریب sedāye tarbam ⇨ низкий голос
 صد هزار sadhezār ⇨ لک lak ⇨ صد هزار
 صرافی sarrāfi ⇨ چینج čaynǰ ⇨ пункт обмена валюты
 صفحه موسیقی safheye musiqi ⇨ دیسک disk ⇨ ریکارد rikārd ⇨ пластинка, диск
 صفرا safrā ⇨ زردآب zardāb ⇨ زرده zarda ⇨ желчь ж
 صنایع سبک sanāyee sabok ⇨ صنایع خفیف sanāyae xafif ⇨ легкая промышленность
 صنایع سنگین sanāyee sangin ⇨ صنایع ثقیل sanāyae saql ⇨ тяжелая промышленность
 صندل sandal ⇨ کفش تابستانی مردانه kārše tābestāniye mardāne ⇨ چپلی čapli ⇨
 мужские сандали
 صندلی sandali ⇨ چوکی čawki ⇨ стул м
 صندلی چرخدار sandaliye čarxdār ⇨ ویلچر vilčer ⇨ تریسایکل terisāykal ⇨
 коляска для инвалидов ж
 صندلی راحتی sandalye rāhati ⇨ آرم چوکی ārmčawki ⇨ кресло с
 صندلی راحتی اداری sandaliye rāhatiye edāri ⇨ چوکی بازو دار čawkiye bāzodār ⇨ кресло с
 صندوق sanduq ⇨ چمدان čamedān ⇨ جامه дані jāmādāni ⇨ сундук, чемодан м

عالیقدر āliqadr. بلندپایه bolandpāye * عالی رتبه ālirotba. عالی مقام ālimaqām *
 высокопоставленный прил.
 عام āmm. عمومی omumi * عامه āmma *
 عایق āyeq * انسولیتور ensoletar *
 عایق ایزوگامی āyeq izogāmi * کاغذ qir kāqaze *
 عایق بام āyeq bām * کاغذ تارکول kārul kāqaze *
 гидроизоляционная бумага
 عتیق atiq * انتیک antik *
 عتیقه atiqe * انتیک antik *
 عجله نکردن ājale nakardan * تال دادن (محاوره ای) tāl dādan *
 медлить, не спешить
 عدس adas * دال نخود dālnaxod. نسک nask *
 عدسی adasi * عدسیه adasiya *
 عرصه arse * ساحه sāha *
 عرصه جنگ arseye jāng * ساحه جنگ sāhaye jāng *
 عرصه عملیات arseye amaliyāt * ساحه عملیات sāhaye amaliyāt *
 عرصه کشاورزی arseye kešāvarzi * ساحه زراعت sāhaye zarāat *
 площадь сельского хозяйства ж
 عروس * arus * عروس ārus *
 عروس arus. زن پسر zane pesār * سونو << suno *
 عروس arus. زن برادر zane barādar * ینگه yāng *
 عروسک arusak * گدی godi *
 عروسی arusi * طوی toy *
 عریان oryān. لخت loxt * لچ << loč *
 عصا asā * عصا چوب asāčub *
 عصبانی asabāni * اعصابی a` sābi *
 عصر asr. شامگاه šāmgāh * بیگا bigā. بیگاه bigāh. دیگر digar *
 عطار attār. بقال baqqāl * بِنجاره banjāra *
 عطاری attāri. بقالی baqqālī * بِنجاره gi banjāragi *
 عطر atr * خوشبویی xosbui *
 عظیم azim. بزرگ bozorg * لوی loy *
 عقب ماندگی aqabmāndegi * پسمانی pasmāni. پسمانده gi pasmāndagi *
 عقبه aqrabe * عقبه aqrabak. ملخک malaxak *
 عقبه ساعت aqrabeye sāat * ملخک ساعت malaxake sāat *
 عقل aql * عقل aql *
 عقیده aqide. ایده ide. نظر nazar * مفکوره mafkura *
 عکس گرفتن aks gereftan * عکس گیری کردن akeshiri kardan *
 сфотографироваться

طپانچه tapānče. هفت تیر hafttir * تفنگچه tofāngča *
 طرح tarh. پیش نویس pišnevis * مسوده mosawada *
 طرح ریزی tarhrizi * دیزاین بندی dizāynbandy *
 طرز tarz * سان sān *
 طرف معامله tarafe moāmele. معامله dar moāmeledār * بیع bayrār *
 طلا * talā * طلا tela *
 طلبکاری talabkārī * ذمه gi zimmagi *
 طلسم telesm * تعویذ ta` wez *
 طناب tanāb * طنار tanāw *
 طوطی tuti * توتا tutā *
 طولانی tulāni. طویل tavil. دراز derāz * کشال kašāl *
 طولانی tavil. دراز derāz. طولانی tulāni * کشال kašāl *

ظ

ظرف zarf * برتن bartan *
 ظرف سفالی zarfe sofāli * ظرف گلی (محاوره ای) zarfe geli *
 ظرف کالا zarfe kālā * بارجامه bārjāma *
 ظریف zarif. نازک nazok * منین ma`in. مهین mahin *
 ظلم * zolm * ظلم zolom *
 ظهر zohr * چاشت čāšt *
 ظهر (ساعت ۱۲) zohr * چاشتکی čāštaki *
 - گرمترین وقت ظهر garmtarin vaqte zohr * چاشت ترق čāštaraq *
 полуденный зной

ع

عاجدار ājdār * رخدار roxdār *
 عالم ālem. دانشمند dānešmand * پوهندوی pohandoy. ساینس دان sāyinsdān *
 عالی āli * تملرات tamratāq *
 عالی āli. خوب xub * کاکه kāka *
 عالی مقام ālimaqām. مقام بالا maqāme bālā * رتبه عالی rotbaye āli *
 высокая должность

علامات (علامت) alāmāt (اشارات) знаки ✧ ešārāt ✧
 علامات ترافیکی alāmāte trāfiki (اشارات ترافیکی) дорожные знаки ✧ ešārāte tarāfiki ✧
 علامات شرطی alāmāte šartī (اشارات شرطی) условные знаки ✧ ešārāte šartī ✧
 علامت اشاره ešāra. علامه alāma ✧ m ✧
 علت ellat. دلیل dalil ✧ palma ✧
 علف alaf ✧ علوفه alufa ✧ фураж, корм м, трава ж ✧
 علم elm ✧ دانش dāneš ✧ ساینس sāyns. علم elem ✧
 علما olamā ✧ دانشمندان dānešmandān ✧ پوهان pohān ✧
 علوم انسانی olume ensāni ✧ علوم بشری olume bašari ✧ гуманитарные науки ✧
 حمامه ammāme ✧ دستار destār ✧ чалма ж, тюрбан м ✧
 عمل جراحی amale jarrāhi ✧ اپریشن aprīšen ✧ операция ж (хирургическая) ✧
 عمو amu ✧ اودر awdor. کاکا kākā ✧ m ✧ дядя (брат отца) м ✧
 عمو زاده amuzāde ✧ اودر زاده awdorzāda ✧ двоюродный брат, сын брата отца ✧
 عمومی omumi. عام āmm ✧ عامه āmma ✧ общественный прил. ✧
 عنكبوت ankabut ✧ جولā joulā. تارتان tārtan ✧ m ✧ паук м ✧
 - تار عنكبوت tāre ankabut ✧
 تار جولā joulā. تارتان tārtan. تافته tāfe. تنست tanest. جولāgak joulāgak ✧ паутина ж ✧
 عو ou ou. واق vāq vāq ✧ عف af af. غف qaf qaf. چاوو cāw cāw ✧ лай м ✧
 عوض avaz. تبدیل tabdil ✧ آیش āiš ✧ ✧
 عوض کردن avaz kardan ✧ آیش کردن āiš kardan ✧ ✧
 عهده ohde. مسئولیت mas`uliyat ✧ ذمه zimma ✧ ✧
 عیان āyān. واضح vāzeh ✧ جلی jalī ✧ ✧ ясно, очевидно ✧
 عیب eyb ✧ عارضه āreza. عیب ayb ✧ m ✧ недостаток, порок м ✧
 عینک eynak ✧ عینک aynak ✧ ✧ очки ✧
 - قاب عینک qābe eynak ✧ فریم ferem ✧ ✧ оправа ✧

غ

ОТСУТСТВУЮЩИЙ ✧ *qayre* *hāzer* غير ✧ *qāyeb* غايب
 ОПУХОЛЬ Ж ✧ *tumur* تومور ✧ *qodde* غده
 ПРОДОВОЛЬСТВЕННЫЙ ✧ *ertezāqi* ارتزاقی ✧ *arzāqi* ارزاقی . *qazāyi* غذایی
 ТОНУТЬ ✧ *dop* *šodan* دوپ شدن ✧ *qarq* *šodan* غرق شدن
 ЗАКАТ СОЛНЦА ✧ *āftābnešast* آفتاب نشست ✧ *qorub* غروب

гордость ж ♦ *wiyār* ويار ♦ *qorur* غرور
горе, печаль, грусть ж ♦ *qossa* غصه ♦ *qosse* غصه
ошибка ж ♦ *qalati* غلطی ♦ *eštebâh* اشتباه. *qalat* غلط
غمگین ♦ *qamgin* اندوهگین ♦ *anduhgin* جگر خون ♦ *jegarxun*
потрясенный горем, удрученный прил.
غمگین شدن ♦ *qamgin šodan* دق آوردن ♦ *deq awardan*
терзание, мучительный удар ♦ *jegarxuni* جگر خونی
غنده ♦ *qande* رتیل ♦ *roteyl* غندل ♦ *qondal*
усердие ♦ *qeyrat* غیرت ♦ *qayrat*
غیر بهداشتی ♦ *qeyre behdāstī* غیر صحی ♦ *qayre sehhi*
негигиеничный, антисанитарный прил.
غیر متعده ♦ *qeyre moteahed* غیر منسلک ♦ *qayre monsalek*
неприсоединившиеся

ف

победитель м ✧ *baryālay* بریالی ✧ *fāteh* فاتح
 проститутка ж ✧ *fāheše* فاحشه ✧ *ajāf* جاف ✧ ж
 персоязычный ✧ *fārsizabān* فارسی بان ✧ *fārsibān* فارسی
 испорченный прил. ✧ *fāsed* فاسد ✧ *čāpāti* چاپاتی ✧
 фашизм м ✧ *fāšism* فاشیسم ✧ *fāšezm* فاشیزم ✧
 факт м ✧ *fākt* فکت ✧ *fakt* م ✧
 фактура, счет-фактура, накладная ✧ *fāktur* فاکتور ✧ *bārnāma* بارنامه ✧ *bijak* بیجک ✧
 гадалка ж ✧ *fālbin* فالبین ✧ *fālakbāz* فالکباز ✧ ж
 гадалка ж ✧ *fālgir* فالگیر ✧ *fālakbāz* فالکباز ✧ ж
 кумовья ✧ *fāmile sababi* سببی خسر خیل ✧ *xosorxeyl* خوسورخیل ✧
 керасиновая лампа ж ✧ *fānus* فانوس ✧ *čerāqe nafti* چراغ نفتی ✧ *aleykeyn* الیکین ✧
 польза ж ✧ *fāyede* فایده ✧ *kamāyi* کمای ✧ ж ✧
 размножать (документ) ✧ *fotokopi kardan* فتوکپی کردن ✧ *taksir kardan* تکثیر کردن ✧
 фитиль м ✧ *fetile* فتیلہ ✧ *palita* پلیتہ ✧ *falita* فلیتہ ✧ м ✧
 ругань ж ✧ *fohš* فوحش ✧ *dāw* داو ✧ *daw* دو ✧ ж ✧
 фحش دادن ✧ *fohš dādan* فوحش دادن ✧ *nāsezā goftan* ناسزا گفتن ✧ *daw* داو ✧ *dāw zadan* دو زدن ✧ *daw zadan* ✧
 ругать
 женский половой орган ✧ *faraʒ* فرج ✧ *čuz* چوز ✧
 فرج (آلت زنانه) ✧

فرهنگ farhang. لغتنامه loqatnāme ♦ دکشنری dekšeneri. قاموس qāmus ♦ словарь м
 فرهنگ farhang ♦ کلتور kultur. کلچر kalčar ♦ культура ж
 فرهنگستان farhangestān ♦ تولنه toulana. آکادمی ākādemo ♦ академия ж
 فریب دادن farib dādan ♦ چل دادن čal dādan ♦ обманывать
 فشار دادن fešār dādan ♦ پیچ کردن pešeq kardan ♦ давить, нажимать
 فشنگ fešang ♦ کارتوس kārthus ♦ патрон воен.м
 فضله fazle. چلغوز čalquz ♦ پیخال payxāl ♦ помет м
 فعال faql. روشن roušan ♦ چالان čālān ♦ действующий, включенный
 فعال faql. آکتیو āktiv ♦ اکتیف aktif ♦ актив м
 فقط faqat ♦ محض mahz. صرف serf ♦ только, лишь
 فقه الفقه feqhholloqqe ♦ فللوجی felālujī ♦ филология ж
 فقیر faqir. بی بضاعت bi bezāat ♦ غریب qarib. دوگر dogra ♦ бедный, нищий
 فکر fekr. اندیشه andiše ♦ فکر feker. ری ray. چرت čort ♦ мысль ж, мышление
 فکر کردن fekr kardan ♦ چرت زدن čort zadan. ری زدن ray zadan ♦ думать
 فلج falaj ♦ فلج falj ♦ паралич, инсульт м
 فلفل felfel ♦ مرچ morč ♦ перец м
 فندک fandak ♦ سگرت لیتр segretleytar. سگرت لایتر segretlāytar ♦ зажигалка ж
 فندک (تکنیکی) fandak ♦ لایتر lāytar ♦ зажигалка ж тех.
 فنر fanar ♦ اسپرنگ espreng. سپرنگ spreng ♦ пружина ж
 فنی fanni ♦ مسلکی maslaki ♦ технический прил.
 فوتبال futbāl ♦ فوتبال fotbāl м
 فوری fouri. آنی āni ♦ ترق زدنی taraqzadani. دستی desti. عاجل ājel ♦
 немедленно, мигом, безотлагательно, срочно
 فوری fouri. اکسپرس ekspres ♦ چپاوی čapāwi ♦ экстерном
 - پست فوری poste fouri. پیشتاز pištāz ♦ داک čapāwi dāke ♦ экстерная почта
 فوریه fevriye ♦ فیروزی febrwari ♦ февраль м
 فیروزه firuze ♦ فیروزه firuja ж
 فیزیک fizik ♦ فزیک fezik ж ♦ физика ж
 فیل fil ♦ فل fel ♦ слон м
 فیلتر filter ♦ فلتر feltār ♦ фильтр м
 فیلم film ♦ فلم felm ♦ фильм м
 فیلم برداری filmbardāri ♦ فلم گیری felmgiri ж ♦ киносъемка ж
 - دوربین فیلم برداری durbine filmbardāri ♦ کامرای kamrāye felmbardāri ♦
 کامرای فیلم برداری kamrāye felmbardāri ♦ киноаппарат м, кинокамера ж

فردا fardā ♦ صبا له sabāla ♦ завтра
 فرزند farzand. بچه bačče ♦ اولاد awlād ♦ ребенок м
 فرستادن (کسی) ferestādan ♦ راهی کردن rāhi kardan ♦ послать, отправлять
 فرستادن (چیزی) ferestādan ♦ روان کردن ravān kardan ♦ отправлять, посылать
 فرستادن (با پست) ferestādan ♦ کسبیل کردن gosil kardan ♦ послать, отправлять
 فرستادن کالا ferestādane kālā ♦ بارچالانی bārčālāni ♦ отправка груза
 فرسوده farsude. قراضه qorāze. کهنه kohne ♦ داغمه dāqma ♦
 отход, пришедший в негодность
 فرسوده شده farsude šode ♦ ازکاربرآمد az kār barāmada. ازکارافتیده az kār oftida ♦
 изношенный, неисправный прил.
 فرش farš. قالی qālī ♦ قالین qālīn ♦ ковер м
 فرش یکپارچه farše yekpārče ♦ قالین یک انداز qāline yakandāz ♦ целый ковер
 فرشته ferešte ♦ ملک malak ♦ ангел м
 فریره ferfere ♦ فرزانک ferferānak ж ♦ юла ж
 فرم form ♦ فورمه forma ♦ форма
 فرم ferm. مرغداری morqdāri ♦ فارم fārm ж ♦ ферма
 فرم کشاورزی ferme kešāvarzi ♦ فارم زراعتی fārm zarāati ♦
 сельскохозяйственная ферма ж
 فرمان farmān ♦ قوماند qumānda ♦ приказ м
 فرمان farmān. فرمان اتومبیل farmāne otomobil ♦ اشتراک estreng ♦
 рулевое колесо с, руль м, штурвал м
 فرماندار farmāndār. حاکم hākem ♦ قوماندان qumandān ♦ командующий м
 فرماندار (نظامی) farmāndār ♦ دلگی delgaymešer ♦
 командир отделения воен. м
 فرمانده farmāndeh ♦ فوج دار fawj dār ♦ военачальник, командир воен.
 فرمانده دسته farmāndeh daste ♦ بلوک bulukmešer ♦ командир взвода
 فرمانده ستاد farmāndeh setād ♦ لوی درستیز loy drestiz ♦
 начальник штаба воен.
 فرمو fere mu. تاب مو tābe mu ♦ پیچه پرک peyčeparak ♦
 завиток волос, локон м
 فرو کردن foru kardan ♦ گور کردن gor kardan ♦ вонзать, воткнуть
 فرودگاه forudgāh ♦ میدان هوایی maydāne hawāyi ♦ аэропорт м
 فروردین (ماه) farvardin ♦ حمل hamal ♦ I месяц солнечного года
 فروشنده asb ♦ اسب forušandeye asb ♦ اسب والا aspvalā. آس والا āswālā ♦
 продавец лошадей
 فروشنده اسلحه forušandeye aslahe ♦ واسله wāslawāl ♦
 продавец оружия
 فرونشینی forunešini. تراسب tarāsob ♦ تراسب tarassob ♦ оседание

قایم موشک بازی کردن qāyemmuak bāzi kardan

چشم پتکان بازی کردن cašempotakān bāzi kardan ♦

قبور qabr ♦ قبر qabr ♦

قبض qabz. رسید resid. صورتحساب surate hesāb ♦ بل bel ♦

قبض (شکم) qabz ♦ قبضیت qabziyyat ♦

قبول کردن qabul kardan. پذیرفتن paziroftan ♦ تحویلگیری tahwilgiri ♦

قبول داشتن qabul daštan ♦ قبولدار بودن qabuldār budan ♦

قبول داشتن (پیشنهاد)، موافقت، موافقت پذیر

قتل qatl ♦ قتل qatel ♦

قد qadd ♦ قداندām qaddandām ♦

قرار qarār ♦ بندوبست bandobast ♦

قراضه qorāze. فرسوده farsude. کهنه kohne ♦ داغمه dāqma ♦

قرص qors. حب habb ♦ تابلیت tābleyt ♦ گولی guli ♦

قرعه کشی qor' ekeši ♦ قرعه بازی qor' abāzi. لاتری lātery ♦

قرقره qerqere (نخ) ♦ پیچک pečak ♦ 1. کاتوشکا 2. موتوک، کلبوک نیتوک

قرقره (تکنیکی) qerqere ♦ گوتک gotak ♦

قره گل (پوست) qaragol ♦ قره قل qaraqol ♦

قسمت qesmat. یدک yadak ♦ پرزه porza ♦

قصر qasr ♦ قصر qaser ♦

قصه qesse ♦ قصه qessa ♦

قطران qatrān. قیر qir ♦ تارکول tārkul ♦

قطره qatre ♦ چکه čaka. چکله čakla ♦

قفسه سینه qafaseye sine ♦ صندوق sina sanduqe ♦

قفل qofl ♦ قفل qolf ♦

قلاب qollāb. چنگ čang ♦ چاپوز čāpuz. قلاب qollāba. چنگک čāngak ♦

قلاب دوزی qollābduzi ♦ چنگل دوزی jangaldozi ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

قلاب ماهیگیری qollābe māhigiri ♦ چنگک ماهی māhi čāngake ♦

ق

قاب qāb ♦ چوکات čawkāṭ. فریم ferem ♦

قاب عکس qābe aks ♦ چوکات عکس čawkāte akes ♦

قاب عینک qābe eynak ♦ فریم ferem ♦

قابل حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قابلیت حمل دستی qābele hamle dasti. تاشو tāšo ♦ قاتکی qātaki ♦

قله	qolle ⇨ تالاق <i>tālāq</i> ⇨ верхушка
قله کوه	qolleye kuh ⇨ تالاق کوه <i>tālāqe kuh</i> ⇨ вершина горы
قلیان	qeliyān ⇨ چلم <i>čelam</i> ⇨ кальян
قمار	qomār ⇨ قمار <i>qemār</i> ⇨ азартная игра
قمچی	qamči ⇨ شلاق <i>šallaq</i> ⇨ تازیانه <i>tāzyāne</i> ⇨ قمچین <i>qamčīn</i> ⇨ м кнут, плетъ
قنات	qanāt ⇨ کاریز <i>kāriz</i> ⇨ кяриз
قنادی	qannādi ⇨ کلچه فروشی <i>kolčāforuši</i> ⇨ кондитерская
قند ناپاک	qande nāpāk ⇨ گر <i>gor</i> ⇨ нерафинированный сахар
قنددان	qanddān ⇨ قنددانی <i>qanddāni</i> ⇨ сахарница
قواره	qavāre ⇨ سرگز <i>sare gaz</i> ⇨ отрез
قورباغه	qurbāqe ⇨ بقه <i>baqa</i> ⇨ лягушка
قوری	quri ⇨ چای بر <i>čāybar</i> ⇨ چایник <i>čāynak</i> ⇨ заварной чайник, чайник для заварки
قوزک	quzak ⇨ بجل <i>bojol</i> ⇨ альчик
قوزک پا	quzake pā ⇨ بجلک پای <i>bojolake pāy</i> ⇨ щиколотка
قهوه	qahve ⇨ کافه <i>kāfa</i> ⇨ кофе
قهوه ای	qahvei ⇨ نسواری <i>naswāri</i> ⇨ коричневый прил.
قهوه جوش	qahvejuš ⇨ جذوه <i>jazwa</i> ⇨ кофеварка
قیر	qir ⇨ قطران <i>qatrān</i> ⇨ تارکول <i>tārkul</i> ⇨ гудрон
قیصی	qeysi ⇨ ترشاله <i>torsāla</i> ⇨ урюк, курага

ک

کابل	kābl ⇨ کابل <i>keybal</i> ⇨ кабель
کابین	kābin ⇨ کبین <i>kabin</i> ⇨ кабина
کابین خلبان	kābine xalabān ⇨ کبین پیلوت <i>kabine pilut</i> ⇨ кабина пилота
کاپ	kāp ⇨ کپ <i>kap</i> ⇨ кубок
کاپشن	kāpšan ⇨ کرتہ <i>korta</i> ⇨ куртка
کاپوت	kāput ⇨ پوقانه <i>poqāna</i> ⇨ презерватив
کاپیتالیست	kāpitālist ⇨ کاپتالیست <i>kāpetālest</i> ⇨ капиталист
کاپیتالیستی	kāpitālisti ⇨ کاپتالیستی <i>kāpetālesti</i> ⇨ капиталистический
کاپیتالیسم	kāpitālistism ⇨ کاپتالیزم <i>kāpetālezm</i> ⇨ капитализм
کاپیتان	kāpitān ⇨ کپتان <i>kaptān</i> ⇨ капитан
کاتالوگ	kātālog ⇨ کتابک <i>katlāg</i> ⇨ каталог

کاتد	kātod ⇨ کاتود <i>kātod</i> ⇨ катод физ.
کادرکارکنان	kādre kārkonān ⇨ بست <i>bast</i> ⇨ штат
کارآموزی	kārmūzi ⇨ ستاژ <i>setāz</i> ⇨ стажировка
کاربوراتور	kārburātor ⇨ کاریبتر <i>kārbitar</i> ⇨ м карбюратор
کارت	kārt ⇨ کارد <i>kārd</i> ⇨ карты
کارت (بازی)	kārt ⇨ قطعه <i>qet`a</i> ⇨ карты игральные
کارت بازی کردن	kārtbāzi kardan ⇨ قطعه بازی کردن <i>qet`abāzi kardan</i> ⇨ играть в карты
کارت پستال	kārtpostal ⇨ پست کارد <i>postkārd</i> ⇨ پست کارت <i>pustkārt</i> ⇨ ж открытка
کارت ترفیع	kārte tarfi ⇨ سجل <i>sejel</i> ⇨ свидетельство об аттестации
کارت ترفیع دادن	kārte tarfi`dādan ⇨ سجل دادن <i>sejel dādan</i> ⇨ аттестировать
کارتون	kārton ⇨ کارتون <i>kārton</i> ⇨ ж коробка (картонная)
کارخانه	kārxāne ⇨ فابریکه <i>fābrika</i> ⇨ м завод
کارخانه	kārxāne ⇨ کامبینات <i>kāmbīnāt</i> ⇨ м комбинат
کارد	kārd ⇨ پوچاق <i>pučāq</i> ⇨ м нож
کاردار	kārdār ⇨ شارژدافیر <i>šārjdāfeyr</i> ⇨ временный поверенный в делах
کارشناس ارشد	kāršenāse aršad ⇨ پوهنیال <i>poḥanyāl</i> ⇨ специалист
کارگاه	kārgāh ⇨ شاپ <i>šāp</i> ⇨ цех, мастерская
کارگاه فنی	kārgāhe fanni ⇨ ترمیم گاه <i>tarmimgāh</i> ⇨ ورکشاپ <i>warakšāp</i> ⇨ ж мастерская
کارگر	kārgar ⇨ کاریگر <i>kārigar</i> ⇨ рабочий
کارمندان	kārmendān ⇨ منسوبین <i>mansubin</i> ⇨ сотрудники
کاسبرگ	kāsberg ⇨ کاسه برگ <i>kāseberg</i> ⇨ м чашелистик бот.
کاستی	kāsti ⇨ خالیگاه <i>xāligāh</i> ⇨ м пробел, пропуск, недостаток
کاسه زانو	kāseye zānu ⇨ عینک زانو <i>aynake zānu</i> ⇨ ж коленная чашка
کاشتن	kāstan ⇨ غرس کردن <i>qars kardan</i> ⇨ نشانیدن <i>nešāndan</i> ⇨ شاندن <i>šāndan</i> ⇨
	сажать, посадить (деревья)
کاشتن درخت	kāštane deraxt ⇨ شاندن درخت <i>šāndane deraxt</i> ⇨ посадить дерево
کاشی	kāši ⇨ کاشین <i>kāšīn</i> ⇨ м кафель
کاغذ	kāqaz ⇨ قرطاس <i>qertās</i> ⇨ ж бумага
کاغذ پیچ	kāqazpič ⇨ لوله پیچ <i>loulapeč</i> ⇨ м сверток
کاغذ کاربون	kāqaze kārbon ⇨ کاربون پیپر <i>kārbonpeypar</i> ⇨ ж копировальная бумага
کاغذگیر	kāqazgir ⇨ ربطیه <i>rabtiya</i> ⇨ کلپ <i>kelep</i> ⇨ ж скрепка канцелярская
کافه	kāfe ⇨ کافی <i>kāfi</i> ⇨ с кафе
کافه تریا	kāfetyrā ⇨ بوفه <i>bufe</i> ⇨ کانتین <i>kāntīn</i> ⇨ м буфет
کال	kāl ⇨ نارس <i>nāras</i> ⇨ неспелый
کالا	kālā ⇨ امتعه (متاع) <i>amta`a</i> ⇨ товары
کالسکه	kālaske ⇨ ارابه <i>arrābe</i> ⇨ بگی <i>bagi</i> ⇨ ж тележка

کثافت *kesāfat* * چرک *čerk* * کخ *kex* * ж грязь
 کثیف *kasif* * چتل *čatal* * چرکین *čerkin* * مردار *mordār* * нечистый, грязный
 کثیف کردن *kasif kardan* * چرک کردن *čerk kardan* * запачкать, пачкать
 کچل *kačal* * کل *kal* * م 1. лысый 2. плешивый
 کچل شدن *kačal šodan* * کل شدن *kal šodan* * лысеть
 کچل کردن *kačal kardan* * کل کردن *kal kardan* * постричься наголо
 کدبانو *kadbānu* * سرکار خانم *sarkār xānom* * میرمنه *mermana* * ж госпожа
 کدو *kadu* * آشکدو *āškadu* * ж тыкву
 کر *kar* * گنگ *gong* * глухой
 کراوات *kerāvāt* * نیکنمایی *niktāyi* * م галстук
 کرایه *kerāye* * ته جایی *tahjāyi* * ж аренда
 کرسی *korsi* * صندلی *sandali* * کرسی *korsi* * دیپارتمنت *depārtment* * گروه علمی دانشگاهی *goruhe elmiye dānešgāhi*
 кафедра ж
 کرم (رنگ) *kerem* * کریم *kerim* * زرد شیری *zarde širi* * кремовый цвет прил.
 کرم ابریشم *kerme abrišam* * پیله *pela* * پیله ابریشم *pelaye abrešom* * کرم پیله *kerme pela*
 کкон тутового шелкопряда м
 کرمی رنگ *keremi rang* * زرد شیری *zarde širi* * کریم *kerim* * кремовый цвет прил.
 کره *kare* * مسکه *maska* * с (масло (сливочное)
 کزگاو *kajgāv* * گاو ختایی *gāve xatāyi* * غزگاو *qejgāv* * як зоол.
 کسوف *kosuf* * آفتاب گرفته گی *āftāb gereftagi* * затмение солнца
 کش *keš* * لاستیک *lāstik* * رابر *rābar* * резина
 کش جوراب *keše jurāb* * گالس جراب *gālese jorāb* * ж подвязка для чулок
 کش شلوار *keše šalvār* * گالس پتلون *gālese patlun* * ж подтяжки
 کشاورزی *kešāvarzi* * زراعت *zarāt* * с сельское хозяйство
 - فرم کشاورزی *ferme kešāvarzi* * فارم زراعتی *fārm zarāati* * сельскохозяйственная ферма ж
 کشتی گیر *koštigir* * پهلوان *pahlawān* * م борец
 کشتی گیری *koštigiri* * پهلوانی *pahlawāni* * پهلوانی *pahlawāni* * ж борьба (вид спорта)
 کشک *kašk* * قروت *qorut* * с сушеное кислое молоко
 کشکول *kaškul* * کجکول *kajkul* * کچکول *kačkul* * ж деревянный сосуд
 کشو *kešo* * روک *rawak* * م выдвижной ящик
 کشور *kešvar* * وطن *vatan* * هیواد *haywād* * ж страна, родина
 کشور ثروتمند *kešvare servatmand* * کشور غنی *kešware qani* * ж богатая страна
 کشور رو به توسعه *kešvare ru be tousee* * کشور رو به انکشاف *kešware ru ba enkešāf* * ж развивающаяся страна

کالسکه *kālaske* * گادی *gādi* * ж коляска
 کالسکه بچگانه *kālaskeye baččegāne* * گادی *gādigak* * ж детская коляска
 کالسکه چی *kālaskeči* * بگی وان *bagi wān* * م извозчик
 کامل *kāmel* * فول تایم *fultāym* * تمام وقت *tamāmvaqt* * تمام وقتته (محاوړه ای) *tamāmwaqta*
 کامل *kāmel* * تکمیل *takmil* * پوره *pura* * ж полное время, полностью
 کامل *kāmelan* * به طور کامل *be toure kāmel* * پاک *pāk* * بیخی *bixi* * ж совсем
 کامل تاریک *kāmelan tārik* * خیلی تاریک *xeyli tārik* * تپ و تاریک (محاوړه ای) *tapotārik*
 کامل تاریک *kāmelan tārik* * کاملاً تاریک *kāmelan divāne ast* * پاک دیوانه *pāk dewāna ast* * ж совсем темный
 کاملاً دیوانه *kāmelan divāne ast* * کاملاً دیوانه *kāmelan divāne ast* * ж Он совсем безумный
 کامیون *kāmyun* * باری *bāri* * اتومبیل باری *otomobile bāri* * موتر لاری *mutare lāri* * لاری *lāri*
 - بغل کامیون *baqale kāmyun* * کناریادی *kenāre bādi* * ж грузовая машина ж, грузовик м
 کاناپه *kānāpe* * کوچ *kauch* * م диван
 کانال *kānāl* * چینل *čeynal* * م канал
 کانال رادیویی *kānāl rādiyoyi* * چینل رادیوئی *čeynale rādiyoyi* * م радиоканал
 کاهش *kāheš* * تقلیل *taqlil* * ж уменьшение
 کاوچو *kāuču* * کاچوک *kāučuk* * رابر *rābar* * م каучук
 کبریت *kebrit* * گوگرد *gugerd* * ж спичка
 کبک *kabk* * زړه *zerka* * م 1. зerk 2. ж каменная куропатка ж, кеклик зоол.
 کپسول *kapsul* * کپسون *kapsun* * م баллон
 کپسول آتش نشانی *kapsule ātašnešāni* * آتش گل کن *ātašgolkon* * ж огнетушитель тех.
 کپسول گاز *kapsule gāz* * بالون گاز *bālune gāz* * م газовый баллон
 کپیہ *kopiye* * نسخه *nosxe* * ورق *vara* * نقل *naql* * کاپی *kāpi* * ж экземпляр м, копия ж
 کت *kot* * کرتی *korti* * م пиджак
 کت و شلوار *kotošalvār* * دریشی *deriši* * کرتی و پتلون *kortiopatlun* * م костюм
 کتان *katān* * سان *sān* * ж хлопчатобумажный
 کتان سفید *katāne sefid* * سان سفید *sāne safed* * ж отбеленная бязь
 کتبی *katbi* * تحریری *tahriri* * ж письменный
 کتری *ketri* * چای جوش *čāyjuš* * ж чайник для кипячения воды
 کتری برقی *ketriye barqi* * چای جوش برقی *čāyjuše barqi* * م электрический чайник
 کتف *ketf* * راشبیلک *rāšbelak* * ж лопатка (кость) анат.
 کتک *kotak* * لت *lat* * с битье
 کتک خوردن *kotak xordan* * لت خوردن *lat xordan* * ж ктк خوردن
 کتک زدن *kotak zadan* * دمیاندن *dambāndan* * لت کردن *lat kardan* * ж наносить побои, бить

МОТОК (ниток) м *kalāw* کلاوه *kalāf* کلاف
 катушка *pečak* پیچک *kalāf* کلاف
 клубок ниток *kolulanax* کلونه *kalāfe nax* کلاف نخ
 афоризм м *maqula* مقوله *kalāme qesār* کلام قصار
 шлем м, каска ж *tarak* ترک *kolāhe āhani* کلاه آهنی
 шлем м, каска ж *kolāhe fulādi* فولادی *tarak* ترک *kolāhxud* کلاه خود
 головка ж *kolāgak* کلایک *kolāhak* کلایک
 шатер м, шалаш м *kodali* کودلی *kolbe* کلبه
 крупный, толстый прил. *lok* لک *koloft* (صفت) کلفت
 толстый, плотный, крепкий прил. *dabal* دبل *zaxim* ضخیم *koloft* کلفت
 капуста ж *karam* کرم *kalam* کلم
 клуб м *klab* کلب *kolub* کلوب *klap* کلپ
 клуб м *klab* کلب *kolup* کلوپ *klap* کلپ
 человек с большой головой *kalla kata* کله کته *kallegonde* کله گنده
 ключ м *keli* کلی *kelid* کلید
 розетка элект. ж *sāket* ساکت *wālsāket* وال ساکت *priz* پریز *kelide barq* کلید برق
 почка ж *gorda* گرده *kolie* کلیه
 лук, рогатка *qolak* غولک *kamān* کمان
 радуга ж *kamāne rostam* کمان رستم *ranginkamān* رنگین کمان
 компресс, повязка с примочкой *tarband* تربند *kompres* کمپرس
tokor kardan (محاوره ای) تکر کردن *kompres kardan* کمپرس کردن
 ставить компресс, делать примочку
damtarak دمترک *dāmtarak* دامترک *mutare damtarak* موتر دمترک *kompresor* کمپرسور
damtarak دمترک *dāmtarak* دامترک *mutare damtarak* موتر دمترک *kompresi* کمپرسی
 комплект, сервис м *sit* سیت *servis* سرویس *komplekt* کمپلیکت
 шкаф м *alwāri* الواری *almāri* الماری *anwāri* انواری *komod* کمد
 шкаф книжный м *almāriye ketāb* الماری کتاب *komode ketāb* کمد کتاب
 шкаф одежный м *almāriye lebās* الماری لباس *komode lebās* кمد لباس
 комедия ж *komedi* کمیدی *komedi* کمدی
 1. жидкий 2. слабый прил. *ābgin* آبگین *kamrang* کمرنگ
 узор, нехватка *ziq* ضیق *tangi* تنگی *kami* کمی
 комик м *komediyan* کمیدین *komik* کمیک
 کنار آمدن *kenār āmadan* جور آمدن *jur āmadan* راست آمدن *rāst āmadan* *āmadan* *āmadan*
 ковровая дорожка, половик *pāyandāz* پای انداز *kenāre* کناره

کولی ⇨ kouli جت *jat* م *cygan*
 کوهان ⇨ kuhān ⇨ کوپان *kopān* م *gorb* (верблюда)
 کوهنورد ⇨ kuhnavard ⇨ کوه گرد *kohgard*. م *kohpaymā* ⇨ альпинист
 کوهنوردی ⇨ kuhnavardi ⇨ کوه گردی *kohgardi*. م *kohpaymāyi* ⇨ альпинизм
 کهنه ⇨ kohne ⇨ کونه (مجاورد ای) ⇨ kuna *kuna* ⇨ старый
 کهنه ⇨ kohne. قراضه *qorāze*. فرسوده *farsude* ⇨ داغمه *dāqma* ⇨
 отход, пришедший в негодность
 کهنه پاک کردن میز ⇨ kohnēye pāk kardane miz ⇨ لته *lata* ⇨
 тряпье с, тряпка ж (кухонная)
 کیسه ⇨ kise. گونی *guni* ⇨ خریطه *harita*. بوجی *buji* (بوجی) *buji* ⇨ мешок
 کیسه آب گرم ⇨ kiseye ābe garm ⇨ مشکوله *maškula* ⇨ грелка ж
 کیسه آرد ⇨ kiseye ārd ⇨ بوری *buri* ⇨ мешок из-под муки م
 کیسه پول ⇨ kiseye pul ⇨ همیانی *hamyāni* ⇨ мешочек для денег م
 کیسه صفرا ⇨ kiseye safrā ⇨ تلخه *talxa* ⇨ желчный пузырь م
 کیسه موی ⇨ kiseye muy ⇨ توری موی *turiye muy* ⇨ خلطه موی *xaltaye muy* ⇨
 сетка для волос ж
 کیف ⇨ kif ⇨ دستکول *dastkawl*. کشکول *kaškul* ⇨ сумка ж, сумочка ж
 کیف جیبی ⇨ kife jibi ⇨ بکس جیبی *bakse jebi* ⇨ бумажник
 کیف دستی ⇨ kife dasti ⇨ بکس دستی *bakse desti* ⇨ портфель م
 کیف زنانه ⇨ kife zanāne ⇨ بکس زنانه *bakse zanāna*. دستکول زنانه *dastkawle zanāna* ⇨
 сумка женская, ридикуль
 کیف مردانه ⇨ kife mardāne ⇨ بکس مردانه *bakse mardāna* ⇨ сумка мужская
 کیلویی ⇨ kiluyi ⇨ تولکی *tulaki* ⇨ развесной

گ

کناره ⇨ kenāre. حصار *hesār*. نرده *narde* ⇨ کناره *katāra*. قطاره *qatāra* ⇨ парила, парапет
 کناره های پله ⇨ kenārehāye pelle ⇨ قطاره های زینه *qatārahāye zina* ⇨ перила лестниц
 کنتور ⇨ kontor ⇨ میتر *mitar* م *mitar* ⇨ счетчик (электро)
 کنتور برق ⇨ kontore barq ⇨ میتر برق *mitare barq* م *mitare barq* ⇨ электросчетчик
 کندن ⇨ kandan ⇨ کشیدن *kašedan* ⇨ рвать, снять, снимать
 کنده درخت ⇨ kondeye deraxt ⇨ غوله *qola* ⇨ چوربان (деревянный), корень
 کنسرت ⇨ konsert ⇨ کانسرت *kānsart* م *kānsart* ⇨ концерт
 کنسرو ⇨ konserv ⇨ کانسرو *kānsarw* ⇨ консервы
 کنسول ⇨ konsul ⇨ قونسل *qonsol* م *qonsol* ⇨ консул дипл.
 کنسولی ⇨ konsuli ⇨ قونسلگری *qonsolgarī* ⇨ консульство с, консульский
 کنفرانس ⇨ konferāns ⇨ کانفرنس *kānfarans* ⇨ конференция ж
 - سالن کنفرانس ⇨ sālon konferāns ⇨ تالار کنفرانس *tālāre konfarāns*. اتاق کانفرنس *otāqe kānfarans* ⇨
 конференц-зал
 کنکور ⇨ konkur ⇨ مسابقه *mosābeqe* ⇨ کانکور *kānkur* م *kānkur* ⇨ конкурс
 کنگره ⇨ kongere ⇨ کانگرس *kāngres* م *kāngres* ⇨ конгресс, съезд
 کوتاه ⇨ kutāh ⇨ قصیر *qasir* ⇨ короткий
 کوتاه قد ⇨ kutāhqadd ⇨ کوتوله *kutule* ⇨ قدپخش *qaddpaxš*. قدپست *qaddpast*. پخچک *paxčak* ⇨
 низкорослый, коротышка
 کوتاه مدت ⇨ kutāhmoddat ⇨ قصیر المدت *qasirolmoddat* ⇨ краткосрочный прил.
 - برنامه کوتاه مدت ⇨ barnāme-ye kutāhmoddat ⇨ پلان قصیر المدت *pelāne qasirolmoddat* ⇨
 краткосрочный план م
 کوتوله ⇨ kutule ⇨ کوتاه قد ⇨ kutāhqadd ⇨ پخچک *paxčak*. قدپخش *qaddpaxš*. قدپست *qaddpast* ⇨
 низкорослый, коротышка
 کوچ نشین ⇨ kučnešin ⇨ کوچی *kuči*. پاونده *pāwenda* م *pāwenda* ⇨ кочевник
 کود ⇨ kud ⇨ کود حیوانی *kude heyvāni*. تاپال *tāpāl*. تاپه *tāpe*. پهن *pehen* ⇨
 انبار *anbār*. تپاله *tapāla*. پارو *pāru* م *pāru* ⇨ навоз (удобрение)
 کود دادن ⇨ kud dādan ⇨ انبار دادن *anbār dādan* ⇨ удобрять (почву)
 کود شیمیایی ⇨ kude šimiyāyi ⇨ کود کیمیای *kude kimiyāwi* ⇨ химудобрение хим.
 کودک ⇨ kudak. بچه *bačče*. فرزند *farzand* ⇨ طفل *tefel*. اشتک (مجاورده ای) *oštok* ⇨ ребенок дитя
 کودکانه ⇨ kudakāne. بچگانه *baččegāne* ⇨ اشتکانه *oštokāna*. طفلانه *teflāna* ⇨ детский прил.
 کودکی ⇨ kudaki. بچگی *baččegi* ⇨ اشتکی *oštoki* ⇨ ребячество, детство
 کوزه ⇨ kuze ⇨ تیکر *tikar* ⇨ кувшин
 کوک (با نخ) ⇨ kuk ⇨ قلابه *qollāba* ⇨ наметывание
 کوک کردن ⇨ kuk kardan ⇨ طیون کردن *tayun kardan* ⇨ заводить, настраивать
 کوک کردن ⇨ kuk kardan ⇨ عیار کردن *ayār kardan* ⇨ заводить
 کوله بار ⇨ kulebār. کوله پشتی *kulepošti* ⇨ تیراق *tabraq*. کولبار *kulbār* ⇨
 торба ж, рюкзак, походный мешок

گردوی سفت *gerduye seft* ♦ چارمغز کورکی *čarmaqze kuraki* ♦
 گرما زده *garmāzade*. آفتاب زده *āftābzade* ♦ جل زده *jalzada* ♦
 получивший солнечный удар
 گرمترین وقت ظهر *garmtarin vaqte zohr* ♦ چاشت ترق *čāštaraq* ♦
 گروه * *gerou* ♦ گروه *geraw* ♦
 заложник *gerougān* ♦ یرغمال *yaraqmāl* ♦
 گروه علمی دانشگاهی *goruhe elmiye dānešgāhi*. کرسی *korsi* ♦
 دبیرتمنت *depārtment* ♦ кафедра
 گروهان (نظامی) *goruhān* ♦ تولى *toulay* ♦
 گروهبان *goruhbān* ♦ سرپرکمیش *sarparkmešar* ♦
 گریپ فروت *gripfruit* ♦ چکوتره *čakutara* ♦
 گزارش *gozāreš* ♦ راپور *rāpor* ♦
 گزارش کارهای اجرا شده *gozāreše kārḥāye ejrā šode* ♦ راپور اجراء *rāpore ejrāāt* ♦
 отчет о проделанных работах
 گزارش *gozāfgu* ♦ کته گوی *kataguy* ♦
 گستاخ *gostāx*. سرکش *sarkeš* ♦ سرزور *sarzur* ♦
 گستاخی *gostāxi* ♦ سرزوری *sarzuri* ♦
 گشاد *gošād* ♦ کشاد *košād* ♦
 گل *gel* ♦ گل ولای (محاوړه ای) *gelolāy* ♦
 گل سرخ *gele sorx*. خاک رس *xāke ros* ♦ گل ارمنی *gele armani* ♦
 گل سرخ *gole sorx* ♦ گل گلاب *gole golāb* ♦
 گل سینه *gole sine*. سنجاق سینه *sanjāqe sine* ♦ لاکت *lākat* ♦
 گل کلم *golkalam* ♦ کرم گلدار *goldār*. کرم *karam* ♦ گلپی *golpi*. گل کرم *golkaram* ♦
 цветная капуста ж
 گل میخک *gole mixak* ♦ قرنفل *qaranfol*. لونگ *lawang* ♦
 گلابی *golābi* ♦ ناشیاتی *nāšyāti*. ناک *nāk* ♦
 گلبولها (خون) *golobulḥā* ♦ کرویات (خون) *korawiyāt* ♦
 گلبولهای سفید *golobulḥāye sefid* ♦ کرویات سفید *korawiyāte safed* ♦
 белые кровяные шарики
 گلبولهای قرمز *golobulḥāye qermez* ♦ کرویات سرخ *korawiyāte sorx* ♦
 красные кровяные шарики
 گلدان *goldān* ♦ گلدانی *goldāni* ♦
 گلو * *gelu* ♦ گلو *golun*. توتہ (محاوړه ای) *tuta* ♦
 گلوله *golule* ♦ کلوله *kolula*. پاغنده *pāqonda* ♦
 گلوله برف *goluleye barf* ♦ توپ برفی *tupe barfi*. کلوله برف *kolulabarfi* ♦
 снежок, снежный ком м

گاز گرفتن *gāz gereftan* ♦ چک زدن *čak zadan* ♦
 گازي *gāzi* ♦ غازي *qāzi* ♦
 گالوش *gāleš* ♦ کالش *kāloš* ♦
 گاواهن *gāvāhan* ♦ پالہ *pāla* ♦
 як зоол. *qejgāw* ♦ گاوا *kajgāv* ♦
 бык, бычок м ♦ *sarmangasak* سرمنگسک *boqqa* ♦
 گاوصندوق *gāvsanduq* ♦ سيف *seyf* ♦
 گاهی *gāhi* ♦ يگان وقت *yagānwaqt* ♦
 گچ *gač* ♦ تباشیر << طباشیر *tabāšer* ♦
 گچ *gač* ♦ گل *gel* ♦
 گچ *gač* ♦ گل *gelgač* ♦
 گچ *gač* ♦ پلستر *palastar* ♦
 گچ کار *gačkār* ♦ گل کار *gelkār* ♦
 گچ کاری *gačkāri* ♦ گل کاری *gelkāri* ♦
 گچ کاری کردن *gačkāri kardan* ♦ پلسترکردن *palastar kardan*. گل کاری کردن *gelkāri kardan* ♦
 отштукатуривать
 گذاشتن *gozāštan* ♦ باندن *bāndan* ♦
 گذاشتن *gozāštan* ♦ ماندن *māndan* ♦
 گذراندن *gozarāndan* ♦ تیر کردن *ter kardan* ♦
 گذرگاه زیرزمینی *gozargāhe zirzaminī* ♦ سمج *samj* ♦
 گذرنامه *gozarnāme*. پاسپورت *pāsport* ♦ تذکرہ *tazkara* ♦
 گران *gerān* ♦ قیمت *qeymat* ♦
 گران است *gerān ast* ♦ قیمت است *qeymat ast* ♦
 گران بها *gerānbahā* ♦ قیمتدار *qeymatdār* ♦
 گرانی *gerāni* ♦ قیمتی *qeymati* ♦
 گر (بیماری) *gar* ♦ گرگ *gar* ♦
 گربه *gorbe* ♦ پشک *pešak* ♦
 گرد *gerd* ♦ گول *gul* ♦
 گرد و غبار *gardoqobār* ♦ خاکرند *xākrand* ♦
 گرداب *gerdāb* ♦ چرخاب *čarxāb*. چهارموجہ *čārmawja* ♦
 گردان *gordān* ♦ کندک *kandak* ♦
 گردش *gardeš*. تفریح *tafrih* ♦ چکر *čakar*. میلہ *mela*. هواخوری *hawāxori* ♦
 گردش کردن *gardeš kardan* ♦ چکر زدن *čakar zadan* ♦
 گردشگری *gardešgari* ♦ تورزم *turezm* ♦
 گردنه *gardane* ♦ کوتل *kutal* ♦
 گردو *gerdu* ♦ چارمغز *čarmaqz* ♦

3

слои, пласт, складка ✧ *qāt* قات ✧
 нужный прил. ✧ *bakār* بکار ✧ *lāzem* لازم ✧
 быть полезным ✧ *bakār budan* بکار بودن ✧ *lāzem budan* لازم بودن ✧
 1. шина ж 2. резина ж ✧ *lāstek* لاستک ✧ *lāstik* لاستیک ✧
 резина ✧ *rābar* رابر ✧ *keš* کش ✧ *lāstik* لاستیک ✧
 резиновый прил. ✧ *rābari* رابری ✧ *keši* کشی ✧ *lāstiki* لاستیکی ✧
 лак для ногтей м ✧ *range nāxon* رنگ ناخن ✧ *lāk* لاک ✧
 черепаха ж ✧ *sangbaqa* سبغه سنگ ✧ *lākpošt* پشت لاک ✧
 онеметь ✧ *kaligak šodan* کليگک شدن ✧ *mabhut budan* مبهوت بودن ✧ *lāl šodan* لال شدن ✧
 глухонемой м ✧ *gonga* گنگه ✧ *lālokar* لال و کر ✧
 колыбельная песня ж ✧ *lalu* له لو ✧ *lālāyi* لالایی ✧
 лампа ж ✧ *lamp* لمپ ✧ *lāmp* لامپ ✧
 лампочка (электрическая) ж ✧ *gorup* گروپ ✧ *lāmpa barqi* لامپ برقی ✧
 матовая лампочка ж ✧ *gorupe tabašeri* گروپ تابشیری ✧ *lāmpa māt* لامپ مات ✧
 لباس در آوردن ✧ *lebās* lebās kandan ✧ لباس کندن ✧ *lebās* lebās kašidan ✧ کشیدن لباس ✧
 раздеваться ✧
 прачка ж ✧ *dobi* دوبي ✧ *lebāšsuy* lebāšsuyi ✧ رخت شویی ✧ *raxtsuyi* رخت شویی ✧ *kālā* کالا ✧ *kālāšuyi* کالاشویی ✧
 стирка ж, прачечная ж ✧
 гражданская одежда ж ✧ *lebāse molki* لباس ملکی ✧ *lebāse āddi* lebāse āddi ✧ لباس عادی ✧
 свадебная одежда ж ✧ *lebāse toyāna* لباس تويانه ✧ *lebāse arusi* lebāse arusi ✧ لباس عروسی ✧
 لباس کندن ✧ *lebās* lebās kandan ✧ لباس در آوردن ✧ *lebās* lebās kašidan ✧ کشیدن لباس ✧
 раздеваться ✧
 старая одежда ж ✧ *lebāse dāqma* لباس داغمه ✧ *lebāse kohne* lebāse kohne ✧ لباس کهنه ✧
 спецодежда, форма ✧ *form* فورم ✧ *lebāse maxsus* lebāse maxsus ✧ لباس مخصوص ✧
 спецодежда ж ✧ *derišiye kār* دریشی کار ✧ *lebāse maxsuse kār* lebāse maxsuse kār ✧ لباس مخصوص کار ✧
 молочные продукты ✧ *labniyāt* لبنیات ✧ *labaniyāt* labaniyāt ✧ لبنیات ✧
 лезвие тех. ✧ *pal* پل ✧ *labe* labe ✧ لبه ✧
 لبه برنده مته ✧ *labeye borrandeye matte* labeye borrandeye matte ✧ تیغه مته ✧ *tiqčeye matte* tiqčeye matte ✧ پل برمه ✧ *pale barma* pale barma ✧
 наконецник сверла м ✧
 لبه برنده کارد ✧ *pale* pale čāqu ✧ پل چاقو ✧ *čāqu* čāqu ✧
 острые ножа тех. с ✧

گلوله برف بازی کردن *golulebarf bâzi kardan* ❖ ❖ ❖ توپ برفی ساختن *tupe barfi sāxten*
 играть в снежки
 گله *galle* ❖ ❖ ❖ پاده *pāda* ❖ ❖ ❖ стадо
 گلیم *gelim*. زیلو *zilu*. جاجیم *jājim* ❖ ❖ ❖ شطرنجی *šatranji*. سترنجی *satranji*. سدرنجی *sadrnji* ❖
 коврик, половик м, дорожка
 گمراه (زن) *gomrāh*. بدکاره *badkāre* ❖ ❖ ❖ غر *gar* ❖ ❖ ❖ распутная женщина
 کناهکار *gonāhkār* ❖ ❖ ❖ جانی *jāni* ❖ ❖ ❖ преступник м
 کندیده *gandide* ❖ ❖ ❖ گنده *ganda* ❖ ❖ ❖ вонючий прил.
 کنگ *gong* ❖ ❖ ❖ کنگس *gangs* ❖ ❖ ❖ одурманенный прил.
 گوجه فرنگی *goujefarangi* ❖ ❖ ❖ بادنجان رومی *bādenjāne rumi*. رومی *rumi*. بانجان رومی *bānjāne rumi* ❖
 помидор м
 گودال *goudāl*. چاله *čāle* ❖ ❖ ❖ چقرور << چقر *čəqur* ❖ ❖ ❖ яма
 گودی *goudi* ❖ ❖ ❖ چقروری *čəquri* ❖ ❖ ❖ ж
 گوز *guz* ❖ ❖ ❖ چرنگ *čərang* ❖ ❖ ❖ انات. испускание газов
 گوزیدن *guzidan* ❖ ❖ ❖ تیزیدن *tezidan*. گوز زدن *guz zadan* ❖ ❖ ❖ انات. выпускать газы
 گوژ *guj* ❖ ❖ ❖ کپک *kapak* ❖ ❖ ❖ горбатый
 گوساله *gusāle* ❖ ❖ ❖ چوپه گاو *čəpəgāw* ❖ ❖ ❖ теленок м
 گوشت آفتاب پز (باستورمه) *gušte āftābpaz* ❖ ❖ ❖ لاندی *lāndi* ❖ ❖ ❖
 бастурма, вяленое мясо с
 گوگرد *gugerd* ❖ ❖ ❖ سلفر *salfar* ❖ ❖ ❖ ж сера
 گول زدن *gul zadan* ❖ ❖ ❖ چپ دادن *čəp dādan* ❖ ❖ ❖ обмануть, обманывать
 گول زدن در معامله *gul zadan dar moāmele* ❖ ❖ ❖ تپ زدن *tap zadan* ❖ ❖ ❖ tap
 گونه *gune* ❖ ❖ ❖ کومه *koma* ❖ ❖ ❖ ж щека
 گونی *guni*. کیسه *kise* ❖ ❖ ❖ خریطه *xarita*. بوجی *buji* (*buja*). جوال *jāwāl* ❖ ❖ ❖ мешок
 گونی *guni* ❖ ❖ ❖ تات *tāt* ❖ ❖ ❖ мешковина
 گیاهان *giāhān* ❖ ❖ ❖ نباتات *nabātāt* ❖ ❖ ❖ травы
 گیاهان طبی *giāhāne tebbi* ❖ ❖ ❖ نباتات طبی *nabātāte tebbi* ❖ ❖ ❖ лекарственные травы
 گیرنده *girande* ❖ ❖ ❖ آخذہ *āxeza* ❖ ❖ ❖ (радио) приемник
 گیره *gire*. تسمه *tasme*. رکابک *rekābak*. حلقه آهنی *halqeye āhani* ❖ ❖ ❖ پترہ *patra* ❖ ❖ ❖
 железная скоба
 گیره سر *gireye sar*. پنس *pans* ❖ ❖ ❖ سیخک مو *sixake mu* ❖ ❖ ❖ шпилька для волос
 گیره مو *gireye mu* ❖ ❖ ❖ قیتک مو *qaytake mu* ❖ ❖ ❖ ж заколка для волос
 کیسو *gisu* ❖ ❖ ❖ چوتی *čəuti* ❖ ❖ ❖ ж заплетенные волосы, коса
 کیلاس (میوه) *gilās* ❖ ❖ ❖ شاه آلو *šāhālu* ❖ ❖ ❖ черешня бот.
 کیلاس *gilās*. استکان *estekān* ❖ ❖ ❖ گلاس *gelās* ❖ ❖ ❖ м стакан
 گومہ *giyume* ❖ ❖ ❖ ناخنک *naxonak*. قوس کوچک *qouse kučak*. حالین *helālayn* ❖ ❖ ❖ кавычки

тряпка (кухонная) ж ♦ *sāfi* صافی ♦ *late* لته
десна анат. ♦ *bira* بيرة ♦ *lasse* لسه
тина ж ♦ *qalejan* غليژن ♦ *qarijan* غريژن ♦ *lajan* لجن
паяльник м ♦ *lim* ليم ♦ *lahim* لحيم
пайка ж ♦ *limkāri* کاری ليم ♦ *lahimkāri* کاری لحيم
голый м ♦ *luč* لوج << ♦ *oryān* عريان ♦ *loxt* لخت
лорд м ♦ *lārd* لارد ♦ *lord* لرد
ложка ж ♦ *qorfa* غرغه ♦ *loj* لؤ
дивизия воен. ж ♦ *ferqa* فرقه ♦ *laškar* لشکر

словарь м ♦ *dekseneri* دکشنری ♦ *farhang* فرهنگ, loqatnāme لغتنامه
скользить, подскользываться ♦ *loxčidan* لخبیدن ♦ *laqzidan* لغزیدن
заикание, заикивание ♦ *totlagi* گيتله ♦ *loknate zabân* لکت زبان
таз, корыто ♦ *taqāra* تگار ♦ *lagaan* لگن

لوازم *lavāzem*. ابزار *abzār* آلات *ālāt* ♦ *sāmān* سامان
 домашние предметы, инструменты
 لوازم *lavāzem* التحریر *tahrir* ♦ *sāmāne qertāsiya* سامان قرطاسیه
 канцелярские товары
 لوازم *lavāzeme barqi* برقی ♦ *sāmāne barq* برق سامان
 электротовары
 لوازم *lavāzeme tahrir* تحریر ♦ *sāmāne qertāsiya* سامان قرطاسیه
 канцелярские товары

канцелярские товары
 لوازم خانہ lavâzeme xâne ✧ اساتھیہ asâsiye ✧ سامان سامان خانہ sāmāne xāna ✧
 предметы домашнего обихода
 لوازم درسی lavâzeme darsi ✧ سامان درسی sāmāne darsi ✧
 учебные предметы
 لوازم فرسودہ lavâzeme farsude ✧ سامان داغہ sāmāne dāqma ✧
 утиль м
 لوازم یدکی lavâzeme yadaki ✧ زاپاس zâpās ✧

لوازم یدکی لوازمه yadaki foruši. سامان فالتو *sāmāne fāltu*. فالتو *fāltu*. پرزه جات *porzajāt* ❖
❖ *porzaforuši* لوازم یدکی فروشی ❖ پرزه فروشی *lavāzeme yadaki foruši*
магазин по продаже запасных частей м

лаваш м ♦ *lawāša* لَوَاش ♦ *lavāš* لَوَاش
фасоль ж ♦ *fāsoliya* فَاصولِيه << *lubiyā* لُوبِيَا
табличка ♦ *palet* بَلْت ♦ *louhe* لَوْحَة

миндалины, гланды мед. ✧ *pāyagolun* (محاورای) ✧ *louzateyn* لوزتین ✧ *tānsol* تانسول ✧ *louze* لوزه ✧ *na/* نل ✧ *lule* لوله
труба ж

لوله آب آبرسانی *nāle ābrasāni* ✧ نل آب *nāle āb* ✧
 труба водоснабжения, водопроводная труба
 труба цементная ж *bolul* ✧ لوله سیمانی *luleye simāni* ✧

утка мед. ♠ *bawldāni* بول دانی ♠ *luleye tebbi* لوله طبي
 водопроводчик, сантехник ♠ *naldawān* نلدوان ♠ *lulekeš* كاش لوله
 ♠ *naldawāni kardan* کردن نلدوانی ♠ *lulekeši kardan* كاشی کردن لوله
 прокладывать водопроводные трубы
 скользкий ♠ *lašm* لشم ♠ *liz* لیز
 спотыкаться ♠ *tokor xordan* (محاوره ای) تکر خوردن ♠ *liz xordan* لیز خوردن
 список м, перечень м ♠ *lest* لست ♠ *list* لیست
 лимон м ♠ *lemu* لیمو ♠ *limu* لیمو*

۱

матик mātik ♠ لب سيرين << губная помада ж ♠ labserin
 мать, матушка ♠ mādar ♠ والد mādar ♠ مادر مادر ♠ mādarbozorg ♠ ننه nane ♠ بی بی bibikalān ♠ بی بی bibi ♠ бабушка ж ♠ bibi
 теңа ♠ xošu ♠ خوش mādarzan ♠ مادر زن ♠ mādegiye dogme ♠ قالب دگمه ♠ qālebe dogme ♠ قاج دگمه ♠ qāje dogma ♠ مادگی
 петля для пуговицы ♠ mārpič ♠ تارپیچ tāropič ♠ تارپیچ tārpīč ♠ جری jari ♠ نری nari ♠ вырез, паз, резьба тех.
 кобра ж ♠ kafčamār ♠ کفجه māre eynaki ♠ مار عینکی ♠ märe kobra ♠ چمچه مار čamčamār ♠ کبرا ж
 март м ♠ mārc ♠ مارچ mārs ♠ مارس
 ящерица ж ♠ čalpāsa ♠ چلیپاسه märmulak ♠ مارمولک
 массаж м ♠ māleš ♠ مالش māsāz ♠ ماساژ
 мацони с, простокваша ж ♠ joqrāt ♠ جفرات māst ♠ ماست
 жидкий мацони, кефир ♠ māste ābaki ♠ ماست آبکی māste māye ♠ مایع
 маска ж ♠ māska ♠ ماسکه māska ♠ ماسک
 челнок м ♠ godigak ♠ گک mākuk ♠ ماکوک māsore ♠ ماسوره
 машинное оборудование ♠ māšinari ♠ ماشینری mutare ♠ موتور ۱-مۆتر ۲-ماشینی māšin ♠ ماشین
 машина водоснабжения ♠ mutare ābrasāni ♠ موتور آبرسانی māšine āb ♠ ماشین آب
 машина соковыжималка ж ♠ māšine ābmeywakaši ♠ ماشین آب میوه کشی
 машина пожарная ♠ māšine ātašnešāni ♠ موتور اطفانیه
 пожарная машина ж ♠ mutare atfāiya

مترجم ✧ motarjem ✧ переводчик м
 متقال ✧ metqāl ✧ سان كوره ✧ sāne kura ✧ небеленная бязь (ткань) ж
 متكا ✧ motakkā ✧ بالشتك ✧ bāleštak ✧ небольшая подушка ж, душка ж
 متوسط ✧ motevasset ✧ متوسطة ✧ sānawī ✧ متوسط ✧ motevassete ✧ متوقف ✧ motevaqef ✧ پړچو ✧ parčaw ✧ остановленный ✧ parčaw kardan ✧ پړچو کردن ✧ motevaqef kardan ✧ متوقف کردن ✧ остановить (оборудование)
 مشانه ✧ massāne ✧ پړقانه حیوانات ✧ roqānaye hayvānāt ✧ мочевого пузыря животного
 مثل ✧ mesl ✧ مانند ✧ mānand ✧ واری ✧ wārī ✧ подобно, как
 مثل بچه ✧ mesle bačče ✧ مانند بچه ✧ mānande bačče ✧ واری ✧ aštokwārī ✧ как ребенок ✧ aštokwārī ✧ مثل کودک ✧ mesle kudak ✧ واری ✧ aštokwārī ✧ مثل بچه ✧ mesle bačče ✧ مثل کودک ✧ mesle kudak ✧ واری ✧ aštokwārī ✧ مجلس باشکوه ✧ majlese bāšokuh ✧ مجلس شاندار ✧ majlese šāndār ✧ торжественный вечер
 مجلس خبرگان ✧ majlese xobregān ✧ لویه جرگه ✧ loya jerga ✧ собрание старейшин с ✧ loya jerga ✧ مجلس سران قبایل ✧ majlese sarāne qabāyel ✧ لویه جرگه ✧ loya jerga ✧ совет старейшин племени
 مجمع ✧ majma ✧ اسمبله ✧ asāmbala ✧ лига, ассамблея ✧ majma ✧ انجمن ✧ anjoman ✧ اجتماع ✧ jam ✧ iyyat ✧ союз, совет, общество ✧ jam ✧ iyyat ✧ مجمعین ✧ majma'in ✧ غوری ✧ qurī ✧ поднос, большое блюдо ✧ qurī ✧ مجوز ✧ mojavvez ✧ جوازنامه ✧ jawāznāma ✧ разрешение, лицензия (документ) ✧ mojavvez ✧ مجوز ✧ mojavvez ✧ منظوری ✧ manzuri ✧ право
 میچاله ✧ močāle ✧ چمک ✧ čmlok ✧ помятый, съездившийся прил. ✧ močāle ✧ میچاله کردن ✧ močāle kardan ✧ چمک کردن ✧ čmlok kardan ✧ помять, скомкать ✧ močāle kardan ✧ محاصره ✧ mohāsere ✧ بلوکاد ✧ blokād ✧ блокада ж
 محسوب کردن ✧ mahsub kardan ✧ تلقی کردن ✧ talaqi kardan ✧ считать ✧ mahsub kardan ✧ محصول ✧ mahsul ✧ تولید ✧ toulid ✧ پیداوار ✧ paydāwār ✧ продукция ✧ mahsul ✧ سخت ✧ saxt ✧ سفت ✧ seft ✧ کوری ✧ kurakī ✧ твердый, крепкий ✧ seft ✧ محکم بستن ✧ mohkam bastan ✧ چپربچ کردن ✧ čaparpeč kardan ✧ (محاوره ای) ✧ плотно укутать
 محموله ✧ mahmule ✧ کارگو ✧ kargo ✧ груз м
 مخفی ✧ maxfi ✧ پنهان ✧ penhān ✧ پت ✧ pot ✧ скрытый, тайный ✧ penhān ✧ مخفی شدن ✧ maxfi šodan ✧ پنهان شدن ✧ penhān šodan ✧ پت شدن ✧ pot šodan ✧ скрываться ✧ maxfi kardan ✧ پنهان کردن ✧ penhān kardan ✧ پت کردن ✧ pot kardan ✧ скрывать ✧ مخفیانه ✧ maxfiyāne ✧ یواشکی ✧ yavāšaki ✧ پت ✧ pot ✧ потихонечку
 مخلوٹ ✧ maxlut ✧ قاتی ✧ qāti ✧ گدود ✧ gadwad ✧ گد ✧ gad ✧ смешанный, перемешанный

مرغ (مرغان) morq ⇨ طیر (طیور) tair ⇨ птица ж
 مرغ دریایی morqe daryāyi ⇨ کف خورک kafxorak ⇨ чайка ж
 مرغابی morqābi ⇨ زاغابی zāqābi ⇨ утка зоол. ж
 مرغزار marqzār ⇨ چراگاه čarāgāh ⇨ چمن čaman. علفچر alafčar ⇨
 لужайка ж, пастбище с, пашня ж, поле
 مرکب morakkab ⇨ جواهر jouhar ⇨ رنگ قلم range qalam ⇨ чернила
 مرکبات morakkabāt ⇨ سیتروس sitrus ⇨ цитрусы
 مرکز بازار markaze bāzār ⇨ سر چوک sare čauwk ⇨ центр рынка м
 مرکز تلفن markaze telefon ⇨ سویچ بورد suwečbord ⇨ коммутатор м
 مزد mozd ⇨ اجرت ojrāt ⇨ اجوره ojura ⇨ плата, поденная плата ж
 مزدور mozdur ⇨ اجوره کار ojurakār ⇨ поденщик, наемный рабочий
 مژه * moje ⇨ مژه meja ⇨ ресница
 مسابقه mosābeqe ⇨ کنکور konkur ⇨ کانکور kankur ⇨ конкурс м
 مساحت masāhat ⇨ ساحه sāha. ساحه masāha ⇨ территория ж, площадь ж
 مساعدت مالی masādate māli ⇨ تمویل tamwil ⇨ финансирование
 مسافت masāfat ⇨ مسافه masāfa ⇨ расстояние с
 مسافرت تفریحی masāferate tafrihi ⇨ سیلانی saylāni ⇨ путешествие с
 مستخدم دبستان mostaxdeme dabestān ⇨ چپراسی maktab čaprāsiye ⇨
 школьная прислуга
 مستخدم هتل mostaxdeme hotel ⇨ چپراسی hutal čaprāsiye ⇨
 коридорный в гостиницах м
 مستراح mostarāh ⇨ توالت tuālet. دست شویی dast šuyi ⇨ دستشویی dastšuyi ⇨
 туалет, туалетная комната
 مسخره masxare ⇨ تتره totra ⇨ шут
 مسخره‌گی masxaregi ⇨ تتربو tatarbu ⇨ насмешка
 مسکن maskan ⇨ ساختمان مسکونی sāxtemāne maskuni ⇨ خانه رهایشی xānaye rahāyeši ⇨
 жилой дом м
 مسکونی maskuni ⇨ اقامتی eqāmati ⇨ رهایشی rahāyeši ⇨ жилой
 - ساختمان مسکونی sāxtemāne maskuni ⇨ خانه رهایشی xānaye rahāyeši ⇨
 жилой дом м
 مسلسل mosalsal ⇨ تفنگچه ماشیندار tofangčāye mašindār ⇨ ماشیندار māšindār ⇨
 пулемет м
 مسواک mesvāk ⇨ برس دندان borse dandān ⇨ зубная щетка ж
 مسیر masir ⇨ خط السیر xattossayr ⇨ маршрут м
 مسئولیت mas' uliyyat ⇨ عهده ohde ⇨ ذمه zimma ⇨ ответственность ж
 مشت mošt ⇨ چپه čapa ⇨ кулак м
 مشت زنی moštzani ⇨ بکس بازی boks bazi ⇨ بوکسنگ bokseng ⇨ бокс м
 مشتری همیشگی moštariye hamišegi ⇨ بیپار beypār ⇨ постоянный покупатель

مخلوط شدن maxlut šodan. قاتی شدن qāti šodan ⇨ گد gad šodan ⇨
 смешиваться, смешаться
 مخلوط کردن maxlut kardan. قاتی کردن qāti kardan ⇨ گد gad kardan ⇨
 смешивать, перемешивать
 مخمل maxmal ⇨ بخمل baxmal ⇨ бархат м
 مد mod ⇨ آرایش āraeyeš ⇨ فیشن fišan ⇨ moda ж
 - به مد be mod ⇨ فیشنی fišani ⇨ модный
 مداد medād ⇨ پسن pensen. پنسل pensel ⇨ карандаш м
 مداد پاک ken medādpākkon ⇨ پنسل پاک penselpāk ⇨ резинка ж, ластик м
 مداد تراش medādtarāš ⇨ پسن تراش pensentarāš. پنسل تراش penseltarāš. قلم تراش qalamtarāš ⇨
 точилка для карандашей ж
 مدرسه madrese ⇨ مکتب maktab ⇨ школа ж
 مدرک madrak ⇨ سند sanad ⇨ документ м
 مدفوع madfu ⇨ غایطeqāyeta ⇨ кал м
 مدیر کل modire koll ⇨ مدیر عمومی modire omumi ⇨ генеральный директор м
 مراجعت morājeat ⇨ مراجعه morājaa ⇨ с
 مراجعت کردن morājeat kardan ⇨ مراجعه کردن morājaa kardan ⇨
 مراجعه morājee ⇨ مراجعه morājaat ⇨ с
 مراجعه کردن morājee kardan ⇨ مراجعه کردن morājaat kardan ⇨
 مراجعه کنندگان morājee konandegān ⇨ مراجعین morājain ⇨
 клиенты, посетители, заявители
 مراقبت morāqebat ⇨ بهره برداری bahrebardāri ⇨ حفظ و مراقبت hefzomorāqebat ⇨
 эксплуатация, уход
 مراقبت راهها morāqebate rāhha ⇨ حفظ و مراقبت سرک hā sarakhā ⇨ hefzomorāqebate sarakhā ⇨
 эксплуатация дорог, уход за дорогой
 مربع morabba ⇨ چهارگوش čhārguš ⇨ چهارکنج čhārkonz ⇨ квадрат м
 مربی morabbi ⇨ استاد ostād. اوستا ustā ⇨ خلیفه xalifa ⇨ мастер м
 مرتبه martabe ⇨ بار bār. دفعه daf`e ⇨ کرت karat ⇨ раз
 مرداد mordād ⇨ اسد asad ⇨ V месяц солнечного года
 مرد دو زنه marde do zane ⇨ امباقدار ambāqdār ⇨
 мужчина имеющий две жены, двоеженец
 مردم mardom ⇨ ملت mellat ⇨ ولوس wolos. اولوس ulus ⇨ народ м, люди
 مردمک mardomak ⇨ ننی nanigak ⇨ م mardomak ⇨ зрачок м
 مردمی mardomi ⇨ ملی melli ⇨ ولسی wolosi. اولوسی ulusi ⇨ народный, национальный
 مرز marz ⇨ سرحد sarhadd ⇨ ж
 مرطوب martub ⇨ نمناک namnāk ⇨ زاه zāh ⇨ ж
 مرغ morq ⇨ مرغ murq ⇨ ж
 курица ж

مقدم السفرا moqaddamosssofar ⇨ شيخ السفرا seyxoossofar ⇨
 старшина дипломатического корпуса
 مقوا moqavva ⇨ کاغذ kāk ⇨ картон м
 مقیم کشور moqime kešvar ⇨ هیوادال haywādwāl ⇨ житель страны м
 مکانیک mekānik ⇨ ماشین کار māšinkār ⇨ механик м
 مکیدن makidan ⇨ چوшیدن čušidan ⇨ сосать
 مگس کش magaskoš ⇨ چوری čuri. مگس پران magasparān ⇨ ж мухобойка
 ملافه malāfe ⇨ روجایی <> روجائی rujāyi ⇨ ж простыня
 ملاقات molāqāt ⇨ درسن darsan ⇨ ж встреча
 ملاقه malāqe ⇨ قاشق بزرگ qāšoqe bozorg ⇨ چمچه čamča. کفچه kafča ⇨ м половник
 ملت mellat ⇨ مردم mardom ⇨ ولوس wolos. اولوس ulus ⇨ м, люди
 ملی melli ⇨ مردمی mardomi ⇨ ولسی wlosi. اولوسی ulusi ⇨ м народный, национальный
 ممیز motamayez ⇨ اعشاریه a`šāriya. علامت اعشاریه alāmate ašāriya ⇨
 запятая в десятичной дроби
 مناطق manāteq ⇨ صفحات safahāt ⇨ м районы
 منبر manbar ⇨ میز خطابه mize xatāba ⇨ м кафедра, трибуна
 منبع (نفت یا بنزین) manba ⇨ تانک tānk ⇨ м резервуар
 منبع آب āb ⇨ آب آبرسانی borje ābrasāni ⇨ м база водоснабжения
 منشی monši ⇨ سکرتر sekartar ⇨ м секретарь
 منظره manzare ⇨ چشم انداز češmandāz ⇨ دورنما durnomā ⇨ м вид, пейзаж
 منقار menqār ⇨ نول nol ⇨ м клюв
 مواد mavādd ⇨ مصالح masālah ⇨ м материалы
 مواد ساختمانی mavādde sāxtemāni ⇨ مصالح تعمیراتی masālahe ta`mirāti ⇨
 стройматериалы
 مواد غذایی mavādde qazāyi ⇨ مواد ارتزاقی mawādde ertezaqi ⇨
 продукты
 مواد مخدر mavādde moxadder ⇨ مخدرات moxadderāt ⇨ м مواد مخدر mawadde moxaddera
 наркотики
 مواد منفجره mavādde monfažere ⇨ مواد انفلاقی mawādde enfelāqi ⇨
 взрывчатые вещества
 موازنه movāzene ⇨ پرتره partara ⇨ с равновесие
 موتور motor ⇨ انجن anžen ⇨ ماشین māšin ⇨ м двигатель
 موتور ماشین motore māšin ⇨ ماشین موتر māšine mutar ⇨ м двигатель (автомобиля)
 موتورسیکلت motorsiklet ⇨ موتورسایکل mutarsāykal ⇨ м мотоцикл
 موثق movassaq ⇨ سقه soqqa ⇨ м подтвердившийся, истинный
 موج* mouj ⇨ جبه japa ⇨ ж волна
 موج دریا mouje daryā ⇨ ستونک sotounak ⇨ ж волна (моря)
 موجب* moujeb ⇨ موجب mawjeb ⇨ ж причина

مشغول mašqul ⇨ اشغال ešqāl ⇨ مصرف masruf ⇨ занятый
 مشغول بودن mašqul budan ⇨ مصرف بودن masruf budan ⇨ м быть занятым
 مشغولیت mašquliyat ⇨ مصروفیت masrufiyat ⇨ ж занятость
 مشک mašk ⇨ رابیا rābiyā ⇨ бурдюк большой
 مشمول mašmul ⇨ جلبی jalbi ⇨ м призывник
 مشهور mašhur ⇨ بنام banām ⇨ известный, славный, знаменитый
 مضاعف (در پنجره و غیره) mozāaf ⇨ دو پله ay ⇨ dupallayi ⇨ м двусторчатый
 مطالعات اولیه و تهیه نقشه moṭāleāte avvaliye va tahiyyeye naqše ⇨
 سروی و پروژه سازی serwey va projasāzi ⇨ исследование и проектирование
 مطب matab ⇨ معاینه moāyenaḫāna ⇨ moāyenaḫāna ⇨ м кабинет врача
 مطیع moti ⇨ تابع tābe ⇨ دست به سینه destbasina ⇨ м услужливый прил.
 معاصر moāser ⇨ عصری asri ⇨ м современный прил.
 معالجه moāleje ⇨ تداوی tadāwi. صحت یابی sehhyābi ⇨ с лечение
 معالجه شدن moāleje šodan ⇨ شفا یافتن šafā yāftan ⇨ تداوی شدن tadāwi šodan ⇨ м лечиться
 معالجه کردن moāleje kardan ⇨ شفا دادن šafā dādan ⇨ تداوی کردن tadāwi kardan ⇨ м лечить
 معامله دار moāmeledār ⇨ طرف معامله tarafe moāmele ⇨ بیع پار baypār ⇨ м контрагент
 معاون moāven ⇨ دستیار dastyār ⇨ مرستیال mrastiyāl ⇨ м помощник, ассистент, заместитель
 معتاد mo`tād ⇨ نشه ni ⇨ našayi ⇨ м наркоман
 معدن ma`dan ⇨ کان kān ⇨ ж руда
 معده* me`de ⇨ معده meda* ⇨ м желудок
 معضله moazzele ⇨ دشواری došvāri ⇨ پرابلم prāblem. پروبلم poroblam. تکلیف taklif ⇨
 проблема, трудность ж
 معطلی moa`ttali ⇨ تاخیر ta`xir ⇨ تال tāl ⇨ ж задержка
 معما moammā ⇨ معمی moammā ⇨ ж загадка
 معمار me`mār ⇨ مهندس mohandes ⇨ м архитектор
 مغز maqz ⇨ دماغ kabir ⇨ demāqe kabir ⇨ دماغ سر sar ⇨ damāqe sar ⇨ м головной мозг анат.
 مغز حرام maqze harām ⇨ حرام harammaqz ⇨ м спинной мозг
 مفت moft ⇨ رایگان rāyegān ⇨ بلاعوض belāewaz ⇨ м безвозмездно
 مفت خور moftxor ⇨ تیار خور tayārxor ⇨ м дармояд
 مفسر mofasser ⇨ مبصر mobasser ⇨ м обозреватель
 مفقود mafqudolasar ⇨ لادری lādarak ⇨ м исчезнувший, пропавший прил.
 مقام بالا maqāme bālā ⇨ عالی مقام ālimaqaām ⇨ رتبه عالی rotbaye āli ⇨
 высокая должность ж
 مقایسه کردن moqāyese kardan ⇨ سردادن sardādan ⇨ м сопоставлять, сравнивать

- میکانیکی mikānik ♦ میخانیک mixānik م ♦ механик м
 میکانیکی mikāniki ♦ میخانیکی mixāniki ♦ механический
 - بیل مکانیکی bile mekāniki ♦ شاول šāwal ♦ эскаватор тех.
 میکروب mikrob ♦ میکروب mekrob م ♦ микроб м
 میل بافت mile bāft ♦ دوک dok. سیخ bāft sixe ♦ спица, веретено
 میل گرد mile gerd ♦ آرماتور ārmātur ♦ آهن گول āhengul. سیخ گول sixe gul ♦ арматура ж
 میمون meymun ♦ شادی šādi ж ♦ обезьяна
 مین *min. خمپاره xompāre ♦ مین maun ж ♦ мина воен.
 میوه *mive ♦ میوه meywa ♦ фрукты
 میوه رسیده miveye reside ♦ تراهی tarāhi ♦ спелый плод
 میهن *mihan ♦ میهن meyhan. وطن abāyi ♦ watane ♦ родина ж, отчий край м

ن

- ناتنی nātani ♦ ناسکه nāsekka ♦ неродной, сводный прил.
 ناچار nāčār ♦ لاچار lāčār ♦ вынужденный
 ناحیه (در شهر) nāhiye ♦ کارته kārta ♦ район города, квартал м
 ناحیه کوچک در شهر nāhiyeye kučak dar šahr ♦ میکروрайон mkroryān م ♦ микрорайон м
 نادان nādān. احمق ahmaq ♦ تپنگوز tapangoz م ♦ дурак м
 نارکوز nārkoz ♦ گاز بیهرشی gāze behuši. نرکوز narkoz م ♦ наркоз м
 نارگیل nārgil ♦ کوپره kopra. ناربال nāriyāl م ♦ кокосовый орех, кокос м
 نارنج nārenj ♦ بالنگ bālang ♦ памиранец бот.
 نارنجک nārenjak ♦ بم bame desti ♦ граната
 نارنگی nārengi ♦ سنتر santara م ♦ мандарин
 نارنگی (نوعی نارنگی) nārengi ♦ کینو kinu ♦ вид мандарина
 نازا nāzā ♦ سترون satarwan ♦ бесплодная прил.
 نازک nazok. ظریف zarif ♦ مهین mahin. مئین ma'in ♦ тонкий, нежный прил.
 ناسزا nāzā ♦ گفتن nāzēzā goftan. فحش دادن fohš dādan ♦ داو dāw ♦ زدن dāw zadan ♦ دو dāw ♦ زدن dāw zadan ♦
 رугать
 ناظر nāzer ♦ نگران negarān ♦ наблюдатель
 ناکام nākām ♦ فیل fayl ♦ неудачливый прил.
 نام نویسی nāmnevisi ♦ ثبت nām ♦ sabte ♦ регистрация

- مورد *moured ♦ مورد mawred ♦ про, об, об этом
 موریه muryāne ♦ خسک xasak م ♦ клоп м
 مور murmur ♦ مرمر mormor ♦ мурашки
 - تنش مور مور می شود tanaš murmur mišavad ♦
 جانش مرمر می کند jānaš mormor mekonad ♦ побежали мурашки по телу
 موز mouz ♦ کله >> کله kela م ♦ банан
 موزه muze ♦ موزیم muziyam م ♦ музей м
 موسم بارندگی mouseme bārandegi ♦ برشت brešt م ♦ сезон осадков
 موش خرماي کوهي muše xormāye kuhi ♦ تبرغان tabarqān م, зоол. ♦ сурок м, зоол.
 موشک انداز mušakandāz ♦ راکت rakat انداز rākatandāz م ♦ гранатомет
 موقع *moqe ♦ موقع mawqa م ♦ время
 مونتاژ montāz ♦ بسته کاری bastakāri م ♦ монтаж
 مونتاژ کار montājkār ♦ بسته کاری bastakār م ♦ монтажник
 مونتاژ کاری montājkāri ♦ بسته کاری bastakāri م ♦ монтаж
 مونتاژ کردن montāz kardan. سوار کردن (تجهیزات) savār kardan ♦
 بسته کاری کردن bastakāri kardan ♦ монтировать
 مه meh ♦ می mey م ♦ май м
 مهد کودک mahde kudak ♦ ولکتون walaktun م ♦ детский сад
 مهر mohr ♦ تایه tāpe ♦ печать
 مهر (ماه) mehr ♦ میزان mizān ♦ VII місяць сонячного года
 مهر و موم کردن mohromum kardan. پلمب کردن plomb kardan ♦ سرغج sorquč ♦
 پلمبировать
 مهره mohre ♦ نت nat ♦ гайка ж
 مهره پشت mohreye pošt ♦ مهره kمر mōhraye ♦ позвонок анат. м
 مهره شطرنج mohreye šatranj ♦ کوت شطرنج goute šatranj ж ♦ фигура (в шахматах)
 مهندس mohandes ♦ انجینر enjinar م ♦ инженер
 میخ mix ♦ کوکه koka م ♦ гвоздь
 میخ mixe ♦ پرچی parči ♦ گول parčigul ж ♦ круглая заклепка тех.
 میخچه mixče ♦ زخه zaxa. زخ zah ♦ 1.бородавка 2.сучок, щепка 3. клин
 میدان *meydān ♦ میدان maydān ж ♦ площадь
 میدان بازار meydāne bāzār ♦ چوک čawk م ♦ перекресток
 میدان بازار meydāne bāzār ♦ سر چوک sare čawk م ♦ центр рынка
 میدان نبرد meydānen nabard ♦ محاربه mohāreba م ♦ поле боя
 میز miz ♦ دسک desk م ♦ стол
 میز خطابه mize xatābe ♦ تربیون tribun ♦ تربیون tarbiun ж ♦ кафедра
 میکا mikā ♦ ابرک abrak ж ♦ слюда

نزدیک بین nazdikbin ⇨ کمبین kamin ⇨ близорукий
 نزول خوار nozulxār ⇨ تنزیل خوار tanzilxār ⇨ سودخور sudxor ⇨ ростовщик
 نسخه nosxe ⇨ کپیہ kopīye ⇨ ورق waraq ⇨ کاپی kâpi ⇨ نقل naql ⇨ экземпляр,
 نسخه دوم nosxeye dovom ⇨ نسخه ثانی nosxaye sāni ⇨ второй экземпляр
 نشاسته nešaste ⇨ نشایسته nešayesta ⇨ крахмал
 نشاندن nešāndan ⇨ نشاندن šāndan ⇨ сажать
 نشریات našriyāt ⇨ نشرات našarāt ⇨ с издательство
 نشست nešast ⇨ فرودآیی forudāyi ⇨ приземление
 نشست nešastan ⇨ شستن šestan ⇨ сидеть
 نطق notq ⇨ سخنرانی soxanrāni ⇨ بیانیہ bayāniya ⇨ выступление, заявление
 نظارت کردن nezārat kardan ⇨ نگرانی نگردن negarāni kardan ⇨ наблюдать
 نظافت nezāfat ⇨ پاک کاری pākکاری ⇨ صفایی safāyi ⇨ ж чистота
 نظافتچی nezāfatči ⇨ خاکروب xākrobe ⇨ محافظ mohāfez ⇨ уборщица
 نظام nezām vazife ⇨ خدمت سربازی xedmate sarbāzi ⇨ خدمت عسکری xedmate askari
 военная служба ж
 - به خدمت سربازی رفتن be xedmate sarbāzi raftan ⇨ به عسکری رفتن ba askari raftan
 уходить на военную службу
 نظامی nezāmi ⇨ عسکری askari ⇨ военный
 - بیمارستان نظامی bimārestāne nezāmi ⇨ شفابخانه عسکری šafāxānaye askari
 госпиталь м
 نظر nazar ⇨ عقیده aqide ⇨ ایده ide ⇨ مفکوره mafkura ⇨ м идея, мысль, взгляд
 نظم nazm ⇨ نظم nazem ⇨ 1. порядок 2. поэзия
 نعلبکی na'lbaki ⇨ بشقاب bošqāb ⇨ رکابی rekābi ⇨ тарелка ж
 نعلین naleyn ⇨ کفشهای چوبی kafšhāye čubi ⇨ کروی karaway ⇨ نالی nāli
 деревянные босоножки, сабо
 نفت naft ⇨ تیل telxāk ⇨ نفت tel ⇨ ж нефть
 نفس نگه داشتن nafas negahdāštan ⇨ نفس قید کردن nafas qaydkardan
 задержать дыхание
 نقاش naqqāš ⇨ طراح tarrāh ⇨ м художник
 نقاش naqqāš ⇨ رنگ کار rangkār ⇨ رنگمال rangmāl ⇨ м маляр
 نقاشی ساختمان naqqāšīye sāxtemān ⇨ سفیده چونه safedačuna ⇨ ж побелка
 نقشه naqše ⇨ سکیم sekim ⇨ ж схема
 نقشه (جغرافیایی) naqše ⇨ خریطه xarita ⇨ карта
 نقص naqs ⇨ نقص naqs ⇨ м недостаток
 نکته نظر nokte nazar ⇨ درک darak ⇨ мнение, соображение, точка зрения
 نگاه حسودانه negāhe hasudāne ⇨ زرد زرد دیدن zard zard didan
 смотреть с завистью

نام نویسی kardan nāmnevisi ⇨ ثبت نام کردن kardan nām sabte ⇨
 регистрироваться
 نامعلوم nām'a lum ⇨ تنکیر tankir ⇨ неопределенный прил.
 نامه nāme ⇨ خط xatt ⇨ مکتوب maktub ⇨ с письмо
 نامه رسان nāmeresān ⇨ داکي dāki ⇨ پسته رسان postarasān ⇨ پسته رسان pustarasān
 почтальон м
 نامه سفارشی nāme'ye sefāreši ⇨ مکتوب راجستری maktube rājestari ⇨ заказное письмо
 نامی nāmi ⇨ نامور nāmwar ⇨ известный, популярный прил.
 نان بیات nāne bayāt ⇨ نان باسی nāne bāsi ⇨ نان قاغ qāq ⇨ черствый хлеб
 نان خشک nāne xošk ⇨ نان قاغ qāq ⇨ черствый хлеб
 نان قالبی nāne qālebi ⇨ نان دبل nāne dabal ⇨ буханка ж
 نان لواش nāne lavāš ⇨ چاپاتی čāpāti ⇨ چاپاتی čāpāti ⇨ м лаваш (вид хлеба)
 نانوايي nānvāyi ⇨ نان پزی nānpazi ⇨ выпечка хлеба
 ناودان nāvdān ⇨ آبرو ābro ⇨ ناوه nāwa ⇨ دان nāwadān ⇨
 желоб м, водосток м, водосточная труба ж
 ناهارخوری nāhārxori ⇨ طعمخانه taām xāna ⇨ столовая ж
 نایلون nāylon ⇨ لیلون laylun ⇨ نیلون nāylun ⇨ м нейлон
 نثر nāsr ⇨ نثر naser ⇨ проза
 نجاری najjāri ⇨ ترکانی tarkāni ⇨ деревообработка
 نخ پشمی naxe pašmi ⇨ اون un ⇨ هون hun ⇨ шерстяная пряжа ж
 نخ قند naxe qand ⇨ سردوز sarduz ⇨ шпигат, толстые нитки
 نخ کردن naxkardane ⇨ سوزن suzan ⇨ تارکردن tarkardane ⇨
 вдевать нитку в иглу
 نخ و سوزن naxosuzan ⇨ تار و سوزن tārosuzan ⇨ нитка и иглолка
 نخست naxost ⇨ نخستین naxostin ⇨ لمری lomray ⇨ первый
 نخست وزیر naxostvazir ⇨ لمری lomray ⇨ وزیر wazir ⇨ صدر اعظم sadra' zam
 премьер-министр
 نخست وزیري naxostvaziri ⇨ صدارت عظمی sedārateozmā ⇨
 премьер-министерство, правительство
 نخستین naxostin ⇨ نخست naxost ⇨ لمری lomray ⇨ первый
 نخود noxod ⇨ دال dāl ⇨ м горох
 نخود هر آش noxode har āš ⇨ مگس هر کاسه magase har kāsa ⇨
 вмешиваться всюду
 نرخ naxe ⇨ تکس taks ⇨ пошлина
 زرده (پلکان) narde ⇨ کناره kenāre ⇨ حصار hesār ⇨ قطاره qatāra ⇨
 перила, парапет
 نرمه گوش narmeye guš ⇨ تکه گوش tokmaye guš ⇨ خاچ xāč ⇨ ж мочка уха
 نزدیک nazdik ⇨ در به دیوار darbādewār ⇨ близкий

- نوکر noukar * ملازم *molāzem* *sluta* м
 نونهل nounahâl * نوچه *nawča* *saženeц* м
 نوه nave * نواسه *nawāsa* *wnuk, wnuchka*
 نوین * novin * نوین *nawin* *nowejšij*
 نه نه nane. مادر بزرگ *mādarbozorg* * بی بی *bibi* ж
 نهال nahâl * غرس *qars*. قوریه *quriye* * *saženeц* м
 نهالستان nahâlestân * نرسری *narsari* * *pitomnik, rassadnik* م
 نهایی nahâyi * تمام شد *tamāmšod* * *okončatelnyj*
 نی ney * توله *tola*. نبی *nayi* * *svirelʹ muz. ž, dudochka iz trostnika muz.*
 نیازمند *niyāzmand* * دستبند *destband* * *nuždaющийся*
 نیتروژن *nitrožen*. ازت *azot* * نایتروجن *nāytrōjen* * *azot* م
 نیرو *niru*. انرژی *enerdži* * انرژی *enerdži* ж
 نیرو *niru* * قوا *qowā* ж
 نیروگاه *nirugāh*. ایستگاه *istgāh* * استیشن *esteyšan*. دستگاه *dastgāh* ж
 نیروگاه آبی *nirugāhe ābi* * دستگاه برق آبی *dastgāhe barqe ābi*
 نیروگاه برق *nirugāhe barq* * دستگاه برق *dastgāhe barq*. استیشن برق *esteyšane barq*
 نیروگاه حرارتی *nirugāhe harāratī* * دستگاه برق حرارتی *dastgāhe barqe harāratī*
 نیروی انسانی *niruye ensāni* * قوای بشری *qowāye bašari* ж
 نیروی کار *niruye kār* * قوای کار *qowāye kār* ж
 نیروی هوایی *niruye havāyi* * قوای هوایی *qowāye hawāyi*
 نیزدی زدی (بازی) *nizdizadi* * پشتک پران *poštak parān* * *čexarda* (игра детская)
 نیزه *neyze* * برجه *barča* с
 نیکل *nikel* * نکل *nekel* м
 نیکوکار *nikukār*. ابرار *abrār* * رضا کار *rezākār* * *blagotvoritelʹ* м
 نیکوکارانه *nikukārāne* * رضاکارانه *rezākārāna* * *blagotvoritelnyj pril.*
 نیمرو *nimru* * خاگینه *xāgina*. کرائی *karāyi*. تخم بریان *toxome beryān* ж
 نیم سال *nim sāle*. ترم *term* * سمسטר *semestar* с
 نیمکت *nimkat* * دراز چوکی *darāzčawki* ж
 نیمه شب *nimešab* * شباشب *šabāšab* * *polnočʹ, pozdno nočʹju*

- نگهبان *negahbān*. پاسدار *pāsdār*. دربان *darbān* * پیره دار *payradār*. پهره دار *pahradār*
 * *oxrannik, karaulnyj, časovoj*
 نم نم *namname bārān* * میده باران *maydabārān* * *morosjajij doždʹ*
 نمایشگاه *nemāyeshgāh* * نندارتون *nandārtun* ж * *vystavka*
 نمایندگی *nemāyandegi*. آژانس *āžāns* * اجنسی *ağensi*
 * *predstavitelstvo, agenstvo*
 نمرة *nomre*. شماره *šomāre* * لمبر *lambar*. نمبر *nambar* * *noʹmer m, čislo*
 نمرة اتومبیل *nomreje otomobil*. شماره اتومبیل *šomāreje otomobil* * *lambarpalit* * *lambarpalit*
 * *noʹmernoj znak m (avtomashiny)*
 نمکدان *namakdān* * نمکدانی *namakdāni* * *solonka* ж
 نمناک *namnāk*. مرطوب *martub* * زاه *zāh* ж * *сырость*
 نمناک شدن *namnāk šodan* * زاه زدن *zāh zadan* * *otsyretʹ, syretʹ*
 نمودار *nemudār* * شاخص *šāxes* * *pokazatelʹ m*
 نمودار *nemudār* * گراف *gerāf* * *grafik* м
 نمونه * *nemune* * نمونه *namuna* * *primer m, obrazec m*
 نمونه *nemune* * نمونوی << نمونه وی *namunawī* * *primerenʹyj, obrazcovʹyj*
 نوار *navār* * پتاره *patāra* ж * *лента*
 نوار *navār* * پلیت *palit* * *лампас*
 نوار *navār* * تیپ *tayp* ж * *лента тех.*
 نوار *navār* * فیته *fita* ж * *пленка*
 نوار اندازه گیری *navāre andāzegiri*. متر *metr* * فیته اندازه گیری *fitaye andāzageri*
 * *ruletka dlya izmerenija dliny*
 نوار تایپ *navāre tāyp* * کاربون فیته *kārbonfita* * *лента dlya пишущей машины*
 نوار تحریر *navāre tahrir* * کاربون فیته *kārbonfita* * *лента dlya пишущей машины*
 نوارچسب *navārčasb* * رابر تیپ *rābartayp* * *изоляционная лента*
 نوازنده * *navāzande* * نوازنده *nawāzende*. موسیقی نواز *musiqinawāz* * *музыкант*
 نوامبر *novāmbur* * نومبر *novambar* м
 نوبت *noubat* * دست *dest (dast)* ж * *очередь*
 نوبت * *noubat* * نوبت *nawbat* ж * *очередь*
 نوبت اول *noubate avval* * دست اول *deste awval* * *в первую очередь*
 نوجوان *noujavān* * چارابرو *čārabrou* * *юноша*
 نورافکن *nurafkan*. پروژکتور *projektor* * چراغ راصد *čarāqe rāsed*. شعاع افکن *šoāfkan*
 * *прожектор* м
 نوروز * *nouruz* * نوروز *nawruz* * *новый год (ноуруз)*
 نوزده *nuzdah* * نازده *nāzdah*. نزده *nozdah* * *девятнадцать*
 نوشتن *nevestan* * نوشته کردن *newešta kardan* * *писать*
 نوع * *noʹ* * نوع *nau*. سورت *sort* * *сорт, вид, тип*

ورزشکار varzeškār * سپورت مين seportmayn * спортсмен м
 ورزشگاه varzešgāh * استادیوم estādium * стадион м
 ورق آهن varaqe āhan * پلیت palet * лист железный
 ورق آهنی varaqe āhani. آهن ورق āhanvaraq * آهن تخته āhentaxta * лист железный м
 ورق آهنی varaqe āhani. آهن ورق āhanvaraq * آهن چادر āhenčādor * кровельное железо с
 ورقه varaqe. سند sanad * تکیس tekes * документ, бумага
 ورم کردن varam kardan * پندیدن pondidan * опухать, распухать, пухнуть
 ورم کرده varam karde * پندیده pondida * опухший, распухший
 وزارت آموزش و پرورش و پرورش vezārate āmuzeš va parvareš
 وزارت تعلیم و تربیه wazārate ta' limotarbiya * министерство просвещения с
 وزارت دارایی vezārate dārāyi * وزارت مالیه wazārate māliya * министерство финансов
 وزارت کشاورزی vezārate kešāvarzi * وزارت زراعت wazārate zarāat * министерство сельского хозяйства с
 وزغ vazag * کوربه kurbaqa * жаба зоол.
 وزن vāzn * تول tul * вес м
 وزن با ظرف vāzne bā zarf. وزن ناخالص vāzne nāxāles *
 وزن با بارنامه wāzne bā bārjāma * брутто
 وزن کردن vāzn kardan * تول کردن tul kardan * взвешивать
 وزن ناخالص vāzne nāxāles. وزن با ظرف vāzne bā zarf *
 وزن با بارنامه wāzne bā bārjāma * брутто
 وزنه ترازو vāzneye tarāzu * پای سنگ pāysang *
 سنگ یا мелкая гиря для весов
 وسیله vāsile * ذریعه zaria * средство, способ
 وصل کردن vāsi kardan * رخ کردن rox kardan * соединять
 وضع بهداشتی vāz 'e behdāšti * وضع صحی wāz 'e sehhi * состояние здоровья
 وطن vatan. کشور kešvar * هیواد haywād. دیسی deysi * страна, родина ж
 وطن پرست vatanparast * وطن دوست watandust. وطن خواه watanxāh * патриот м
 وطن دوست vatandust * وطن خواه watanxāh * патриот м
 وقت vaqt * اوان awān * время
 ویرگول virgul * کامه kāmā * запятая ж
 ویزا vizā. روایید ravādid * ویزه wiza * виза дипл. ж, право с
 ویلچر vilčer. صندلی چرخدار sandaliye čarxdār * تریسایکل terisāykal *
 коляска для инвалидов ж
 ویلون * violon. ویلون wāylon. ویلون wāylon * скрипка ж

و

وا ایستادن vā istādan * استاد کردن estād kardan * останавливаться
 وابسته vābaste * آتاشه ātāše * атташе дипл.
 واحد تولیدی vāhede toulidi * دستگاه dastgāh (dastgāh) *
 цех, производственный участок м
 واحد تولیدی vāhede toulidi * تصدی tasaddi * производственное объединение с
 واردات vāredāt * توريد tawrid * импорт м
 واريز کردن vāriz kardan * حواله کردن hawāla kardan * перечислять
 واژگان vājegān * ذخيره لغوی zaxiraye loqawi * словарный состав
 واشر vāšer * پیسه gk paysagak * прокладка тех.
 واضح vāzeh. عیان āyān * جلی jalī * ясно, очевидно
 واق vāq vāq. عو عو ou ou * چاوو čaw čaw. غف غف qaf qaf. عف عف af af * лай
 واقعی vāqei * عینی ayni * объективный
 - حقیقت واقعی haqiqate vāqei * حقیقت عینی haqiqate ayni *
 объективная реальность ж
 واکس vāks * رنگ بوت range but. کریم بوت kerime but *
 крем для обуви, вакса ж
 واکسن vāksan * واکسین wāksin * вакцина, сыворотка ж
 واکسن زدن vāksan zadan * تطبیق واکسین tatbiqe wāksin *
 вводить вакцину, вакцинация ж
 واکسن ضد وبا vāksane zedde vabā * واکسین کولرا wāksine kolerā *
 противохолерная вакцина ж
 وام vām * قرضه qarza. کريدت kredet * кредит, заем м
 وام درازمدت vāme derāzmoddat * قرضه طويل المدت qarzaye tawilolmoddat *
 Долгосрочный кредит м
 وام کوتاه مدت vāme kutāhmoddat * قرضه قصير المدت qarzaye qasirolmoddat *
 краткосрочный кредит м
 وان vāne hammām * تپ غسل tape qosel * ванна ж
 وبا vabā * کلرا << کولرا kolerā * ж. холера мед.
 وето veto * ویتو weyto * вето с
 وجدان * vōjdān * وجدان wejdān * ж. совесть

همخوابگی hamxābegi. همبستری hambastari * خانه داری xānadāri *
 همراه hamrāh. با bā * کت (مجاورهای) kate. بخش baxše. کتی (مجاوره ای) kati *
 همسایه نزدیک hamsāyeye nazdik * همسایه در به دیوار hamsāyeye darbadewār *

близкий сосед м

همعقیده hamaqide * سیال sayāl *
 единомышленник

همکار hamkār. دوست dust * اندیوال (مجاوره ای) andewāl *

компаньон, друг, приятель

همکاری hamkāri. دوستی dusti * اندیوالی andewāli *
 компаньонство, товарищество

همکلاسی hamkelāsi * همصنفی hamsenfi *
 одноклассник м

همگی hamegi * همه کی hamaqi *
 всё, все

هموطن hamwatan * وطن دار watandār. وطنوال watanwāl *
 земляк, соотечественник м

همیشه hamīše * همیشه hamīš *
 всегда

همین حالا hamin hālā. الان alān * فعلاً fe'lan *
 прямо сейчас

هندوانه hendevāne * تربوز >> تربز tarbuz *
 арбуз м

هنر honar * آرت art *
 искусство с

هنرپیشه honarpiše * اداکار adākār. بازیگر bāzigar. بازیگر bāzengar *
 артист

هنرمند honarmand. آرتیست ārtist * ممثل momassel *
 актер м

هنگ hang * غند qond *
 полк м

هواپیما havāpeymā * طیاره tayyāra *
 самолет м

هواپیمای جت havāpeymāye jet * طیاره جت tayyāraye jet *
 реактивный самолет

هواپیمای نیروی دریائی havāpeymāye niruye daryāi * طیاره بحری tayyāraye bahri *
 هواپیمای نیروی دریائی

سازمان هوایی havāpeymāye kešvari *
 سازمان هوایی

هواپیمایی کشوری havāpeymāiye kešvari *
 هواپیمایی کشوری

гражданская авиация ж

هواکش havākeš * ملاقی malāqi. کلکینچه kelkinča. تابه tābadān *
 форточка

هودج hodaž * کجاوله kajāve *
 هودج hodaž * کجاوله kajāve *
 паланкин, седло

هویج havij * گازره gāzara. گازر gāzar. زردک zardak *
 морковь ж

هویدا hoveydā * حویدا howaydā *
 очевидный

هویه hoveye * کاوه kawe *
 هویه hoveye * کاوه kawe *
 электропаяльник м

هویه lahimekari * کاوه kawe. کاوه leimekari *
 هویه lahimekari * کاوه kawe. کاوه leimekari *

паяльник м

هیاو hayāhu * های hui *
 هیاو hayāhu * های hui *

هیاو hayāhu * های hui *
 هیاو hayāhu * های hui *

هیدروژن hidrogen * هایدرودن haidrojen *
 هیدروژن hidrogen * هایدرودن haidrojen *

هیدرولوژی hidroloji * هایدرولوژی haidroloji *
 هیدرولوژی hidroloji * هایدرولوژی haidroloji *

هیزم hizom * حیزم hezom *
 هیزم hizom * حیزم hezom *

۵

هاون hāvan * هاونگ hāwang *
 ступка ж

هجده hejdah * هژده hejdah *
 восемнадцать

هدهد hodhod * اتوتک atutak *
 угод (птица)

هرات harāt * هرات herāt *
 Герат (город в Афганистане)

هر نوع har no' * هر رنگ har ranga *
 всякий

هرمز harjōmarj * هرز و مزج harajōmaraj *
 неразбериха, беспорядок, хаос

هرزه گو harzegu. دزد dozd. بی کار bikār *
 бездельник, болтун, вор

هزارستان hezārdastān * هزارداستان hazārdāstān *
 соловей м

هزینه hazine * مخارج maxārej. مصارف masāref *
 расходы

هسته haste * خسته xasta *
 косточка

هسته ای hastei * ذروی zorrawi *
 ядерный прил.

هفته haftegi * هفته گی haftagi. هفته وار haftawār *
 еженедельно, еженедельный

هفته نامه haftenāme * جریده هفته jaridaye haftawār *
 еженедельник м, еженедельная газета ж

هفت تیر hafttir. طپانچه tapānče *
 تفنگچه tofangča *
 ружье, пистолет м

هل hol * تيله tela. چپ jap *
 толчок м

هل (نبات) hel * هیل hel. کاردامون kardamon *
 кардамон бот.

هل دادن hol dādan *
 هل دادن

تيله کردن tela kardan. چپ خوردن jap xordan. چپ دادن jap dādan. چپ زدن jap zadan *
 толкать

هلال ahmar * سره میاشت seramiyāšt *
 هلال ahmar * سره میاشت seramiyāšt *

общество "Красный полумесяц"

هلو holu * شفتالو šaftālu *
 персик м

هلو (نوعی هل) holu * شفتالوی قالبی šaftāluqe qālebi *
 сорт персиков

هما homā * همای homāy *
 мифическая птица феникс

هماهنگ hamāhang * انسجام ensejām *
 координация

هماهنگی hamāhangi * انسجام ensejām *
 координация

همایش hamāyeš * کنفرانس konfarāns *
 конференция

همبستگی hambastegi * یکپارچه گی yakpārčagi *
 сплоченность ж

همچنین hamčenin. به این ترتیب be in tartib *
 هکذا hakzā *

همچنین hamčenin. به این ترتیب be in tartib *
 هکذا hakzā *

همچنین hamčenin. به این ترتیب be in tartib *
 هکذا hakzā *

همچنین hamčenin. به این ترتیب be in tartib *
 هکذا hakzā *

ی

یاد آوردن ✧ yād āvardan ✧ یاد دهانی کردن ✧ yāddehāni kardan ✧ вспоминать, припомнить
 یادداشت ✧ yāddāšt ✧ خط ✧ xatt. پرزه ✧ porza ✧ записка ж
 یاسمن ✧ yāsaman ✧ چمبیلی ✧ čambili ✧ жасмин бот.
 یاسمن زرد ✧ yāsamane zard ✧ رایبل ✧ rābel ✧ жасмин (желтый)
 یافتن ✧ yāftan ✧ یابیدن ✧ yābīdan ✧ найти
 یای نکره ✧ yāye nakare ✧ یای تنکیر ✧ yāye tankir ✧ неопределенный артикль
 یتیم ✧ yatim ✧ بی پدر ✧ bi padar. بی پدر و مادر ✧ bi padaromādar ✧ сирота ж
 یخبندان ✧ yaxbandān ✧ یخبندی ✧ yaxbandi ✧ замерзание
 یخه ✧ yaxe. یقه ✧ yaqe ✧ یخن ✧ yaxan ✧ воротник м
 یدک ✧ yadak. قسمت ✧ qesmat ✧ پرزه ✧ porza ✧ часть тех. ж
 یقه ✧ yaqe. یخه ✧ yaxe ✧ یخن ✧ yaxan ✧ воротник м
 یقه کسی را گرفتن ✧ yeqe kasi rā gereftan ✧ یخن به یخن شدن ✧ yaxan ba yaxan šodan ✧ схватить за шиворот
 یک ✧ yek. یکی ✧ yeki ✧ یکه (محاورة ای) ✧ yaka ✧ один
 یک و نیم ✧ yekonim ✧ یک نیم ✧ yaknim ✧ полтора
 یکپارچه ✧ yekpārče ✧ یک انداز ✧ yakandāz ✧ целый, сплошной
 یکراست ✧ yekrāst ✧ سراسر ✧ sarrāst. یکه راست (محاورة ای) ✧ yakarāst ✧
 сразу, непосредственно, прямо
 یکی ✧ yeki. یک ✧ yek ✧ یکه (محاورة ای) ✧ yaka ✧ один
 یکی یکی ✧ yeki yeki ✧ یکه یکه (محاورة ای) ✧ yaka yaka ✧ по одному
 یواشکی ✧ yavāšaki. مخفیانه ✧ maxfiyāne ✧ پت پت ✧ pot pot ✧
 скрытно, тайно, потихонечку
 یورت ✧ yurt. خیمه بزرگ ✧ xeymeye bozorg ✧ خرگاه ✧ xergāh ✧ юрта, шатер
 یونیفرم ✧ uniform. لباس مخصوص ✧ lebāse maxsus ✧ فورم ✧ form ✧ спецодежда, форма
 یه قول دو قول بازی ✧ ye qol do qol bāzi ✧ پنجاق بازی ✧ penjaqbāzi ✧ камешки (игра)
 یهودی ✧ yahudi ✧ جهود ✧ jahud ✧ м еврей
 ییلاق ✧ yeylāq. خانه ییلاقی ✧ xāneye yeylāqi ✧ باغ ✧ bāq ✧ صیفیه ✧ sayfiya ✧ ж дача

ЧАСТЬ ВТОРАЯ

ДАРИ – ПЕРСИДСКО – РУССКИЙ

بخش دوم

دری - فارسی - روسی

الفبای دری
Алфавит дари

آ	alef	ص	sād
ب	bā, be	ض	zād
پ	pe	ط	tā
ت	tā, te	ظ	zā
ث	se	ع	āyn
ج	jīm	غ	qāyn
چ	čīm	ف	fā
ح	hā	ق	qāf
خ	xā	ک	kāf
د	dāl	گ	gāf
ذ	zāl	ل	lām
ر	rā	م	mīm
ز	zā	ن	nūn
ژ	je	و	vāv
س	sin	ه	hā
ش	šin	ی	yā

در برخی از واژه های دری معاصر حروف مخوش الفبای پشتو حفظ شده است.

В некоторых словах дари сохранились буквы /s/ и /š/ алфавита пашту.

آب بازی ābbāzi ✧ شنا šenā. آبتنی ābtani ✧ плавание
آب بازی کردن ābbāzi kardan ✧ شنا کردن šenā kardan. آبتنی کردن ābtani kardan ✧ плавать
آب میوه کشی ābmeywakaši ✧ آب میوه گیری ābmivegiri ✧ выжимать сок
- ماشین آب میوه کشی māšine ābmeywakaši ✧ ماشین آب میوه گیری māšine ābmivegiri ✧ соковыжималка ж
آبترازو ābtarāzu ✧ ترازو tarāz. ژئو jeo. ✧ нивелир тех.
آبدات (آبدۀ) ābedāt ✧ آثار āsar. ✧ памятники старины
آبدات باستانی ābedāte bāstāni ✧ آثار باستانی āsāre bāstāni ✧
آبدات تاریخی ābedāte tārixī ✧ آثار تاریخی āsāre tārixī ✧ археологические памятники
آبرسانی ābrasāni ✧ تامین آب ta`amine āb ✧ водоснабжение
- برج آبرسانی borje ābrasāni ✧ منبع آب manba`e āb ✧ база водоснабжения
- موتور آبرسانی mutare ābrasāni ✧ ماشین آب māšine āb ✧
اتومашین آبرسانی ✧
- نل آبرسانی nāle ābrasāni ✧ لوله آب luleye āb ✧ труба водоснабжения
آبرو ābraw ✧ ناودان nāvdān ✧ водосток м, водосточная труба ж
آبریزه ābriza ✧ آبریز ābriz ✧ бассейн геогр.
آبکی ābaki ✧ مایع māye. آبگونه ābgune. ✧ жидкий прил.
- ماست آبکی māste ābaki ✧ ماست مایع māste māye ✧ жидкий мацони, кефир
آبگرمی ābgarmi ✧ آبگرمکن ābgarmkon ✧ электрический кипяtilьник м
آبگین ābgīn ✧ ۱- مایع māye. ۲- کمرنگ kamrang. ✧ 1. жидкий 2. слабый прил.
- چای آبگین čāye ābgīn ✧ چای کمرنگ čāye kamrang ✧ некрепкий чай
- شیر آبگین šire ābgīn ✧ شیر مایع šire māye ✧ разбавленное молоко
آپارتمان āpārtmān ✧ آپارتمان āpārtmān ✧ квартира ж
آپندکس āpāndeks ✧ آپاندیس āpāndis. ✧ аппендицит анат.
آپندیسیت āpāndisīt ✧ آپاندیسیت āpāndisīt. ✧ аппендицит анат.
آپه (محاوره ای) āpa ✧ آبجی ābji ✧ старшая сестра ж
آتاشه ātāše ✧ وابسته vābaste. ✧ атташе дипл.
آتش پرچه ātašparča ✧ آتشپاره ātašpāre. ✧ бойкий, проворный прил.

آفتاب گرفتن ✧ *āftāb gereftan* ✧ آفتاب خوردن ✧ *āftāb xordan*
 принимать загар, загорать
 آفتاب گرفته گی ✧ *āftābgereftagi* ✧ کسوف ✧ *kosuf*
 آفتاب نشست ✧ *āftābnešast* ✧ غروب ✧ *qorub*
 آفر ✧ *āfar* ✧ پیشنهاد ✧ *pišnahād* ✧ тендер м (предложение)
 آفر گرفتن ✧ *āfar gereftan* ✧ پیشنهاد گرفتن ✧ *pišnahād gereftan*
 получать тендер (получать предложения)
 آفسیت ✧ *āfseyt* ✧ افست ✧ *ofset* ✧ м
 آکادمی ✧ *ākādehi* ✧ تولنه ✧ *toulana* ✧ فرهنگستان ✧ *farhangestān* ✧ ж академия
 آکسیجن ✧ *āksijān* ✧ اکسیژن ✧ *oksijen* ✧ м кислород
 آکه ✧ *ākka* ✧ برادر بزرگ ✧ *barāddare bozorg* ✧ м старший брат
 آگست ✧ *āgast* ✧ اوت ✧ *ut* ✧ м август
 آلارم ✧ *ālārm* ✧ آژیر ✧ *ājir* ✧ ж тревога
 آлш << آلیش ✧ *āleš* ✧ عوض (کردن) ✧ *avaz* ✧ تبدیل ✧ *tabdil* ✧ ж замена, обмен
 آлш کردن ✧ *āleš kardan* ✧ عوض کردن ✧ *avaz kardan* ✧ ж заменять, менять
 آلومиний ✧ *ālūminiyam* ✧ آلومینیوم ✧ *ālūminiyom* ✧ м
 آلوبالو ✧ *ālūbālu* ✧ آلبالو ✧ *ālūbālu* ✧ ж вишня
 آلیش << آлш ✧ *āleš* ✧ عوض (کردن) ✧ *avaz* ✧ تبدیل ✧ *tabdil* ✧ ж замена, мена
 آمر ✧ *āmer* ✧ رئیس ✧ *rayis* ✧ سرپرست ✧ *sarparast* ✧ ж начальник, руководитель, заведующий
 آمرکار ✧ *āmerkār* ✧ سرعمله ✧ *saramale* ✧ سرکارگر ✧ *sarkārgar* ✧ ж прораб
 آنجین ✧ *ānjin* ✧ گلون دردی ✧ *golundardi* ✧ آنژین ✧ *ānjin* ✧ التهاب لوزتین ✧ *eltehābe louzateyn* ✧ ж ангина
 آهن ✧ *āhen* ✧ آهن ✧ *āhan* ✧ с железо
 آهن باب ✧ *āhenbāb* ✧ آهن آلات ✧ *āhanālāt* ✧ ж изделия из железа
 آهن پاره ✧ *āhenpāra* ✧ آهن قراضه ✧ *āhanqorāze* ✧ ж металлолом
 آهن پوش ✧ *āhenpoš* ✧ شیروانی آهنی ✧ *širvāni āhani* ✧ ж железная кровля, железная крыша
 - زیر آهن پوش ✧ *zire āhenpoš* ✧ زیر شیروانی ✧ *zirsirvāni* ✧ ж чердак
 آهن تخته ✧ *āhentaxta* ✧ آهن ورق ✧ *āhanvaraq* ✧ ورق آهنی ✧ *varaqe āhani* ✧ ж лист железный
 آهن چادر ✧ *āhenčādor* ✧ آهن ورق ✧ *āhanvaraq* ✧ ورق آهنی ✧ *varaqe āhani* ✧ ж кровельное железо
 آهن گادر ✧ *āhengādar* ✧ تیر آهن ✧ *tirāhan* ✧ м швеллер
 آهن گول ✧ *āhengul* ✧ سیخ گول ✧ *sixegul* ✧ آرماتور ✧ *ārmātur* ✧ میل گرد ✧ *milgerd* ✧ ж арматура
 آیس کریم ✧ *āyskrim* ✧ شیرخ ✧ *širyax* ✧ بستنی ✧ *bastani* ✧ с мороженое
 آیل ✧ *āyil* ✧ روغن ✧ *rouqan* ✧ с масло
 آینه بر ✧ *āyinabor* ✧ شیشه بر ✧ *šišeh bor* ✧ ж стеклорез
 - قلم آینه بری ✧ *qalame āyinabori* ✧ الماس شیشه بری ✧ *almāse šišehbori* ✧ ж алмаз стеклорезный тех.

آتش کار ✧ *ātaškār* ✧ آتش افروز ✧ *ātašafroz* ✧ آتش انداز ✧ *ātašandāz* ✧ м кочегар
 آتش گل کن ✧ *ātašgolkon* ✧ کپسول آتش نشانی ✧ *kapsuleātašnešāni* ✧ ж огнетушитель тех.
 آشوری ✧ *āšuri* ✧ آشوری ✧ *āšuri* ✧ ж ассириец
 آجندا ✧ *ājandā* ✧ دستور کار روز ✧ *dasture kāre ruz* ✧ ж повестка дня
 آخذه ✧ *āxeza* ✧ گیرنده ✧ *girande* ✧ ж приемник (радио)
 - دستگاه آخذه رادیویی ✧ *dastgāhe āxezaye rādiyoi*
 دستگاه گیرنده رادیویی ✧ *dastgāhe girandeye rādiyoi* ✧ ж радиоприемник тех.
 آخردست ✧ *āxerdast* ✧ سرانجام ✧ *samjām* ✧ بالاخر ✧ *belaxare* ✧ ж наконец
 آدم چهره ✧ *ādamčehra* ✧ بنفشه ✧ *banafše* ✧ ж фиалка
 آدم زاغ ✧ *ādamē zāq* ✧ آدم مکار ✧ *ādamē makkār* ✧ ж пройдоха, хитрый
 - او خیلی زاغ است ✧ *u xayli zāq ast* ✧ او خیلی مکار است ✧ *u xeyli makkār ast*
 Он очень хитрый
 آرامی ✧ *ārāmi* ✧ راحتی ✧ *rāhati* ✧ ж спокойствие
 آرت ✧ *ārt* ✧ هنر ✧ *honar* ✧ с искусство
 آردبیز ✧ *ārdbez* ✧ الک ریز آرد ✧ *alake rize ārd* ✧ ж сито (мелкое), мучное сито
 آرد سوچی ✧ *ārde suji* ✧ آرد بلغور ✧ *ārde bolqur* ✧ ж манная крупа
 آرد میده ✧ *ārde mayda* ✧ آرد ریز ✧ *ārde riz* ✧ ж мука мелкого помола
 آرشیف ✧ *āršif* ✧ آرشیو ✧ *āršiv* ✧ м архив
 آرغنچ ✧ *ārqañj* ✧ آلو ✧ *ālū* ✧ ж слива, алыча
 آرغنچی ✧ *ārqañji* ✧ آلبالو ✧ *ālūbālu* ✧ ж бот. вишня
 آرکسترا ✧ *ārkestrā* ✧ ارکستر ✧ *orkestr* ✧ м оркестр
 آرم چوکی ✧ *ārmčawki* ✧ صندلی راحتی ✧ *sandaliye rāhati* ✧ с кресло
 آرن ✧ *āran* ✧ هارن ✧ *hāran* ✧ بوق ✧ *buq* ✧ ж гудок, сирена
 آرن کردن ✧ *āran kardan* ✧ هارن کردن ✧ *hāran kardan* ✧ بوق زدن ✧ *buq zadan* ✧ ж сигнальть
 آرنگ ✧ *ārang* ✧ هارنگ ✧ *hārang* ✧ بوق ✧ *buq* ✧ ж сигнал, сирена
 آس والا ✧ *ās-wālā* ✧ اسپ والا ✧ *asp-wālā* ✧ اسپ فروش ✧ *asbforu* ✧ м продавец лошадей
 آسپرانت ✧ *āspērānt* ✧ دانشجوی فوق لیسانس ✧ *dānešjuye fouqe lisāns* ✧ м аспирант
 آسپرانتوری ✧ *āspērānturi* ✧ دوره فوق لیسانس ✧ *doureye fouqe lisāns* ✧ ж аспирантура
 آشتی خوراک ✧ *āštixorānak* ✧ آشتی پلو ✧ *āstipolo* ✧ ж угощение по случаю примирения
 آشکدو ✧ *āškadu* ✧ کدو ✧ *kadu* ✧ ж тыква
 آفتاب پرست ✧ *āftābparast* ✧ آفتابگردان ✧ *āftābgardān* ✧ м подсолнух
 آفتاب رخ ✧ *āftābrox* ✧ آفتاب رو ✧ *āftābru* ✧ آفتاب گیر ✧ *āftābgir*
 - آفتاب رخ ✧ *āftābrox* ✧ آفتاب خورده ✧ *āftābxorde*
 - آفتاب سوخته ✧ *āftābsuxta* ✧ آفتاب خورده ✧ *āftābxorde*
 - آفتاب سوخته ✧ *āftābsuxta* ✧ آفتاب سوخته ✧ *āftābsuxta* ✧ ж обгоревший на солнце, загаревший

✧ ahvālporsi ✧ احوال گیری ahwālğiri جوړپرساڼي
 ✧ ruznāme ✧ روزنامه ✧ axbār ✧ اخبار
 ✧ honarpīše ✧ هنرپیشه ✧ adākār ✧ اداکار
 ✧ zanjafīl ✧ زنجفیل ✧ adark ✧ ادرك
 ✧ dāru ✧ دارو ✧ dāruhā ✧ داروها ✧ adwiya ✧ ادويه (دوا)
 ✧ dāruforuši ✧ درملتون ✧ dermtun ✧ ادويه فروشی
 ✧ dāruforuši ✧ داروخانه ✧ dārukhāne
 ✧ kelās ✧ کلاس ✧ auditoriam ✧ ادیتوریوم
 ✧ rahbarān ✧ رهبران ✧ sarān ✧ سران ✧ arākin ✧ اراکین
 ✧ sarāne doulāt ✧ سران دولت ✧ arākinge dawlat ✧ اراکین دولت
 ✧ arzāq ✧ ارزاق ✧ ertezāq ✧ ارتزاق
 ✧ qazāyi ✧ غذایي ✧ arzāqi ✧ ارتزاقی ✧ ertezāqi ✧ ارتزاقی
 ✧ mavādde qazāyi ✧ مواد غذایی ✧ mawādde ertezāqi ✧ مواد ارتزاقی
 ✧ arteš ✧ ارتش ✧ ordu ✧ اردو
 ✧ arzān ✧ ارزان ✧ arzānbey ✧ ارزان بیع
 ✧ raft ✧ رفت و آمد ✧ raftōmad ✧ راه دوشه (محاورة ای) ✧ aršadarša ✧ ارغنون
 ✧ org ✧ ارگ ✧ arqanun ✧ ارغنون
 ✧ setād ✧ ستاد ✧ arkān ✧ ارکان
 ✧ setād koll ✧ ستاد کل ✧ drestiz ✧ درستیز
 ✧ arkāne harb ✧ ارکان حرب
 ✧ ark ✧ ارک ✧ arg ✧ از خود
 ✧ māle man ✧ مال من ✧ az man ✧ ازمن (محاورة ای)
 ✧ farsude šode ✧ فرسوده شده ✧ az kār barāmada ✧ از کار برآمده
 ✧ az odida ✧ از او دیده افتاده ✧ az kār oftida ✧ از کار افتیده
 ✧ māle man ✧ مال من ✧ az man ✧ ازمن
 ✧ asāmbela ✧ اسامبله ✧ majma' ✧ مجمع
 ✧ āzbēst ✧ آذیبست ✧ asbest ✧ اسپ
 ✧ asp ✧ اسپ ✧ asb ✧ اسب
 ✧ aspwālā ✧ آس والا ✧ āswālā ✧ آس والا ✧ asbforuš ✧ اسپ فروش
 ✧ fanar ✧ فانر ✧ spreng ✧ سپرنګ ✧ espreng ✧ اسپرنګ
 ✧ doureye fouqe lisāns ✧ دوره فوق لیسانس ✧ aspirānturi ✧ اسپیرانتوری
 ✧ vā istādan ✧ وا ایستاندن ✧ estād kardān ✧ استاد کردن
 ✧ varzešgāh ✧ ورزشگاه ✧ estādium ✧ استادیوم
 ✧ jire ✧ جیره ✧ estehqāq ✧ استحقات
 ✧ āstar ✧ آستر ✧ āstar ✧ آستر ✧ āstar ✧ آستر

- اعشاریه a`šāriya ✧ ممیز motayyez ✧ запятая в десятичной дроби
 اعصابی a` sābi ✧ عصابی asabāni ✧ нервный, раздражительный
 افتادن* aftādan. افتیدن aftādan. فتادن fetādan ✧ افتادن oftādan ✧ упасть, падать
 افتیدن* aftādan. افتادن oftādan. فتادن fetādan ✧ افتادن oftādan ✧ упасть, падать
 افسانه afsāna ✧ حدیث hadīs. حکایت hekāyat ✧ басня ж
 افغان afqān ✧ افغانی afqāni ✧ افغانец м
 افگار afgār ✧ زخمی zaxmi ✧ раненый
 افگار شدن afgār šodan ✧ زخمی شدن zaxmi šodan ✧ получать травму
 افیون afyun ✧ تریاک teryāk ✧ опиум м
 اکتوبر oktobar ✧ اکتبر oktobr ✧ октябрь м
 اکتیف aktif ✧ فعال faāl. آکتیو aktiv ✧ актив м
 اکسریз eksreyz ✧ رادیوگرافی rādyogrāfi. پرتونگاری partounegāri ✧ рентген мед.
 اکسلитер ekseyleytar ✧ پایی pāyi. پدال pedāl. جاپایی jāpāyi ✧ акселератор, педаль тех.
 اکسیدن aksidan ✧ برخورد barxord. تصادف tasādoф ✧ авария ж
 اکلیل aklile gol ✧ گل tāje gol ✧ венок м
 اکمالات ekmālāt ✧ تدارک tadārok ✧ снабжение с
 агреман agreymān ✧ آگرمان āgremān ✧ агреман, соглашение дипл.
 الаше alāše ✧ چانه čāne ✧ челюсть ж
 الашه اش گرم ālāšeāš garm āmada ✧ مشغول حرف زدن شده mašqule harf zadan šode ✧ занят разговором
 الپن alpen ✧ پونز punez ✧ кнопка (концелярская) ж
 الجبر aljabr ✧ جبر jabr ✧ алгебра ж
 الحاقیه elhāqiya ✧ اضافه ezāfebanā ✧ пристройка
 الماری almāri. الواری alwāri. انواری anwāri ✧ کمد komod ✧ шкаф
 الماری کتاب al māriye ketāb ✧ کمد komod ✧ کتاب ketāb ✧ шкаф книжный м
 الماری لباس al māriye lebās ✧ کمد komod ✧ لباس lebās ✧ шкаф одержный м
 الماسک almāsak ✧ برق barq ✧ برق barqak ✧ молния ж
 الو alaw ✧ آتش ātaš ✧ огонь м
 الواری alwāri. الماری almāri. انواری anwāri ✧ کمد komod ✧ шкаф м
 الیکین aleykeyn ✧ فانوس fānus. چراغ čerāqe nafti ✧ керасиновая лампа ж
 امباقدار ambāqdār ✧ مرد دو زنه marde do zane ✧
 امپریالیست emperyālest ✧ امپریالیست amperīālist ✧ мужчина имеющий две жены, двоеженец
 امپریالیزم emperyālizem ✧ امپریالیسم amperīālizm ✧ империализм м
 امپیر ampiar ✧ آمپر āmper ✧ ампер элект.
 امپیرمیتр ampiarmitar ✧ آمپرسنج āmpersanj ✧ амперметр элект.

- استراتیژی estrāteji ✧ استراتژی esterāteji ✧ стратегия ж
 استراتیژیکی estrātejiki ✧ استراتژیکی esterātejik ✧ стратегический прил.
 استر estej ✧ صحنه sahne ✧ арена, сцена ж
 استعمال este`lām ✧ درخواست darxāst ✧ заявление с
 استیشن esteyšan ✧ ایستگا istgāh. نیروگاه nirugāh. دستگاه dastgāh ✧ станция ж
 استیشن برق esteyšane barq ✧ دستگاه برق dastgāhe barq ✧ نیروگاه nirugāhe ✧
 гидроэлектростанция
 اسد asad ✧ مرداد mardād ✧ V месяц солнечного года
 اسعار as`ār ✧ ارز arze ✧ валюта ж
 اسعار خارجه as`āre xāreja ✧ ارز خارجی arze xāreji ✧ иностранная валюта ж
 اسفالت* esfālt ✧ آسفالت āsfālt ✧ м
 اشارات (اشاره) ešārāt ✧ علامات alāmāt ✧ знаки
 اشارات ترافیکی ešārāte tarāfiki ✧ علامات ترافیکی alāmāte trāfiki ✧
 дорожные знаки
 اشارات شرطی ešārāte šarti ✧ علامات شرطی alāmāte šarti ✧ условные знаки
 اشاره ešāra ✧ علامت alāmat ✧ м
 اشپلاق ešplāq ✧ سوت sut ✧ свисток, свист
 اشپلاق کردن ešplāq kardan ✧ سوت زدن sut zadan ✧ свистеть
 اشتبری estābri. توت زمینی tute zamini ✧ توت فرنگی tutfarangi ✧ клубника ж
 اشتر oštor ✧ شتر štor ✧ верблюд
 اشترنگ eštreng ✧ فرمان otomobil ✧ farmāne ✧
 рулевое колесо с, руль м, штурвал м
 اشتک (محاورة ای) oštok ✧ بچه bačče. کودک kudak ✧ ребенок
 اشتک واری oštokwāri ✧ مثل bačče mesle. مثل کودک mesle kudak ✧ как ребенок
 اشتکانه oštokāna ✧ بچهگانه baččegāne. کودکانه kudakāne ✧ детский прил.
 اشتکی oštoki ✧ بچهگی baččegi. کودکي kudaki ✧ ребячество, детство
 اشتوب eštob ✧ پرموس primus ✧ примус м
 اشرار ašrār ✧ دشمن došman ✧ враг м
 اصولنامه osulnāma ✧ اساسنامه asāsnāme ✧ устав м
 اطفائیة atfāiya ✧ آتش نشان ātašnešān ✧ пожарный
 - موتور اطفائیة mutare atfāiya ✧ ماشین آتش نشانی māšine ātašnešāni ✧
 пожарная машина ж
 اعاده دهنده e`āda dehande ✧ اهدا eħdā konande ✧ дарующий
 اعاده دهنده خون e`āda dehandaye xun ✧ اهداکنده eħdā konandeye xun ✧ донор м
 اعاشه e`āša ✧ خوردنی xordani ✧ продукты питания, пища ж
 اعتمادنامه e`temādnāma ✧ استوارنامه ostovārnāme ✧ верительная грамота дипл.

- انوارى almāri. الوارى alwāri ♦ komod مшкаф
 اوتار صوتى awtāre souti ♦ پرده هاى صوتى pardehāye souti ♦
 اوج * awj ♦ اوج ouj م zenith
 اوان awān ♦ زمان zamān. وقت vaqt ♦
 اوترايى otrāyi ♦ سرازيرى sarāziri ♦
 اوتو utu ♦ اوتو otu م утюг
 اودر awdor ♦ عمو amu م (брат отца) дядя
 اودر awdorbačča ♦ پسرعمو pesaramu م (двоюродный брат) двоюродный брат
 اودر awdorxosor ♦ برادر پدر زن barādere pedarzan م (брат тестя) брат тестя
 اودر awdorzāda ♦ عمو زاده amuzāde م (двоюродный брат, сын брата отца) двоюродный брат, сын брата отца
 اوراق awraq ♦ دفتردارى daftardāri م канцелярия
 - شعبه awraq ♦ آرشيو ārsīvo م архив
 اوربند (ي) ourband (i) ♦ آتش بس ātašbas م перемирие
 اول نمرة awwalnomra ♦ شاگرد اول šāgerde awal م (отличник) отличник
 اولاد awlād ♦ بچه bačče ♦ فرزند farzand م (ребенок) ребенок
 اولاد awlāddār ♦ بچه دار baččedār م (имеющий детей) имеющий детей
 اولوس ulus. ولس wolos ♦ مردم mardom. ملت mellat م (народ) народ
 اولوسى ulusi. ولسى wolosi ♦ مردمى mardomi. مى melli م (народный, национальный) народный, национальный
 اولوسى ulusi. ولسى wolosi ♦ جرگه şourāye melli م (национальное собрание) национальное собрание
 اوليت awwaliyyat ♦ اوليت olaviyyat م (превосходство, преимущество) превосходство, преимущество
 اون un. هون hun ♦ نخ پشمى nahe pašmi م (шерстяная пряжа) шерстяная пряжа
 ايچنت eyjent ♦ مامور ma`mur م (агент) агент
 ايدال idaāl ♦ ايدە ideāl م (идеал) идеал
 ايستاد istād kardan ♦ ايستادن istādan م (стоять) стоять
 ايلچى ilči ♦ قاصد qāsed م (курьер) курьер
 اينسان (محاوره‌اي) insān ♦ اينطور intor م (так, таким образом) так, таким образом
 ايوان aywān ♦ ايوان eyvān م (дворец) дворец
 ايور eywar ♦ برادر شوهر barādarē šouhar م (брат мужа, девер) брат мужа, девер
 - زن ايور zane eywar ♦ جارى ژن zane barādarē šouhar م (жена брата мужа) жена брата мужа

- امتحان تحريرى emtehāne tahriri ♦ امتحان كتبی emtehāne katbi م
 письменный экзамен
 امتحان زبانی emtehāne zobāni ♦ امتحان شفاهى emtehāne šafāhi م
 устный экзамен, зачет
 امتعه (متاع) amta`a ♦ کالا kālā م (товары) товары
 انبار anbār ♦ کود kud. پهن pehen. تاپال tāpāl. تاپه tāpe ♦
 انبار دادن anbār dādan ♦ کود دادن kud dādan م (удобрять (почву)) удобрять (почву)
 انبار کردن anbār kardan ♦ انباشتن anbāštan م (складывать, копить) складывать, копить
 انبارخانه anbārxāna ♦ انبارى anbāri م (склад, амбар, хранилище) склад, амбар, хранилище
 انبور anbur ♦ انبور anbor م (щипцы) щипцы
 انتيك antik ♦ عتيق atiq. عتيقه atiqe م (антиквариат) антиквариат
 انجام يافتن anjām yāftan ♦ تمام شدن tamām šodan م (завершаться) завершаться
 انجن << انجين anjen ♦ موتور motor م (двигатель) двигатель
 انجينر enjinar ♦ مهندس mohandes م (инженер) инженер
 انچ enč ♦ اينچ inč. дюйм tex. ♦
 انديوال (محاوره اى) andewāl ♦ همكار hamkār. دوست dust م
 компаньон, друг, приятель
 انديوالى andewāli ♦ همكارى hamkāri. دوستى dusti م (компаньонство, товарищество) компаньонство, товарищество
 انرجى enerjī ♦ انرژى enerji. نيرو niru م (энергия) энергия
 انستيتوت enstitut ♦ انستيتو anstitu. دانشكده dāneškade م (институт) институт
 انسجام ensejām ♦ هماهنگى hamāhangī. هماهنگ hamāhang م (координация) координация
 انسوليتور ensoletar ♦ عايق āyeq م (изолятор) изолятор
 انفلاسيون enfelāsion ♦ تورم tavarrom م (инфляция) инфляция
 انفلاق enfelāq ♦ انفجار enfejār م (взрыв) взрыв
 انفلاق ذروى enfelāqe zorrawi ♦ انفجار هسته‌اي enfejāre hasteyi م (ядерный взрыв) ядерный взрыв
 انكشاف enkešāf ♦ رشد rošd م (развитие) развитие
 - پلان انكشافى pelāne enkešāfi ♦ برنامه رشد barnāme rošd م (план развития) план развития
 انگاف engāf ♦ درز darz. شكاف šekāf م (щель, шов) щель, шов
 انگافكارى engāfkāri ♦ بند كشی divār bandkešiye م (промазка швов) промазка швов
 انگت anget ♦ پرسشنامه porsešnāme م (анкета) анкета
 انگشت angešt ♦ زغال çub zoqāle م (древесный уголь) древесный уголь
 انگشت بينام angošte benām ♦ انگشت حلقه halqe angošte م (безымянный палец) безымянный палец
 انگشت خورد angošte xord ♦ انگشت كوچك kučak angošte م (мизинец) мизинец
 انگشت شهادت angošte šahādat ♦ انگشت سبابه sabbābe angošte م
 указательный палец
 انگشت كلان angošte kalān ♦ شست šast م (большой палец) большой палец

бābā پدر pedar. شخص بزرگسال *šaxse bozorgsāl* отец, папа, дед
 ба тарбия bā tarbiya. با تربیت *bā tarbiyat* воспитанный
 бājā شوهر خواهر زن *šouhare xāharzan*. باجناغ *bājenāq* м свояк
 бāčā پادشاه *pādsāh (pādsāh)* м король
 бādār ارباب *arbāb* м хозяин
 бādāre خانم *arbāb xānom*. سرکار خانم *sarkār xanom* ж хозяйка
 бādāri اربابی *arbābi* м барство, вести себя как господин
 бādṣpaka پنکه *panke* м вентилятор
 бādṣrang خیار *xiyār* м огурец
 бādēnjān. بانجان *bānjān* м баклажан *bādemjān*
 бādēnjāne rumi گوجه فرنگی *goujefarangī* м помидор
 бādēnjāne susani بادمجان *bādemjān*. بادنجان *bādenjān* м баклажан
 бādēnjāne siyāh بادمجان *bādemjān*. بادنجان *bādenjān* м баклажан
 бādī اتاق اتومبیل *otāqe otomobili* м кузов (автомобиля)
 бārjāma ظرف کالا *zarfe kālā* ж тара
 - وزن با بارنامه *wazen bā bārjāma* м وزن ناخالص *vazne nāxāles*. وزن با ظرف *vazne bā zarf*
 брутто
 бārčāilāni فرستادن کالا *ferestādane kālā* м отправка груза
 барш *bāreš* باران *bārān* м дождь
 барш *bāreš ast* باران است *bārān ast* м дождит, моросит
 барнаме *bārnamā* فاکتور *fāktur* м накладная, фактура
 баробоне *bārobuna* باروبونه *barobone*. اسباب و لوازم سفر *asbāb va lavāzeme safar* м
 багаж, дорожные вещи
 бāzengar. بازیگر *bāzīgār* ۱-رقاص *raqqās*. رقاصه *raqqāse* ۲-هنرپیشه *honarpiše*
 1. танцор, танцовщица 2. артист
 бāzudār مبیل *mobil* м кресло
 - چوکی بازودار *čawkiye bāzudār* м кресло *mobil*
 بازی *bāzi* رقص *raqs* м танец
 بازیگر *bāzīgār*. بازیگر *bāzīgār* ۱-رقاص *raqqās*. رقاصه *raqqāse* ۲-هنرپیشه *honarpiše*
 1. танцор, танцовщица 2. артист

bāsi - yesterday прил. ✧ diruzi دیروزی
черствый хлеб ✧ nāne bayāt نان بیات ✧ nāne bāsi نان باسی
погоди, подожди ✧ sabr kon صبر کن ✧ bās̄ bash باش
✧ baš az in kār xalās šavom باش از این کار خلاص شوم
✧ sabr kon tā in kār rā tamām konam صبر کن تا این کار را تمام کنم
погоди, избавлюсь от этой работы
жители ✧ sākenin ساکنین ✧ bāšendagān باشندگان
баші ✧ bāši سرکارگر sarkārgar .سرعمله saratale م бригадир
лягушка ж ✧ qurbāqe قورباغه ✧ baqa بقه
багаж м ✧ bāresafar بارسفر ✧ bagāj багаж ✧ bagāz багаз
1. пальто с 2. халат м ✧ rūpuš ۲- روپوش pālto ۱- پالتو ✧ bālāpoš بالاپوش
чердак м ✧ zirširvāni زیرشیروانی ✧ bālāxāna بالاخانه
батарея, аккумулятор ✧ bātri بطری ✧ betri باتری
подушка ж ✧ bāleš بالش ✧ bālešt بالشت
наволочка ж ✧ rubāleši رو بالشی ✧ poše bālešt پوش بالشت
наволочка ж ✧ rubāleši رو بالشی ✧ šite bālešt شیت بالشت
небольшая подушка ж, душка ж ✧ motakkā متکا ✧ bāleštak بالشتك
общипать, общипывать ✧ par kandane morq پرکندن ✧ bālak zadan بالك زدن
паміранец бот. ✧ nārenj نارنج ✧ bālang بالنگ
баллон м ✧ kapsul کپسول ✧ bālun بالون
газовый баллон м ✧ kapsule gāz گاز کپسول ✧ bālune gāz بالون گاز
1. оставь 2. положи ✧ bogzār بگذار ✧ bān بان
лейка ж ✧ ābpāš آب پاش ✧ bānti بانتی
баклажан м ✧ bādēmjan بادمجان ✧ bādenjan بادنجان ✧ bānjan بانجان
помидор м ✧ goujefarangī گوجه فرنگی ✧ bānjāne rumi رومی بانجان
фиолетовый прил. ✧ banafs بنفش ✧ bānjāni بانجانی
1. поставить 2. оставить ✧ gozāštan گذاشتن ✧ bāndan باندن
банкнот м ✧ eskenās اسکناس ✧ bānknot بانکنوت
велосипед м ✧ dočarxe دوچرخه ✧ bāysekел байсекел
велосипедист м ✧ dočarxesavār دوچرخه سوار ✧ bāysekelsavār байсекелсавар
бак для кипячения воды ✧ ābgarmkon آب گرم کن ✧ bāylar байлар
альчик ✧ quzak قوزک ✧ bojolake بجل اچک
циколотка ✧ quzak قوزک ✧ bojolake پای بجل
час ✧ sāat ساعت ✧ baja بجه
✧ pesarbaččeye kučак پسر بچه کوچک ✧ baččagak بچگاک
малыш, маленький мальчик м

- برقی barqi. برق والا barqwālā ✧ سیم کش simkeš. الکتریکی elektriki ✧ м электрик
 برک breyk ✧ ترمز tormoz ✧ м тормоз
 برگال bargāl. پرکار parkār. پرکال parkāl ✧ پرگار pargār. پرگال pargāl ✧ м циркуль
 برگه barga ✧ سربرگ sarbarg ✧ м бланк
 برمه barma ✧ ۱- مته matte. ۲- درل drel. 3. бур, сверло 4. дрель тех. ✧
 - پل برمه pale barma ✧ تیغچه tiqčeye matte. تیغه tiqeye matte ✧
 - наконечник сверла тех.
 برمه برقی barmaye barqi ✧ درل برقی drele barqi ✧ тех. электрическая дрель
 برمه خال barmaxāl ✧ سنبه نشان sonbenešān ✧ тех. кернер
 برمه کار barmakār ✧ حفار haffār. حفار کننده hafr konande ✧ м бурильщик
 برمه کاری barmakāri ✧ حفاری haffāri ✧ бурение, сверление
 برنده baranda ✧ بالکن bālkon ✧ веранда, терраса
 برنه ولدنگ baranaye woldeng ✧ پک جوش کاری poke juškāri ✧ жварочная горелка
 بروت borut ✧ سبیل sebil ✧ ус
 بروتی boruti ✧ آدم سبیلو ādame sebilu ✧ человек с усами
 برودکاست brodkāst ✧ پخش برنامه رادیویی rādyoyi paxše barnāmeye ✧
 трансляция, радиопередача
 برودکاست کردن brodkāst kardan ✧ پخش کردن از رادیو rādyo az paxš kardan ✧
 транслировать, передавать по радио
 بریالی baryālay ✧ فاتح fāteh ✧ м победитель
 برید جرنال bridjenerāl ✧ سرتیپ sartip ✧ м генерал-майор
 بریدمن bridman ✧ ستوان sotvān ✧ м лейтенант воен.
 بس bas ✧ اتوبوس otobus ✧ автобус
 بست bast ✧ کادر کارکنان kādre kārkonān ✧ кадры, штат
 بسته کار bastakār ✧ مونتاژ کار montājkār ✧ м монтажник
 بسته کاری bastakāri ✧ مونتاژ montāz. مونتاژ کاری montājkāri ✧ монтаж
 بسته کاری کردن bastakāri kardan ✧ مونتاژ کردن montāz kardan. سوار کردن (تجهیزات) savār kardan ✧
 монтаж, монтировать
 بسته کردن basta kardan ✧ بستن bastan ✧ закрывать
 بطری betri. بالتی bālti ✧ باتری bātri ✧ м батарея, аккумулятор
 بقه boqqa ✧ گاو nār qāve ✧ бык
 بقه baqa. باقه bāqa ✧ قورباغه qurbāqe ✧ ж лягушка
 بکار bakār ✧ لازم lāzem ✧ м нужный прил.
 بکار بودن bakār budan ✧ لازم بودن lāzem budan ✧ быть полезным
 بکس baks ✧ چمدان čamedān. صندوق sanduq. کیف kif ✧ сумка, чемодан, ящик
 بکس پوسته bakse pusta ✧ صندوق پستی sanduqe posti ✧ м почтовый ящик

- بچه bačča ✧ پسر pesar ✧ м мальчик
 بچه دان baččadān ✧ رحم rahem. زهدان zehdān ✧ анат. матка ж
 بچه کاکا baččaye kākā ✧ پسر عمو pesaramu ✧ м двоюродный брат
 بحر bahr ✧ دریا daryā ✧ с море
 بحر الکاهل bahrelkähel ✧ اقیانوس آرام oqiānuse ārām ✧ м Тихий океан
 بحیره bahira ✧ دریاچه daryāče ✧ с озеро
 بخش baxše. کت (محاوړه‌ای) kate ✧ باقā. همراه hamrāh ✧ с, вместе
 بخشش baxšeš ✧ پیشکش piškeš ✧ м дар, подарок
 بخششی baxšeši ✧ پیشکشی piškeši. انعام an`ām ✧ м премия, вознаграждение
 بخمل baxmal ✧ مخمل maxmal ✧ м бархат
 بد بیار badbiyār ✧ بدشانس badšāns ✧ м невезучий прил.
 بدمنتون badmenton ✧ بدمینتون badminton ✧ м бадминтон
 - دنده بدمنتون dandaye badmenton ✧ راکت بدمینتون rāquete badminton ✧
 ракетка бадминтона ж
 بر bar ✧ پهنā pahnā ✧ м ширина
 برادر * berādar. بیادر biyādar ✧ برادر barādar ✧ м брат
 برادر سکه berādare sekka ✧ برادر تنی barādare tani ✧ м родной брат
 براکت barāket ✧ چراغ دیواری čerāqe divāri ✧ м бра
 برتن bartan ✧ ظرف zarf ✧ ж тара
 برج آبرسانی borje ābrasāni ✧ منبع آب manbae āb ✧ м резервуар водоснабжения
 برچه barča ✧ نیزه neyze ✧ с копьё
 بردار bardār ✧ پهن pahn ✧ м широкий прил.
 برس bors ✧ بروس bros ✧ ж щетка
 برس دندان borse dandān ✧ مسواک mesvāk ✧ ж зубная щетка
 برساتی barsāti ✧ بارانی bārāni ✧ м плащ
 برشت brešt ✧ موسم بارندگی mouseme bārandegi ✧ м сезон осадков
 برشتی brešti ✧ بارانی bārāni ✧ м дождливый прил.
 برطرف کردن bartaraf kardan ✧ اخراج از وظیفه exrāj az vazife ✧ м увольнять с работы
 برطرفی bartarafi ✧ اخراج (ازوظیفه) exrāj ✧ м увольнение
 برف bad. برفبار bārfbād. توفان tufān ✧ برفباری tufānbarf ✧ ж буря, буран
 برف جنگی barfjangi ✧ برف بازی barfbāzi ✧ м играть в снежки
 برف کوچ barfkuč ✧ بهمن bahman. ریزش برف rizeše barf ✧
 снежная лавина ж
 برق barq. برق والا barqwālā. سیم کش simkeš. الکتریکی elektriki ✧ м электрик
 برقک barqak. الماسک almāsak ✧ برق barq ✧ ж молния, зарница
 برقک زدن barqak zadan ✧ برق زدن barq zadan ✧ ж вспышка молнии

- бандобаст ✧ قرار *qarār* ✧ договоренность
 بندی *bandi*. حبسی ✧ زندانی *zendāni* ✧ арестант
 بندی خانه ✧ زندان *zendān* ✧ тюрьма
 بندی شدن ✧ زندانی شدن *zendāni šodan* ✧ быть арестованным
 بنفش ✧ بنفش *banafš* ✧ фиолетовый прил.
 بنفشه ✧ بنفشه *banafše* ✧ фиалка ж
 بنیان ✧ پیراهن رکابی *pirāhane rekābi*. زیرپوش مردانه *ziruše mardāne* ✧ майка, тельняшка ж
 بنیه گری ✧ بقالی *baqqāli* ✧ бакалея
 بوت ✧ کنش *kafš* ✧ обувь, ботинки, туфли
 بوت پاک ✧ کنش پاک کن *kafšpākkon*. بروس کنش *brose kafš* ✧ бут
 بوت پالش ✧ بروس کنش *brose kafš* ✧ щетка для чистки обуви ж
 بوت دوز ✧ کنش *kaffāš* ✧ сапожник
 بوت موزه ✧ چکمه *čakme* ✧ сапоги
 بوت والا ✧ کنش فروش *kafšforuš* ✧ продавец обуви
 بوتل ✧ بطری *botri* ✧ бутылка, бутыль, флакон
 بوتلک ✧ بطری کوچک *botriye kučak* ✧ маленькая бутылка ж, флакон м
 بوجی ✧ کیسه *kise*. گونی *guni* ✧ мешок, пакет
 بودوباش ✧ سکونت *sokunat*. اقامت *eqāmat* ✧ жительство, проживание
 بودوباش داشتن ✧ اقامت داشتن *eqāmat daštan* ✧
 بودوباش کردن ✧ اقامت کردن *eqāmat kardan*. سکونت کردن *sokunat kardan* ✧
 بور ✧ خاکستری *xākestari* ✧ серый прил.
 بورس ✧ سکالرشپ *skālaršip* ✧ بورسیه *bursiye* ✧ право на учебу в загранице
 بوره ✧ شکر *šekar* ✧ песок (сахарный) м
 بوری ✧ کیسه آرد *kiseye ārd* ✧ мешок из-под муки м
 بوریا ✧ حصیر *hasir* ✧ циновка ж
 بوریا باف ✧ حصیر باف *hasirbāf* ✧ изготовитель циновок
 بوریا فروشی ✧ حصیر فروشی *hasirforuši* ✧ продавец циновок
 بوسه ✧ بوسه *buse* ✧ поцелуй м
 بوسیدن ✧ بوسیدن *busidan* ✧ целовать
 بوشارت ✧ پیراهن آستین کوتاه *pirāhane āstin kutāh* ✧
 বুঙ্গ *bokseng* ✧ بکس *boks*. مشت زنی *moštzani* ✧ бокс м
 بول ✧ ادار *edrār*. شاش *šāš* ✧ моча анат.

- بکس جیبی ✧ کیف جیبی *kife jibi* ✧ бумажник
 بکس دستی ✧ کیف دستی *kife dasti* ✧ портфель м
 بکس زنانه ✧ کیف زنانه *kife zanāne* ✧ сумка женская
 بکس مردانه ✧ کیف مردانه *kife mardāne* ✧ сумка мужская
 багаж ✧ چمدان های سفر *čamedānhāye safar* ✧ *bakshāye safar* ✧
 багаж ✧ بار سفر *bāre safar* ✧ *bagāz*. багаж ✧
 بگی ✧ ارابه *arrābe* ✧ کالسکه *kālaske* ✧ тележка ж
 بگی وان ✧ کالسکه چی *kālaskeči* ✧ *bagi* ✧ извозчик м
 بل ✧ صورت حساب *surate hesāb*. رسید *resid*. قبض *qabz* ✧ *bel* ✧ квитанция, счет-фактура
 بل کردن ✧ روشن کردن چراغ *roušan kardane čerāq* ✧ *bel kardan* ✧ зажигать свет
 بلاعوض ✧ رایگان *rāyegān*. مفت *moft* ✧ *belāewaz* ✧ безвозмездно
 بلاک ✧ بلوک *blok* ✧ блок м
 بلاگ ✧ بازیگوش *bāziguš* ✧ *balāgak* ✧ бедокур, шалун м
 بلوک ✧ دسته (نظامی) *daste* ✧ взвод воен.
 بلوک مشر ✧ فرمانده دسته *farmāndeye daste* ✧ *bulukmešer* ✧ командир взвода
 بلوکاد ✧ محاصره *mohāsere* ✧ *blokād* ✧ блокада ж
 بلول ✧ لوله سیمانی *luleye simāni* ✧ *bolul* ✧ труба цементная ж
 بم ✧ بمب *bomb* ✧ *bam* ✧ бомба
 بم افکن ✧ بمب افکن *bomb afkan* ✧ *bamafgan* ✧ бомбардировщик м
 بم دستی ✧ نارنجک *nārenjak* ✧ *bame desti* ✧ граната
 بمبارد ✧ بمباردمان *bambārdmān* ✧ *bambārd* ✧ бомбардировка
 بمبارد کردن ✧ بمباران کردن *bombārd kardan* ✧ *bambārd* ✧ бомбардировать
 بمباردمان ✧ بمبارد *bambārdmān* ✧ *bambārd* ✧ бомбардировка
 بمبه ✧ پمپ *potp* ✧ *bamba* ✧ насос, помпа
 بمبیرک ✧ جیرجیرک *jirjirak* ✧ *bambirak* ✧ стрекоза ж
 بنابراین ✧ بنابراین *banābarin* ✧ *benābarin* ✧ поэтому
 بنام ✧ مشهور *mašhur* ✧ *banām* ✧ известный, славный, знаменитый
 بنجاره ✧ بقال *baqqāl*. عطاری *attār* ✧ *banjāra* ✧ галантерея ж
 بنجاره گی ✧ بقالی *baqqāli*. عطاری *attāri* ✧ *banjāragi* ✧ галантерея, галантерейная
 بند ✧ آب بند *ābband* ✧ *band* ✧ плотина ж
 بنداچ ✧ باندپیچ *bāndpič*. بانداز *bāndāz* ✧ *bandāz* ✧ бинт, повязка
 بنداچ ✧ باندپیچ *bāndpič*. بانداز *bāndāz* ✧ *bandāz* ✧ бинт, повязка
 بنداچ ✧ باندپیچ *bāndpič*. بانداز *bāndāz* ✧ *bandāz* ✧ бинт, повязка
 بند کردن ✧ بستن *bastan* ✧ *band kardan* ✧ завязывать
 بندل ✧ بسته *baste* ✧ *bandal* ✧ связка, тюк

- بیروبار birobār ✧ شلوغ *šoluq* ✧ 1. скопление народа, 2. шумно ✧
 - پیروبار porbirobār ✧ خیلی شلوغ *xeili šoluq* ✧ шумный, многолюдный ✧
 - سرک پیروبار sarake por birobār ✧ جاده شلوغ *jaddeye šoluq* ✧ шумная дорога ✧
 بیروی سیاسی biroye siyāsi ✧ دفتر سیاسی *daftare siyāsi* ✧ политбюро ✧
 بیره bira ✧ لثه *lasse* ✧ десна анат. ✧
 بیضه * bayza ✧ بیضه *beyze* ✧ яичко анат. ✧
 بیع پار baypār ✧ معامله دار *moāmeledār*. طرف معامله *tarafe moāmele* ✧ контрагент м ✧
 بیگا bigā ✧ عصر *asr*. شامگاه *šāmgāh* ✧ вечером ✧
 بیگاه bigāh ✧ عصر *asr*. شامگاه *šāmgāh* ✧ вечером ✧
 بیل * bel ✧ بیل *bil* ✧ лопата ж ✧
 بیلانس bilāns ✧ تراز *tarāz* ✧ баланс м, экон. ✧
 بیلانس تجارتی bilāns tejarati ✧ تراز بازرگانی *tarāze bāzargāni* ✧
 торговый баланс экон. ✧
 بیلچه belča ✧ خاک انداز *xākandāz* ✧ совок ✧
 بیلر bilar ✧ بیرل *biral* ✧ بشکه *boške* ✧ бочка (железная) ✧
 بیم داشتن bem dāstan ✧ ترسیدن *tarsidan* ✧ пугаться ✧
 بیننده * binenda ✧ بیننده *binande* ✧ зритель м ✧
 بیوه bewa ✧ بیوه *bive* ✧ вдова ж ✧



- پاپوش pāpoš ✧ کفش *kafš* ✧ обувь, туфли ✧
 پات pāt ✧ بول دانی *buldāni* ✧ ночной горшок, судно ✧
 پاتن pātan ✧ الگو *olgu* ✧ модель, выкройка, образец ✧
 پاده pāda ✧ گله *galle* ✧ стадо с ✧
 پاده وان pādawān ✧ چوپان *čupān* ✧ пастух м ✧
 پاده وانی pādawāni ✧ چوپانی *čupāni* ✧ занятие пастуха ✧
 پارت pārt ✧ دسته *daste* ✧ группа ж ✧
 پارت پارت شدن pārt pārt šodan ✧ دسته دسته شدن *daste daste šodan* ✧
 разделяться на группы ✧
 پارچاو pārcāw ✧ بیهوده *bihude* ✧ напрасный, бесполезный, пустой ✧
 پارچه کاری (ماشینری) pārcākāri ✧ پیاده کردن (تجهیزات) *piyāde kardan*.
 بازکردن (تجهیزات) *bāz kardan* ✧ разборка, переборка тех. ✧

- بول دانی bawldāni ✧ لوله (طبی) *lule* ✧ утка мед. ✧
 بول کردن bawl kardan ✧ ادار کردن *edrār kardan*. شاش کردن *šāš kardan* ✧ мочиться ✧
 بولانی bulāni ✧ پیراشکی با گوشت *pirāškiye bā gušt* ✧ пирожки с мясом ✧
 بولت bolt ✧ پیچ *pič* ✧ болт тех. ✧
 به اتصال ba ettesāl ✧ جنب *janb* ✧ рядом, около, подле ✧
 به اتصال دانشگاه ba ettesāle dānešgāh ✧ جنب دانشگاه *janbe dānešgāh* ✧
 возле университета ✧
 بهی behi ✧ به *beh* ✧ айва ж ✧
 بهی دانه behidāne ✧ به دانه *behdāne* ✧ айвовые косточки ✧
 بی اولاد beawlād ✧ بی فرزند *bi farzand* ✧ бездетный м ✧
 بی بی bibi ✧ مادر بزرگ *mādarbozorg*. نه نه *nane* ✧ бабушка ж ✧
 بی بی کلان bibikalān ✧ مادر بزرگ *mādarbozorg* ✧ бабушка ж ✧
 بی پدر bepadar ✧ یتیم *yatim* ✧ сирота ж ✧
 بی پدر و مادر bepadaromādar ✧ یتیم *yatim* ✧ сирота ж ✧
 بی پروا beparwā ✧ بی خیال *bi xiyāl* ✧ беззаботный ✧
 بی پیراهن و تنبان beperāhanotonbān ✧ بی خانمان *bi xānemān* ✧ бездомный прил. ✧
 بی تربیه betarbiya ✧ بی تربیت *bi tarbiyat* ✧ невоспитанный, невежа ✧
 بی سرپناه besarpanāh ✧ بی خانمان *bi xānemān* ✧ бездомный прил. ✧
 بی قصور beqosur ✧ بی تقصیر *bi taqsir* ✧ невинный ✧
 بی لفظی belafzi ✧ خلف وعده *xolfe va`de* ✧ невыполнение обещания ✧
 بی لفظی کردن belafzi kardan ✧ خلف وعده کردن *xolfe va`de kardan* ✧
 не выполнять обещанное ✧
 بی نزاکت benezākat ✧ بی ادب *bi adab* ✧ невежливый, невоспитанный прил. ✧
 بیادر biyādar ✧ برادر *berādar* ✧ брат м ✧
 بیالوجست biyālojest ✧ بیولوژیست *biolojist*. زیست شناس *zistšenās*. بیولوگ *biolog* ✧ биолог ✧
 بیالوجی biyāloji ✧ بیولوژی *bioloji*. زیست شناسی *zistšenāsi* ✧ биология ✧
 بیانیة bayāniya ✧ سخنرانی *soxanrāni*. نطق *notq* ✧ выступление, заявление ✧
 بیپار bepār ✧ مشتری همیشه *moštariye hamisegi* ✧ постоянный покупатель ✧
 بیتیم bitum ✧ کانگریت *kānkreyt*. کانگریت *kāngreyt* ✧ بتن *beton* ✧ бетон ✧
 بیجک bijak ✧ فاکتور *fāktur* ✧ فاکتورا-счет, накладная ✧
 بیخی bixi ✧ کاملاً *kāmelan* ✧ совсем ✧
 بیدار خواب bidārxāb ✧ بی خواب *bi xāb* ✧ невыспавшийся ✧
 بیر bir ✧ آبجو *ābjo* (آبهجو) ✧ пиво с ✧
 بیرل biral ✧ بیلر *bilar* ✧ بشکه *boške* ✧ бочка ж ✧

پای انداز ✧ *pāyandāz* ✧ کناره ✧ *kenāre* ✧ ковровая дорожка, половик
 پای پاک ✧ *pāy-pāk* ✧ پادری فلزی ✧ *pādariye felezzī*
 решетка у двери для очистки обуви
 پای پچلک ✧ *pāy-počolak* ✧ پشت پا ✧ *poštepā* ✧ подножка
 پای پچلک دادن ✧ *pāy-počolak dādan* ✧ پشت پا زدن ✧ *poštepā zadan* ✧ дать подножку
 پای پوش ✧ *pāy-poš* ✧ کفش ✧ *kafš* ✧ обувь, туфли
 پای پیاده ✧ *pāy-peyāda* ✧ پیاده ✧ *piyāde* ✧ пешком
 پای دوانک ✧ *pāy-dawānak* ✧ روروک ✧ *rourouak* ✧ бегунки
 پای سنگ ✧ *pāy-sang* ✧ وزنه ترازو ✧ *vazneye tarāzu*
 камень или мелкая гиря для весов
 پای لوچ ✧ *pāy-loč* ✧ پابرهنه ✧ *pāberahne* ✧ босой, необутый
 پایان ✧ *pāyān* ✧ پایین ✧ *pāyīn*
 پایپ ✧ *pāy-p* ✧ پیپ ✧ *pip* ✧ шланг м
 پایپ ✧ *pāy-p* ✧ پیپ* ✧ *paup** ✧ трубка для курения ж
 پایپ لین ✧ *pāy-playn* ✧ خط لوله ✧ *xatte lule* ✧ трубопровод м
 پایپ لین تیل ✧ *pāy-playne tel* ✧ خط لوله نفت ✧ *xatte luleye naft* ✧ нефтепровод м
 پایپ لین گاز ✧ *pāy-playne gāz* ✧ خط لوله گاز ✧ *xatte luleye gāz* ✧ газопровод м
 پایدل ✧ *pāy-dal* ✧ چایانی ✧ *čāyāni* ✧ *pāyī* ✧ *pedāl* ✧ ж ✧ педаль
 پایه کی ✧ *pāy-ki* ✧ پیاده ✧ *piyāde* ✧ пешком
 پایه گلون (محاوره‌ای) ✧ *pāyagolon* ✧ لوزتین ✧ *louzateyn* ✧ миндалины, glands мед.
 پت ✧ *pot* ✧ مخفی ✧ *maxfi* ✧ پنهان ✧ *penhān* ✧ скрытый, тайный
 پت پت ✧ *pot pot* ✧ مخفیانه ✧ *maxfiyāne* ✧ یواشکی ✧ *yavāšaki*
 скрытно, тайно, потихонечку
 پت ران ✧ *pate rān* ✧ ضخامت ران ✧ *zexāmate rān* ✧ толщина ляжки
 پت شدن ✧ *pot šodan* ✧ مخفی شدن ✧ *maxfi šodan* ✧ پنهان شدن ✧ *penhān šodan* ✧ скрываться
 پت کردن ✧ *pot kardan* ✧ مخفی کردن ✧ *maxfi kardan* ✧ پنهان کردن ✧ *penhān kardan* ✧ скрывать
 پتاره ✧ *patāra* ✧ فیته ✧ *fita* ✧ نوار ✧ *navār* ✧ лента ж
 پتاقی ✧ *patāqi* ✧ ترقه ✧ *tarraqe* ✧ хлопущка, петарда ж
 پترول << ✧ *petrol* ✧ بنزین ✧ *benzin* ✧ бензин м
 - تانک پترول ✧ *tānke petrol* ✧ پمپ بنزین ✧ *pompe benzin* ✧ бензоколонка ж
 - پمپ پترول ✧ *pampe petrol* ✧ پمپ بنزین ✧ *pompe benzin* ✧ бензоколонка ж
 پترول کشی ✧ *petrolkaši* ✧ استخراج نفت ✧ *estexrāje naft* ✧ добыча нефти
 پتره ✧ *patra* ✧ رکاب ✧ *rekābak* ✧ حلقه آهنی ✧ *halqeye āhani* ✧ گیره ✧ *gire* ✧ *tasme* ✧ тасма ✧ железная скоба
 پتره گر ✧ *patragar* ✧ بندزن ✧ *bandzan* ✧ починяющий фарфоровую посуду
 پتلون << ✧ *patlun* ✧ شلوار ✧ *šalvār* ✧ брюки

پاردم ✧ *pārdam* ✧ زین ✧ *zin* ✧ седло с
 پارسال ✧ *pārsal* ✧ بسته ✧ *baste* ✧ امانت پستی ✧ *amānate postī* ✧ посылка ж
 پارکینگ ✧ *pārkeng* ✧ پارکینگ ✧ *pārkeng* ✧ стоянка ж
 پارک کردن ✧ *pārk kardan* ✧ پارک کردن ✧ *pārk kardan* ✧ остановить ✧ *pārk kardan*
 پارو ✧ *pāru* ✧ کود حیوانی ✧ *kude heyvāni* ✧ навоз м (удобрение)
 پاس ✧ *pās* ✧ پیشنهاد ✧ *pišnahād* ✧ предложение
 پاس شدن ✧ *pās šodan* ✧ پیشنهاد شدن ✧ *pišnahād šodan* ✧ быть представленным
 پاس کردن ✧ *pās kardan* ✧ پیشنهاد کردن ✧ *pišnahād kardan* ✧ предлагать на обсуждение
 پاسره کردن (پول) ✧ *pāsera kardan* ✧ ذخیره کردن (پول) ✧ *zaxire kardan* ✧ откладывать деньги
 پاشان ✧ *pāšān* ✧ پراکنده ✧ *parākande* ✧ پاشیده ✧ *pāšide* ✧ разбросанный прил.
 پاغنده ✧ *pāqonda* ✧ پاره ✧ *pāre* ✧ بسته ✧ *baste* ✧ گلوله ✧ *golule* ✧ ком, тук
 پاغنده برف ✧ *pāqondabarf* ✧ برف پاره ✧ *barfpāre* ✧ хлопья снега, снежинка ж
 پاغنده پنجه ✧ *pāqondaponbe* ✧ تکه پنجه ✧ *tekkeye panbe* ✧ клочок ваты
 پاک ✧ *pāk* ✧ کاملاً ✧ *kāmelan* ✧ совсем
 پاک دیوانه است ✧ *pāk dewāna ast* ✧ کاملاً دیوانه است ✧ *kāmelan divāne ast* ✧ Он совсем безумный
 پاک کاری ✧ *pākkāri* ✧ خانه تکانی ✧ *xānetekāni* ✧ پاک سازی ✧ *pāksāzi* ✧ очистка
 پاکي ✧ *pāki* ✧ پل ریش ✧ *pale riš* ✧ تیغ ✧ *tiq* ✧ бритва ж
 پالش ✧ *pāleš* ✧ صیقل دهی ✧ *seyqaldehi* ✧ полировка
 پالش کردن ✧ *pāleš kardan* ✧ صیقل دادن ✧ *seyqal dādan* ✧ полировать ✧ *seyqal dādan*
 پالک ✧ *pālak* ✧ سبزی پالک ✧ *sabzipālak* ✧ اسفناج ✧ *esfenāj* ✧ шпинат бот.
 پالندوی ✧ *pālandoy* ✧ ساتندوی ✧ *sātandoy* ✧ پشتیبان ✧ *poštibān* ✧ حامی ✧ *hāmi*
 покровитель, охрана
 پالوان ✧ *pālwān* ✧ پهلوان ✧ *pahlawān* ✧ کشتی گیر ✧ *koštigir* ✧ борец м
 پالوانی ✧ *pālwāni* ✧ پهلوانی ✧ *pahlawāni* ✧ کشتی گیری ✧ *koštigiri* ✧ борьба (вид спорта)
 پاله ✧ *pāla* ✧ گاوهان ✧ *gāvāhan* ✧ плут м
 پالیدن ✧ *pālidan* ✧ جستجو کردن ✧ *josteju kardan* ✧ искать ✧ *josteju kardan*
 - کی را می پالی ✧ *ke rā mepāli* ✧ کی را جستجو می کنی ✧ *ki rā josteju mikoni*
 Кого ты ищешь
 پالیز ✧ *pāliz* ✧ فالیز ✧ *fāliz* ✧ جالیز ✧ *jāliz* ✧ бахча
 پالیزکاری ✧ *pālizkāri* ✧ فالیزکاری ✧ *fālizkāri* ✧ جالیزکاری ✧ *jālizkāri* ✧ бахчеводство
 پالیزی ✧ *pālizzi* ✧ فالیزی ✧ *fālizzi* ✧ جالیزی ✧ *jālizzi* ✧ бахчевые прил.
 پالیسی ✧ *pālisi* ✧ سیاست ✧ *siyāsāt* ✧ политика ж
 پاندول ✧ *pāndul* ✧ ثانیه شمار ✧ *sāniyeshomār* ✧ секундомер м
 پاونده ✧ *pāwenda* ✧ ۱- مالدار ✧ *māldār* ✧ ۲- کوچ نشین ✧ *kučnešin* ✧ 1. скотовод 2. кочевник

پرزه فروشی *porzaforuši* ✧ لوازم یدکی *lavāzeme yadaki foruši* ✧
 магазин по продаже запасных частей м
 پرسان *porsān* ✧ پرسیدن *porsidan* ✧
 پرسان کردن *porsān kardan* ✧ پرسیدن *porsidan* ✧
 پرستیج *parastij* ✧ حیثیت *heysiyyat* م ✧
 پرستیج *parastij* ✧ حیثیت *heysiyyat* م ✧
 پرسونل *persunal* ✧ پرسنل *personel* م ✧
 پرکال *parkāl* ✧ پرکار *parkār* ✧ پرگال *bargāl* ✧ پرگار *pargār* ✧
 پرسنپ *pransip* ✧ اصول *osul* ✧
 پروبلم *poroblam* ✧ پرابلم *prāblem* ✧ معضله *moazzele* ✧
 پروپاگاندا *propāgāndā* ✧ تبلیغ *tabliq* ✧
 پروتست *protest* ✧ اعتراض *e'terāz* م ✧
 پروتوکول << پروتوکول *porotokol* ✧ پروتکل *protokol* م ✧
 پروسه *prose* ✧ روند *ravand* م ✧
 پروفیسر *porfeysar* ✧ پوهنوال *poḥanwāl* ✧ پوهاند *pohand* ✧ پروفیسور *profesor* ✧ استاد *ostād* ✧
 профессор м
 پروگرام *porogrām* ✧ برنامه *barnāme* ✧
 پریفابریکت *perifābriket* ✧ تولید شده در کارخانه *toulid šode dar kārkhāne* ✧
 заводское изделие
 پس آمدن *pas āmadan* ✧ بازگشتن *bāzgaštan* ✧
 پس پس کردن *pespes kardan* ✧ درگوشی گفتن *dareguši goftan* ✧
 پس خانه *pasxāna* ✧ صندوقخانه *sanduqxāne* م ✧
 پس صبا *passabā* ✧ پس فردا *pasfardā* ✧
 پس لگدی *paslagadi* ✧ آوردنگی *ordangi* ✧
 پسان *pasān* ✧ بعدا *ba'dan* ✧
 پسان تر *pasāntar* ✧ بعدتر *ba'dtar* ✧
 پست کارد *postkārd* ✧ پوست کارت *pustkārt* ✧ کارت پستال *kārtpostāl* ✧
 پستان رابری *pestāne rābari* ✧ پستانک *pestānak* ✧
 پسته *posta* ✧ پوسته *pusta* ✧ پست *post* ✧
 پسته خانه *postaxāna* ✧ پوسته خانه *pustaxāna* ✧ پستخانه *postxāne* ✧
 پسته رسان *postarasān* ✧ داکي *dāki* ✧ نامه رسان *nāmeresān* م ✧
 پسمانده گی *pasmāndagi* ✧ عقب ماندگی *aqabmāndegi* ✧
 پسمانی *pasmāni* ✧ عقب ماندگی *aqabmāndegi* ✧
 پسین *pasin* ✧ بعدی *ba'di* ✧
 پشتک پران *poštak parān* ✧ نیردی زدی (بازی) *nizdizadi* ✧
 чехарда (игра детская)

پتنوس << پطنوس *patnus* ✧ سینی *sini* م ✧
 پتو *patu* ✧ شال پشمی *šāle pašmi* ✧
 پچق کردن *pečeq kardan* ✧ فشار دادن *fešār dādan* ✧
 پخته *paхта* ✧ پنبه *panbe* ✧
 پخته خام *paختaye xām* ✧ پنبه خام *panbeye xām* م ✧
 پخته سال *poختasāl* ✧ پیر *pir* ✧
 پخته کار *paختakār* ✧ پنبه کار *panbekār* م ✧
 پخته کاری *paختakāri* ✧ پنبه کار *panbekāri* ✧
 پخچک *paختčak* ✧ کوتاه *kuṭāhqadd* ✧ کوتوله *kuṭule* ✧
 پدر * *padar* ✧ پدر *pedar* م ✧
 پدرکلان *padarkalān* ✧ پدربزرگ *pedarbozorg* ✧
 پرابلم *prāblem* ✧ پروبلم *poroblam* ✧ معضله *moazzele* ✧
 پراسس *prāses* ✧ آماده سازی *āmādesāzi* ✧
 پاراشوت *parāšut* ✧ چترنجات (پاراشوت) *čatre nejāt* م ✧
 پران *parān* ✧ پرند *parande* ✧
 - موش پران *muše parān* ✧ خفاش *xoffāš* ✧
 پرت *part* ✧ خراش *xaṛāš* ✧
 پرت کشیدن *part kašidan* ✧ خراشیدن با ناخن *xaṛāšidan bā nāxon* ✧
 پرتره *partara* ✧ موازنه *movāzene* س ✧
 پرتريت << پورتريت *portreyt* ✧ پرتره *portre* م ✧
 پرتله *partala* ✧ جای خراش ناخن *jāye xaṛāše nāxon* ✧
 پرتوکل << پروتوکول *porotokol* ✧ پروتکل *protokol* م ✧
 پرچو *parčaw* ✧ متوقف *motevaqef* ✧
 پرچو کردن *parčaw kardan* ✧ متوقف کردن *motevaqef kardan* ✧
 остановить (оборудование)
 پرچون فروش *parčunforuš* ✧ خرده فروش *xorde foruš* ✧
 торговец мелкими галантерейными товарами
 پرچون فروشی *parčunforuši* ✧ خرده فروشی *xorde foruši* ✧
 торговля мелкими галантерейными товарами
 پرچی *parči* ✧ پرچ *parč* ✧
 پرچی کاری *parčikāri* ✧ پرچ کاری *parčikāri* ✧
 круглая заклепка тех. ж *miXe parč* ✧
 پرزه *porza* ✧ یدک *yadak* ✧ قسمت *qesmat* ✧
 پرزه خط *porza* ✧ یادداشت *yāddāšt* ✧
 پرزه جات *porzajāt* ✧ فالتو *fāltu* ✧ لوازم یدکی *lavāzeme yadaki* ✧
 запасы

پلستر کردن ✧ palastar kardan ✧ گچ کاری کردن ✧ *gačkārī kardan* ✧ отштукатуривать ✧
 پلمه ✧ palma ✧ علت ✧ *ellat*. دلیل ✧ *dalil* ✧ причина ✧
 پلوك ✧ paluk. مارتول ✧ *mārtul* ✧ پتك ✧ *potk* ✧ کوالدا ✧
 پله ✧ pola ✧ ذرت ✧ *zerrat*. چس فیل ✧ *čosefil* ✧ воздушная кукуруза ✧
 پله ترازو ✧ *palaye tarāzu* ✧ کفه ترازو ✧ *kafeye tarāzu* ✧ чаша весов ✧
 پلیت ✧ *palet* ✧ ورق آهن ✧ *varaqe āhan* ✧ лист железный ✧
 پلیت ✧ *palit* ✧ نوار ✧ *navār* ✧ لامпас ✧
 پلیته ✧ *palita* ✧ فتيله ✧ *fetile* ✧ фитиль м ✧
 پن ✧ *pen* ✧ سنجاق ✧ *sanjāq* ✧ булавка ✧
 پنجاق بازی ✧ *penjaqbāzi* ✧ یه قول دو قول بازی ✧ *yeqol doqol bāzi* ✧ (игра) камешки ✧
 پنجه ✧ *panja* ✧ چنگال ✧ *čangāl* ✧ вилка ж ✧
 پندیدن ✧ *pondidan* ✧ ورم کردن ✧ *varam kardan* ✧ опухать, распухать, пухнуть ✧
 پندیده ✧ *pondida* ✧ ورم کرده ✧ *varam karde* ✧ опухший, распухший ✧
 پنسل ✧ *pensel*. پنسن ✧ *pensen* ✧ مداد ✧ *medād* ✧ карандаш м ✧
 پنسل پاک ✧ *penselpāk* ✧ مداد پاک کن ✧ *medādpākkon* ✧ ж резинка, м ластик ✧
 پنسل تراش ✧ *penseltarāš*. پنسن تراش ✧ *pensentarāš* ✧ مداد تراش ✧ *medādtarāš* ✧
 точилка для карандашей ж ✧
 پنسن ✧ *pensen*. پنسل ✧ *pensel* ✧ مداد ✧ *medād* ✧ карандаш м ✧
 پنسن پاک ✧ *pensenpāk*. پنسل پاک ✧ *penselpāk* ✧ مداد پاک کن ✧ *medādpākkon* ✧
 ластик м, резинка ж ✧
 پنسن تراش ✧ *pensentarāš*. پنسل تراش ✧ *penseltarāš* ✧ مداد تراش ✧ *medādtarāš* ✧
 точилка для карандашей ж ✧
 پینگ پانگ ✧ *pengpāng* ✧ پینگ پنگ ✧ *pingpong* ✧ пинг-понг спорт ✧
 پوچاق ✧ *pučāq* ✧ کارد ✧ *kārd* ✧ нож м ✧
 پوچک ✧ *pučak* ✧ پوکه ✧ *puke* ✧ патрон м, гильза ж ✧
 پودر* ✧ *pudar* ✧ پودر ✧ *puđr* ✧ пудра, порошок м ✧
 پودین ✧ *puđin* ✧ پودینگ ✧ *puđing* ✧ пудинг м ✧
 پورت ✧ *port* ✧ بندر ✧ *bandar* ✧ порт м ✧
 پورتريت << پورتريت ✧ *portreyt* ✧ پرتره ✧ *portre* ✧ портрет м ✧
 پورتريت قلمی ✧ *portreyte qalami* ✧ پرتره ✧ *portre* ✧ портрет м ✧
 پوره ✧ *pura* ✧ کامل ✧ *kāmel*. تکمیل ✧ *takmil* ✧ полный ✧
 پوره کردن ✧ *pura kardan* ✧ تکمیل کردن ✧ *takmil kardan* ✧ дополнять, совершенствовать ✧
 پوست ✧ *poost* ✧ جلد ✧ *feld* ✧ 1. кожа, шкура 2. обложка ✧
 پوست کارت ✧ *pustkārt*. پست کارت ✧ *postkārd* ✧ کارت پستال ✧ *kārtpostāl* ✧ ж открытка ✧
 پوسته ✧ *pusta*. پسته ✧ *posta* ✧ پست ✧ *post* ✧ почта ж ✧

پشک ✧ *pešk* ✧ ۱- قرعه کشی ✧ *qor'ekeshi*. ۲- احضاریه خدمت سربازی ✧ *ehzāriyeye xedmate sarbāzi* ✧
 1. жеребьевка 2. повестка военкомата ✧
 پشک ✧ *pešak* ✧ گربه ✧ *gorbe* ✧ кошка ж ✧
 پشنجه ✧ *pašanja* ✧ ماله ✧ *māle* ✧ борона, кельня ✧
 پشنگ ✧ *pašang* ✧ زنبه ✧ *zanbe* ✧ (для земли) носилки ✧
 پشیمان* ✧ *pašemān* ✧ پشیمان ✧ *pašimān* ✧ сожалеющий прил. ✧
 پترول << پترول ✧ *petrol* ✧ بنزين ✧ *benzin* ✧ м бензин ✧
 پتلون << پتلون ✧ *patlun* ✧ شلوار ✧ *šalvār* ✧ брюки ✧
 پطنوس << پتنوس ✧ *patnus* ✧ سینی ✧ *sini* ✧ м поднос ✧
 پکنیک ✧ *peknik* ✧ پیک نیک ✧ *piknik* ✧ пикник ✧
 پکه ✧ *paka* ✧ بادبزین ✧ *bādbezan* ✧ веер ✧
 - بادپکه ✧ *bādpaka* ✧ پنکه ✧ *panke* ✧ м вентилятор ✧
 پکینگ ✧ *paking* ✧ بسته بندی ✧ *bastebandi* ✧ ж упаковка ✧
 پکینگ کردن ✧ *paking kardan* ✧ بسته بندی کردن ✧ *bastebandi kardan* ✧ ✧ упаковывать ✧
 پگاه ✧ *pagāh*. پگا ✧ *pagā* ✧ صبح ✧ *sobh* ✧ с утро ✧
 پل ✧ *pal* ✧ لبه ✧ *labe*. تیغچه ✧ *tiqče*. تیغ ✧ *tiq* ✧ лезвие тех. ✧
 پل ✧ *pal* ✧ رد پا ✧ *radde pā* ✧ м след ноги ✧
 پل آهن بری ✧ *pale āhenbori* ✧ اره فلز ✧ *arreye felezzbori* ✧ ж ножовка по металлу ✧
 پل برمه ✧ *pale barma* ✧ لبه برنده ✧ *labe*. تیغچه مته ✧ *tiqčeye matte* ✧
 наконечник сверла м ✧
 پل چاقو ✧ *pale čāqu* ✧ لبه برنده ✧ *labe*. کارد ✧ *kārd* ✧ *labeye borrandeye kārdd* ✧ с острые ножа тех. ✧
 پل خراطی ✧ *pale xarrāti* ✧ برنده تراشکاری ✧ *borrandeye tarāškārī* ✧ м токарный резец тех. ✧
 پل ریش ✧ *pale riš*. پاکی ✧ *pāki* ✧ تیغ ✧ *tiq* ✧ с бритва, лезвие ✧
 پل ریش تراشی ✧ *pale rištarāši* ✧ تیغ ✧ *tiq* ✧ с бритва, лезвие ✧
 پلاس ✧ *palās* ✧ گاز انبر ✧ *gāzanbor* ✧ плоскогубцы ✧
 پلاس ✧ *palās* ✧ زیلو ✧ *zilu* ✧ м палас ✧
 پلان ✧ *pelān* ✧ برنامه ✧ *barnāme* ✧ план ✧
 پلان انکشافی ✧ *pelāne enkešāfi* ✧ برنامه رشد ✧ *barnāme rošd* ✧ м план развития ✧
 پلان شیت ✧ *pelānšit* ✧ سرفصل های حسابداری ✧ *sarfaslhāye hesābdārī* ✧ ✧ план счетов ✧
 پلان طویل المدت ✧ *pelāne tawilolmoddat* ✧ برنامه درازمدت ✧ *barnāme derāzmoddat* ✧
 долгосрочный план м ✧
 پلان قصیر المدت ✧ *pelāne qasīrolmoddat* ✧ برنامه کوتاه مدت ✧ *barnāme kutāhmoddat* ✧ ✧
 краткосрочный план м ✧
 پلت ✧ *palet* ✧ لوحه ✧ *louhe* ✧ ✧ табличка ✧
 1. штукатурка 2. пластырь мед. ✧ *gač* ✧ گچ ✧ *gačkārī* ✧ ۲- کاری ✧ *gačkārī* ✧ ۱- گچ ✧ *gač* ✧ پلستر ✧

- پیچتو peçtaw. پیچ تاو peçtāw ✧ پیچگوشتی piçgušti ✧
 پیچک peçak ✧ ۱- قرقره qerqere. ۲- کلاف kalāf ✧
 پیچکاری peçkāri ✧ تزریق tazriq. آمپول āmpul ✧
 پیچکاری کردن peçkāri kardan ✧ تزریق کردن tazriq kardan. آمپول زدن āmpul zadan ✧
 делать укол, инъекцировать ✧
 پیچکشی peçkaši ✧ پیچگوشتی piçgušti ✧
 отвертка ж ✧
 پیچه peyçaparak ✧ تاب مو tåbe mu. فرمو fere mu ✧
 завиток волос, локон м ✧
 پیچه سفید payçasafed ✧ پیرزن pirezan ✧
 пожилая женщина с седыми волосами ✧
 پیخال payxāl ✧ فضله fazle. چلغوز çalquz ✧
 помет м ✧
 پیدا * paydā ✧ پیدا peydā ✧
 видимый, очевидный ✧
 پیداوار paydāwār ✧ محصول mahsul. تولید toulid ✧
 продукция ✧
 پیراهن payrahane qāqdār ✧ پیراهن آهاری pirāhane āhāri ✧
 قاقدار ✧
 накрахмаленная сорочка ж ✧
 پیره payra. پیره pahra ✧ پادو pādo ✧
 слуга, посыльный, прислуга ✧
 پیره دار payradār. پیره دار pahradār ✧ پاسدار pāsdār. دربان darbān. نگهبان negahbān ✧
 охранник, караульный, часовой ✧
 پیسه paysa ✧ پول pul ✧
 деньги ✧
 بی پیسه beraysa ✧ بی پول bi pul ✧
 без денег ✧
 پیسه paysaxor ✧ رشوه rošvexor ✧
 взяточник м ✧
 پیسه دار paysadār ✧ ثروتمند servatmand. دارا dārā ✧
 богат, состоятельный ✧
 پیسه گک paysagak ✧ واش vāšer ✧
 прокладка тех. ✧
 پیسه میده paysaye mayda ✧ پول خرد pule xord ✧
 деньги мелкие, мелочь ж ✧
 پیش * peš ✧ پیش piš ✧
 перед ✧
 پیش روی pešroy ✧ در حضور dar hozur ✧
 в присутствии ✧
 پیش کردن peš kardan ✧ بستن bastan ✧
 закрывать ✧
 پیش کردن در peš kardane dar ✧ در را bastan dar rā ✧
 закрывать дверь ✧
 پیشاب pešāb ✧ ادرار edrār. شاش šāš ✧
 моча анат. ✧
 پیشکی pešaki ✧ پیش پرداخت pišpardāxt ✧
 аванс м, предоплата ✧
 پیشو pešwāl ✧ استقبال esteqbāl ✧
 встреча ✧
 - به پیشوای کسی بر آمدن ba pešwāye kasi barāmadan ✧
 برای استقبال کسی رفتن barāye esteqbāle kasi raftan ✧
 встречать кого-то ✧
 پیشین pešin ✧ بعد از ظهر bad az zohr ✧
 после полудня ✧
 پیغله peyqla ✧ دوشیزه dušize ✧
 девушка ж ✧
 پیلوت pilut ✧ طیاره tayyārān. طیاره tayyārāwān. هوا باز hawābāz ✧
 خلبان xalabān ✧
 пилот, летчик м ✧
 پیله pela ✧ کرم ابریشم korme abrišam ✧
 кокон тутового шелкопряда м ✧

- پسته پسته خانة postaxāna. پسته خانة postaxāna ✧ پستخانه postxāne ✧
 почта, почта́мт ✧
 پسته رسان postarasān. پسته رسان postarasān ✧ نامه رسان nāmeresān ✧
 почта́льон м ✧
 پوqāna ✧ بادکنک bādkonak ✧
 шарик, надувной шар м ✧
 پوqāna ✧ کاپوت kāput ✧
 презерватив ✧
 پوqāna (حيوانات) ✧ مثانه حيوانات heyvānāt massāneye ✧
 моче́вой пузырь (животных) ✧
 پوکانه pukāna ✧ حباب hobāb ✧
 пузырь м ✧
 پولی تخنيک politaxnik ✧ پلی تکنیک politeknik ✧
 политехник м ✧
 پوليس polis ✧ پلیس polis ✧
 полиция ✧
 پونده punda ✧ پاشنه کفش pašneye kafš ✧
 каблук, задник м ✧
 پوهان pohān ✧ دانشمندان dānešmandān. علما olamā ✧
 ученые ✧
 پوهانتون puhāntun. پوهنتون puhantun ✧ دانشگاه dānešgāh ✧
 университет м ✧
 پوهاند pohand. پوهنوال pohānwāl ✧
 профессор м ✧
 پوهنتون puhantun. پوهانتون puhāntun ✧ دانشگاه dānešgāh ✧
 университет м ✧
 * پوهنغی pohanzay. پوهنی pohanay. دانشکده dāneškade ✧
 1. институт 2. факультет ✧
 پوهند pohand ✧ دانا dānā ✧
 знающий ✧
 پوهندوی pohandoy ✧ دانشمند dānešmand. عالم ālem ✧
 ученый м ✧
 پوهنمل pohanmal ✧ دانشیار dānešyār ✧
 доцент м ✧
 پوهنوال pohānwāl. پوهاند pohand ✧ استاد ostād. پروفیسور profesor ✧
 профессор м ✧
 پوهنه pohana ✧ دانش dāneš ✧
 знание с, наука ж ✧
 * پوهنی pohanay. پوهنغی pohanzay. دانشکده dāneškade ✧
 1. институт 2. факультет ✧
 پوهنیار pohanyār ✧ دانشیار dānešyār. استاد ostād ✧
 доцент, преподаватель ✧
 پوهنیال pohanyāl ✧ کارشناس ارشد kāršenāse aršad ✧
 специалист ✧
 پهره pahra. پیره payra ✧ پاسداری pāsdāri ✧
 охрана ж ✧
 پهره دار pahradār. پیره دار payradār ✧ نگهبان negahbān. دربان darbān. پاسدار pāsdār ✧
 охранник, караульный, часовой ✧
 پهلوان pahlawān. پالوان pālwān ✧ کشتی گیر koštigiri ✧
 борец м ✧
 پهلوانی pahlawāni. پالوانی pālwāni ✧ کشتی گیری koštigiri ✧
 борьба (вид спорта) ✧
 پی * pay ✧ پی pey ✧
 след (ноги) м ✧
 پیاده piyāda ✧ پادو pādo ✧
 курьер м ✧
 پیاده گی piyādagi kardan ✧ پادویی pādoyi kardan ✧
 быть курьером ✧
 پیپ payp. پایپ pāyp ✧ شلنگ šelang ✧
 шланг м ✧
 پیپ * payp. پایپ pāyp ✧ پیپ pip ✧
 трубка (курительная) ж ✧
 پیچ peçtāb ✧ پیچگوشتی piçgušti ✧
 отвертка ж ✧

- تال تال ✧ معطلی ✧ *moa' t'tali*. تاخیر ✧ *ta' xir* ✧ *zaderjka* ✧
 تال خوردن (محاورة ای) ✧ *tāl xordan* ✧ دیرکردن ✧ *dir kardan* ✧
 تال دادن (محاورة ای) ✧ *tāl dādan* ✧ عجله نکردن ✧ *ajale nakardan* ✧
 تالار کنفرانس ✧ *tālāre konfarāns* ✧ سالن کنفرانس ✧ *sālone konferāns* ✧
 تالاق ✧ *tālāq* ✧ قله ✧ *qolle* ✧
 تالاق کوه ✧ *tālāqe kuh* ✧ قله کوه ✧ *qolleye kuh* ✧
 تالچی ✧ *tālci* ✧ سنج زن ✧ *senjzan* ✧
 تاله کردن ✧ *tāla kardan* ✧ چیدن ✧ *čidan* ✧
 تاله کردن دسترخوان ✧ *tāla kardane destexān* ✧ چیدن سفره ✧ *čidane sofre* ✧
 تانسل ✧ *tānsol* ✧ لوزه ✧ *louze* ✧
 تانک ✧ *tānk* ✧ منبع (آب، نفت، بنزین) ✧ *manba* ✧
 تانک پترول ✧ *tānke petrol* ✧ پمپ بنزین ✧ *pompe benzin* ✧
 تانک تیل ✧ *tānke tel* ✧ پمپ بنزین ✧ *pompe benzin* ✧
 تاوان ✧ *tāwān* ✧ جبران ✧ *jobrān* ✧
 تایپ ✧ *tāyp* ✧ تپ ✧ *taip* ✧
 تایپ ماشین ✧ *tāyp mašin* ✧ ماشین تحریر ✧ *tāyp mašin* ✧
 تایپ ریکارد ✧ *tāyp rikard* ✧ ضبط صوت ✧ *zabte sout* ✧
 تایپست ✧ *tāypest* ✧ ماشین نویس ✧ *māšinnēvis* ✧
 تایرکش ✧ *tāyrkaš* ✧ جک ✧ *jak* ✧
 تب شکن ✧ *tabšekan* ✧ تب بر ✧ *tabbor* ✧
 تب گردان ✧ *tabgardān* ✧ تب بر ✧ *tabbor* ✧
 تبادل ✧ *tabādola* ✧ تبادل ✧ *tabādol* ✧
 تاباشیر ✧ *tabāšer* ✧ گچ ✧ *gač* ✧
 - گروپ تاباشیری ✧ *gorupe tabāšeri* ✧ لامپ ✧ *lāmp* ✧
 تبدل و تقرر ✧ *tabadolotaqaror* ✧ انتصاب ✧ *entesāb* ✧
 تبدیلی ✧ *tabdili* ✧ تبدیل ✧ *tabdil* ✧
 تبدیلی پرسونل ✧ *tabdiliye personal* ✧ تبدیل کادر ✧ *tabdile kādr* ✧
 تبراق ✧ *tabrāq* ✧ کوله پشتی ✧ *kulepošti* ✧
 تبرتیشه ✧ *tabarteša* ✧ تیشه ✧ *tiše* ✧
 تبرغان ✧ *tabarqān* ✧ موش خرماي کوهي ✧ *muše xortāye kuhi* ✧
 تبعیت ✧ *tabaiyyat* ✧ تابعیت ✧ *tābeiyyat* ✧
 تبق ✧ *tabaq* ✧ سقم ✧ *soqm* ✧
 تبک ✧ *tabak* ✧ سقم ✧ *soqm* ✧
 تبنگ ✧ *tabang* ✧ طبق ✧ *tabaq* ✧
 تبنگ دوکان ✧ *tabange dokān* ✧ دخل ✧ *daxl* ✧
 تبنگ کلکین ✧ *tabange kelkin* ✧ چهارچوب پنجره ✧ *čhārčube panjare* ✧

- پيله ابريشم ✧ *pelaye abreshom* ✧ کرم ابريشم ✧ *kerme abrišam* ✧
 кокон тутового шелкопряда ✧
 шелководство ✧ *abrišambāfi* ✧ ابريشم بافی ✧
 шелковод, шелкопряд ✧ *abrišambāf* ✧ ابريشم باف ✧
 پيمان ✧ *paymān* ✧ پيمان ✧ *peymān* ✧
 پیوست کردن ✧ *paywast kardan* ✧ پیوستن ✧ *peyvastan* ✧
 соединяться ✧

ت

- таблетка ✧ *tābleyt* ✧ گولی ✧ *guli* ✧
 табе дан ✧ *tābadān* ✧ هواکش ✧ *havākeš* ✧
 тапе ✧ *tāpa* ✧ ۱- مهر ۲- قالب ✧ *qāleb* ✧
 1. печать 2. форма ✧
 тат ✧ *tāt* ✧ گونی ✧ *guni* ✧
 тадият ✧ *tādiyāt* ✧ پرداختها ✧ *pardāxthā* ✧
 тадие ✧ *tādiya* ✧ پرداخت ✧ *pardāxt* ✧
 تاديه کردن ✧ *tādiya kardan* ✧ پرداختن ✧ *pardāxtan* ✧
 тарпищ ✧ *tārpīč* ✧ تاروپيщ ✧ *tāropič* ✧
 тарпин ✧ *tārpīn* ✧ جوهر سقز ✧ *jouhare saqqez* ✧
 тартарн ✧ *tārtān* ✧ تار عنكبوت ✧ *tāre ankabut* ✧
 тарتن ✧ *tārtan* ✧ جولا ✧ *joulā* ✧
 تار جولا ✧ *tāre joulā* ✧ تار عنكبوت ✧ *tāre ankabut* ✧
 тар قبرغه ✧ *tāre qabarqa* ✧ دنده ✧ *dande* ✧
 تارکردن سوزن ✧ *tārkardane suzan* ✧ نخ کردن سوزن ✧ *naxkardane suzan* ✧
 вдевать нитку в иглу ✧
 таркул ✧ *tārkul* ✧ قطران ✧ *qatrān* ✧
 - کاغذ تارкул ✧ *kāqaze tārkul* ✧ عایق بام ✧ *āyeqe bām* ✧
 тар و سوزن ✧ *tārosuzan* ✧ نخ و سوزن ✧ *naxosuzan* ✧
 تاریکی خانه ✧ *tārikixāne* ✧ تاریکخانه ✧ *tārikixāne* ✧
 تاژ ✧ *tāž* ✧ غزدي ✧ *qajdi* ✧
 تاق ✧ *tāq* ✧ ۱- تک ۲- بی همتا ✧ *tak* ✧
 تاک کوهي ✧ *tāke kuhi* ✧ تاک جنگلي ✧ *tāke jangali* ✧
 تاکوی ✧ *tākawi* ✧ زیرزمین ✧ *zirzamin* ✧
 тал ✧ *tāl* ✧ سنج ✧ *senj* ✧
 тал (ударный музыкальный инструмент) ✧

- تحویلدهی tahwildehi ✧ تسلیم کردن taslim kardan. سپردن sepordan ✧ передача, сдача
 تحویلگیری tahwilogiri ✧ قبول کردن qabul kardan ✧ прием
 تحویلی tahwili ✧ تسلیم taslim ✧ сдача
 تخته بند taxtaband ✧ شکسته بند sekaste band ✧ лангет мед.
 تخته پاک taxtapāk ✧ تخته پاک کن taxtepākkon ✧ подушка для чистки доски
 تخم toxom ✧ تخم مرغ toxmemorq ✧ яйцо
 تخم بریان toxome beryān. کرا ئی karāyi ✧ خاگینه xāgina ✧ نیمرو nimru ✧ яичница ж
 تخم پاشی toxompaši ✧ تخم ریزی toxmrizi ✧ кладка яиц ж
 تخمدانی toxomdāni ✧ تخمدان toxmdān ✧ яичник анат.
 تخمین taxmin ✧ در حدود dar hodude ✧ приблизительный, приблизительно
 تخمیناً taxminan ✧ تقریباً taqriban ✧ приблизительно
 تخمینی taxmini ✧ تقریبی taqribi ✧ приблизительный
 تخنیک taxnik ✧ تکنیک teknik ✧ техника ж
 تخنیک دان taxnikdān ✧ تکنیسین teknisian ✧ техник м
 تخنیکر taxnikar ✧ تکنیسین teknisian ✧ техник м
 تخنیکم taxnikom ✧ آموزشگاه āmuzešgāh ✧ техникум м
 تداوی tadāwi ✧ معالجه moāleje ✧ лечение с
 تداوی شدن tadāwi šodan ✧ معالجه شدن moāleje šodan. شفا یافتن šafā yāftan ✧ лечиться
 تداوی کردن tadāwi kardan ✧ معالجه کردن moāleje kardan. شفا دادن šafā dādan ✧ лечить
 تدویر tadwir ✧ برگزاری bargozāri ✧ проведение
 تذکره tazkara ✧ گذرنامه gozarnāme. پاسپورت pāsport ✧ паспорт м
 ترانسفورمر trānsformar ✧ ترانسفورماتور trānsformātor ✧ трансформатор м тех.
 ترانسفورمن trānsforman ✧ ترانسفورماتور trānsformātor ✧ трансформатор тех.
 ترانسمیشن trānsmeyšān ✧ ترانسمیسیون trānsmisison ✧ трансмиссия тех.
 تراهی tarāhi ✧ میوه رسیده miveye reside ✧ спелый плод
 ترب* torb ✧ ترب torob ✧ редька
 تربرف tarbarf ✧ برف ریزه barfrize ✧ мокрый снег
 تربند tarband ✧ کمپرس kompres ✧ повязка с примочкой
 تربوز* tarbuz ✧ تربوز hendevāne ✧ арбуз м
 تربیون* tarbiun ✧ میز خطابه mize xatābe. تریبون tribun ✧ кафедра ж
 تربیوی* tarbiyawi ✧ تربیتی tarbiyati ✧ воспитательный
 تربیه tarbiya ✧ تربیت tarbiyat ✧ воспитание
 تربال tarpāl ✧ کرمچ kermeč ✧ برزنت brezent ✧ м
 تربله tarapla ✧ دوان davān. با عجله bā ajale ✧ 1.бегом 2.быстро
 ترتیب tartebwār ✧ به ترتیب be tartib ✧ по очереди

- تبیازه tabyāza ✧ تب لرزه tablarze ✧ ж
 تب tap ✧ تشت tašt ✧ ванна ж
 تب (محاوړه ای) tap ✧ زیان ziyān ✧ убыток
 تب خوردن tap xordan ✧ زیان کردن ziyān kardan ✧ потерпеть убыток
 تب دستشوئی tape destšuyi ✧ دستشویی dastšuyi ✧
 تب زدن tap zadan ✧ گول زدن در معامله gul zadan dar moāmele ✧ облапошить
 تب غسل tape qosel ✧ وان حمام vāne hammām ✧ ванна ж
 تب و تاریک tapotārik ✧ خیلی تاریک xeyli tārik. کاملاً تاریک kāmela tārik ✧
 تب و تلاش (محاوړه ای) tapotalāš ✧ سعی و کوشش sa`yokušeš ✧ хлопоты
 تب و تلاش کردن tapotalāš kardan ✧ سعی و کوشش کردن sayokušeš kardan ✧ хлопотать
 تباله tapāla ✧ پهن pehen. کود حیوانی kude heyvāni ✧ м
 تپانچه tapānča ✧ سیلی sili ✧ пощечина ж
 تپق tapaq ✧ اسب asb ✧ лошадь ж
 تپنگوز tapangoz ✧ نادان nādān. احمق ahmaq ✧ м
 تپه tapa kardan ✧ مالیدن mālidan ✧ мазать
 تپه گل tapagul ✧ پارچه رنگارنگ pārc̄eye rangārang ✧ разноцветная ткань
 تتربو tatarbu ✧ مسخره‌گی masxaregi ✧ насмешка
 تتره totra ✧ مسخره masxare ✧ шут м
 تتله totla ✧ الکن alkan ✧ заика
 - زبان تتله zobāntotla ✧ زبان بند zabānband ✧ заика
 تتله گی totlagi ✧ لکت زبانی loknate zabān ✧ заикание, заикивание
 تجا tajā ✧ تندرو tondrou ✧ расторопный, быстроходный прил. м
 تجار tajār ✧ تندرونده tondravande ✧ быстроногий м
 تجربه وی* tajrobawi ✧ تجربی tajrobi. آزمایش āzmāyeši ✧ تجربه
 تجلی نامودن tajlil namudan ✧ جشن گرفتن jašn gereftan ✧ праздновать
 تحت الارضی tahtolarzi ✧ زیرزمینی zirzamini ✧ подземный прил.
 - آبهای تحت الارضی ābhāye tahtolarzi ✧ آبهای زیرزمینی ābhāye zirzamini ✧
 تحت الارضی tahtolarzi ✧ زیرزمینی zirzamini ✧ подземный прил.
 تحریرات tahrirāt ✧ دفتر (اداره) daftar ✧ канцелярия
 تحریری tahriri ✧ کتبی katbi ✧ письменный
 تحصیلدار tahsildār ✧ جمع کننده مالیات māliyāt ✧ ja`m konandeye مالیات
 تحویلخانه tahwilxāna. گدام godām ✧ انبار anbār ✧ м
 تحویلدار tahwildār. گدامدار godāmdār ✧ انباردار anbārdār ✧ м
 تحویلدهی tahwildehi ✧ تسلیم کردن taslim kardan. سپردن sepordan ✧ передача, сдача

- تیز << tez تیز << *tezt* تند *tond* ✧ быстрый прил.
 تیزرفتار << *tezraftār* ✧ سریع السیر *sari`osseyr* ✧ موتر تیز رفتار *mutare tezraftār* ✧ ماشین سواری *māšine savāri* ✧ легковая автомашина
 تیزیدن *tezidan* ✧ گوزیدن *guzidan* ✧ выпускать газы анат.
 تیزیناتی *tazyināti* ✧ تزئینی *tazyini* ✧ декоративный
 تسلیمی *taslimi* ✧ تسلیم *taslim* ✧ сдача ж
 تسهیل *tashil* ✧ امتیاز *emtiyāz* ✧ льгота
 تشک *tošak* ✧ دوشک *došak* ✧ матрац м
 تشله *tešla* ✧ تيله *tille* ✧ шарик из стекла, стеклянный шарик м
 تشله بازی *tešlabāzi* ✧ تيله بازی *tillebāzi* ✧ игра со стеклянными шариками
 تشناب *tašnāb* ✧ کنار آب *kenāre āb* ✧ دست شوئی *dastšuyi* ✧ توالت *tuālet*
 туалет, туалетная комната
 تصادم *tasādom* ✧ تصادف *tasādoḡ* ✧ авария ж
 تصدی *tasaddi* ✧ واحد تولیدی *vāhede toulidi* ✧ производственное объединение с
 تطبیق *tatbiq* ✧ انجام *anjām* ✧ с
 تعلیم و تربیه *ta`limotarbiya* ✧ آموزش و پرورش *āmuzešoparvareš* ✧ с
 - وزارت تعلیم و تربیه *wazārate ta`limotarbiya* ✧ وزارت آموزش و پرورش *wezārate āmuzeš va parvareš* ✧ министерство просвещения с
 تعلیمات *ta`limāt* ✧ تحصیلات *tahsilāt* ✧ с
 تعلیمات ثانوی *ta`limāte sānawi* ✧ تحصیلات متوسطه *tahsilāte motevassete* ✧ с
 تعلیمات عالی *ta`limāte āli* ✧ تحصیلات عالی *tahsilāte āli* ✧ с
 تعلیمات نامه *ta`limātnāma* ✧ دستورالعمل *dasturolamal* ✧ инструкция, положение
 تعمیر *ta`mir* ✧ ساختمان *sāxtemān* ✧ здание
 تعمیراتی *ta`mirāti* ✧ ساختمانی *sāxtemāni* ✧ строительный
 - مصالح تعمیراتی *masālahe ta`mirāti* ✧ مواد ساختمانی *mavādde sāxtemāni* ✧ строительные материалы
 - زمین تعمیراتی *zamine ta`mirāti* ✧ زمین ساختمانی *zamine sāxtemāni* ✧ строительная площадка ж
 تعمیر بودبаш *ta`mire budobāš* ✧ ساختمان مسکونی *sāxtemāne maskuni* ✧ жилой дом м
 تعویذ *ta`wez* ✧ طلسم *telesm* ✧ талисман м
 تغاره *taqāra* ✧ لگن *lagan* ✧ таз м, корыто с
 تفتہ *tofta* ✧ تار عنکبوت *tāre ankabut* ✧ паутина ж
 تفحصات *tafahosāt* ✧ اکتشافات *ektešāfāt* ✧ ж
 تفحصات جیالوجی *tafahosāte jīālōji* ✧ اکتشافات ژئولوژی *ektešāfāte jeolōji* ✧ геологоразведка ж

- ترجمان *tarjomān* ✧ مترجم *motarjem* ✧ переводчик м
 ترسب *tarassob* ✧ فرونشینی *forunešini* ✧ تراسب *tarāsob* ✧ оседание
 - دوره ترسب *dawraye tarassob* ✧ دوره فرونشینی *doureye forunešini* ✧ геологический аллювий
 ترسندوک *tarsandok* ✧ ترسو *tarsu* ✧ трусливый, трус
 ترشاله *toršāla* ✧ قیسی *qeysi* ✧ урюк, курага ж
 ترصد *tarassod* ✧ حراست *herāsat* ✧ наблюдение
 ترصد هوایی *tarassode havāyi* ✧ حراست هوایی *herāstate havāyi* ✧ воздушное наблюдение
 ترق *tarāq* ✧ ترک *tarak* ✧ щель ж, трещина ж
 ترق زدنی *tarāqzadani* ✧ آبی *āni* ✧ فوری *fourī* ✧ мигом
 ترق زدنی در خانه ایم *tarāqzadani dar xānayim* ✧ فوراً در خانه هستیم *fouran dar xāne hastim* ✧ В мгноление ока будем дома
 ترق و ترق *tarāqotoruq* ✧ ترق و تروق *tarāqotoruq* ✧ треск, гром, грохот
 ترقاندن *tarāqāndan* ✧ ۱- ترکاندن *tarakāndan* ۲- شکستن *šekastane čub* ✧ 1. расщеплять 2. колоть дрова
 ترکیدن *tarāqidan* ✧ ترکیدن *tarakidan* ✧ трескаться, взрываться
 ترک *tarak* ✧ کلاه آهنی *kolāhe āhani* ✧ کلاه خود *kolāhxud* ✧ шлем м, каска ж
 ترکاری *tarkāri* ✧ تره بار *tarebār* ✧ овощи
 ترکانی *tarkāni* ✧ نجاری *najjāri* ✧ плотничье ремесло, деревообработка
 ترکه *taraka* ✧ ارثیه *ersiye* ✧ с
 ترم *torom* ✧ شیپور *šeypur* ✧ труба (музыкальный инструмент) ж
 ترمچی *toromči* ✧ شیپورچی *šeypurči* ✧ شیپورزن *šeypurzan* ✧ трубач м
 ترمیده *tarmayda* ✧ پودر شده *pudršode* ✧ ریز *riz* ✧ мелкого помола
 - آرد ترمیده *ārde tarmayda* ✧ آرد ریز شده *ārde rizšode* ✧ мука мелкого помола
 ترمیم *tarmim* ✧ تعمیر *ta`mir* ✧ ремонт
 ترمیم اساسی *tarmime asāsi* ✧ تعمیر اساسی *ta`mire asāsi* ✧ капремонт
 ترمیم جزئی *tarmime joz`i* ✧ تعمیر جزئی *ta`mire jozi* ✧ частичный ремонт
 ترمیم خانه *tarmimxāna* ✧ تعمیرگاه *ta`mirqāh* ✧ мастерская (ремонтная)
 ترمیمگاه *tarmimgāh* ✧ ورکشاپ *warakšāp* ✧ تعمیرگاه *ta`mirqāh* ✧ мастерская(ремонтная)
 ترمینال *tarmināl* ✧ ترمینال *tarmināl* ✧ ساختمان فرودگاه *sāxtemāne forudgāh* ✧ здание аэровокзала с
 ترویج *tarwij* ✧ تعمیر *ta`mim* ✧ внедрение, распространение
 تره تیزک *taratizak* ✧ شاهی *šāhi* ✧ кресс бот. м
 ترسیایکل *terisāykal* ✧ ویلچر *vilčar* ✧ صندلی چرخدار *sandaliye čarxdār* ✧ коляска для инвалидов ж
 تریلر *tereylar* ✧ تریلی *treyli* ✧ автоприцеп, прицеп м

تکلیف ♦ taklif ♦ دشواری *došvāri*. معضله *moazzele* ♦ трудность ж
 تکمه گوش ♦ tokmaye guš ♦ نرمه گوش *narmeye guš* ♦ мочка уха ж
 تکنالوجست ♦ teknālojest ♦ تکنولوژیست *teknolojist* ♦ технолог м
 تکنالوجی ♦ teknālojī ♦ تکنولوژی *teknolojī* ♦ технология ж
 تکنیشن ♦ teknišan ♦ تکنیسین *teknisian* ♦ техник м
 تکه ♦ tekka ♦ پارچه *pārche* ♦ ткань ж
 تکه تکه ♦ tekkatekka ♦ خسته و کوفته *xasteokufte* ♦ разбитый, уставший, усталый
 تکه کار ♦ tekkakār ♦ تهیه کننده *tahiyye konande* ♦ поставщик м
 تکه کاران ♦ tekkakārān ♦ تهیه کنندگان *tahiyye konandegān* ♦ заготовители
 تکه کاری ♦ tekkakāri ♦ تهیه *tahiyye* ♦ заготовка ж
 تکه نان ♦ tekkaye nān ♦ تیکه نان *tikkeye nān* ♦ кусок хлеба
 تکیت << ♦ teket ♦ بلیط (بلیت) *belit* ♦ билет м
 تل ♦ tal ♦ کف پا *kafē pā*. کف *kaf* ♦ подошва ноги, ступня ж
 تل بوت ♦ tale but ♦ چرم کف کش *čarme kafe kaš* ♦ подметка ж
 تلاشی کردن ♦ talāši kardan ♦ تفتیش کردن *taftiš kardan* ♦ обыскать
 تلخه ♦ talxa ♦ کیسه صفر *kiseye safrā* ♦ желчный пузырь м
 تلخه (محاورة ای) ♦ talxa ♦ احساس شخصیت *šaxsiyyat*. احساس شرافت *šarāfat* ♦ ehsāse
 чувство чести, самолюбие
 تلقی کردن ♦ talaqi kardan ♦ محسوب کردن *mahsub kardan* ♦ считать
 تلک ♦ talak ♦ دام *dām* ♦ мышеловка, капкан
 تلم (محاورة ای) ♦ telem ♦ قاچ *qāč* ♦ ломтик
 تلم تلم ♦ telem telem ♦ قاچ قاچ *qāč qāč* ♦ ломтиками
 تلی ♦ tali ♦ پنجه *panje* ♦ ступня ж
 تلی بوت ♦ talibut ♦ کف کش *kafe kaš* ♦ подошва обуви ж
 تلی پای (y) ♦ talipā(y) ♦ پنجه پا *panje ye pā* ♦ ступня, подошва ноги ж
 تماشابین ♦ tamāšābin ♦ تماشاگر *tamāšāgar* ♦ зритель м
 تمام شد ♦ tamāmšod ♦ نهایی *nahāyi* ♦ окончательный
 تمام وقته (محاورة ای) ♦ tamāmwaqta ♦ نول تایم *fulāym*. کامل *kāmel* ♦
 полное время, полностью
 تمتازق ♦ tamtarāq ♦ عالی *ālī* ♦ великолепый, пышный
 تمویل ♦ tamwil ♦ مساعدت مالی *mosāedate māli* ♦ финансирование
 تن ♦ tan ♦ تن ♦ ton ♦ тонна ж
 تنخواه ♦ tanxāh ♦ حقوق معین *hoquqe moa'yan*. دستمزد *dastmozd* ♦
 заработная плата ж, оклад м
 تندباد ♦ tondbād ♦ توفان *tufān* ♦ буря ж
 تندور ♦ tandur ♦ تنور *ṭanur* ♦ печь для выпечки хлеба, тандыр м

تفدانی ♦ tofdāni ♦ تفدان *tofdān* ♦ плевательница ж
 تفنگچه ♦ tofangča ♦ طپانچه *tapānche*. هفت تیر *hafttir* ♦ ружье с, пистолет м
 تفنگچه ماشیندار ♦ tofangčaye mašindār ♦ مسلسل *mosalsal* ♦ пулемет м
 تقریری ♦ taqiriri ♦ شفاهی *šafāhi* ♦ устный
 - امتحان تقریری ♦ emtehāne taqiriri ♦ امتحان شفاهی *emtehāne šafāhi* ♦
 устный экзамен, зачет м
 تقلیل ♦ taqlil ♦ کاهش *kāheš* ♦ уменьшение
 تقویه ♦ taqviyya ♦ تقویت *taqvīyyat* ♦ усиление, укрепление
 تکاندن ♦ takāndan ♦ تکان دادن *tekān dādan* ♦ двигать
 تکت << ♦ teket ♦ بلیط (بلیت) *belit* ♦ билет м
 تکت پوسته ♦ tekete pusta ♦ تکت پوستی *tekete pusti* ♦ tambr ♦ почтовая марка ж
 تکت پولی ♦ teketpuli ♦ درصد *darsad* ♦ процент, гербовый сбор, дивиденд
 تکت سینما ♦ tekete sinamā ♦ بلیط سینما *belite sinemā* ♦ билет в кинотеатр м
 تکت فروش ♦ teketforuš ♦ بلیط فروش *belitforuš* ♦ продавец билетов
 تکت فروشی ♦ teketforuši ♦ بلیط فروشی *belitforuši* ♦
 билетная касса, продажа билетов
 تکت لاتری ♦ tekete lātari ♦ بلیط بخت آزمایی *belite baxtāzmāyi* ♦ лотерейный билет
 تکتانه ♦ teketāna ♦ درصد *darsad* ♦ процент м
 تکتیک ♦ taktik ♦ تاکتیک *tāktik* ♦ тактика ж
 تکثیر کردن ♦ taksir kardan ♦ فتوکی کردن *foto kopi kardan* ♦ размножать (документ)
 تکر ♦ takar ♦ تصادف *tasādof* ♦ авария
 تکر خوردن ♦ takar xordan ♦ تصادف کردن *tasādof kardan* ♦ сталкиваться (с чем)
 تکر خوردن (محاورة ای) ♦ tokor xordan ♦ لیز خوردن *liz xordan* ♦ спотыкаться
 تکر زدن ♦ takar zadan ♦ شاخ زدن *šāx zadan* ♦ бодать
 - بز او را تکر زد ♦ boz u rā takar zad ♦ بز او را شاخ زد *boz u rā šāx zad* ♦
 Козел боднул его
 تکر شدن ♦ takar šodan ♦ چپه شدن *čappe šodan* ♦ опрокидываться
 تکر کردن (محاورة ای) ♦ tokor kardan ♦ کمپرس کردن *kompres kardan* ♦
 ставить компресс, делать примочку
 تکره ♦ takra. تکله ♦ takla ♦ آماده *āmāde* ♦ готовый
 تکرگی ♦ tokri ♦ سبد *sabad*. زمبیل *zambil* ♦ плетеная корзина ж
 تکس ♦ taks ♦ نرخ نامه *nerxnāme* ♦ такса, сбор, пошлина
 تکس ♦ tekes ♦ ورقه *varaqe*. سند *sanad* ♦ belit ♦ документ м, бумага ж, билет м
 تکس پولی ♦ tekespuli ♦ درصدی وام *darsadiye vām* ♦ процент заема
 تکسی ♦ taksi ♦ تاکسی *tāksi* ♦ такси с
 تکله ♦ takla. تکره ♦ takra ♦ آماده *āmāde* ♦ готовый

توکره tokra ♦ زمبیل بزرگ گرد *zambile bozorge gerd* ♦ большая круглая корзина ж
 تول tul ♦ وزن *vazn* ♦ вес м
 تول کردن tul kardan ♦ وزن کردن *vazn kardan* ♦ взвешивать
 تولبکس tulbaks ♦ صندوق عقب اتومبیل *sanduqe aqabe otomobil* ♦ багажник м
 تولدی tawallodi ♦ تولد *tavallod* ♦ с
 - روز تولدی *ruze tawallodi* ♦ روز تولد *ruze tavallod* ♦ день рождения м
 تولکی tulaki ♦ کیلویی *kiluyi* ♦ развесной
 تولنه toulana ♦ آکادمی *ākāde mi* ♦ فرهنگستان *farhangestān* ♦ академия ж
 توله tola ♦ نی *ney* ♦ دودچکا из тростника муз.
 توله tola ♦ آژیر *ājir* ♦ гудок м
 توله پای tulapāy ♦ زانو *zānu* ♦ голень ж
 توله دست tuladest ♦ دستک *dastak* ♦ предплечье анат.
 تولی toulay ♦ گروهان (نظامی) *goruhān* ♦ рота воен. ж
 تومور tumor ♦ غده *qodde* ♦ опухоль ж
 تومی tumi ♦ خاکستری *xākestari* ♦ серый прил.
 توی << طوی *toy* ♦ عروسی *arusi* ♦ свадьба ж
 - لباس تویانه *toyāna* ♦ لباس عروسی *lebāse arusi* ♦ свадебная одежда ж
 ته جایی tahsāyi ♦ کرایه *kerāye* ♦ аренда ж
 ته خانه tahxāna ♦ زیرزمینی *zirzamani* ♦ погреб м, погребок
 ته دیگی tahdegi ♦ ته دیگ *tahdig* ♦ пригар плова на дне котла
 ته نشین tahnašin ♦ ته نشست *tahnešast* ♦ осадок м
 تهانه tahāna ♦ پاسگاه *pāsgāh* ♦ застава воен. ж
 تهانه سرحدی tahānaye sarhaddi ♦ پاسگاه مرزی *pāsgāhe marzi* ♦ погранзастава ж
 تهداب tahdāb ♦ پایه *pāye*. اساس *asās* ♦ основа ж
 تهداب گذاری tahdābgōzāri ♦ پایه گذاری *pāyegōzāri* ♦ закладывать фундамент
 تیater tiyāter ♦ تاتر *teātr* ♦ театр м
 تیار tayār ♦ آماده (حاضر) *āmāde* ♦ готовый
 تیار خور tayārxor ♦ مفت خور *moftxor* ♦ darmoeд м
 تیار کردن tayār kardan ♦ آماده کردن *āmāde kardan* ♦ готовить
 تیap tayp ♦ نوار *navār* ♦ лента тех. ж
 تیap تایp tayp ♦ ماشین تحریر *māšine tahrir* ♦ пишущая машинка ж
 تیap ریکاردر *teprekārdr* ♦ ضبط صوت *zabte sout* ♦ магнитофон м
 تیap کردن tayp kardan ♦ ضبط کردن *zabt kardan* ♦ записывать (фонографировать)
 تیت tit ♦ پراکنده *parākande* ♦ прил. ♦ разбросанный
 تیت کردن tit kardan ♦ پراکنده کردن *parākande kardan* ♦ разбрасывать

تندی tondi kardan ♦ زشت گفتن *zešt goftan* ♦ грубить
 تنسته tanesta ♦ تار عنکبوت *tāre ankabut* ♦ паутина ж
 تنسته tanesta ♦ تون *tun* ♦ основа коврика
 تنک tonok ♦ باریک *bārik* ♦ тонкий прил.
 تنک کردن *tonok kardan* ♦ خمیر *hamir* ♦ باز کردن *bāz kardan* ♦ خمیر
 پاشان *pasān* ♦ раскатывать тесто
 تنکیر tankir ♦ نامعلوم *nāma`lum* ♦ неопределенный прил.
 - یای تنکیر *tankir yāye* ♦ یای نکره *yāye nakare* ♦ неопределенный артикль
 تنگ tanga ♦ تنگنا *tangnā* ♦ ущелье с
 تنه سرحدی *tanaye sarhaddi* ♦ پست مرزبانی *poste marzbāni* ♦ погранпункт м
 توبرکلوز *tobarkoloz* ♦ سل *sel* ♦ туберкулез м
 توبه *tawba* ♦ توبه *tobe* ♦ раскаяние с
 توبه کار *tawbakār* ♦ توبه کار *toubekār* ♦ кающийся, раскаивающийся
 توپ برفی *tupe barfi* ♦ گلوله برف *goluleye barf* ♦ снежок
 توپ برفی ساختن *tupe barfi sāxtan* ♦ گلوله برف بازی کردن *golulebarf bāzi kardan* ♦
 играть в снежки
 توپ چاشت *tope čāšt* ♦ اعلان ظهر *e`lāne zohr* ♦ пушечный выстрел в полдень
 - بعد از توپ *ba`d az top* ♦ بعد از ظهر *ba`d az zohr* ♦ после обеда
 توت زمینی *tute zamini* ♦ توت فرنگی *tut farangi* ♦ клубника ж
 توتا *tutā* ♦ طوطی *tuti* ♦ попугай м
 توته tota ♦ تیکه *tikke* ♦ кусок
 توته (مجاوره ای) *tuta* ♦ گلو *gelu* ♦ горло с
 توته توته tota tota ♦ تیکه تیکه *tikke tikke* ♦ разломанный на куски
 توته سنگ *totasang* ♦ تیکه سنگ *tikkesang* ♦ обломок камня
 توته کردن *tota kardan* ♦ خرد کردن *xord kardan* ♦ разламывать, дробить
 توته نان *totanān* ♦ تیکه نان *tikke nān* ♦ ломоть хлеба
 تورزم *turezm* ♦ جهانگردی *jahāngardi*. گردشگری *gardešgari* ♦ туризм м
 تورست *turest* ♦ جهانگرد *jahāngard* ♦ турист м
 تورن *turan* ♦ سروان *sarvān* ♦ капитан воен. м
 تورن جنرال *turan jenerāl* ♦ سرلشکر *sarlaškar* ♦ генерал-лейтенант м
 تورنمنت *tornament* ♦ دوره مسابقات *doureye mosābeqāt*. تورنمنت *tornoment* ♦ турнир м
 تورید *tawrid* ♦ واردات *vāredāt* ♦ импорт м
 توطه touta ♦ پاره *pāre* ♦ кусок м
 توطه توطه *touta touta* ♦ پاره پاره *pāre pāre* ♦ разорванный на куски
 توف *tuf* ♦ انعکاس صوت *enekāse sout*. پژواک *pajvāk* ♦ эхо с
 توفان *tufān* ♦ باده *barfbād* ♦ توفان *tufān* ♦ буран, буря

- تیت و پرک titoparak ✧ ترت و مرت tertomert ✧
 تیر شدن ter šodan ✧ گذشتن gozaştan ✧
 - یک سال تیر شد yak sāl ter šodan ✧ یک سال گذشت yek sāl gozaşt ✧
 - از سرحد تیر شدن az sarhadd teršodan ✧ از مرز گذشتن az marz gozaştan ✧
 пересекать границу
 تیر شو teršo ✧ بگذر bogzar ✧
 تیر کردن ter kardan ✧ رد کردن rad kardan. گذراندن gozarāndan ✧
 - از نظر تیر کردن az nazar ter kardan ✧ از نظر گذراندن az nazar gozarāndan ✧
 разглядывать
 تیرماه termāh ✧ خزان hazān ✧
 - تیز tez ✧ تند tond ✧
 تیزآب tezāb ✧ تیزآب tizāb ✧
 تیزبین tezbin ✧ تیزبین tizbin ✧
 تیز رفتار tez raftar ✧ تیز رفتار tezraftār ✧ سریع السیر sari' osseyr ✧
 - موتور تیز رفتار mutare tezraftār ✧ ماشین سواری māšīne savāri ✧
 легковой автомобиль
 تیکت tiket. تکت teket ✧ بلیط belit ✧
 تیکر tekar ✧ سفال sofāl ✧
 تیکر tikar ✧ کوزه kuze ✧
 تیکه tekka ✧ پارچه pārce ✧
 تیکه دار tekkadār ✧ اجاره دهنده ejāre dahande ✧
 تیگر tigar ✧ بولداگ (نژاد سگ) buldāg ✧
 تیل tel (til) ✧ روغن (گاهی هم بنزین) rouqan ✧
 - مخزن تیل maxzane tel ✧ تانک بنزین tānke benzin ✧
 تیل خاک telxāk ✧ نفت naft ✧
 تیل دانی teldāni ✧ روغن دان rouqandān ✧
 تیل کشی telkaši ✧ روغن کشی rouqankeši ✧
 تیل گیری telgiri ✧ بنزین ریختن در ماشین benzin rixtan dar māšin ✧
 заправка автомобиля бензином
 تیل نباتی tele nabāti ✧ روغن نباتی rouqane nabāti ✧
 тилефон telefon ✧ تلفن telefon ✧
 тилеграф telegrāf ✧ تلگراف telegrāf ✧
 тилеграмма telegrām ✧ تلگرام telegrām ✧
 тиле толчок hol ✧
 тиле کردن tela kardan ✧ هل دادن hol dādan ✧
 теннис tenes ✧ تنیس tenis ✧

ث

- ث مثلث seye mosallas ✧ ث سه نقطه seye se noqte ✧
 народное название пятой буквы алфавита
 ثانوی sānawī ✧ متوسط motevassete. متوسط motevassete ✧
 - تعلیمات ثانوی ta'limāte sānawī ✧ تحصیلات متوسط motevassete tahsilāte ✧
 среднее образование
 ثانی sāni ✧ دوم dovom. ثانی sānian ✧
 ثانیه sāniya ✧ ثانیه sāniye ✧
 ثانیه گرد sāniyagard ✧ ثانیه شمار sāniyeshomār ✧
 ثبت نام sabte nām ✧ نام نویسی nāmnevisi ✧
 ثبت نام کردن sabte nām kardan ✧ نام نویسی کردن nāmnevisi kardan ✧
 ثقل seq' ✧ سنگینی sangini. بار bār ✧
 ثقہ seqa ✧ با اعتماد bā etemād ✧
 ثقیل saqil ✧ سنگین sangin ✧
 - صنایع ثقیل sanāyae saqil ✧ صنایع سنگین sanāyee sangin ✧
 тяжелая промышленность ж
 ثوب saub ✧ دست (لباس) dast ✧
 شور saur ✧ اردیبهشت ordibehest ✧
 II месяц солнечного года

ج

- جابه جاب کردن jābjāb kardan ✧ خرد خرد کردن xordxord kardan ✧
 измельчать, разбивать
 جاپان jāpān ✧ ژاپن jāpon ✧
 جادی jādi ✧ زعفران zafarān ✧
 جاف jāf ✧ فاحشه fāheše ✧
 جاکت jākat ✧ ژاکت jāket ✧
 جاکت دامن jākatdāman ✧ ژاکت و دامن jāketodāman ✧
 جال jāl ✧ دام dām. تور tur ✧
 рыболовная сеть, сеть для ловли птиц

جادی ✧ *jadi* دی (ماه) *dey* ✧ X месяц солнечного года
 جاذوه ✧ *jazwa* قهوه جوش *qahvejuš* ✧ кофеварка ж
 جراب ✧ *jorāb* جوراب *jurāb* ✧ носки
 جراسک ✧ *jerāsak* جیرجیرک *jiŕjirak* ✧ сверчок зоол. м
 جرمنی ✧ *jermani* آلمان *ālmān* ✧ Германия
 جری ✧ *jari* ماریچ *mārič* ✧ резьба, вырез, паз м
 جریده ✧ *jarida* روزنامه *ruznāme* ✧ газета
 جزا ✧ *jazā* تنبيه *tanbih* ✧ наказание с
 جزا نمودن ✧ *jazā namudan* تنبيه نمودن *tanbih nemudan* ✧ наказать
 جزيره نما ✧ *jazirenomā* شبه جزيره *šebhe jazire* ✧ полуостров м
 جست ✧ *jast* حلبی *halabi* ✧ жест ж
 جشا ✧ *jašā* آروغ *āroq* ✧ отрыжка ж
 جغد ✧ *juqd* جغد *joqd* ✧ сова зоол. ж
 جغرات ✧ *joqrāt* ماست *māst* ✧ мацони с, простокваша ж
 جغله ✧ *jaqala* سنگ ریزه *sangrize* ✧ гравий м (щебенка)
 جفت و تاق ✧ *joftotāq* تک و جفت *takojoft* ✧ чет-нечет (игра)
 جگ ✧ *jag* تنگ آب *tonge āb* ✧ кувшин
 جگ تورن ✧ *jagturan* سروان ارشد *sarvāne aršad* ✧ капитан воен.
 جگار ✧ *jağār* ستیزه جو *setizeju* ✧ задира, немиролюбивый
 جگر خون ✧ *jegarxun* غمگین *gamgin* ✧ андوهгин *anduhgin*
 جگر خونی ✧ *jegarxuni* غمگینی *gamgini* ✧ потрясенный горем, удрученный прил.
 جگرن ✧ *jagran* سرگرد *sargord* ✧ терзание, мучительный удар
 جگره ✧ *jağra* ۱- ستیزه *setize* ۲- چانه زنی *čānezani* ✧ 1. ссора, драка 2. торговаться
 جل ✧ *jal* آفتاب زدگی *āftābzadeği* ✧ солнечный удар м
 جل زده ✧ *jalzada* آفتاب زده *āftābzade* ✧ жарма *garmāzade*
 جل زده گی ✧ *jalzadagi* بیهوشی *bihuši* ✧ получивший солнечный удар
 جلب عسکری ✧ *jalbe askari* احضار به خدمت *ehzār be xedmat* ✧ обморок
 جلبی ✧ *jalbi* مشمول *mašmul* ✧ призыв на военную службу (мобилизация)
 جلسه ✧ *jaleša* جلسه *jalase* ✧ призывник м
 جلگه ✧ *jelga* جلگه *jolge* ✧ собрание с
 جلندی ✧ *jalandi* آسیاب *āsīāb* ✧ равнина, долина ж
 جلی ✧ *jali* عیان *āyān* واضح *vāzeh* ✧ мельница ж
 - این مسئله جلی است ✧ *in masela jali ast* این موضوع عیان است ✧ ясно, очевидно ✧ *vāzeh* ✧ это ясно ✧ *in mozu āyān ast*

جاله ✧ *jala* ژاله *jalā* ✧ град м
 جالی ✧ *jālī* توری *turi* ✧ тюль, сетка
 جالی پای پاک ✧ *jāliye pāypāk* پادری *pādari* ✧ решетка для вытирания ног
 جالی سیمی ✧ *jāliye simi* تور سیمی *ture simi* ✧ металлическая сетка ж
 جالی مو ✧ *jāliye mu* تور مو *ture mu* ✧ сетка для волос
 جالیز ✧ *jāliz* پالیز *pāliz* ✧ бахча бот.
 جالیزی ✧ *jālizi* پالیزی *pālizi* ✧ бахчевые
 جام ✧ *jām* جم *jam* ✧ джем м
 جامه دانی ✧ *jāmadāni* صندوق *sanduq* چمدان *čamedān* ✧ сундук, чемодан м
 جان خشکان ✧ *jānxoškān* حوله حمام *houleye hammām* ✧ банное полотенце
 جان شویی ✧ *jānšuyi* غسل *qosel* حمام کردن *hammām kardan* ✧ купаться, мыть тело
 - صابون جان شویی ✧ *sābune jānšuyi* صابون دستشویی *sābune dastšuyi* ✧
 туалетное мыло с
 جانجوری (محاوره ای) ✧ *jānjuri* سلامتی *salāmati* ✧ здоровье с
 جانی ✧ *jāni* گناهکار *gonāhkār* ✧ преступник м
 جای رسیده ✧ *jāy rasida* به مقام بلند رسیده *be maqāme boland reside* ✧
 достигший высокой должности
 جای نماز ✧ *jāynemāz* سجاده *sajjāde* ✧ коврик для намаза
 جایاداد ✧ *jāyādād* دارای غیرمنقول *dārāye qeyre manqul* داریه *dārāye* ✧ недвижимое имущество с
 جایمانده ✧ *jāymānda* بیمار ناتوان *bimāre nātavān* ✧ тяжелобольной м
 جبه (محاوره ای) ✧ *jaba* باطلاق *bātlāq* ✧ болото с
 جبه زار ✧ *jābazār* باطلاق زار *bātlāqzār* ✧ болотистый
 چپ ✧ *čap* هل (محاوره ای) *hol* ✧ толчок м
 چپ خوردن ✧ *čap xordan* هل دادن *hol dādan* ✧ толкать
 چپ دادن ✧ *čap dādan* هل دادن *hol dādan* ✧ толкать
 چپ زدن ✧ *čap zadan* هل دادن *hol dādan* ✧ толкать
 چپان ✧ *čapān* زنبه *zanbe* ✧ носилки
 چیه ✧ *čapa* موج *mouj* ✧ волна ж
 چیه پارو ✧ *čapa pāru* ✧ весло, деревянная лопата
 چیه قایق ✧ *čapa qāyeq* پاروی قایق *pāruye qāyeq* ✧ весло с
 جت ✧ *čat* کولی *kouli* ✧ цыган м
 جتکه ✧ *čotka* تکان *tekān* حرکت *harekat* ✧ движение с
 جته ✧ *čota* زن ترک شده *zane tark šode* زن بی سرپرست *zane bi sarparast* ✧
 покинутая женщина
 ججق ✧ *jeseq* دمبه سرخ شده *dombeye sorx šodeye gusfand* گوسفند *gusfand* ✧
 жареное баранье сало

جوک jauk ✧ زالو zālu ✧	пиявка ж
جولا joulā ✧ عنكبوت ankabut ✧	паук м
جولاگک joulāgak ✧ تار عنكبوت tāre ankabut ✧	паутина ж
جولائی jūlāyī ✧ ژوئیه juiye ✧	июль м
جون jun ✧ ژون juan ✧	июнь м
جوهر * jahud ✧ جوهر jouhar ✧	суть, смысл м
جهود jahud ✧ يهودی yahudi ✧	еврей м
جیالوجست jiālojest ✧ جيولوجست jiolojest ✧	геолог м
جیالوجی jiāloji ✧ جيولوجی jioloji ✧	геология ж
تفحصات جیالوجی tāfahosāte jiāloji ✧	اکتشافات ژئولوژی ektešāfāte jeoloji ✧
جیب * jeb ✧ جیب jib ✧	геологические исследования карман м
جیودیزی jiodezi ✧ ژئودزی jeodezi ✧	геодезия ж



چاپ انداز čāpandāz ✧ اسب asbsavār ✧	наездник м
چاپاتی čāpāti ✧ فاسد fāsed ✧	испорченный прил.
چاپاتی čāpāti ✧ چپاتی čāpāti ✧ نان لواش nāne lavāš ✧	лаваш (вид хлеба) м
چاپوز čāpuz ✧ چنگ čang ✧	قلاب qollāb ✧
چاپیر čāpir ✧ دورادور dourādour ✧	крутом, вокруг
چاتو čātu ✧ ریسمان دار rismāne dār ✧	веревка виселицы ж
چاتی čāti ✧ خمره xomre ✧	большой глиняный кувшин м
چادری čādorī ✧ چادر čādor ✧	чадра ж
چارابرو čārabrou ✧ نوجوان poujavān ✧	юноша
چارپایی čārpāyī ✧ چارپایه čārpāye ✧	табурет
چارچ čārj ✧ شارژ šārz ✧	зарядка аккумулятора
چارچشم čārčešem ✧ چشم به چشم čēšembačēšem ✧	رویاری ruyāruy ✧
چارمغز čārmaqz ✧ گردو gerdu ✧	орех
چارمغز کورکی čārmaqze kuraki ✧ گردوی سفید gerduye seft ✧	крепкий орех
چاروق čāruq ✧ چارق čaroq ✧	чарык
چاشت čāšt ✧ ظهر zohr ✧	полдень м

چمپ کردن jump kardan ✧ پریدن با چترنجات paridan bā čatre nejāt ✧	прыгать с парашютом
چمپر jampar ✧ پولور pulover ✧	шерстяная вязаная кофта, свитер
جمعه رات jom`arāt ✧ شب جمعه šabe jom'e ✧	в пятницу вечером
جمعیت jam`iyyat ✧ اداره edāre ✧ شورا šourā ✧ مجمع majma ✧ انجمن anjoman ✧	союз, совет, общество
جمعیت صلیب احمر jam`iyyate salibe ahmar ✧ جمعیت صلیب سرخ jam`iyyate salibe sorx ✧	общество "Красного Креста"
جمنازیوم jemnāziyum ✧ سالن ورزشی sālon-e varzeši ✧	спортивный зал м
جمناستک jemnāstek ✧ ژیمناستیک jimnāstik ✧	гимнастика ж
جنتری jantari ✧ تقویم taqvim ✧ سالنامه sālnāme ✧	календарь м
جنده janda ✧ جامه کهنه jāmeh-e kohne ✧ ژنده jende ✧	поношенная, рваная одежда
جنده پوش jandapoš ✧ ژنده پوش jendepuš ✧	оборванец м
جنراتور jenerātor ✧ ژنراتور jenerātor ✧	генератор м
جنرال (jeneral) janrāl ✧ ژنرال jenerāl ✧	генерал м
جنرتر jeneretar ✧ جنراتور jenerātor ✧ ژنراتور jenerātor ✧	генератор тех.
جنگل دوزی jangaldozi ✧ قلاب دوزی qollābduzi ✧	вышивание с
جنوری januwari ✧ ژانویه jānvie ✧	январь м
جو * jau ✧ جو ju ✧	ячмень м
جواری jawāri ✧ ذرت zorrat ✧	кукуруза ж
جوازنامه jawāznāma ✧ مجوز mojavvez ✧	разрешение, лицензия (документ)
جوال jawāl ✧ کیسه kise ✧ گونی guni ✧	мешок м
جوالی jawālī ✧ قلی qoli ✧ حمال hammāl ✧ باربر bārbar ✧	грузчик, носильщик м
جوتی juti ✧ کفش حصیری kafše hasiri ✧	соломенные башмаки
جور jur ✧ ۱- سلامتی salāmati ✧ ۲- چاق čāq ✧	1. здоровье 2. полный, толстый
جور آمدن jur āmadan ✧ کنار آمدن kenār āmadan ✧	соглашаться
جورپرسی jurporsāni ✧ احوال گیری ahwālgiri ✧ احوال پرسى ahvālporsi ✧	жورپرسی
جور کردن jur kardan ✧ ۱- ساختن sāxtan ✧ ۲- تعمیر کردن ta'mir kardan ✧	1. строить 2. ремонтировать
جور و تیار jurotayār ✧ سلامت و تندرست salāmat va tendorost ✧	здоровый
جوره jura ✧ جفت joft ✧	пара ж
جوره شدن jura šodan ✧ جفت شدن joft šodan ✧	составить пару (спариваться)
جوری ? (محاورة ای) juri ✧ خوبی xubi ✧ خوب هستی xub hasti ✧ ?	хуби ? (мحاورة ای) xubi ? خوب هستی xub hasti ?
جوز jauzāl ✧ خرداد xordād ✧	III месяц солнечного года
جوس jus ✧ آبمیوه ābmive ✧	фруктовый сок м
جوشن jušan ✧ زیره zire ✧	тмин бот. м

چپراسی هوتل *čaprāsiye hutal* ♦ مستخدم هتل *mostaxdeme hotel* ♦

коридорный в гостиницах м

چپریچ کردن (محاورة ای) *čaparpeč kardan* ♦ محکم بستن *mohkam bastan* ♦
плотно укутать

چپر زدن *čapar zadan* ♦ آلاچیق ساختن *ālāčiq sāxtan* ♦

چپک *čapak* ♦ چپه دست *čapadest* ♦ چپ *čap* ♦

چپلاق *čapalāq* ♦ سلی *sili* ♦

چپلک *čaplak* ♦ دمبایی *dampāyi* ♦

چپلی *čapli* ♦ کفش تابستانی مردانه *kafše tābestāniye mardāne* ♦ صندل *sandal* ♦

мужские сандали

چپه *čapa* ♦ چپو *čaru* ♦

چپه *čapa* ♦ مشت *mošt* ♦

چپه *čapa* ♦ پارو *pāru* ♦

چپه *čapa* ♦ چپه دست *čapadest* ♦ چپو *čaru* ♦

چپه دست *čapadest* ♦ چپک *čapak* ♦ چپ *čap* ♦

چپه گردان *čaparagardān* ♦ برگردان لباس *bargardāne lebās* ♦

چت *čat* ♦ ۱- شیروانی *širvāni* ۲- سقف *saqf* ♦ 1.крыша 2. потолок, навес

چتری *čatri* ♦ چتر *čatr* ♦

چتل *čatal* ♦ کثیف *kasif* ♦

چتل نویس *čatalnawis* ♦ چرک نویس *čerknevis* ♦

چته *čatta* ♦ بازار سرپوشیده *bāzāre sarpušide* ♦

چتی (محاورة ای) *čati* ♦ بیهوده *bihude* ♦ بیخود *bixod* ♦

چتین *čatin* ♦ دشوار *došvār* ♦ سخت *saxt* ♦

چچک << چچک *čečak* ♦ آبله *ābele* ♦

چچو *čaču* ♦ پستان *pestān* ♦

چراسک *čarāsak* ♦ چرچرک *čerčerak* ♦ جیرجیرک *žiržirak* ♦

چراغ پایه *čarāqrpāya* ♦ تیر چراغ برق *tire čerāqe barq* ♦

چراغ ترافیکی *čarāqe tarāfiki* ♦ چراغ راهنمایی *čerāqe rāhnetmāyi* ♦

چراغ راصد *čarāqe rāsed* ♦ پروژکتور *projektor* ♦ نورافکن *nurafkan* ♦

چراغ واره *čarāqwāre* ♦ قندیل *qandil* ♦ لوستر *luster* ♦ آباژور *ābāžur* ♦

چربو *čarbu* ♦ چرب *čarb* ♦

چربی *čarbi* ♦ چرب *čarb* ♦

چرت *čort* ♦ فکر *fekr* ♦ اندیشه *andiše* ♦

چرت زدن *čort zadan* ♦ فکر کردن *fekr kardan* ♦

چرچرک *čerčerak* ♦ چراسک *čarāsak* ♦ جیرجیرک *žiržirak* ♦

چرخاب *čarxāb* ♦ گرداب *gerdāb* ♦

چاشت ترق *čāštaraq* ♦ گرمترین وقت ظهر *garmtarin vaqte zohr* ♦

چاشتکی *čāštaki* ♦ ظهر (ساعت ۱۲) *zohr* ♦

چاشنی *čāšni* ♦ مساله *masāla* ♦ افزودنیهای خوراکی *afzudanihāye xorāki* ♦

چاشنی گیر *čāšniger* ♦ چشنده *češānde* ♦

چاکلیت *čākleyt* ♦ شیرینی *širini* ♦ آبنبات *ābnabāt* ♦

چاکلیت << چکلیت *čāklit (čākleyt)* ♦ شکولات *šukulāt* ♦ شکلات *šokolāt* ♦

چالان *čālān* ♦ روشن *roušan* ♦ فعال *faāl* ♦

چالان کردن *čālān kardan* ♦ روشن کردن ماشین یا دستگاه *roušan kardane māšin yā dastgāh* ♦

включать, приводить в действие

چالانی *čālāni* ♦ بهره برداری *bahrebardāri* ♦

چالپوس *čālpus* ♦ چالپوس *čāplus* ♦

چامیدن *čāmidan* ♦ خرامیدن *xarāmidan* ♦

چانس *čāns* ♦ شانس *šāns* ♦

چاچو *čāw* ♦ عوعو *ou ou* ♦ واق *vāq vāq* ♦

چاوش *čāwuš* ♦ دربان *darbān* ♦

چاوانی *čāwani* ♦ سربازخانه *sarbāzxāne* ♦

چای بر *čāybar* ♦ قوری *quri* ♦

چای جوش *čāyjuš* ♦ کتری *ketri* ♦

چای جوش برقی *čāyjuše barqi* ♦ کتری برقی *ketriye barqi* ♦

چایدانی *čāydāni* ♦ چایدان *čāydān* ♦

چاینک *čāynak* ♦ قوری *quri* ♦

چبرکت *čabarkat* ♦ تختخواب *taxtexāb* ♦

چبغت *čobqat* ♦ لباس کهنه *lebāse kohne* ♦

چپ *čor* ♦ خاموش (محاورة ای) *xāmuš* ♦ ساکت *sāket* ♦

چپ دادن *čor dādan* ♦ گول زدن *gul zadan* ♦

چپ شدن *čor šodan* ♦ ساکت شدن *sāket šodan* ♦

چپات *čarpāt* ♦ سلی *sili* ♦

چپاتی *čarpāti* ♦ چپاتی *čāpāti* ♦ نان لواش *nāne lavāš* ♦

چپاندن *čāpāndan* ♦ تشکیل دادن *taškijl dādan* ♦

چپاوی *čāpāwi* ♦ فوری *fouri* ♦ اکسپرس *ekspres* ♦

- داک چپاوی *dāke čāpāwi* ♦ پست فوری *poste fouri* ♦

چپر *čapar* ♦ آلاچیق *ālāčiq* ♦

چپراسی *čaprāsi* ♦ پادو *pādo* ♦

چپراسی مکتب *čaprāsiye maktab* ♦ مستخدم دبستان *mostaxdeme dabestān* ♦

школьная прислуга

چال ♦ *čal* ♦ فریب ♦ *farib* ♦ обман
 چال دادن ♦ *čal dādan* ♦ فریب دادن ♦ *farib dādan* ♦ обманывать
 چالاندن ♦ *čalāndan* ♦ بهره برداری کردن ♦ *bahrebardāni kardan*
 پускать, сдаться в эксплуатацию
 چلپاسه ♦ *čalpāsa* ♦ مارمولک ♦ *mārmulak* ♦ ящерица ж
 چلک کردن ♦ *čalak kardan* ♦ چکیدن ♦ *čekidan* ♦ протекать, капать
 چلم ♦ *čelam* ♦ قلیان ♦ *qeliyān* ♦ кальян м
 چلند ♦ *čaland* ♦ گردش پول ♦ *gardeše pul* ♦ оборот (денежный) м
 چلنی ♦ *čalani* ♦ چلو صاف کن ♦ *čelousāfkon* ♦ چلو صافی ♦ *čelousāfi* ♦ дуршлаг м
 چلو صاف ♦ *čelawsāf* ♦ چلو صاف کن ♦ *čelousāfkon* ♦ дуршлаг м
 چله ♦ *čela* ♦ حلقه نامزدی ♦ *halqeye nāmzadi* ♦ кольцо обручальное
 چلیک ♦ *čalik* ♦ پیت ♦ *pit* ♦ бидон м
 چم ♦ *čom* ♦ حيله ♦ *hile* ♦ хитрость ж
 چمه ♦ *čambe* ♦ خیار چمبه ♦ *chiyārčambe* ♦ kolunda ♦ کلونده
 сорт огурцов изогнутой формы
 چمبیلی ♦ *čambili* ♦ یاسمن ♦ *yāsaman* ♦ жасмин бот.
 چمچه ♦ *čamča* ♦ کفچه ♦ *kafča* ♦ قاشق بزرگ ♦ *qāšoqe bozorg* ♦ malāqe ♦ ملاقه
 половник м
 چمچه مار ♦ *čamčamār* ♦ مار کبرا ♦ *māre kobrā* ♦ кобра ж
 چملک ♦ *čomlok* ♦ میچاله ♦ *močāle* ♦ прил. ♦ помятаый, съезившийся
 چملک کردن ♦ *čomlok kardan* ♦ میچاله کردن ♦ *močāle kardan* ♦ помнить, скомкать
 چمن ♦ *čaman* ♦ مرغزار ♦ *marqzār* ♦ лужайка ж
 چناق ♦ *čenāq* ♦ استخوان سینه ♦ *ostoxāne sineye morq* ♦ جناغ ♦ *jenāq* ♦ дужка ж
 چنده پوش ♦ *čondapoš* ♦ درویش ♦ *darviš* ♦ صوفی ♦ *sufi* ♦ дервиш, нищий
 چندی کردن ♦ *čondi kardan* ♦ پر کردن ♦ *par kardan* ♦ مرغ ♦ *morq* ♦ общипывать, общипать
 چنگ ♦ *čangak* ♦ قلاب ♦ *qollāb* ♦ چنگ ♦ *čang* ♦ м
 چنگک ♦ *čangake māhi* ♦ قلاب ماهیگیری ♦ *qollābe māhigiri*
 рыболовный крючок м
 چنگک و مادهگی ♦ *čangakomādagi* ♦ چپ راست ♦ *čaprāst* ♦ چپراس ♦ *čaprās* ♦ крючок и петля
 چوب لادار ♦ *čube lādār* ♦ لادار ♦ *lādār* ♦ تختة سه لا ♦ *taxteye se lāyi* ♦ фанера ж
 چوته ♦ *čouta* ♦ نیکر ♦ *nikar* ♦ تنبان ♦ *tonbān* ♦ شورت ♦ *šort* ♦ трусы
 چوتی ♦ *čouti* ♦ کیسو ♦ *gisu* ♦ ж ♦ заплетенные волосы, коса ж
 چوتی ♦ *čuti* ♦ کفش ♦ *kafš* ♦ ж ♦ обувь
 چوجه ♦ *čuča* ♦ جوجه ♦ *juje* ♦ птенец, дитя
 چوجه پشک ♦ *čučapešak* ♦ بچه گربه ♦ *baččeye gorbe* ♦ котенок м
 چوجه سگ ♦ *čučasag* ♦ توله سگ ♦ *tulesag* ♦ м ♦ щенок
 چوجه گاو ♦ *čučagāw* ♦ گوساله ♦ *gusāle* ♦ м ♦ теленок

چرک ♦ *čerck* ♦ کثافت ♦ *kesāfat* ♦ грязь ж
 چرک کردن ♦ *čerck kardan* ♦ کثیف کردن ♦ *kasif kardan* ♦ пачкать, запачкать
 چرکاب ♦ *čerckāb* ♦ آب پاشی ♦ *ābpāši* ♦ поливка двора (земли)
 چرکین ♦ *čerkin* ♦ کثیف ♦ *kasif* ♦ грязный прил.
 چرم باب ♦ *čarmbāb* ♦ چرمینه ♦ *čarmine* ♦ кожаные изделия
 چرنگ ♦ *čarang* ♦ گوز ♦ *guz* ♦ испускание газов анат.
 چره ناف ♦ *čarranāf* ♦ باد فتق ♦ *bāde fatq* ♦ грыжа анат. ж
 چری ♦ *čeri* ♦ دیگ بزرگ ♦ *dige bozorg* ♦ м ♦ большой котел
 چشم به چشم ♦ *čašembračašem* ♦ چارچشم ♦ *čārčešem* ♦ رویاروی ♦ *ruyāruy*
 с глазу на глаз, лицом к лицу
 چشم پتکان ♦ *čašempotakān* ♦ قایم موشک ♦ *qāyemmušak* ♦ قایم باشک ♦ *qāyembāšak*
 چشم پتکان بازی کردن ♦ *čašempotakānbāzi kardan* ♦ قایم موشک بازی کردن ♦ *qāyemmuakbāzi kardan*
 прятки (детская игра)
 چشم پتکان بازی کردن ♦ *čašempotakānbāzi kardan* ♦ قایم موشک بازی کردن ♦ *qāyemmuakbāzi kardan*
 играть в прятки
 چشیدن ♦ *čošidan* ♦ را نیدن ♦ *zāyidan* ♦ рожать
 چغل ♦ *čeqel* ♦ طبق ♦ *tabaq* ♦ большой плоский деревянный поднос, лоток
 چفتی ♦ *čefti* ♦ چفت ♦ *čeft* ♦ задвижка ж
 چقر ♦ *čoqor* ♦ گودال ♦ *goudāl* ♦ چاله ♦ *čāle* ♦ яма
 چقور ♦ *čoqur* ♦ گودال ♦ *goudāl* ♦ چاله ♦ *čāle* ♦ яма
 چقوری ♦ *čoquri* ♦ گودی ♦ *goudi* ♦ глубина ж
 چقوری سر ♦ *čoquriye sarak* ♦ دست انداز ♦ *dastandāze rāh* ♦ راه ♦ *māhur*
 враг, яма (дорожная)
 چک ♦ *čook* ♦ خمیده ♦ *xamide* ♦ согнутый
 چک ♦ *čak* ♦ چکله ♦ *čakla* ♦ قطره ♦ *qatre* ♦ капля ж
 چک چک ♦ *čakčak* ♦ کف زدن ♦ *kaf zadan* ♦ аплодисменты
 چک زدن ♦ *čak zadan* ♦ گاز گرفتن ♦ *gāz gereftan* ♦ держать в зубах, кусать
 چکاسه ♦ *čakāsa* ♦ خاریشت بزرگ ♦ *xārpošte bozorg* ♦ м ♦ еж (большой)
 چکاک ♦ *čakāk* ♦ پیشانی ♦ *pišāni* ♦ лоб анат. м
 چکر ♦ *čakar* ♦ گردش ♦ *gardeš* ♦ прогулка ж
 چکر زدن ♦ *čakar zadan* ♦ گردش کردن ♦ *gardeš kardan* ♦ совершать прогулку, гулять
 چکک ♦ *čakak* ♦ چکیدن ♦ *čekidan* ♦ سقف ♦ *saqf* ♦ протекание крыши
 چکله ♦ *čakla* ♦ چکه ♦ *čaka* ♦ قطره ♦ *qatre* ♦ капля
 چکلیت ♦ *čakleyt* ♦ شکلات ♦ *šokolāt* ♦ شکلات ♦ *šokolāt* ♦ шоколад
 چکوتره ♦ *čakutara* ♦ گریب فروت ♦ *gripfrut* ♦ м ♦ грейпфрут
 چکه ♦ *čakka* ♦ دلمه ♦ *dalme* ♦ м ♦ творог
 چکیدن ♦ *čekidan* ♦ خرد کردن ♦ *xord kardan* ♦ измельчать

چینج کردن (ارز) ✧ čaynĵ kardan ✧ تبدیل ارز ✧ tabdile arz ✧ размен денег

چینل ✧ čeynal ✧ کانال ✧ kânâl ✧ канал ✧ м

چینل رادیویی ✧ čeynale rādioyi ✧ کانال رادیویی ✧ kânâle rādyoyi ✧ радиоканал ✧ м

✧ * تخارندوی << سارندوی ✧ sārandoi ✧ ۱- آژدان ✧ ājdân ✧ ۲- پیشاهنگ ✧ pišāhang

1. полицейский ✧ 2. скаут

✧ * تخارنوال << سارنوال ✧ sāranwāl ✧ دادستان ✧ dādsetân ✧ прокурор ✧ м

✧ * تخارنوالی << سارنوالی ✧ sāranwālī ✧ دادستانی ✧ dādsetāni ✧ прокуратура ✧ ж

ح

حاضری ✧ hāzeri ✧ حضور و غیاب ✧ hozuroqiyāb ✧ переключка

حاضری گرفتن ✧ hāzeri gereftan ✧ حاضر بودن ✧ hāzer budan ✧ получить явку

حامله دار ✧ hāmeladār ✧ حامله ✧ hāmele. باردار ✧ bārdār ✧ беременная

حامله گی ✧ hāmelagi ✧ حاملگی ✧ hāmelegi. بارداری ✧ bārdāri ✧ ж беременность

حبس ✧ habs ✧ زندان ✧ zendān ✧ ж тюрма

حبس شدن ✧ habs šodan ✧ زندانی شدن ✧ zendāni šodan ✧ быть арестованным

حبسی ✧ habsi. بندی ✧ bandi ✧ زندانی ✧ zendāni ✧ м арестант

حتا ✧ hattā ✧ حتی ✧ hattā ✧ даже

حجم ✧ hojĵm ✧ حجم ✧ hajm ✧ м * объем

حد اصغر ✧ hadde asqar ✧ حد اقل ✧ hadde aqqal ✧ м * минимум

حد اعظم ✧ hadde a`zam ✧ حد اکثر ✧ hadde aksar ✧ м * максимум

حرام مغز ✧ harammaqz ✧ مغز حرام ✧ maqze harām ✧ м * спинной мозг

حرفه ✧ herfa ✧ شغل ✧ šoql ✧ специальность

حفظ الصحیه ✧ hefzossahhiya ✧ بهداشت ✧ behdāst ✧ ж санитария, гигиена

حفظ و مراقبت ✧ hefzomorāqebat ✧ بهره برداری ✧ bahrebardāri. مراقبت ✧ morāqebat ✧

эксплуатация, уход

حفظ و مراقبت سرکها ✧ hefzomorāqebate sarakhā ✧ مراقبت راهها ✧ morāqebate rāhha ✧

эксплуатация дорог, уход за дорогой

حق الزحمت ✧ haqqozzahmat ✧ حق الزحمه ✧ haqqozzahme ✧ м * гонорар

حق به طرف ✧ haqqbataraf ✧ حق به جانب ✧ haqqbejāneb ✧ правый

حق ناحق ✧ haqqnāhaqq ✧ خواه و ناخواه ✧ xāhonāxāh ✧ * волей-неволей

حکایه ✧ hekāya ✧ حکایت ✧ hekāyat ✧ ж история, сказка

✧ * حکم ✧ hokom ✧ حکم ✧ hokm ✧ м * приказ

چوچه گی ✧ čučagi ✧ بچی ✧ baččegi ✧ детство

چوچه مرغ ✧ čučamurq ✧ چوچه مرغ ✧ jujeje morq. چوچه ✧ juje ✧ м * цыпленок

چوچه موش ✧ čučamuš ✧ بچه موش ✧ baččeye muš ✧ м * мышонок

چوچه کشی ✧ čučakaši. ماشین چوچه کشی ✧ mašine čučakaši ✧

ماشین چوچه کشی ✧ mašine jujekeši ✧ м инкубатор

چوری ✧ čuri ✧ مگس کش ✧ magaskoš ✧ ж мухобойка

چوز ✧ čuz ✧ فرج (آلت زنانه) ✧ faraj ✧ женский половой орган

چوشک ✧ čušak. پستان رابری ✧ pestāne rābari ✧ پستانک ✧ pestānak ✧ ж соска

چوشیدن ✧ čušidan ✧ مکیدن ✧ makidan ✧ сосать

چوک ✧ čawk ✧ میدان بازار ✧ meydāne bāzār ✧ м * перекресток

چوکات ✧ čawkāt ✧ قاب ✧ qāb ✧ ж рамка, рама

چوکات عکس ✧ čawkāte akes ✧ قاب عکس ✧ qābe aks ✧ ж рамка (рама для картины)

- در چوکات امکانات ✧ dar čawkāte emkânāt ✧ در حدود امکان ✧ dar hodude emkân ✧

в пределах возможного

چوکی ✧ čawki ✧ صندلی ✧ sandali ✧ м * стул

- آرم چوکی ✧ ārmčawki ✧ صندلی راحتی ✧ sandaliye rāhati ✧ с * кресло

- دراز چوکی ✧ darāzčawki ✧ نیمکت ✧ nimkat ✧ скамейка, скамья

چوکی بازودار ✧ čawkiye bāzodār ✧ صندلی راحتی اداری ✧ sandaliye rāhatiye edāri ✧ с * кресло

چوکی دار ✧ čawkidār ✧ دربان ✧ darbān ✧ м * сторож

چوکی داری ✧ čawkidāri ✧ درباری ✧ darbāni ✧ ж охрана

چونه ✧ čona ✧ آهک ✧ āhak ✧ ж известь

چونی ✧ čawni. قوغوش ✧ qouquš ✧ سربازخانه ✧ sarbāzxāne ✧ ж казарма

چهارکنج ✧ čhārkonj ✧ چهارگوش ✧ čhārguš. مربع ✧ morabba ✧ м * квадрат

چهارگوشه ✧ čhārguša ✧ چهارگوش ✧ čhārguš. مربع ✧ morabba ✧ м * квадрат

چهارمغز ✧ čhārmaqz ✧ گردو ✧ gerdu ✧ м * орех

چهارموجه ✧ čhārmawja ✧ گرداب ✧ gerdāb ✧ м * водоворот

چهچه ✧ čahčama ✧ چهچه ✧ čahčahe ✧ с * чирикание, щебетание

چهره خط ✧ čehraxatt ✧ چهره ✧ čehre ✧ м * черты лица, облик, образ

چیچک << چیچک ✧ čičak ✧ آبله ✧ ābele ✧ * оспа

چیر ✧ čir ✧ پاره ✧ pāre ✧ * рваный, разорванный прил.

چیر برف ✧ čirbarf ✧ دانه برف ✧ dāneye barf ✧ ж * снежинка

چیر کردن ✧ čir kardan ✧ پاره کردن ✧ pāre kardan ✧ * разорвать, разрывать, рвать

چیره ✧ čira čira ✧ پاره پاره ✧ pāre pāre ✧ * рваный, разорванный прил.

چیره دست ✧ čiradest ✧ دست اندرکار ✧ dastandarkār. ماهر ✧ māher ✧ * опытный, знающий

چینائی ✧ čināyi ✧ چینی ✧ čini ✧ м * китаец

چینج ✧ čaynĵ ✧ صرافی ✧ sarrāfi ✧ * пункт обмена валюты

خ

чаж xāč. تکمه گوش tokmaye guš ◆ نرمه گوش narmeye guš ж мочка уха
 харишт xārpušt ◆ جوجه تیغی jūjetiḡi ж м еж
 хариштк xārpuštak ◆ جوجه تیغی jūjetiḡi ж м еж
 хараж xāreǰahemi ◆ خارج از rahem xāreǰ аз رحم
 - حمل хараж رحمی hamele xāreǰahemi ◆ حاملگی хараж از رحм xāreǰ
 хараж hāmelegiye xāreǰ аз rahem رحم
 внематочная беременность
 хараҷнг xārcāng ◆ خرچنگ xarcāng м рак, краб
 хашне xāšna. خیاشنه xiyāšna ◆ خواهر زن xāharzan ж свояченица
 хаше xāša ◆ خاش xāš. خاشاک xāšāk ◆ щепка, стружка
 хассатан xāssatan ◆ بخصوص bexusus ◆ особенно
 خاطر پريشان xāterperišān ◆ پريشان خاطر parišān xāter огорченный прил.
 خاک جارو xākǰāru ◆ خاکروبہ xākrube м мусор
 خاکباد xākbād ◆ بوران burān ◆ буран, буря, метель, ураган

خاکرند xākrand ✧ گرد و غبار gardoqbār ✧ пыль ж
 خاکروب xākrob ✧ جارو کش jārūkes. جاروب m ✧ дворник, уборщик м ✧
 خاکروب محافظ xākrobe mohāfez ✧ نظافتچی nezāfatči ✧ уборщица ж ✧
 خاکینه xāgina ✧ نیمرو nimru ✧ яичница ж ✧
 خال xālsonba ✧ سنیه sene ✧ sonbenešān ✧ кернер тех. м ✧
 خالیگاه xāligāh ✧ کاستی kāsti ✧ kāsti ✧ пробел, пропуск, недостаток м ✧
 خاموش xāmoš. چپ čop ✧ ساکت sāket ✧ молча, тихо ✧
 خاموش شدن xāmoš šodan ✧ ساکت شدن sāket šodan ✧ молчать ✧
 خامه xāma ✧ خاکی xāki ✧ m ✧ грунтовая дорога, проселок м ✧
 - سرک خامه sarake xāma ✧ راه خاکی rāhe xāki ✧ грунтовая дорога ж ✧
 خانه پری xānapori ✧ پر کردن پرسشنامه por kardan e porsešānāme ✧
 خانه پری کردن xānapori kardan ✧ پر کردن (سند) por kardan ✧
 خانه داری xānadāri ✧ همیستر شدن hambastar šodan. همخوابگی کردن hamxābegi ✧
 СОЖИТЕЛСТВОВАТЬ ✧
 خانه سامان xānasāmān ✧ سرایدار sarāydār ✧ m ✧ комендант, завхоз м ✧
 خانه والا xānawālā ✧ صاحب خانه sāhebkhāne ✧ m ✧ хозяин дома м ✧
 خپ xop ✧ خاموشی xāmuši ✧ ж ✧ тишина ж ✧
 ختان xātān ✧ ختنه xatne ✧ ✧ обрезание ✧
 خدمت عسکری xedmate askari ✧ نظام وظیفه nezāmvażife ✧ ✧ воинская служба ✧
 خراته xarāta ✧ زیر پیراهنی zirpirāhani ✧ ж ✧ майка ж ✧
 خراشیده گی xarāšidagi ✧ خراش xarāš ✧ ж ✧ царапина ж ✧
 خرامیدن * xerāmidan ✧ خرامیدن xarāmidan ✧ ✧ величаво шествовать ✧
 خربوزه xarboza ✧ خربزه xarboze ✧ ж ✧ дыня ж ✧
 خرت سوزن xerte suzan ✧ سوراخ suzān ✧ sūāxe ✧ c ✧ игольное ушко ✧
 خرد ترک xordtarak ✧ خردسال xordsāl ✧ ✧ маленький ✧
 خرسنگ xarsang ✧ تیکه tikke ✧ bozorg ✧ ж ✧ глыба ж ✧
 خرگاه xergāh ✧ خیمه bozorg xeyme ✧ yurt ✧ m ✧ юрта, шатер м ✧
 خروالا xarwālā ✧ صاحب خر sāhebe xar ✧ ✧ хозяин осла, владелец осла ✧
 خريطة xarita ✧ ۱- نقشه naqše. ۲- کیسه kise ✧ ✧ 1. карта ж, 2. мешок м ✧
 خزنده * xazenda ✧ خزنده xazande ✧ c ✧ пресмыкающееся с ✧
 خس xas ✧ خاش xāš. خاشاک xāšāk ✧ ж ✧ стружка, щепка ж ✧
 خس و خاشاک xasoxāšāk ✧ خار و خاشاک xāroxāšāk. خار و خس xāroxas ✧ ✧
 щепка, опавшая листва, сор ✧
 خساره xesāra ✧ خسارت xesārat ✧ m ✧ убыток м ✧
 خسته xasta ✧ ۱- هسته haste. ۲- بیمار bimār ✧ ✧ 1. косточка ж 2. больной м ✧
 خسته خانه xastaxāna ✧ بیمارستان bimārestān ✧ ✧ больница ж ✧

خنک زده گی *xonok zadagi* ♦ سرما خوردگی *sarmā xordegi* ♦ простуда
 خوازه *xawāza* ♦ داربست *dārbast* ♦ строительные леса
 خواننده *xānenda* ♦ باسواد *bā savād* ♦ грамотный
 خودبین *xodbin* ♦ خودپسند *xodpasand* ♦ самодовольный
 خودرنگ *xodrang* ♦ خودنویس *xodnevis* ♦ авторучка ж
 خوراке باب *xorākabāb* ♦ خوراک *xorāki* ж ♦ кушанье, продукты, еда
 خورش *xoreš* ♦ سالاد *sālād* ж ♦ салат
 خوره *xora* ♦ جذام *jozām* ж ♦ проказа
 خوش داشتن *xoš dāstan* ♦ دوست داشتن *dust dāstan* ♦ любить, нравиться
 خوشبوئی *xošbuī* ♦ ۱- خوشبو *xošbu* ۲- عطر *atr* ♦ 1.аромат 2.духи
 خیابان *xeiābān* ♦ بلوار *bolvār* ж ♦ аллея
 خیاشنه *xiyāšna* ♦ خاشنه *xāšna* ♦ خواهر زن *xāharzan* ж ♦ свояченица
 خیرات دادن ♦ خیرات دادن *xeiyrāt dādan* ♦ خیرات دادن *xeiyrāt dādan* ♦ давать милостыню, подаяние
 خیره *xira* ♦ تیره *tire* ♦ мутный прил.
 آب خیره *ābe xira* ♦ آب تیره *ābe tire* ж ♦ мутная вода
 آینه خیره *āyine xira* ♦ آینه تیره *āyine tire* ж ♦ мутное зеркало
 رنگ خیره *range xira* ♦ رنگ تیره *range tire* ♦ темный (цвет) прил.
 خیریت ♦ خیریت *xeiyrīyat* ♦ خیریت *xeiyrīyat* ♦ благо, добро, благополучие
 خیریه ♦ خیریه *xeiyrīye* ♦ خیریه *xeiyrīye* ♦ благотворительный
 خیل و خنک ♦ خیل و خنک *xeiyl o xatak* ♦ اقوام *aqvām* ♦ طایفه *tāyefe* ♦
 родственники, родня ж
 خیمه ♦ خیمه *xeime* ♦ چادر *čādor* ♦ шатер, палатка
 خینه *xina* ♦ حنا *hanā* ж ♦ хина
 خیو *xiyow*, *xeiow* ♦ آب دهن *ābdahan* ♦ слюна

د

داد و گرفت *dādogereft* ♦ داد و ستد *dādosetad* ♦ торговля, товарообмен
 دارالمعلمین *dārolmoallemīn* ♦ دانشسرای تربیت معلم *dānešsarāye tarbiyate moallem* ♦
 педагогическое училище с
 دارچینی *dārcīni* ♦ دالچینی *dālčini* ♦ دارچین *dārcīn* ж ♦ корица бот.
 دارکش *dārkaš* ♦ جلا *jallād* ж ♦ палач
 داسکله *dāskala* ♦ داس شمشیری *dāse šamširi* ж ♦ садовый нож

خسته کن *xastakon* ♦ خسته کننده *xaste konande* ♦ утомительный прил.
 خسور *xosor* ♦ ۱- پدرشهر *pedaršouhar* ۲- پدر زن *pedarzan* ♦ 1.тесть м 2.свекор
 خسربره *xosorbora* ♦ برادر زن *barādarzan* ♦ брат жены м
 خسرخیل *xosorxeil* ♦ فامیل سببی *fāmile sababi* ♦ кумовья
 خسرونی *xosoruni* ♦ خواستگاری *xāstegāri* ж ♦ сватовство
 خشک *hasak* ♦ موریانه *muriyāne* ж ♦ клоп
 خشت *xešt* ♦ آجر *ājor* ж ♦ кирпич
 خشکباب *xoškbāb* ♦ خشکبار *xoškebār* ♦ خشکبار *xoškbār* ♦ сухофрукты
 خشکه *xoška* ♦ خشکی *xoški* ж ♦ суша геогр.
 - ممالک محاط به خشکه *mamāleke mohāt ba xoška* ♦
 کشورهای محاط به خشکی *kešvarhāye mohāt be xoški* ♦
 государства не имеющие выхода к морю
 خشو *xošu* ♦ ۱- مادر شهر *mādaršouhar* ۲- مادر زن *mādarzan* ♦ 1.свекровь 2.теща
 - زبان خشو *zobāne xošu* ♦ زبان مادرشهر *zabāne mādaršouhar* ♦ вид кактуса бот.
 خط *xatt* ♦ نامه *nāme* ж ♦ письмо
 خط السیر *xattossayr* ♦ مسیر *masir* ж ♦ маршрут
 خط دار *xattdār* ♦ راه *rāh* ♦ خط *rāh* ♦ خط *xatt* ♦ в полоску, полосатый прил.
 خط ریل *xatte reyl* ♦ راه آهن *rāh āhan* ж ♦ железная дорога
 خط شکست *xatte šekast* ♦ خط شکسته *xatte šekaste* ♦ вид почерка
 خطا کردن *xatā kardan* ♦ اشتباه کردن *eštebāh kardan* ♦ ошибиться
 خفک *xafak* ♦ سمور *samur* ♦ دله *dale* ж ♦ куница зоол.
 خفه *xafa* ♦ آزرده *āzorde* ♦ آزرده شدن *āzorde šodan* ♦ огорченный
 خفه شدن *xafa šodan* ♦ آزرده شدن *āzorde šodan* ♦ огорчиться
 خفه کردن *xafa kardan* ♦ آزرده کردن *āzorde kardan* ♦ огорчать
 خلطه *xalta* ♦ کیسه *kise* ♦ کوله بار *kulebār* ♦ мешок, рюкзак
 خلطه موی *xaltaye muy* ♦ کیسه موی *kiseye muy* ♦ توری موی *turiye muy* ♦
 сетка для волос ж
 خلم ♦ خلم *xelm* ♦ сопли
 خلیفه *xalifa* ♦ استاد *ostād* ♦ مربی *morabbi* ж ♦ мастер
 خلیفه *xalifa* ♦ مبصر کلاس *mobser kelās* ♦ староста класса
 خم *xom* ♦ خمره *xomre* ♦ большая посуда для хранения воды
 خمیه *xomba* ♦ سبد بزرگ *sabade bozorg* ж ♦ большая корзина
 خنثا *xonsā* ♦ خنثی *xonsā* ♦ нейтральный
 خنک *xonok* ♦ سرد *sard* ♦ سرما *sarmā* ж ♦ холод
 خنک خوردن *xonok xordan* ♦ سرما خوردن *sarmā xordan* ♦ простудиться

دبل dabal ✧ کلفت koloft. ضخیم *zaxim* ✧ толстый, плотный, крепкий прил.
 - نان دبل nāne dabal ✧ نان قالبی *nāne qālebi* ✧ буханка ж
 دبل کوت dabalkout ✧ پالتو *pālto* ✧ пальто с
 دیپلوم deplom ✧ دیپلم *diplom* ✧ диплом м
 دختر اندر doxtarandar ✧ دختر ناتانی *doxtare nātani* ✧ падчерица ж
 دخترتاری doxtari ✧ دوشیزگی *dušizegi* ✧ девственность ж
 دراز چوکی darāzčawki ✧ نیمکت *nimkat* ✧ скамья ж
 دراموی derāmawī ✧ دراماتیکی *drāmātik* ✧ драматический
 درامه derāma ✧ درام *drām* ✧ драма ж
 درایور drāywar ✧ دریور *dreywar* ✧ راننده *rānande* ✧ водитель м
 درایوری drāywarī ✧ دریوری *dreywarī* ✧ راندگی *rānandegi* ✧ вождение
 درآیدان darāyidan ✧ با صدای بلند حرف زدن *bā sedāye boland harf zadan* ✧ درآئیدن
 говорить громким голосом
 در به دیوار darbadewār ✧ نزدیک *nazdik* ✧ близкий
 - همسایه در به دیوار hamsāyaye darbadewār ✧ همسایه نزدیک *hamsāyeye nazdik* ✧
 близкий сосед м
 درپرده darparda ✧ تیغه *tīge* ✧ деревянная перегородка ж
 در رابطه به dar rābete ba ✧ در رابطه با *dar rābete bā* ✧ касающийся чего-либо
 درجن darjan ✧ دوچین *dojin* ✧ дюжина (12 шт)
 درخشش daraxšēš ✧ جلا *jalā* ✧ блеск м
 درزمایه darzmāya ✧ سجا *sejā* ✧ кайма, кромка, рубец
 درزمایه گرفتن darzmāya gereftan ✧ سجا کردن *sejāf kardan* ✧
 ушивать, подшивать с запасом
 درستیز drestiz ✧ ارکان حرب *arkāne harb* ✧ ستاد کل *setāde koll* ✧ генеральный штаб м
 درسخانه darsxāna ✧ کلاس درس *kelāse dars* ✧ класс м, аудитория ж
 درس darsan ✧ ملاقات *molāqāt* ✧ встреча ж
 درک darak ✧ خبر (از کسی) *xabar* ✧ весть (от кого-либо) ж
 درک darak ✧ نکته نظر *nokte nazar* ✧ точка зрения, соображение, мнение
 - از این درک az in darak ✧ از این نکته نظر *az in nokte nazar* ✧ с этой точки зрения
 - از هر درک az har darak ✧ از هر لحاظ *az har lahāz* ✧ со всех точек зрения
 درک darak ✧ برای *barāye*. از *az* ✧ از-за, за, для
 درک زدن darak zadan ✧ احوال و خبر کسی را گرفتن *ahvāl va xabare kasi rā gereftan* ✧
 разыскивать (кого-либо)
 درک کردن darak kardan ✧ به دست آوردن *be dast āvardan* ✧ добывать

داش dāš ✧ اجاق *ojaq* ✧ плита (печь)
 داش آشپزخانه dāše āšpazxāna ✧ اجاق آشپزخانه *ojaqe āšpazxāne* ✧ кухонная плита ж
 داش برقی dāše barqi ✧ اجاق برقی *ojaqe barqi* ✧ электрическая печь ж
 داشته dāšta bodan ✧ داشتن *dāštan* ✧ иметь
 داغمه dāqma ✧ کهنه *kohne*. فرسوده *farsude*. قراضه *qorāze* ✧
 отход, пришедший в негодность
 - لباس داغمه lebāse dāqma ✧ لباس کهنه *lebāse kohne* ✧ старая одежда ж
 - سامان داغمه sāmāne dāqma ✧ لوازم فرسوده *lavāzeme farsude* ✧ утиль м
 داک dāk ✧ خالی *xālī* ✧ пустой
 داک dāk ✧ پست *post* ✧ почта
 داکتر dāktar ✧ دکتور *doktor* ✧ دکتر *doktor* ✧ доктор м
 داکتر نسائی dāktare nesāyi ✧ دکتر زنان و زایمان *doktore zanān va zāyemān* ✧
 гинеколог м
 داکتر نوکریوال dāktare nāwkariwāl ✧ دکتر کشیک *doktore kešik* ✧ дежурный врач м
 داکتری dāktari ✧ دکترا *doktorā* ✧ докторантура ж
 داکخانه dākxāna ✧ پست *post* ✧ почта, почтамт
 داکه dāka ✧ تنظیف *tanzif* ✧ марля, кисея ж
 داکي dāki ✧ پوسته رسان *pustaresān* ✧ نامه رسان *nāmeresān* ✧ почтальон
 دال dāl ✧ نخود *naxod* ✧ горох м
 دال نخود dālnaxod ✧ عدس *adas* ✧ чечевица ж
 دالچینی dālčini ✧ دارچینی *dārčini* ✧ دارچین *dārčin* ✧ корица ж
 دالر dālār ✧ دلار *dolār* ✧ доллар м
 دالفین dālfin ✧ دلفین *dolfin* ✧ дельфин м
 دامادخیل dāmadxeyl ✧ اقارب داماد *aqārebe dāmād* ✧ родственники зятя
 دامتارک dāmtarak ✧ دمتارک *damtarak* ✧ کمپرسی *kompresi* ✧ самосвал м
 دانس dāns ✧ رقص *raqs* ✧ танец
 دانس کردن dāns kardan ✧ رقصیدن *raqsidan* ✧ танцевать
 دانگ (محاوره ای) dāng ✧ چماق *čomāq* ✧ палка пастуха ж, посох
 دانه گک dānagak ✧ دانه *dāne* ✧ крупинка, зернышко
 داو dāw ✧ دو *daw* ✧ فحش *fohš* ✧ ругань ж
 داو زدن dāw zadan ✧ دو زدن *daw zadan* ✧ ناسزا گفتن *nāsezā goftan*. فحش دادن *fohš dādan* ✧
 ругать
 دایرکتیف dāyrektyw ✧ رهنمود *rahnemud* ✧ директива ж
 دایل کردن dāyl kardan ✧ شماره گیری *šomāregiri* ✧ набирать номер по телефону
 داینمیک dāynamik ✧ متحرک *moteharrek* ✧ подвижный, динамичный прил.

دستکول زنانه *dastkawle zanāna* ✧ کیف زنانه *kife zanāne* ✧

сумка женская ж, редикуль

دستگاه ✧ ۱- واحد تولیدی *vāhede toulidi* ✧ ۲- تجهیزات *tajhizāt* ✧

1. цех, производственный участок 2. машинное оборудование

دستگاه آخذه رادیویی *dastgāhe āxezaye rādioyi* ✧دستگاه گیرنده رادیویی *dastgāhe girandeye rādioyi* ✧دستگاه برق *dastgāhe barq* ✧ استیشن برق *esteyšane barq* ✧ نیروگاه برق *nirugāhe barq* ✧

электростанция ж

دستگاه برق آبی *dastgāhe barqe ābi* ✧ نیروگاه آبی *nirugāhe ābi* ✧

гидроэлектростанция ж

دستگاه برق حرارتی *dastgāhe barqe harāratī* ✧ نیروگاه حرارتی *nirugāhe harāratī* ✧

теплоэлектростанция ж

دستگاه حروفی *dastgāhe horufi* ✧ ماشین چاپ *māšīne cāp* ✧دستگاه طبع *dastgāhe tab* ✧ ماشین چاپ *māšīne cāp* ✧دستلاف *destlāf* ✧ دشت اول هر کاری *dašte avvale har kārī* ✧десты *desti* ✧ فوری *fouri* ✧деск *desk* ✧ میز *miz* ✧десмбер *desambar* ✧ دسامبر *desāmbir* ✧دش *deš* ✧ خط تیره *xatte tire* ✧ خط فاصله *xatte fāsele* ✧دفتری *defteri* ✧ دیفتری *difteri* ✧دفه *dafa* ✧ سوراخ *surāx* ✧دغه سوزن *dafaye suzan* ✧ سوراخ سوزن *surāxe suzan* ✧دق *deq* ✧ آزرده *āzorde* ✧ رنجیده *ranjide* ✧ دلگیر *delgir* ✧دق آوردن *deq awardan* ✧ غمگین شدن *qamgin šodan* ✧دق شدن *deq šodan* ✧ آزرده شدن *āzorde šodan* ✧ رنجیدن *ranjidan* ✧

расстраиваться, волноваться

دقیقه ✧ دقیقه *daqiqe* ✧ دقیقه *daqiqe* ✧دقیقه گرد *daqiqagard* ✧ دقیقه شمار *daqiqe šomar* ✧دکشنری *dekšeneri* ✧ فرهنگ *farhang* ✧ لغتنامه *loqatnāme* ✧دگرجنرال *degarjenerāl* ✧ ژنرال *jenerāl* ✧دگرمن *degarman* ✧ سرهنگ دوم *sarhang dovom* ✧دگروال *degarwāl* ✧ سرهنگ *sarhang* ✧دل بد *delbad* ✧ ۱- تهوع *tahavvo* ✧ ۲- دلخور *delxor* ✧دل بد آوردن *delbad āwardan* ✧ حالت تهوع دست دادن *dādan* ✧

иметь тошноту

دل بد شدن *delbad šodan* ✧ دلخور شدن *delxor šodan* ✧دستار *destār* ✧ عمامه *ammāme* ✧دستاویز *dastāwiz* ✧ سند *sanad* ✧دستبنده *destband* ✧ نیازمند *niyāzmand* ✧دستکول *dastkawl* ✧ کیف *kif* ✧درک داشتن *darak nadāštan* ✧ پیدا نبودن *peydā nabudan* ✧- هیچ درکش نیست *hič darakaš nist* ✧ هیچ خبری از او نیست *hič xabari az u nist* ✧

О нем ни слуху ни духу

- شما هیچ درک ندارید *šomā heč darak nadāred* ✧ پیدایتان نیست *peydāyetān nist* ✧

Вы совсем пропали

- من درک آنها را یافتم *man darake ānhā rā yāftom* ✧نشانی آنها را یافتم *nešāniye ānhā rā yāftam* ✧درملتون *dermeltun* ✧ دواخانه *dawāxāna* ✧ داروخانه *dāruḫāne* ✧деро ✧ درو *dero* ✧

деро ж ✧ жатва ж ✧

دره *dorra* ✧ شلاق *šallāq* ✧دریا *daryā* ✧ رودخانه *rudxāne* ✧ رود *rud* ✧دریشی *deriši* ✧ کرتی و پتلون *korti va patlun* ✧

костюм (мужской) м

دریشی خواب *derišiye xāb* ✧ پیژامه (پیژاما) *pījāme* ✧دریشی کار *derišiye kār* ✧ لباس مخصوص کار *lebāse maxsuse kār* ✧دریشی کنی *derišikani* ✧ رختکنی *raxtkani* ✧دریم بریدمن *deryambridman* ✧ ستوان سوم *sotvān sevom* ✧

младший лейтенант воен. м

دریور *dreywar* ✧ دریور *drāywar* ✧ راننده *rānande* ✧دریوری *dreywari* ✧ دریوری *drāywari* ✧ رانندگی *rānandegi* ✧деспелин *despelin* ✧ انضباط *enzebāt* ✧دسپیچر *despičar* ✧ دسپیچر *despičar* ✧ تنظیم کننده *tanzim konande* ✧دست *dast* ✧ (dest) ✧ نوبت *noubat* ✧دست اندازی *destandāzi* ✧ دست درازی *dastderāzi* ✧دست اندازی کردن *destandāzi kardan* ✧ دست درازی کردن *dastderāzi kardan* ✧

задевать, задеть, притеснять

دست اول *deste awwal* ✧ نوبت اول *noubate avval* ✧دست بازی *dastbāzi* ✧ دوال بازی *davvālbāzi* ✧دست بازی کردن *dastbāzi kardan* ✧ دوال بازی کردن *davvālbāzi kardan* ✧دست به سینه *destbasina* ✧ تابع *tābe* ✧ مطیع *moti* ✧дестпак *destpāk* ✧ دستمال *dastmāl* ✧دست کشاده *destkošāda* ✧ دست گشاده *dastgošāde* ✧дестар *destār* ✧ عمامه *ammāme* ✧дस्ताвиз *dastāwiz* ✧ سند *sanad* ✧дестбанд *destband* ✧ نیازمند *niyāzmand* ✧десткawl *dastkawl* ✧ کیف *kif* ✧

دو پله ای *dupallayi* ♦ مضاعف (در پنجره و غیره) *mozāaf* ♦ *dvustvorchaty*

دود رو *dudraw* ♦ دود کش *dudkeš* ♦ *дымоход* м

دور ♦ *dawr* دور ♦ *dour* ♦ *вокруг*

دورادور *dawradawr* ♦ دور تا دور *dourādur* ♦ دورادور *dourādour* ♦ *крутом, вокруг*

دوران سر *dawarāne sar* ♦ سرگیجه *sargije* ♦ *головокружение*

دورنما *durnomā* ♦ چشم انداز *česmandāz*. منظره *manzare* ♦ *вид, пейзаж*

دو زدن *daw zadan*. دواو زدن *dāw zadan* ♦ *فحش دادن* *fohš dādan*. ناسزا گفتن *nāsezā goftan* ♦ *ругаться*

دوصد ♦ *dusad* دوپست *devist* ♦ *двести*

دوغ ♦ *doq* ♦ دوغ *duq* ♦ *тан, дут (напиток из кислого молока)*

دوغولی *duquli*. دوگانه *dogāna* ♦ *دوقلو* *doqolu* ♦ *двойняшки*

دوقات *duqāt* ♦ *دولا* *dolā* ♦ *сложенный вдвое, согнутый пополам*

دوک ♦ *dok* میل *mil* ♦ *спица, веретено*

دوکان *dukān* ♦ *دکان* *dokān* м ♦ *магазин*

دوگانه *dugāna*. دوغولی *duquli* ♦ *دوقلو* *doqolu* ♦ *двойняшки*

دوگره *dogra* ♦ *فقیر* *faqir* м ♦ *нищий, бедняк*

دوگمه گک زنگ *dogmagake zang* ♦ *شاسی زنگ* *šāsiye zang* ♦ *кнопка звонка*

دولمه *dolma* ♦ *دلمه* *dolme* ♦ *голубцы*

دو وقته *duwaqta* ♦ *دو شيفته* *došifte*. دو نوبته *donoubate* ♦ *двухсменный*

دوهم بریدمن *doyhambridman* ♦ *ستوان دوم* *sotvān dovom* ♦ *лейтенант воен. м*

دهان ♦ *dehān* ♦ *دهان* *dahān* м ♦ *рот анат. м*

دهان پتک *dehānpotak* ♦ *چوب پنبه* *čubpanbe* ♦ *пробка, затычка* ж

دهلیز *dahliz* ♦ *راهرو* *rāhro* м ♦ *коридор*

دی *dey* ♦ *زمستان* *zemestān* ♦ *зима* ж

دیباچه ♦ *debāča* ♦ *دیباچه* *dibāče* с ♦ *предисловие*

دیت ♦ *debet* ♦ *بدهی* *bedehi* м ♦ *дебет фин. м*

دیپارتمنت ♦ *depārtment* ♦ *کرسی* *korsi*. گروه علمی دانشگاه *goruhe elmiye dānešgāh* ♦ *кафедра* ж

دیپلمات ♦ *deplomāt* ♦ *دیپلمات* *diplomāt* м ♦ *дипломат*

دیپلماتی ♦ *deplomāti* ♦ *دیپلماتیک* *diplomātik* ♦ *дипломатический*

دیپلوماسی ♦ *deplomāsi* ♦ *دیپلماسی* *diplomāsi* ♦ *дипломатия* ж

دیپو ♦ *dipu* ♦ *انبار* *anbār* м ♦ *склад*

دیده درای ♦ *didadarāy* ♦ *بی حیا* *bi hayā*. بی شرم *bi šarm* ♦ *наглый*

دیر ♦ *der* ♦ *دیر* *dir* ♦ *поздно*

دیروز ♦ *deruz* ♦ *دیروز* *diruz* ♦ *вчера*

دل بدی *delbadi*. دل بدک *delbadak* ♦ *۱- حالت تهوع* *hālate tahavvo*. ۲- دلخور شدن *delxor šodan* ♦

1.тошнота 2.обижаться

دلدل *daldal* ♦ *باطلاق* *bātlāq* с ♦ *болото*

دلدلزار *daldalzār* ♦ *باطلاق* *bātlāqzār* ж ♦ *болотистая местность*

دلدلک (محاورة ای) *deldelak* ♦ *دودلی* *dodeli* ♦ *нерешительность*

دلده *delda* ♦ *آش* *āš* ж ♦ *каша*

دلکشا *delkošā* ♦ *دلگشا* *delgošā* ♦ *радушный*

دلگی *delgay* ♦ *جوخه* *juхе* ж ♦ *отделение воен. ж*

دلگی مشر *delgaymešer* ♦ *فرماندار* *farmāndār* м ♦ *командир отделения воен. м*

دلو *dalwa* ♦ *بهمن (ماه)* *bahman* ♦ *XI* *месяц солнечного года*

دماغ سر *damāqe sar* ♦ *مغز* *maqz* ♦ *دماغ کبیر* *demāqe kabir* ♦ *головной мозг анат. м*

دماغ کوچک *damāqe kučak* ♦ *دماغ اصغر* *demāqe asqar* ♦ *мозжечок анат. м*

دمباندن *dambāndan* ♦ *کتک زدن* *kotak zadan* ♦ *наносить побои, бить*

دمتارک *damtarak*. دامتارک *dāmtarak* ♦ *کمپرسی* *kompresi* ♦ *самосвал* м

دمگیری (محاورة ای) *damgeri* ♦ *تفریح در حین کار* *tafrih dar heyne kār* ♦ *перерыв* м

دندند. *dandand*. غدیر *qadir* ♦ *آبگیر* *ābgir* с ♦ *водоём м, озеро*

دندان قرچک *dandānqerčak* ♦ *دندان کړوچه* *dandān koroče*. دندان قرچه *dandān qereče* ♦

скрежетание зубами

دندان قرچک کردن *dandānqerčak kardan* ♦ *دندان قرچه کردن* *dandān qereče kardan* ♦

скрежетать, скрепять зубами

دندان کرسی *dandāne korsi* ♦ *دندان آسیا* *dandāne āsiyā* ♦ *коренной зуб* м

دندان کشیدن *dandān kašidan* ♦ *دندان در آوردن* *dandān dar āvardan* ♦ *прорез зубов*

دندان کندن *dandāne kandan* ♦ *دندان کشیدن* *dandān kešidan* ♦ *выдергивать зуб*

دنده *danda* ♦ *چوب چوگان بازی* *čube čougānbāzi* ♦ *клюшка, палка спорт. ж*

دنده بایسکل *dandaye bāysekak* ♦ *پر دوچرخه* *pare dočarxe* ♦

спица в колесе велосипеда ж

دنده بدمنتون *dandaye badmenton* ♦ *راکت بدمینتون* *rākete badminton* ♦

ракетка бадминтона ж

دنده کلک *dandakalak* ♦ *الک دولک* *alakdolak* ♦ *детская игра "чжики"*

دنیا دار *donyadār* ♦ *ثروتمند* *servatmand* ♦ *богатый прил.*

دو ♦ *du* ♦ *دو* *do* ♦ *два*

دواخانه *dawāxāna*. درملتون *dermeltun* ♦ *داروخانه* *daruxāne* ♦ *аптека*

دوازده بزه *dawāzdahboza* ♦ *بازی دام* *bāziye dām* ♦ *шашки (игра)*

دوبی *dobi* ♦ *لباس شوی* *lebāššuy* ♦ *прачка* ж

دوبی خانه *dobixāna* ♦ *لباسشویی* *lebāššuyi* ♦ *прачечная* ж

دوپ شدن *dop šodan* ♦ *غرق شدن* *qarq šodan* ♦ *тонуть*

دو پشته *dupošta* ♦ *دو ترکه* *dotarke* ♦ *сидеть вдвоем (на велосипеде)*

- رابر *rābar* * کا ٹوچو *kāūcu*. کش *keš*. لاستیک *lāstik* * کاучук, резина
 رابر تیپ *rābartayp* * نوارچسب *navārčasb* * изоляционная лента
 رابری *rābari* * کا ٹوچویی *kāūcui*. کشی *keši*. لاستیکی *lāstiki* *
 резиновый, каучуковый прил.
 - پستان رابری *pestāne rābari*. چوشک *čušak* * پستانک *pestānak* * ж соска
 رابیا *rābiyā* * مشک *mašk* * большой бурдюк
 رابیل *rābel* * یاسمن زر *yāsaman zards* * жасмин (желтый)
 راپور *rāpor* * گزارش *gozāreš* * отчет, рапорт м, отчетность
 راپور اجراءات *rāpore ejrāāt* * گزارش کارهای اجرا شده *gozāreše kārḥāye ejrā šode* *
 отчет о проделанных работах
 راجا *rājā* * امیر *amir* * князь м
 راجس *rājes* * اصل *asl* * натуральный, настоящий прил.
 راجستری *rājestari* * ثبت شده *sabt šode* * зарегистрированный прил.
 - مکتوب راجستری *maktube rājestari* * نامه سفارشی *nāme ye sefāreši* *
 заказное письмо
 راد پرده *rāde parda*. سرپرده *sarparda* * چوب پرده *čube parde* * карниз м
 راسبری *rāsbari* * تمشک *tamešk* * малина бот.
 راست آمدن *rāst āmadan* * کنار آمدن *kenār āmadan* * договариваться
 راسته *rāsta* * روی پارچه *ruye pārče* * лицевая сторона ткани ж
 راسته چیه *rāstaye čapa* * پشت پارچه *pošte pārče* * изнанка ж
 راشبیل *rāšbel* * پارو *pāru* * деревянная лопата ж
 راشبیلک *rāšbelak* * کتف *ketf* * ж. лопатка (кость) анат.
 راکت انداز *rākatandāz* * موشک انداز *mušakandāz* * м гранатомет
 راهی کردن *rāhi kardan* * فرستادن *ferestādan* * посылать, отправлять
 ربع *rebh* * سود *sud* * прибыль ж
 ربطیه *rabtiya* * کاغذ گیر *kāqazgir* * ж скрепка
 رتبه *rotba* * پایه *pāye*. درجه *daraje* * ранг
 رتبه عالی *rotbaye āli* * عالی مقام *ālīmaqām*. مقام بالا *maqāme bālā* *
 высокая должность ж
 رخ کردن *rox kardan* * ۱- وصل کردن *vasl kardan*. ۲- ول کردن *vel kardan* *
 1. соединять 2. отпущать

- دیرین * *derin* * دیرین *dirin* * древний
 دیزاین بندی *dizāynbandi* * طرح ریزی *tarhrizi* * проектирование
 دیسپچر *dispečar*. دیسپچر *despičar* * تنظیم کننده *tanzim konande* * м диспетчер
 دیسمبر *disambar*. دیسمبر *desambar* * دسامبر *desāmbr* * м декабрь
 دیسی *deysi* * وطن *vatan* * ж родина
 دیکور *dekor* * دکور *dekor* * ж декорация
 دیگر *digar* * عصر *asr* * вечер, вечером
 - نماز دیگر *namāze digar* * نماز عصر *namāze asr* * вечерний намаз
 دیگر *degar* * باز *bāz* * еще
 دینه روز *dinaruz* * دیروز *diruz* * ж вчера
 دیوار * *dewār* * دیوار *divār* * ж стена
 دیوال *dewāl* * دیوار *divār* * ж стена
 دیوانه * *dewāna* * دیوانه *divāne* * сумасшедший прил.

ذ

- ذخیره *zaxira* * اندوخته *anduxte* * м запас
 ذخیره لغوی *zaxiraye loqawi* * واژگان *vājegān* * словарный состав
 ذروی *zorrawi* * هسته ای *hastei* * ядерный прил.
 - انفلاق ذروی *enfelāqe zorrawi* * انفجار هسته ای *enfejāre hastei* * м ядерный взрыв
 - بم ذروی *bame zorrawi* * بمب هسته ای *bombe hastei* * ж ядерная бомба
 ذریعه *zaria* * وسیله *vasile* * средство, способ
 - به ذریعه مکتوب *ba zariaye maktub* * به وسیله نامه *be vasileye nāme* * м письмом
 - به ذریعه پوسته *ba zariaye pusta* * به وسیله پست *be vasileye post* * почтой
 ذریعه چیز *zariaye čizi* * به وسیله چیزی *be vasileye čizi* * что-то
 ذفر *zafar* * بوی زیربغل *buye zirbaqal* * запах подмышек
 ذمه *zimme* * عهده *ohde*. مسئولیت *mas' uliyyat* * ж ответственность
 ذمه گی *zimmagi* * طلبکاری *talabkārī* * требующий уплаты долга

- روی پاک *ruypāk* ✧ *houle* حوله ✧ полотенце
 روی جایی << *ruyjayi* ملافه ✧ *malāfe* ✧ простыня ж
 روی کتابی *ruyketābi* ✧ دراز رخ ✧ *derāzrox* ✧ человек с длинным лицом м
 روی مال *ruymāl* ✧ حوله ✧ *houle* ✧ полотенце
 رهايشی *rahāyeši* ✧ مسکونی ✧ *maskuni*. اقامتی ✧ *eqāmati* ✧ жилой
 - خانه رهايشی *xānaye rahāyeši* ✧ ساختمان مسکونی ✧ *sāxtemāne maskuni*. مسکن ✧ *maskan*
 жилий дом м
 ری *ray* ✧ فکر ✧ *fekr* ✧ مَیْسَلَه ✧ *rey*
 ری زدن *ray zadan* ✧ فکر کردن ✧ *fekr kardan* ✧ думать
 ریز ✧ *rez* ✧ ریز ✧ *riz* ✧ мелкий
 ریز گک ✧ *rezagak* ✧ ریز ✧ *riz* ✧ мелкий
 ریزرف ✧ *rizarf* ✧ رزرو ✧ *rezerv* ✧ резерв, запасной
 ریزرویشین ✧ *rizerveyšan* ✧ رزرو ✧ *rezerv* ✧ резерв м, резервный
 ریزرویشین کردن ✧ *rizerveyšan kardan* ✧ رزرو کردن ✧ *rezerv kardan* ✧ резервировать
 ریزش ✧ *rizeš* ✧ زکام ✧ *zokam* ✧ насморк м, грипп м
 ریزگی نان ✧ *rezagiye nān* ✧ خرده نان ✧ *xordenān* ✧ крошки хлеба
 ریفورم ✧ *riform* ✧ اصلاحات ✧ *eslāhāt* ✧ реформа ж
 ریکارد ✧ *rikārd* ✧ رکورد ✧ *rekord* ✧ рекорд м
 ریکارد ✧ *rikārd* ✧ صفحه ✧ *safhe*. دیسک ✧ *disk* ✧ пластинка, диск муз.
 ریکارد گیری ✧ *rikārdgiri* ✧ ضبط ✧ *zabt* ✧ запись ж
 ریکارد گیری کردن ✧ *rikārdgiri kardan* ✧ ضبط کردن ✧ *zabt kardan* ✧ записывать
 ریگمال ✧ *regmāl*. کاغذ ریگمال ✧ *kāqaze regmāl* ✧ سنباده ✧ *sonbāde* ✧
 наждачная бумага ж
 ریل ✧ *reyl* ✧ راه آهن ✧ *rāhāhan* ✧ железная дорога ж
 ریم ✧ *rim* ✧ چرک ✧ *čerk* ✧ гной м

ز

- زاج ✧ *zāč*. زچه ✧ *zočča* ✧ زاج ✧ *zāj* ✧ роженица (по седьмой день после родов)
 زاجدگی ✧ *zāčagi*. روزهای زاجدگی ✧ *ruzhāye zāčagi* ✧ روزهای زاج ✧ *ruzhāye zāj*
 послеродовые дни
 زاد کردن ✧ *zād kardan* ✧ زایدیدن ✧ *zāyidan* ✧ рожать
 زازل ✧ *zāzal* ✧ چلوکش ✧ *čeloukeš*. صافی ✧ *sāfi* ✧ дуршлаг м

- رخدار ✧ *roxdār* ✧ عاجدار ✧ *ājdar* ✧ граненый прил.
 رخصت ✧ *roxsat* ✧ تعطیل ✧ *ta`til* ✧ выходной
 رخصتی ✧ *roxsati* ✧ تعطیلات ✧ *ta`tilāt*. تعطیلی ✧ *ta`tili* ✧ каникулы, отпуск м
 ردیتر ✧ *reditar* ✧ رادیاتور ✧ *rādiyātor* ✧ радиатор м
 رستوران ✧ *rasturānt* ✧ رستوران ✧ *restorān* ✧ ресторан
 رسم گذشت ✧ *rasme gozašt* ✧ رژ ✧ *reje* ✧ парад м
 رشکیگ ✧ *raškigak* ✧ ذره ✧ *zarre* ✧ мельчайшая частица, частица ж
 رشوات ✧ *rešwat* ✧ رشوه ✧ *rošve* ✧ взятка ж
 رشواتخور ✧ *rešwatxor* ✧ رشوه خوار ✧ *rošvexār* ✧ взяточник м
 رضا کار ✧ *rezākār* ✧ نیکوکار ✧ *nikukār*. ابرار ✧ *abrār* ✧ благотворитель м
 رضاکارانه ✧ *rezākārāna* ✧ نیکوکارانه ✧ *nikukārāne* ✧ благотворительный прил.
 رقبه ✧ *roqaba* ✧ حوزه ✧ *houze* ✧ район, зона
 رکابی ✧ *rekābi* ✧ بشقاب ✧ *bošqāb*. نعلیکی ✧ *na`lbaki* ✧ тарелка ж
 رگ ✧ *rag* ✧ شریان ✧ *šarayān* ✧ артерия анат. ж
 رگ خواب ✧ *rage xāb* ✧ شریان سبات ✧ *šarayāne sobāt* ✧ сонная артерия анат.
 رنگ بوت ✧ *range but* ✧ واکس ✧ *vāks* ✧ крем для обуви, вакса ж
 رنگ قلم ✧ *range qalam* ✧ مرکب ✧ *morakkab*. جوهر ✧ *jouhar* ✧ чернила
 رنگ ناخن ✧ *range nāxon* ✧ لای ✧ *lāk* ✧ лак для ногтей м
 رنگمال ✧ *rangmāl* ✧ نقاش ✧ *naqqāš*. رنگ کار ✧ *rangkār* ✧ маляр м
 رنگه ✧ *ranga* ✧ رنگین ✧ *rangin* ✧ цветной прил.
 روان کردن ✧ *ravān kardan* ✧ فرستادن ✧ *ferestādan* ✧ отправлять, посылать
 روجائی << روجایی ✧ *rujāyi* ✧ ملافه ✧ *malāfe* ✧ простыня ж
 روز چلانی ✧ *ruzčālāni* ✧ روز گذرانی ✧ *ruzgozarāni* ✧
 жалкое существование, жить в нужде
 روزنتون ✧ *rozentun* ✧ حمایت طفل و مادر ✧ *hemāyate teflomādar* ✧
 защита матери и ребенка
 روشنگر ✧ *roušangar* ✧ زداینده ✧ *zodāyande*. جلا دهنده ✧ *jalādahande* ✧ полировщик
 روغ ✧ *ruq* ✧ آشتی ✧ *āšti* ✧ в согласии
 روغتون ✧ *ruqtun* ✧ بیمارستان ✧ *bimārestān* ✧ больница ж
 روغتیا ✧ *ruqtiya* ✧ بهداشت ✧ *behdāšt* ✧ здравоохранение с
 روغتیاوال ✧ *ruqtiyāwāl* ✧ بازرس بهداشتی ✧ *bāzrase behdāri* ✧
 инспектор здравоохранения
 روغنندانی ✧ *rawqandāni* ✧ روغنندان ✧ *rouqandān* ✧ масленка ж
 روغنیات ✧ *rawqaniyāt* ✧ سوخت ✧ *suxt* ✧ горючее с
 روک ✧ *rawak* ✧ کشو ✧ *kešow* ✧ выдвижной ящик м
 رومی ✧ *rumi*. بادنجان رومی ✧ *bādenjāne rumi* ✧ گوجه فرنگی ✧ *goujefarangi* ✧ помидор м

زردمبوک *zardambuk* ♦ زردنبوک *zardanbuk* ♦ زردنبو *zardnabu* ♦

бледный, пожелтевший прил.

زرده *zarda* ♦ زرداب *zardāb*. صفرا *safrā* ♦ желчь ж

زرده *zarda* ♦ زردی *zardī* ♦ желтуха ж, гепатит мед. м

زرغونه *zarquna* ♦ سبزینه *sabzine* ♦

زرک *zerk*. زرکه *zerka* ♦ کبک *kabk* ♦ каменная куропатка ж, кеклик зоол. м

زغر *zeqer* ♦ زغیر *zaqir* ♦

زلفی *zolfi* ♦ حلقه قفل در *halqeye qofle dar* ♦ петля ♦ кольцо для дверной цепочки,

زالو *zalu* ♦ زالو *zālu* ♦

زن ایور *zane eywar* ♦ زن برادر شوهر (جاری) *zane barādaršouhar* ♦ жена деверя ж

زنابق *zenāq* ♦ زنخاندان *zanaxdān* ♦ ж

زنکه باز *zanakabāz* ♦ خانم باز *xānombāz*. دختر باز *doxtarbāz* ♦ бабник м

زون *zon* ♦ حوزه *houze* ♦

زوولوجست *zoologjest* ♦ جانورشناس *jānevaršenās* ♦

زوولوجستی *zoologjesti* ♦ جانورشناسی *jānevaršenāsi* ♦

زیچ *zič* ♦ پات در بازی شطرنج *pāt dar bāziye šatranj* ♦ пат (в шахматах) м

زیرپتلونی *zirpatluni* ♦ زیرشلواری *ziršalvāri* ♦ кальсоны

زیرخانه *zirxāna* ♦ زیرزمینی *zirzamini* ♦ подвал м

زینه *zina* ♦ پله *pelle*. پلکان *pellekān* ♦

زینه خانه *zinaxāna* ♦ پاگرد پله *pāgarde pelle* ♦ лестничная площадка ж

ژ

ژاکت *jākat* ♦ پولور *pulover* ♦

ژاله *jāla*. جاله *jāla* ♦ تگرگ *tagarg* ♦ град м

ژبال *jobal*. ژبال *zobal* ♦ زبان آور *ziyānāvar* ♦ вредитель м, причиняющий вред

ژون *juan* ♦ بت *bot* ♦

ژوندون *juandun* ♦ زندگی *zendegi*. زندگانی *zendegāni* ♦

ژیزنتون *jizentun* ♦ زایشگاه *zāyešgāh* ♦ родильный дом м, роддом м

زاغ گرگی *zāqgorgi* ♦ پیر خرفت *pire xereft* ♦

زاغ گرگی *zāqe gorgi* ♦ کلاغ پیر *kalāqe pir* ♦

زاغابی *zāqābi* ♦ مرغابی *morqābi* ♦

زاغنول *zāqnol* ♦ دمباریک *dambārik* ♦

زانوخ *zānuxam* ♦ زانو بی *zānuyi* ♦

زاه *zāh* ♦ مرطوب *martub*. نمناک *namnāk* ♦

زاه بر *zāhbar*. زاه کش *zāhkaš* ♦ زهکش *zehkeš* ♦

дренажная, осушительная канава ж

زاه زند *zāh zadan* ♦ نمناک شدن *namnāk šodan* ♦

زاه کش *zāhkaš*. زاه بر *zāhbar* ♦

дренажная, осушительная канава ж

زاه کشی *zāhkaši* ♦ زهکشی *zehkeši* ♦

زیاله *zobāla* ♦ آشغال *āšqāl* ♦

زیاله دان *zobāladān* ♦ آشغال دان *āšqāldān* ♦

زیانی *zobāni* ♦ شفاهی *šafāhi* ♦

- امتحان: زیانی *emtehāne zobāni* ♦ امتحان شفاهی *emtehāne šafāhi* ♦

устный экзамен м

زیل *zobal*. ژیل *jobal* ♦ زیان آور *ziyānāvar* ♦

زپ *zer* ♦ زیپ *zip* ♦

زجر * *zajer* ♦ زجر *zajr* ♦

زچه *zočča*. زاج *zāč* ♦ زاج *zāj* ♦

زچه خانه *zoččaxāna* ♦ زایشگاه *zāyešgāh* ♦

زچه خانه *zoččaxāna* ♦ خانم‌ای که کودک در آن به دنیا می‌آید *xāneyi ke kudak dar ān be donyā miāyad* ♦

дом где рождается ребенок

زخ *zah* ♦ میخچه *mixče* ♦

زخم * *zahem* ♦ زخم *zaxm* ♦

زخم پیچ *zahempeč* ♦ بند پیچ *bandpič* ♦

زخه *zaxa* ♦ میخچه *mixče* ♦

زده و کنده (محاورة ای) *zadaokanda* ♦ به زور *be zur* ♦

زراعت *zarāat* ♦ کشاورزی *kešāvarzi* ♦

- وزارت زراعت *wazārate zarāat* ♦ وزارت کشاورزی *vezārate kešāvarzi* ♦

министерство сельского хозяйства с

زرد *zard* ♦ دیدن نگاه *zard zard didan* ♦

смотреть с завистью

زرد شیری *zarde širi* ♦ کرم *kerem*. کرمی رنگ *keremi rang* ♦

زردک *zardak*. گازر *gāzar*. گازره *gāzara* ♦

هویج *havij* ♦

(сакат (электр.) ж ✧ priz priz. والساکت wālsāket ✧ sākēt. ساکت
 год нашей эры м ✧ sāle milādī سال میلادی sāle isawī سال عیسوی ✧ sālan. سالن
 соус ✧ xoreš خورش ✧ sāland. سالند ✧ sāmān. سامان
 ✧ lavāzem. لوازم ✧ abzārālāt. ابزارآلات ✧ afzār. افزار ✧ sāmāne bāzi. سامان بازی
 игрушки ж ✧ asbābbāzi اسباب بازی ✧ sāmāne barq. سامان برق ✧ lavāzeme barq.
 электротовары ✧ sāmāne xāna. سامان خانه ✧ lavāzeme xāne. اثاثیه ✧ asāsiye.
 предметы домашнего обихода ✧ sāmāndār. سامان دار ✧ xāneye moble. خانه مبله
 меблированная квартира ж ✧ sāmāne darsi. سامان درسی ✧ lavāzeme darsi.
 учебные предметы ✧ sāmāne safar. سامان سفر ✧ bāre safar. بار سفر ✧ m.
 багаж ✧ sāmāne fāltu. سامان فالتو ✧ lavāzeme yadaki. لوازم یدکی ✧ yadaki.
 запасные части ✧ sāmāne qertāsiya. سامان قرطاسیه ✧ lavāzeme tahrir. لوازم تحریر ✧ tahrir.
 канцелярские товары ✧ sāmāne kār. سامان کار ✧ abzārālāt. آلات
 предметы труда ✧ sān. سان ✧ tarz. طرز ✧ m.
 способ, образ ✧ bedinsān. بدینسان ✧ be in tariq. به این طریق ✧ in.
 таким образом ✧ sān. سان ✧ kātān. کتان ✧ kātāne sefid. سفید
 хлопчатобумажный ✧ sāne safed. سان سفید ✧ kātāne sefid. سفید
 отбеленная бязь ✧ sāne kura. سان کوره ✧ metqā. متقال ✧ m.
 небеленная бязь (ткань) ж ✧ sāy. سایز ✧ andāze. اندازه ✧ andāze.
 размер ✧ sāyzeri. سایز گیری ✧ andāze giri. اندازه گیری ✧ andāze.
 измерение ✧ sāykāloji. سایکالوجی ✧ ravānšenāsi. روانشناسی ✧ m.
 психология ж ✧ sāyns. ساینس ✧ dāneš. دانش ✧ elm. علم ✧ m.
 наука ✧ sāynsdān. ساینس دان ✧ dānešmand. دانشمند ✧ m.
 ученый ✧ sāyaroх. سایه رخ ✧ šomāli. شمالی ✧ m.
 теневой, несолнечный ✧ sabzi pālak. سبزی پالک ✧ pālak. پالک ✧ m.
 шпинат бот. ✧ sabzi jāt. سبزیجات ✧ tareh. تره بار ✧ m.
 овощи ✧ sobokduš kardan. سبکدوش کردن ✧ enfesāle xedmat. انفصال خدمت ✧ m.
 ✧ exrāj. اخراج ✧ sabaosak. سابوساک ✧ šure. شوره ✧ m.
 перхоть ж ✧ septembar. سپتمبر ✧ septembar. سپتمبر ✧ m.
 сентябрь ✧ spreng. اسپرنگ ✧ espreng. اسپرنگ ✧ fanar. فانر ✧ m.
 пружина ж ✧ seport. سپورت ✧ esport. اسپورت ✧ m.
 спорт ✧ seportmayn. سپورت مین ✧ varzeškār. ورزشکار ✧ m.
 спортсмен

س

сабар *sābar* ✧ *jīr* жамша ж ✧
 - балапош сабарى *bālāpoše sābari* ✧ *pāltoye jīri* ✧ пальто из замша ✧
 саботаж, диверсия ж ✧ *harābkāri* ✧ *sābotāj* ✧
 старушка ж ✧ *zane pīr* ✧ *sābuna* ✧
 ✧ *tafrih* ✧ *sāatteri* ✧ *sāatteri* ✧
 времяпрепровождение, развлечение ✧
 развлекаться ✧ *tafrih kardan* ✧ *sāatteri kardan* ✧
 ✧ *hāmi* ✧ *sātandoy* ✧ *pālbandoy* ✧ *poštībān* ✧
 защитник, покровитель ✧
 секач, нож для рубки мяса ✧ *sātur* ✧ *sātul* ✧
 жевательная резинка ж ✧ *ādāms* ✧ *sājeq* ✧
 белый прил. ✧ *sefid* ✧ *sāci* ✧
 ведьма ж, колдунья ж ✧ *zane jādugar* ✧ *sāhera* ✧
 территория ж, площадь ж ✧ *masāhat* ✧ *sāha* ✧
 арена ж, поле с ✧ *arse* ✧ *sāha* ✧
 поле боя с ✧ *arseye jāng* ✧ *sāhaye jāng* ✧
 поле зрения с ✧ *didgāh* ✧ *sāhaye did* ✧
 ✧ *arseye kešāvarzi* ✧ *sāhaye zarāat* ✧
 площадь сельского хозяйства ж ✧
 ✧ *arseye amaliyāt* ✧ *sāhaye amaliyāt* ✧
 поле деятельности с ✧
 поддельный, обман м ✧ *dorug* ✧ *sāxtagi* ✧
 ✧ *pišāhang* ✧ *sārandoy* ✧ *sārandoy* ✧
 1.полицейский м 2.скаут м ✧
 прокурор м ✧ *dādsetān* ✧ *sāranwāl* ✧
 прокуратура ж ✧ *dādsetāni* ✧ *sāranwālī* ✧
 сосиска ✧ *sosis* ✧ *sāsej* ✧
 времяпрепровождение ✧ *tafrih* ✧ *sāatteri* ✧
 будильник м ✧ *sāate šamātedār* ✧ *sāate zangdār* ✧
 ✧ *sāatsāz* ✧ *sāatwālā* ✧ *sāatforuš* ✧
 продавец часов, часовщик м

- سرخاکان *sorxakān* ♦ *sorxak* мед. ж ♦ *корь*
 سردادن *sar dādan* ♦ *moqāyese kardan* ♦ *مقایسه کردن*
 سرددل *sarddel* ♦ *delsard* ♦ *دل‌سرد*
 سردوز *sarduz* ♦ *naxe qand* ♦ *نخ قند*
 سراسست *sarrāst* ♦ *yekrāst* ♦ *یک‌راست*
 سرراهی *sarrāhi* ♦ *souqāti* ♦ *سوغاتی*
 سرزور *sarzur* ♦ *gostāx* ♦ *گستاخ*
 سرزوری *sarzuri* ♦ *gostāxi* ♦ *گستاخی*
 سرسفید *sarsafed* ♦ *pirezan* ♦ *پیرزن*
 سرشانه *sarsāna* ♦ *sardushi* ♦ *پاگون* *pāgon* ♦ *پاگونی*
 سرطان *saratān* ♦ *tir* (ماه) ♦ *تیر*
 سرغیچ << سرغوج *sorquč* ♦ *plomb* ♦ *пломб*
 سرغیچ کردن *sorquč kardan* ♦ *plomb kardan* ♦ *پلمب کردن*
 ♦ *mohromum kardan* ♦ *مهروموم کردن*
 ♦ *пломбировать*
 سرغنه *sarqana* ♦ *sardaste* ♦ *سردسته*
 سرفلمی *sarfelmi* ♦ *jurnāle sinemāyi* ♦ *ژورنال سینمایی*
 سرفه سیاه *sorfasiyāh* ♦ *siyāhsorfe* ♦ *سیاه سرفه*
 سرک *sarak* ♦ *rāh* ♦ *شاهراه* *šāhrāh* ♦ *جاده* *jādde*
 سرک سازی *saraksāzi* ♦ *rāhsāzi* ♦ *راهسازی*
 ♦ *jāddesāzi* ♦ *جاده سازی*
 ♦ *дорожное строительство*
 सरकार *sarkār* ♦ *doulat* ♦ *دولت*
 سرکاری *sarkāri* ♦ *doulati* ♦ *دولتی*
 سرکس *sarkas* ♦ *sirk* ♦ *سیرک*
 سرگز *sare gaz* ♦ *qavāre* ♦ *قواره (پارچه)*
 سرگنس (محاورة ای) *sargans* ♦ *sargije* ♦ *سرگیجه*
 سرگنس شدن (محاورة ای) *sargans šodan* ♦ *sargije* ♦ *داشتن* *dāštan*
 ♦ *чувствовать головокружение*
 سرلوحه *sarlouwha* ♦ *tāblo* ♦ *تابلو*
 ♦ *вывеска*
 سرمنگسک *sarmangasak* ♦ *gāve nar* ♦ *گاونر*
 سرمه دانی *sormadāni* ♦ *sormedān* ♦ *سرمه دان*
 ♦ *флаконе для сурьмы*
 سروی *serwey* ♦ *tahqiq* ♦ *پژوهش* *pājuheš*
 ♦ *изыскание, исследование*
 ♦ *серوی و پروژه سازی* *serwey va projasāzi*
 ♦ *مطالعات اولیه و تهیه نقشه* *motāleāte avvaliye va tahiyyeye naqše*
 ♦ *исследование и проектирование*
 سرویس *sarvis* ♦ *otobus* ♦ *اتوبوس*
 ♦ *سره میاشت* *seramiyāšt* ♦ *لاله احمر* *helāle ahmar*
 ♦ *общество "Красный полумесяц"*

- ستادیوم *setādiyūm* ♦ *varzešgāh* ♦ *ورزشگاه*
 ستاژ *setāj* ♦ *kāramuzi* ♦ *کارآموزی*
 ستر *ster* ♦ *bozorg* ♦ *بزرگ*
 ♦ *большой прил.*
 ستر جنرال *sterjenerāl* ♦ *amir* ♦ *سردار* *sardār* ♦ *ژنرال* *jenerāl*
 ♦ *генерал-армии м*
 سترنجی *satranji* ♦ *sadrnaji* ♦ *سدرنجی*
 ♦ *شطرنجی* *šatranji* ♦ *زیلو* *zilu* ♦ *گلیم* *gelim* ♦ *جایم* *jājim*
 ♦ *коврик, половик м, дорожка*
 ستروک *struk* ♦ *harzegu* ♦ *هرزگو* *harzegu* ♦ *دزد* *dozd* ♦ *بیکار* *bikār*
 ♦ *бездельник, болтун, вор*
 سترون *satarwan* ♦ *nāza* ♦ *نازا*
 ♦ *бесплодная прил.*
 ستره *sotra* ♦ *pāk* ♦ *پاک*
 ♦ *чистый прил.*
 ستره *satra* ♦ *sartaxti* ♦ *سرتختی*
 ♦ *покрывало с*
 ستره محکمه *stera mahkama* ♦ *dādā* ♦ *دادگاه*
 ♦ *عالی* *dādgāhe āli* ♦ *دادگاه عالی*
 ستونک *sotounak* ♦ *mouje daryā* ♦ *موج دریا*
 ♦ *ج* *mouje*
 ستیج *setej* ♦ *setej* ♦ *صحنه* *sahne* ♦ *سن* *sen*
 ♦ *сцена ж*
 سجل *sejel* ♦ *kārte tarfi* ♦ *کارت ترفیع*
 ♦ *کارت ترفیع دادن* *sejel dādan* ♦ *kārte tarfi*
 ♦ *аттестировать*
 سچه << سوچه *sočča* ♦ *pāk* ♦ *بی آرایش* *bi ālāyes* ♦ *صاف* *sāf*
 ♦ *счастье*
 ♦ *чистый, прозрачный прил.*
 - آب سچه *ābe sočča* ♦ *ābe tamiz* ♦ *آب تمیز*
 ♦ *чистая вода ж*
 سدرنجی *sadrnaji* ♦ *satranji* ♦ *سدرنجی*
 ♦ *شطرنجی* *šatranji* ♦ *زیلو* *zilu* ♦ *جایم* *jājim*
 ♦ *коврик, половик м, дорожка*
 سرباز *sarbāz* ♦ *delir* ♦ *دلیر*
 ♦ *отважный*
 سربانی *sarpāyi* ♦ *dampāyi* ♦ *دمپایی*
 ♦ *домашние тапочки, шлепанцы*
 سرپرده *sarparda* ♦ *rāde parda* ♦ *رادی پردہ*
 ♦ *چوب پردہ* *čube parde*
 ♦ *карниз*
 سرپرکمیش *sarparkmešar* ♦ *goruhbān* ♦ *گروهبان*
 ♦ *сержант воен. м*
 سرچوک *sare čauwk* ♦ *markaze bāzār* ♦ *میدان بازار* *bāzār*
 ♦ *mejdāne*
 ♦ *центр рынка м*
 سرجائی *sarjāyi* ♦ *rutaxti* ♦ *روتختی*
 ♦ *покрывало с*
 سرجمع *sarjam* ♦ *maqlaq koll* ♦ *مبلغ کل*
 ♦ *общая сумма ж*
 سرچیه (محاورة ای) *sarčapa* ♦ *čape* ♦ *برعکس* *baraks*
 ♦ *перевёрнутый прил.*
 سرچیه شدن *sarčapa šodan* ♦ *čape šodan* ♦ *چپہ شدن*
 ♦ *перевёрнуться*
 سرچرخ *sarčarxi* ♦ *sargije* ♦ *سرگیجه*
 ♦ *головокружение с*
 سرحد *sarhadd* ♦ *marz* ♦ *مرز*
 ♦ *граница ж*
 سرخ الوانی *sorxe alwāni* ♦ *sorx* ♦ *سرخ*
 ♦ *سرخ آتشین* *sorxe ātašin*
 ♦ *бордовый прил.*
 سرخ و زرد شدن *sorxozard šodan* ♦ *sorx* ♦ *سرخ شدن*
 ♦ *смущаться, краснеть*
 سرخار *sarxār* ♦ *xār* ♦ *خار*
 ♦ *колючка ж*

- سانتاره *santara* ♦ نارنگی *nārengi* م ♦ مандарин
 سنجاق * *senjāq* ♦ سنجاق *sanjāq* ж ♦ булавка
 سند *sanad* ♦ مدرک *madrak* م ♦ документ
 سنگ بقمه *sangbaqa* ♦ لای پشت *lākpōšt* ж ♦ черепаха
 سنو << *sonono* ♦ عروس *arus* ж ♦ невестка (жена сына)
 سوانح *sawāneh* ♦ زندگینامه *zandegināme* ж ♦ биография
 سوته *sota* ♦ چماق *čomāq* ж ♦ палка пастуха
 سویچ *suwečbord* ♦ مرکز تلفن *markaze telefon* م ♦ коммутатор
 سوچی *suji* ♦ بلغور *balqur* ж ♦ манная крупа
 سوچه << *sočča* ♦ بی آلايش *bi ālāyeš*. پاک *pāk*. تمیز *tamiz* ♦ чистый, прозрачный прил.
 سودخور *sudxor* ♦ نزول *nozul*. خوار *xāwār*. تنزيل *tanzil* م ♦ ростовщик
 سورت *sort* ♦ نوع *nou* م ♦ сорт, вид
 سوسنی *sousani* ♦ بنفش *banafš* ♦ фиалетовый прил.
 سونو << *sunono* ♦ زن پسر *zane pesār*. عروس *arus* ж ♦ невестка (жена сына)
 سویه *sawiya* ♦ سطح *sath* م ♦ уровень
 سویه زندگی *sawiyaye zendagi* ♦ سطح زندگی *sathe zendegi* م ♦ уровень жизни
 سویه معلومات *sawiyaye ma`lumāt* ♦ سطح معلومات *sathe ma`lumāt* ♦ уровень знаний
 سه صد *sesad* ♦ سیصد *sisad* ♦ триста
 سیاست وال *siyāsatwāl* ♦ سیاستمدار *siyāsatmadār* م ♦ политический деятель
 سیال *sayāl* ♦ هم عقیده *hamaqide* ♦ единомышленник
 سیانس *siyāns* ♦ دانش *dāneš* с ♦ знание
 سیاه چوب *siyāhčob* ♦ درخت ذغال اخته *deraxte zoqāl axte* ♦ кизиловое дерево бот.
 سیت *sit* ♦ کمپلکت *komplekt*. سرویس *servis* م ♦ комплект, сервис
 سیت چایخوری *site čāyxori* ♦ سرویس چایخوری *servise čāyxori* م ♦ чайный сервис
 سیتروس *sitrus* ♦ مرکبات *morakkabāt* ♦ цитрусы
 سیخ بافت *sixe bāft* ♦ میل بافت *mile bāft* ♦ спицы
 سیخ گول *sixe gul* ♦ آهن گول *āhengul*. آرماتور *ārmātur*. میل گرد *mile gerd* ж ♦ арматура
 سیخک مو *sixake mu* ♦ پنس *pans*. گیره *gireye sar* ♦ шпилька для волос
 سیف *seyf* ♦ گاوصندوق *gāvsanduq* م ♦ сейф
 سیل *sayl* ♦ تماشا *tamāšā* م ♦ смотреть
 سیل بین (محواره ای) *saylbin* ♦ تماشاگر *tamāšāgar*. بیننده *binande* م ♦ зритель
 سیل کردن (محواره ای) *sayl kardan* ♦ تماشا کردن *tamāšā kardan* ♦ смотреть
 سیلانی *saylāni* ♦ مسافرت تفریحی *mosāferate tafrihi* с ♦ путешествие
 سینیه بغل *sinabaqal* ♦ سینیه پهلوی *sinepahlu* с ♦ воспаление легких

- سعر (اسعار) *sa`r* ♦ ارز *arz* ж ♦ валюта
 سفیده *safeda* ♦ سفید آب *sefidāb* ж ♦ белила
 سفیده چونه *safedačuna* ♦ نقاشی ساختمان *naqqāšiye sāxtemān* ж ♦ побелка
 سفیده روغنی *safedaye rouqani* ♦ رنگ روغنی *range rouqani* ♦ масляная краска
 سفیدی *safedi* ♦ سفیده *sefide* م ♦ яичный белок
 سفینه فضائی *safinaye fazāyi* ♦ سفینه کیهانی *safineye keyhāni* ♦ космический корабль
 سقه *soqqa* ♦ موثق *movassaq* ♦ подтвердившийся, истинный
 سکاژ *sekāj* ♦ اسکاچ *esbkāč* م ♦ скотч
 سکالرشپ *skālaršip*. بورس *burs* ♦ بورسیه *bursie* ♦ право на учебу в загранице
 سکتور *sektor* ♦ بخش *baxš* م ♦ сектор
 سکرتر *sekartar* ♦ منشی *monši* م ♦ секретарь
 سکه *sekka* ♦ تنی *tani* ♦ родной по крови
 - ناسکه *nāsekka* ♦ ناتنی *nātani* ♦ неродной
 سکی *seki* ♦ اسکی *eski* ♦ лыжи
 سکی کردن *seki kardan* ♦ اسکی بازی کردن *eskibāzi kardan* ♦ кататься на лыжах
 سکیم *sekim* ♦ نقشه *naqše* ж ♦ схема
 سگ پدر *sagpadar* ♦ پدر سگ *pedarsag* ♦ сукин сын (ругательство)
 سگرت << سگریٹ *segret* ♦ سیگار *sigār* ♦ сигарета
 سگرت دانی *segret dāni* ♦ جعبه سیگار *ja`beye sigār* ♦ портсигар
 سگرت لایتر *segretlāyтар*. سگرت لیتر *segretleytar* ♦ فندک *fandak* ж ♦ зажигалка
 سلاته *salāta* ♦ سالاد *sālād* م ♦ салат из овощей
 سلاته *salāta* ♦ کاهو *kāhu* ♦ салат-латук бот.
 سلاح *salāh* ♦ اسلحه *aslahe* с ♦ оружие
 سلائی *salāyi* ♦ چوب سرمه *čube sorme* ♦ палочка для накладывания сурьмы
 سلتراج *selterāj*. سلدراج *selderāj* ♦ جوراب شلواری *jurābsalvāri* ♦ трико, женские панталонны
 سلفر *salfar* ♦ گوگرد *gugerd* ж ♦ сера
 سلپیر *selipar* ♦ دمپایی *dampāyi* ♦ домашние тапочки
 سماروق *samāroq* ♦ قارچ *qārč* ♦ грибы бот.
 سماروق *samāroq* ♦ قارچ *qārč* ♦ грибы бот.
 سمج *samj* ♦ گذرگاه زیرزمینی *gozargāhe zirzamini* ♦ подземный переход
 سمستر *sementar* ♦ نیم سال *nim sāl*. ترم *term* с ♦ полугодие
 سمنت *sement* ♦ سیمان *simān* م ♦ цемент
 سنبله *sonbola* ♦ شهریور *šahrivar* ♦ VI месяц солнечного года
 سنپوسه *sanbusa* ♦ پیراشکی با گوشت *pirāškiye bā gušt* ♦ пирожки с мясом

ش

цех, мастерская ♦ *kārgāh* کارگاه ♦ *šāp* شاپ
 показатель м ♦ *nemudār* نمودار ♦ *šāxes* شاخص
 обезьяна ж ♦ *meymun* میمون ♦ *šādi* شادی
 короткое замыкание с ♦ *ettesāli* اتصالی ♦ *šārti* شارتى
 временный поверенный в делах ♦ *kārdāre sefārat* سفارت کاردار ♦ *šārjdāfeyr* شارژدافير
 мэр м ♦ *šahrdār* شهردار ♦ *šārwāl* شاروالى
 мэрия ж ♦ *šahrdārī* شهرداری ♦ *šārwālī* شاروالى
 часто мочающийся ♦ *šāšu* شاشو ♦ *šāšuk* شاشوک (محاوره‌ای)
 уважаемый господин ♦ *jenābe āqā* جناب آقا ♦ *šāqlay* شاعلى
 кольцо для помолвки ♦ *angoštare nāmzadi* انگشتر نامزدی ♦ *šālangoštār* شال انگشتر
 شاندار ♦ *šāndār* باشکوه ♦ *bā šokuh* باشکوه ♦ *šāndār* شاندار
 - مجلس شاندار ♦ *majlese šāndār* مجلس باشکوه ♦ *majlese bāšokuh*
 торжественный вечер
 шандан ♦ *šāndan* نشانند ♦ *nešāndan* کاشتن ♦ *kāştan* کاشتن
 посадить дерево ♦ *kāştane deraxt* کاشتن درخت ♦ *kāştane deraxt*
 шане серк ♦ *šānasarak* شانہ بہ سر ♦ *šānebesar* سر ♦ *šānebesar*
 шане гек ♦ *šānagak zadan* بی اعتنائى کردن ♦ *bi etenāyi kardan*
 не обращать внимания
 шаур ♦ *šāwar* دوش ♦ *duš* دوش ♦ *šāwar gereftān* دوش گرفتن ♦ *duš gereftān*
 принять душ
 шаул ♦ *šāwal* شاغل ♦ *šāqul* شاول ♦ *šāwal* شاول
 отвес м ♦ *šāwal* شاول ♦ *šāqul* شاول ♦ *šāwal* شاول
 экскаватор тех. ♦ *bile mekāniki* بیل مکانیکی ♦ *bile mekāniki*
 черешня бот. ♦ *gilās* گيلاس ♦ *šāhālū* شاه آلو ♦ *šāhālū*
 свидетельство ♦ *šāhedi* شهادت ♦ *šāhedi dādan* شهادت دادن ♦ *šāhedi dādan*
 освидетельствовать ♦ *šāhedi dādan* شهادت دادن ♦ *šāhedi dādan*
 летучая мышь зоол. ♦ *šābparak* خفاش ♦ *šābparak* خفاش ♦ *šābparak*
 полночь, поздно ночью ♦ *nimešab* نیمه شب ♦ *nimešab* نیمه شب ♦ *nimešab*
 днем и ночью ♦ *šāboruz* شب و روز ♦ *šāboruz* شب و روز ♦ *šāboruz*
 укроп бот. ♦ *ševīd* شوید ♦ *šebet* شبت ♦ *šebet*
 вошь ж ♦ *šepes* شیش ♦ *šepes* شیش ♦ *šepes*

почечина ж ♦ *sili* سيلي ♦ *špelāq* شپلاق
 выжимать белье ♦ *čelāndan* چلاندن ♦ *špelidan* شپلیدن
 вечерний, вечером ♦ *šabāne* شبانه ♦ *špi* شپى
 вечерняя школа ♦ *dabirestāne šabāne* دبیرستان شبانه ♦ *špi lisa* شپى ليسه
 свист м ♦ *sut* سوت ♦ *špelay* شپيلی
 вспаханное поле ♦ *dašte šoxm zade* دشت شخم زده ♦ *šodyār* شديار
 шдیاریدن ♦ *šodyārīdan* شدياریدن ♦ *šoxm kardan* شخم کردن ♦ *šoxm kardan*
 шрمندوک ♦ *šarmandok* شرمنده ♦ *šarmande* شرمند ♦ *šarmande*
 застенчивый прил. ♦ *šarmande* شرمند ♦ *šarmande*
 сидеть ♦ *nešāstan* نشستن ♦ *šestan* شستن
 штрнжі ♦ *šatranji* سترنجى ♦ *šatranji* سترنجى ♦ *šatranji*
 коврик, половик м, дорожка
 شعاع افكن ♦ *šōāfakan* نورافكن ♦ *nurafkan* نورافكن ♦ *nurafkan*
 больница ж ♦ *bimārestān* بیمارستان ♦ *šafāxāna* شفاخانه
 шфаخانه عسكرى ♦ *šafāxānaye askari* بیمارستان نظامى ♦ *bimārestāne nezāmi*
 госпиталь м
 шфталу ♦ *šaftālu* هلو ♦ *holu* هلو ♦ *holu*
 сорт персиков ♦ *noui holu* نوعى هلو ♦ *šaftālu* شفتالوى
 шфтар бот. м ♦ *šabdar* شبدر ♦ *šabdar* شبدر ♦ *šabdar*
 шфтал бот. м ♦ *šabdar* شبدر ♦ *šabdar* شبدر ♦ *šabdar*
 шк (шقوق) ♦ *šaq* رشته ♦ *rešte* رشته ♦ *rešte*
 шк ♦ *šokor* شكر ♦ *šokr* شكر ♦ *šokr*
 брать взятку ♦ *rošve xordan* رشوه خوردن ♦ *rošve xordan*
 давать взятку ♦ *rošve dādan* رشوه دادن ♦ *rošve dādan*
 обжора ♦ *šekamu* شكمو ♦ *šekambu* شكمبو ♦ *šekambu*
 хрупкий, ломкий прил. ♦ *šekanande* شکننده ♦ *šekanand* شکنند ♦ *šekanand*
 шкіден ♦ *šakidan* مالیدن ♦ *mālidan* مالیدن ♦ *mālidan*
 шкгаф ♦ *šegāf* شکاف ♦ *šegāf* شکاف ♦ *šegāf*
 скалывать, рассекать ♦ *šekāftan* شکافتن ♦ *šekāftan* شکافتن ♦ *šekāftan*
 шлік احترام ♦ *šelike ehterām* آتش بازی ♦ *ātašbāzi* آتش بازی ♦ *ātašbāzi*
 шмате ♦ *šamāta* زنگ ساعت ♦ *zange sāat* زنگ ساعت ♦ *zange sāat*
 ветер м ♦ *bād* باد ♦ *bād* باد ♦ *bād*
 север м ♦ *šomāl* شمال ♦ *šemāl* شمال ♦ *šemāl*
 шмалк ♦ *šamālāk* باد صبا ♦ *šamālāk* باد صبا ♦ *šamālāk*
 шотке ♦ *šotka* بروس ♦ *bros* بروس ♦ *bros*
 шурба ♦ *šurbā* سوپ ♦ *sup* سوپ ♦ *sup*

- лечебный, гигиенический ♦ *behdāšti* صحي *sehhi* ♦
 - سرویس صحي *serwise sehhi* ♦ خدمات بهداشتی *behdāsti xadamāte* ♦
 медицинское обслуживание с, медслужба
 - غیر صحي *qayre sehhi* ♦ غیر بهداشتی *qeyre behdāsti* ♦
 негигиеничный, антисанитарный
 - وضع صحي *waz'e sehhi* ♦ وضع بهداشتی *vaz'e behdāsti* ♦
 состояние здоровья ♦ صدای ترم *sadāye tarbam* ♦ صدای ضعیف *sedāye zaif*. صدای زیر *sedāye zir* ♦
 низкий голос
 - صدارت عظمیٰ *sedārateozmā* ♦ نخست وزیر *naxostvaziri* ♦
 премьер-министерство, правительство
 صدر اعظم *sadra'zam*. لمری وزیر *lomray wazir* ♦ نخست وزیر *naxostvazir* ♦
 премьер-министр
 - صدی *sadi* ♦ سده *sade* ♦ столетие, век
 صرف *serf* ♦ فقط *faqat*. تنها *tanhā* ♦
 - صفا کردن *safā kardan* ♦ پاک کردن *pāk kardan* ♦
 чистить ♦ صفایی *safāyi* ♦ پاک کاری *pākkāri*. نظافت *nezāfat* ж ♦
 чистота ж ♦ صفحات *safahāt* ♦ مناطق *manāteq* ♦
 районы ♦ صکوک (صک) *sokuk* ♦ اسناد (سند) *asnād* ♦
 документы ♦ صنایع خفیف *sanāyae xafif* ♦ صنایع سبک *sanāyee sabok* ♦
 легкая промышленность ♦ صندلی *sandali* ♦ کرسی *korsi* ♦
 корси ♦ صندوق سینه *sanduqe sina* ♦ قفسه سینه *qafaseye sine* ж ♦
 грудная клетка ж ♦ صنف *senf* ♦ کلاس *kelās* ж ♦
 класс ж ♦ - هم صنفی *hamsefni* ♦ همکلاسی *hamkelāsi* ж ♦
 одноклассник ж ♦ صیفیه *sayfiya* ♦ خانه ییلاقی *xāneye yeqlāqi*. باغ *bāq*. ییلاق *yeqlāq* ж ♦
 дача ж

ض

- ضربه *zarba* ♦ ضربت *zarbat* ж ♦
 удар ж ♦ ضم *zemm* ♦ پیوست *peyvast* ♦
 при ضم *zemme* ♦ مکتوب *maktub* ♦ پیوست نامه *peyvaste nāme* ♦
 приложенный к письму
 ضمیمه *zamima* ♦ پیوست *peyvast* ж ♦
 приложение с ضیق *ziq* ♦ تنگی *tangi*. کمی *kami* ♦
 узость, нехватка

- شور خوردن *šurxordan* ♦ تکان خوردن *tekān xordan* ♦
 двигаться ♦ شوی (مجاوره ای) *šuy* ♦ شوهر *souhar* ♦
 муж, супруг ♦ شیار *šiyār*. شدیار *šodyār* ♦ دشت شخم زده *dašte šoxm zade* ♦
 вспаханное поле ♦ شیاریدن *šiyāridan* ♦ شخم کردن *šoxm kardan* ♦
 вспахивать ♦ شیب ♦ *šib* شیب *šib* م ♦
 уклон ♦ شیت بالشت *šite bālešt* ♦ روبالشی *rubāleši* ж ♦
 наволочка ж ♦ شیت لحاف *šite lehāf* ♦ رولحافی *rolahāfi* م ♦
 пододеяльник ♦ شیخ السفرا *šeyxossofarā* ♦ مقدم السفرا *moqaddamossofarā* ♦
 старшина дипломатического корпуса
 شیر ♦ *šer* شیر ♦ *šir* شیر م ♦
 лев ♦ شیر آبی (رنگ) *širābi* ♦ آسمانی کم رنگ *āsemāniye kamrang* ♦
 голубой ♦ شیرچوش *širčuš* ♦ پستانک شیشه *pestānake šīše* ♦
 соска для молока ♦ شیردانی *širdāni* ♦ شیردان *širdān* ж ♦
 молочница ♦ شیردهن *širdahan* ♦ شیرآب *šire āb* م ♦
 кран ♦ شیرخ *širyax*. آیس کریم *āyskrim* ♦ بستنی *bastani* ♦
 мороженое с ♦ شیرینچه *širinča* ♦ شیرینک *širinak* ♦
 сырь ж, прыщики ♦ شیرینکه *širinka* ♦ جوش صورت *juše surat*. بخار *boxār* ♦
 прыщ م

ص

- صاحب *sāheb* ♦ ارباب *arbāb*. آقا *āqā* ♦
 господин, хозяин ♦ صاف و سترو *sāfosotra* ♦ رک و راست *rokorāst* ♦
 прямо, откровенно, непосредственно
 صافه *sāfa* ♦ صاف کن *sāfkon* ♦
 фильтр, цедилка ♦ صافی *sāfi* ♦ پاک *pāki* ж ♦
 чистота ж ♦ صافی *sāfi* ♦ لته *late* ж ♦
 тряпка (кухонная) ♦ صباح *sabāh* ♦ صبح *sobh* ♦
 утро ♦ صیاله *sabāla* ♦ فردا *fardā* ♦
 завтра ♦ صباناری *sabānāri*. ناشتا *nāštā* ♦ صبحانه *sobhāne* ♦
 завтрак م ♦ صبحکی (مجاوره ای) *sobhaki* ♦ صبح *sobh* ♦
 утром ♦ صحت حمام *sehgate hammām* ♦ ساعت آب گرم *sāate ābe gārm* ♦
 с легким паром ♦ صحت یابی *sehhatyābi* ♦ معالجه *moāleje* ♦
 лечение с

طیاره ران *tayyārārān* ✧ طیاره وان *tayyārāwān*. پیلوت *pilot*. هوا باز *hawābāz* ✧ خلبان *xalabān* ✧
 летчик, пилот м
 طیاره وان *tayyārāwān* ✧ طیاره ران *tayyārārān*. پیلوت *pilot*. هوا باز *hawābāz* ✧ خلبان *xalabān* ✧
 летчик, пилот м
 طیر (طیور) *tayr* ✧ مرغ (مرغان) *morq*. پرندہ (پرندگان) *parande* ✧
 طیور کردن *tayun kardan* ✧ کوک کردن *kuk kardan* ✧
 заводить, настраивать

ظ

ظالم *zālem* ✧ ستمگر *setamgar* ✧ жестокий, тиран
 ظرف گلی (محواره ای) *zarfe geli* ✧ ظرف سفالی *zarfe sofāli* ✧
 керамическая посуда
 ظرفیت *zarfiyyat* ✧ ۱- توان *tavān*. ۲- برد *bord* ✧
 1. емкость 2. мощность ж
 ظفر *zafar* ✧ پیروزی *piruzi* ✧ победа ж
 ظفرمند *zafarmand* ✧ پیروزمندانه *piruzmandāne* ✧
 ظلم ✧ *zolom* ✧ ظلم *zolm* ✧
 жестокость ж, тирания ж

ع

عاجل *ajāl* ✧ فوری *fouri*. زود *zud* ✧
 عارضه *āreza* ✧ عیب *eyb* ✧
 عالی رتبه *ālirotba* ✧ بلند پایه *bolandpāye*. عالیقدر *āliqadr* ✧
 высокопоставленный прил.
 عالی مقام *ālimaqām* ✧ بلند پایه *bolandpāye*. عالیقدر *āliqadr* ✧
 высокопоставленный прил.
 عامه *amma* ✧ عمومی *omumi*. عام *ām* ✧
 общественный прил.
 عایدات *āyedāt* ✧ درآمدها *darāmadhā* ✧
 доходы
 عاید (عواید) *āyed* ✧ درآمد *darāmad* ✧
 доход м
 عاید ملی *āyede melli* ✧ درآمد ملی *darāmade melli* ✧
 национальный доход
 عدسیه *adasiya* ✧ عدسی *adasi* ✧
 линза ж
 عراده *arrāda* ✧ چرخ *carx* ✧
 колесо с

ط

طاسبرگ *tāsbarg* ✧ برگ *barg* ✧
 лист м
 طاق << تاق *tāq* ✧ ۱- تک *tak*. ۲- بی همتا *bihamtā* ✧
 1. нечетный 2. единственный
 طالع *tāle* ✧ سرنوشت *sarnevēšt*. بخت *baxt* ✧
 судьба ж
 طالعمند *tālemand* ✧ خوشبخت *hošbaxt* ✧
 счастливый прил.
 طباشیر << تاباشیر *tabāšer* ✧ گچ *gač* ✧
 мел м
 طبع *tab* ✧ چاپ *čāp* ✧
 печатание с
 طبع کردن *tab` kardan* ✧ چاپ کردن *čāp kardan* ✧
 печатать
 طپانچه << تپانچه *tapānča* ✧ سیلی *sili* ✧
 пощечина ж
 طحال *tahāl* ✧ سپرز *seproz* ✧
 селезенка анат.
 طراح *tarrāh* ✧ نقاش *naqqāš* ✧
 художник м
 طرح *tarh* ✧ تالیف *ta` lif* ✧
 составление, разработка
 طرح کردن *tarh kardan* ✧ تالیف کردن *ta` lif kardan* ✧
 составлять, разрабатывать
 طرزالعمل *tarzolamal* ✧ دستورالعمل *dasturolamal* ✧
 инструкция
 طعام *taām* ✧ خوردنی *xordani* ✧
 кушанье с, еда ж
 طعامخانه *taāmxāna* ✧ ناهارخوری *nāhārxori* ✧
 столовая ж
 طفل *tefel* ✧ کودک *kudak* ✧
 ребенок м, дитя с
 طفلانه *teflāna* ✧ کودکانه *kudakāne* ✧
 детский прил.
 طلا ✧ *tela* ✧ طلا *talā* ✧
 золото с
 طناب *tanāw* ✧ طناب *tanāb* ✧
 веревка ж
 طوی << توی *toy* ✧ عروسی *arusi* ✧
 свадьба ж
 طويل المدة *tawilolmoddat* ✧ درازمدت *derāzmoddat* ✧
 долгосрочный прил.
 - پلان طويل المدة *pelāne tawilolmoddat* ✧ برنامه دراز مدت *barnāme derāzmoddat* ✧
 долгосрочный план
 - قرضه طويل المدة *qarzaye tawilolmoddat* ✧ وام درازمدت *vāme derāzmoddat* ✧
 долгосрочный кредит
 طیاره *tayyāra* ✧ هواپیما *havāpeymā* ✧
 самолет м
 طیاره بحری *tayyāraye bahri* ✧ هواپیمای نیروی دریائی *havāpeymāye niruye daryāyi* ✧
 самолет воздушных сил
 طیاره جت *tayyāraye jet* ✧ هواپیمای جت *havāpeymāye jet* ✧
 реактивный самолет

- عنعنوی *an`anawi* ✧ سنتی *sonnati* ✧ традиционный прил.
 عنعنه *an`ana* ✧ سنت *sonnat*. آداب *ādāb* ✧ традиция ж
 عنقریب *anqarib* ✧ به زودی *be zudi* ✧ скоро
 عودت کردن *audat kardan* ✧ تخلیه کردن (نیرو) *taxliye kardan* ✧ м вывод (войск)
 عیار کردن *ayār kardan* ✧ کوک کردن *kuk kardan* ✧ заводить
 عیب ✧ *ayb* ✧ عیب *eyb* ✧ м недостаток, порок
 عینک ✧ *aynak* ✧ عینک *eynak* ✧ очки
 - فریم عینک *fereme aynak* ✧ قاب عینک *qābe eynak* ✧ оправа
 عینک زانو *aynake zānu* ✧ کاسه زانو *kāseye zānu* ✧ ж коленная чашка
 عینی *ayni* ✧ ۱- تنی *tani* ✧ ۲- واقعی *vāqei* ✧ 1. родной 2. объективный
 - برادر عینی *berādare ayni* ✧ برادر تنی *berādare tani* ✧ м родной брат
 - حقیقت عینی *haqiqate ayni* ✧ حقیقت واقعی *haqiqate vāqei* ✧
 объективная реальность ж

غ

- غاب *qāb* ✧ بشقاب *bošqāb* ✧ ж тарелка
 غاز *qāz*. گاز *gāz* ✧ گاز *gāz* ✧ م газ
 - بالن گاز *bālune gāz* ✧ کپسول گاز *kapsule gāz* ✧ م газовый баллон
 غازي *qāzi*. گازی *gāzi* ✧ گازی *gāzi* ✧ م газовый
 غایطه *qāyeta* ✧ مدفوع *madfu`* ✧ م کال
 غدیر *qadir*. دند *dand* ✧ آبگیر *ābgir* ✧ с водоем, пруд, озеро
 غر *qar* ✧ بدکاره *badkāre*. گمراه (زن) *gomrāh* ✧ م распутная женщина
 غربال *qarbāl*. غلبیل *qalbīl* ✧ الک *alak* ✧ с решето, сито
 غرس *qars* ✧ نهال *nahāl* ✧ م саженец
 غرس کردن *qars kardan* ✧ کاشتن *kāstan* ✧ م сажать (деревья), посадить
 غرفه *qorfa* ✧ لَوْج *loj* ✧ ж ложа
 غرفه *qorfa* ✧ حجره *hojre* ✧ م киоск
 غریب *qarib* ✧ فقیر *faqir*. بی بضاعت *bi bezāat* ✧ م бедный, нищий
 - خلق غریب *xalqe qarib* ✧ مردم فقیر *mardome faqir* ✧ م бедные люди, нищие
 غریژن *qarijan*. غلیژن *qalejan* ✧ لجن *lajan* ✧ ж тина
 غودی *qajdi*. تاژ *tāj* ✧ چادر *čador*. خیمه *xeyme* ✧ ж шатер, палатка
 غوغژ *qejqej* ✧ خر و پف *xorapof* ✧ م храп

- عراده جات *arrādajāt* ✧ اتومبیل (ها) *otomobil* ✧ (и) автомобиль
 عروس ✧ *arus* ✧ عروس *arus* ✧ ж невеста, невестка
 عروس کشک *aruskešak* ✧ جناغ شکستن *jenāq šekastan* ✧
 играть в "бери и вспомни"
 عریضه *ariza* ✧ درخواستی *darxāsti* ✧ с заявление
 عسکر (عساکر) *askar* ✧ سرباز *sarbāz* ✧ м солдат
 عسکری *askari* ✧ سربازی *sarbāzi*. نظامی *nezāmi* ✧ 1. военный 2. воинская служба
 - به عسکری رفتن *ba askari raftan* ✧ به خدمت نظام رفتن *be xedmate nezām raftan* ✧
 уходить на военную службу
 - خدمت عسکری *xedmate askari* ✧ نظام وظیفه *nezām vazife*. خدمت سربازی *xedmate sarbāzi* ✧
 военная служба ж
 عصا چوب *asāčub* ✧ عصا *asā* ✧ ж палка
 عصبی *asabi* ✧ عصبانی *asabāni* ✧ م нервный
 عصری *asri* ✧ معاصر *moāser* ✧ م современный
 عف عف *afaf*. غف غف *qaf qaf* ✧ عو عو *ou ou*. واق واق *vāq vāq* ✧ م лай
 عقب مانده *aqabmānda* ✧ پس مانده *pasmānde* ✧ م отсталый
 عقب مانده گی *aqabmāndagi* ✧ پس ماندگی *pasmāndegi* ✧ ж отсталость
 عقرб *aqrab* ✧ آبان *ābān* ✧ م VIII месяц солнечного года
 عقریک *aqrabak* ✧ عقریه *aqrafe* ✧ ж стрелка
 عقل ✧ *aqel* ✧ عقل *aqi* ✧ ж разум, ум, мудрость
 عکاسی *akāsi* ✧ آکاسی *ākāsi* ✧ ж акация бот.
 عکس گیری کردن *akesgiri kardan* ✧ عکس گرفتن *aks gereftan* ✧ م сфотографироваться
 علامت اعشاریه *alāmate ašāriya* ✧ ممیز (علامت) *motayyez* ✧
 запятая (арифметическая)
 علامه *alāma* ✧ علامت *alāmat* ✧ م знак
 علفچر *alafčar* ✧ مرغزار *marqzār*. چراگاه *čarāgāh* ✧ с пастбище, пашня, поле
 علم ✧ *elem* ✧ علم *elm* ✧ ж наука
 علم و خبر *elmoxabar* ✧ اظهارنامه *ezhārnāme* ✧ ж декларация
 علوفه *alufa* ✧ علف *alaf* ✧ ж фураж, корм
 علوم بشری *olum bašari* ✧ علوم انسانی *olum ensāni* ✧ م гуманитарные науки
 عمدا *amdan* ✧ تعمدًا *taamodan* ✧ م умышленно
 - کاری را عمدا کردن *kāri rā amdan kardan* ✧
 کاری را تعمدًا کردن *kāri rā taamodan kardan* ✧ م делать что-то умышленно
 عمومی *omumi* ✧ کل *koll* ✧ م общий, генеральный, главный
 - مدیر عمومی *modire omumi* ✧ مدیر کل *modire koll* ✧ م генеральный директор
 عنعنات *ananāt* ✧ آداب و رسوم *ādāborosum* ✧ م традиции

ف

- فابریکه ♦ *fābrika* ♦ کارخانه *kārxāne* م ♦ завод
 فاجه *fāja*. فاژه *fāja*. قاژه *qāja* ♦ خمیازه *xamyāze* ж ♦ зевота
 فاجه کشیدن ♦ *fāja kašidan* ♦ خمیازه کشیدن *xamyāze kešidan* ♦ зевать
 فارسی بان ♦ *fārsibān* ♦ فارسی زبان *fārsizabān* ♦ персоязычный
 فارم ♦ *fārm* ♦ فرم *ferm* ж ♦ ферма
 فارم زراعتی ♦ *fārmе zarāati* ♦ فرم کشاورزی *ferme kešāvarzi* ♦
 сельскохозяйственная ферма ж
 فارمسی ♦ *fārmasi* ♦ داروسازی *dārusāzi* ж ♦ фармоцевтика
 فارنیچر ♦ *fārničar*. فرنیچر *farničar* ♦ مبلمان *mobleman*. مبل *mobl* ж ♦ мебель
 فاژه *fāja*. فاجه *fāja*. قاژه *qāja* ♦ خمیازه *xamyāze* ж ♦ зевота
 فاصولیه << فاصولیة ♦ *fāsoliya* ♦ لوبیا *lubiya* ж ♦ фасоль
 فاشزم ♦ *fāšizm* ♦ فاشیسم *fāšism* م ♦ фашизм
 فاصولیه << فاصولیة ♦ *fāsoliya* ♦ لوبیا *lubiya* ж ♦ фасоль
 فاکولته ♦ *fākulta* ♦ دانشکده *dāneškade* م ♦ факультет
 فالبینک ♦ *fālbinak* ♦ کنشدوزک *kašduzak* ж ♦ божья коровка
 فالتو ♦ *fāltu*. پرزه جات ♦ *porzājāt* ♦ زاپاس *zāpās*. لوازم یدکی *lavāzeme yadaki*. اضافہ *ezāfe* ♦
 запасные части, запасной прил.
 - سامان فالتو ♦ *sāmāne fāltu* ♦ لوازم یدکی *lavāzeme yadaki* ♦ запасные части
 فالکباز ♦ *fālakbāz* ♦ فالبین *fālbin*. فالگیر *fālgir* ж ♦ гадалка
 فالوده ♦ *fāluda*. فرینی *ferini* ♦ پالوده *pālode* م ♦ кисель
 فالیز ♦ *fāliz*. پالیز ♦ *pāliz* ♦ جالیز *jāliz* م ♦ бахча ж, огород
 فالیزی ♦ *fālizi*. پالیزی ♦ *pālizi* ♦ جالیزی *jālizi* ♦ бахчевые, огородные прил.
 فالیز کاری ♦ *fālizkāri*. پالیزکاری ♦ *pālizkāri* ♦ جالیزکاری *jālizkāri* ♦
 бахчеводство с, огородоводство
 فایر ♦ *fāyr*. تیراندازی ♦ *tirandāzi*. شلیک ♦ *šelik* ♦ выстрел, стрельба
 فایر کردن ♦ *fāyr kardan* ♦ تیراندازی کردن ♦ *tirandāzi kardan*. شلیک کردن ♦ *šelik kardan* ♦ стрелять
 فبروری ♦ *febrwari* ♦ فوریه *fevriye* م ♦ февраль
 فتادن ♦ *fetādan*. افتادن ♦ *aftādan*. افتیدن ♦ *aftidan* ♦ افتادن ♦ *oftādan* ♦ падать
 فتنبال ♦ *foṭbāl* ♦ فوتبال *futbāl* م ♦ футбол
 فتق ♦ *fataq* ♦ باد فتق *bāde fatq* ж ♦ грыжа анат.

- غژگاو ♦ *qejgāw* ♦ کژگاو *kajgāv*. گاو ختایی *gāve xatāyi* ♦ як зоол.
 غسل ♦ *qosel* ♦ حمام کردن *hammām kardan*. استحمام *estehmām* ♦ купание
 غسل خانه ♦ *qoselxāna* ♦ اتاق حمام *otāqe hammām*. حمام *hammām* ♦
 ванная комната, баня ж
 غصه ♦ *qossa* ♦ غصه *qosse* ж ♦ горе, печаль, грусть
 غف ♦ *qaf*. عف عف ♦ *af af* ♦ عو عو *ou ou*. واق واق ♦ *vāq vāq* م ♦ лай
 غلبیل ♦ *qalbil*. غریبال ♦ *qarbāl* ♦ الک ♦ *alak* ♦ решето, сито
 غلطاندن ♦ *qaltāndan* ♦ ۱- تخریب کردن *taxrib kardan*. ۲- هل دادن *hol dādan* ♦
 1.сносить (дом) 2.толкать
 غلط فهمی ♦ *qalatfahmi* ♦ سوء تفاهم *sue tafāhom* ♦
 недоразумение, недопонимание
 غلطی ♦ *qalati* ♦ غلط *qalat*. اشتباه *eštebāh* ж ♦ ошибка
 غلیژن ♦ *qalejan*. غریژن ♦ *qarijan* ♦ لجن *laĵan* ж ♦ тина
 غم شریک ♦ *qamšarik* ♦ شریک غم *šarike qam* ♦ разделяющий горе, сочувствующий
 غند ♦ *qond* ♦ هنگ *hang* م ♦ полк
 غند مشر ♦ *qondmešer* ♦ سرهنگ *sarhang* م ♦ полковник
 غند مشر دو ♦ *qondmešerdu* ♦ سرهنگ دوم *sarhang dovom* م ♦ подполковник
 غندل ♦ *qondal* ♦ غنده *qande*. رتیل *roteyl* ♦ фаланга, тарантул зоол.
 غندی ♦ *qondi* ♦ تپه *tappe* م ♦ холм, пригорок
 غور کردن ♦ *qour kardan* ♦ دقت کردن *deqqat kardan* ♦ обращать внимание
 غور مگس ♦ *qormagas* ♦ خر مگس *xarmagas* م ♦ овод
 غوری ♦ *quri* ♦ مجمیعین *maĵma'in* ♦ большое блюдо
 غولک ♦ *qolak* ♦ کمان *kaṁān* ♦ лук, рогатка
 غولک ♦ *qollak* ♦ قلک *qollak* ж ♦ копка (глиняная)
 غوله ♦ *qola* ♦ کنده درخت *kondaye deraxt* ♦ چوربان (деревянный), корень
 غیرت ♦ *qayrat* ♦ غیرت *qeyrat* ♦ усердие
 غیر حاضر ♦ *qayre hāzer* ♦ غایب *qāyeb* ♦ отсутствующий
 غیر صحی ♦ *qayre sehhi*. غیر نظافتی ♦ *qayre nezāfati* ♦ غیر بهداشتی ♦ *qeyre behdāšti* ♦
 негигиеничный, антисанитарный прил.
 غیر منسلک ♦ *qayre monsalek* ♦ غیر متعهد *qeyre moteahed* ♦ непосоединившиеся
 - کشورهای غیر منسلک ♦ *qayre monsalek* ♦ کشورهای غیرمتعهد *kešvarhāye qeyre moteahed* ♦
 непосоединившиеся страны
 غیسی << قیسی ♦ *qaysi* ♦ زردآلو *zardālu* م ♦ абрикос

- فیصدی ✧ fisadi ✧ درصد ✧ *darsad* процент м ✧
 فیصله ✧ faysala ✧ تصمیم ✧ *tasmim* решение с ✧
 فیصله کردن ✧ faysala kardan ✧ حل کردن ✧ *hall kardan*. تصمیم گرفتن ✧ *tasmim gereftan* решать ✧
 فیصله نامه ✧ faysalanāma ✧ تصمیم نامه ✧ *tasmimnāme* с ✧ решение
 فیل ✧ fayl ✧ ناکام ✧ *nākām* неудачливый прил. ✧
 фил مرغ ✧ filmurq ✧ بوقلمون ✧ *buqalamun* м ✧ индюк
 فیلیپایه ✧ filpāya ✧ تیر ✧ *tir*. پایه ✧ *pāye* бревно, столб ✧
 فیلوшپ ✧ felošep ✧ بازآموزی در خارج ✧ *bāzāmuzi dar xārej* (заграницей) ✧ стажировка

ق

- قاب ✧ qāb ✧ بشقاب ✧ *bošqāb* тарелка ж ✧
 قات ✧ qāt ✧ لای ✧ *lā* слой, пласт, складка ✧
 - دو قات ✧ *doqāt* ✧ دولا ✧ *dolā* сложенный вдвое ✧
 قات کردن ✧ qāt kardan ✧ تا کردن ✧ *tā kardan* складывать, стигать ✧
 قاتکی ✧ qātaki ✧ تاشو ✧ *tāšo*. قابل حمل دستی ✧ *qābele hamle dasti* портативный прил. ✧
 قاج دگمه ✧ qaje dogma ✧ قالب دگمه ✧ *qālebe dogme*. مادگی دگمه ✧ *mādegiye dogme* ✧
 петля для пуговицы
 قازۀ ✧ qāja ✧ قازۀ ✧ *fāja*. قاجۀ ✧ *fāja* ✧ خمیازۀ ✧ *hamyāze* ж ✧ зевота
 قازۀ کشیدن ✧ qāja kašidan ✧ خمیازۀ کشیدن ✧ *hamyāze kešidan* зевать ✧
 قاش ✧ qāš ✧ قاش ✧ *qāš* м ✧ кусок, ломтик ✧
 قاغ ✧ qāq ✧ بیات ✧ *bayāt*. خشک ✧ *xošk* сухой, черствый ✧
 - نان قاغ ✧ nāne qāq ✧ نان بیات ✧ *nāne bayāt*. نان خشک ✧ *nāne xošk* черствый хлеб ✧
 قاغوش ✧ qāquš ✧ قوغوش ✧ *qouquš*. چونی ✧ *čawani* ✧ سربازخانۀ ✧ *sarbāzxāne* ж ✧ казарма
 قافله باشی ✧ qāfelabāši ✧ قافله والا ✧ *qāfelawālā* ✧ قافلۀ سالار ✧ *qāfelesālār* м ✧ караванщик
 قاق ✧ qāq ✧ بیات ✧ *bayāt*. خشک ✧ *xošk* (хлеб), сухой ✧ черствый ✧
 قاقدار ✧ qāqdār ✧ آحاری ✧ *āhāri* ✧ накрахмаленный прил. ✧
 قالین ✧ qālin ✧ قالی ✧ *qālī*. فرش ✧ *farš* м ✧ ковер
 قالینچہ ✧ qālinča ✧ قالی یا فرش کوچک ✧ *qālī yā farše kučak* м ✧ коврик
 قاموس ✧ qāmus ✧ دکشنری ✧ *dekšeneri* ✧ فرهنگ ✧ *farhang* м ✧ словарь
 قانفوزک ✧ qānfuzak ✧ کنشدوزک ✧ *kāfšduzak* ✧ божья коровка зоол. ✧
 قبر ✧ qaber ✧ قبر ✧ *qabr* ж ✧ могила, гробница
 قبرغہ ✧ qabarqa ✧ دندہ (بدن) ✧ *dande* с ✧ ребро

- فرآمدن ✧ far āmadan ✧ پیاده شدن ✧ *piyāde šodan* ✧ спускаться, слезать, сходить ✧
 فرفرانک ✧ ferferānak ✧ فرزد ✧ *ferfere* юла ж ✧
 فرقہ ✧ ferqa ✧ لشکر ✧ *laškar* ж ✧ дивизия воен.
 فرم ✧ ferm ✧ شرکت ✧ *šerkat* с ✧ товарищество
 فرمایش ✧ farmāyeš ✧ سفارش ✧ *sefāreš* м ✧ заказ
 فرنیچر ✧ farničar. فارنیچر ✧ *fārnīčār* ✧ میلمان ✧ *mobleman*. مبل ✧ *mobl* ж ✧ мебель
 فرودآیی ✧ forudāyi ✧ نشست ✧ *nešast* ✧ приземление
 فریم ✧ ferem ✧ قاب ✧ *qāb* ж ✧ рамка
 فریم عینک ✧ fereme aynak ✧ قاب عینک ✧ *qābe eynak* ✧ оправа
 فرینی ✧ ferini. فالودہ ✧ *fāluda* ✧ پالودہ ✧ *pāluda* м ✧ кисель
 فزیک ✧ fezik ✧ فیزیک ✧ *fizik* ж ✧ физика
 فعلا ✧ fe`lan ✧ همین حالا ✧ *hamin hālā*. الان ✧ *alān* ✧ прямо сейчас
 فکاهی ✧ fakāhi ✧ جوک ✧ *jok* м ✧ анекдот
 فکت ✧ fakt ✧ فاکت ✧ *fākt* м ✧ факт
 فکر ✧ feker ✧ فکر ✧ *fekr*. اندیشه ✧ *andiše* ✧ мысль
 فل ✧ fel ✧ فیل ✧ *fil* м ✧ слон
 فلولوجی ✧ felālūji ✧ فقه اللغه ✧ *feqholluqqe* ж ✧ филология
 فلتر ✧ feltār ✧ فیلتر ✧ *filter* м ✧ фильтр
 فلج ✧ falj ✧ فلج ✧ *falaḡ* м ✧ паралич, инсульт
 فلم ✧ felm ✧ فیلم ✧ *film* м ✧ фильм
 فلم گیری ✧ felmگیری ✧ فیلم برداری ✧ *filmbardāri* ж ✧ киносъемка
 فلیته ✧ falita ✧ فتیلہ ✧ *fetile* м ✧ фитиль
 فنانس ✧ fenāns. فینانس ✧ *fināns* ✧ دارایی ✧ *dārāyi* ✧ финансы
 فوج دار ✧ fawjdār ✧ فرمانده ✧ *farmāndeh* ✧ военачальник, командир воен.
 فورم ✧ form ✧ لباس مخصوص ✧ *lebāse maxsus* ✧ спецодежда, форма
 فورمه ✧ forma ✧ فرم ✧ *form* ✧ форма
 فیتہ ✧ fita. پتارہ ✧ *patāra* ✧ نوار ✧ *navār* ж ✧ пленка
 فیتہ اندازہ گیری ✧ fitaye andāzageri ✧ متر ✧ *metr*. نوار اندازہ گیری ✧ *navāre andāzegeri* ✧
 рулетка для измерения длины
 فیر ✧ fayr. فایر ✧ *fāyir* ✧ تیراندازی ✧ *tirandāzi*. شلیک ✧ *šelik* ✧ стрельба, выстрел
 فیر کردن ✧ fayr kardan ✧ تیراندازی کردن ✧ *tirandāzi kardan*. شلیک کردن ✧ *šelik kardan* ✧ стрелять
 فیروزہ ✧ firuza ✧ فیروزہ ✧ *firuze* ж ✧ бирюза
 فیز ✧ fayz ✧ شهریه ✧ *šahriye* ✧ оплата за учебу ✧
 فیس ✧ fis ✧ حق الزحمہ ✧ *haqqozzahme* м ✧ гонорар
 فیشن ✧ fišan ✧ مد ✧ *mod*. آرایش ✧ *ārāyeš* ж ✧ мода
 فیشنئی ✧ fišani ✧ به مد ✧ *bemod* ✧ модный

قطاره های زینه *qatārahāye zina* ♦ کناره های پله *kenārehāye pelle* ♦
 قطعه *qet`a* ♦ کارت بازی *kārte bāzi* ♦
 قطعه بازی کردن *qet`abāzi kardan* ♦ کارت بازی کردن *kārtbāzi kardan* ♦
 قلابه *qollāba* ♦ قلاب *qollāb* ♦
 قلابه *qollāba* ♦ کوک (با نخ) *kuk* ♦
 قلیبه *qolba* ♦ شخم *šoxm* ♦
 قلیبه کردن *qolba kardan* ♦ شخم کردن *šoxm kardan* ♦
 قلیبه کشی *qolbakaši* ♦ شخم کاری *šoxmkāri* ♦
 قلعی *qal`i* ♦ قلعه *qal`* ♦
 قلعی *qal`igar* ♦ قلعهگر *qal`gar* ♦
 قلف *qolf* ♦ قفل *qof* ♦
 قلفک *qolfak* ♦ چفت *čeft* ♦
 قلم آینه بری *qalame āyinabori* ♦ شیشه بر *šīsebor* ♦
 قلم تراش *qalamtarāš* ♦ مداد تراش *medādtarāš* ♦
 قلم خودرنگ *qalame xodrang* ♦ قلم خودنویس *qalame xodnevis* ♦
 قلم مخصوص *xalammaxsus* ♦ دستیار وزیر *dastyāre vazir* ♦
 قلی *qoli*. جوالی *jawāli* ♦ حمل *hamāl*. باربر *bārbar* ♦
 قمار ♦ *qemār* ♦ قمار *qomār* ♦
 قمچین *qamčīn* ♦ شلاق *šallāq*. تازیانه *tāzyāne*. قمچی *qamči* ♦
 قنددانی *qanddāni* ♦ قنددان *qanddān* ♦
 قندیل *qandil*. چراغ وارده *čarāqwāra* ♦ لوستر *luster*. آباژور *ābājur* ♦
 قوا *qowā* ♦ نیرو *niru* ♦
 قوای بشری *qowāye bašari* ♦ نیروی انسانی *niruye ensāni* ♦
 قوای کار *qowāye kār* ♦ نیروی کار *niruye kār* ♦
 قوای هوایی *qowāye hawāyi* ♦ نیروی هوایی *niruye havāyi* ♦
 قورمه *qorme* ♦ خورش *xoreš* ♦
 قوریه *quriya* ♦ نهال *nahāl* ♦
 قوس *qaus* ♦ آذر (ماه) *āzar* ♦
 قوس *qous* ♦ پرانتز *parāntez* ♦
 قوس کوچک *qouse kučak*. ناخنک *naxonak* ♦ گیومه *giyume* ♦
 قوغوش *qouquš*. چونی *čawni*. قاغوش *qāuquš* ♦ سربازخانه *sarbāzxāne* ♦
 قول اردو *qulordu* ♦ سپاه *sepāh*. سپه *sepah* ♦
 قوماندان *qumandān* ♦ فرماندار *farmāndār* ♦
 قوماندۀ *qumānda* ♦ فرمان *farmān* ♦
 قونسل *qonsol* ♦ کنسول *konsul* ♦

запор м ♦ *qabz* (شکم) قیض *qabziyyat* ♦
 отец м ♦ *pedar* گاه *qebلاغāh* ♦
 قبولدار بودن *qabuldār budan* ♦ قبول داشتن *qabul daštan* ♦
 принимать (предложение), соглашаться, одобрять
 قتل ♦ *qatel* ♦ قتل *qatl* ♦
 قداندām ♦ *qaddandām* ♦ قد *qadd* ♦
 قداندām گرفتن *qaddandām gereftan* ♦ اندازه گرفتن (لباس) *andāze gereftan* ♦
 снять мерки
 قدبخش *qaddpaxš* ♦ کوتاه *kutāhqadd* ♦
 قدپست *qaddpast* ♦ کوتاه *kutāhqadd* ♦
 قدیمها (محاوره ای) *qadimhā* ♦ از قدیم *az qadim* ♦
 قراری *qarāri* ♦ آرامی *ārāmi* ♦
 قرضه *qarza* ♦ وام *vām* ♦
 قرضه طویل المدت *qarzaye tawilolmoddat* ♦ وام درازمدت *vāme derāzmoddat* ♦
 долгосрочный кредит м
 قرضه قصیر المدت *qarzaye qasirolmoddat* ♦ وام کوتاه مدت *vāme kutāhmoddat* ♦
 краткосрочный кредит м
 قرطاس *qertās* ♦ کاغذ *kāqaz* ♦
 قرطاسیه *qertāsiya*. سامان قرطاسیه *sāmāne qertāsiya* ♦ لوازم التحریر *lavāzemoltahrir* ♦
 канцелярские товары
 قرعه بازی *qor`abāzi* ♦ قرعه کشی *qor`ekeši* ♦
 قرنفل *qaranfol* ♦ گل میخک *gole mixak* ♦
 قروت *qorut* ♦ کشک *kašk* ♦
 قره قل *qaraqol* ♦ قره گل *qaragol* ♦
 قشله *qešla* ♦ سربازخانه *sarbāzxāne* ♦
 قشله گاه *qešlagāh* ♦ شهرک نظامی *šahrake nezāmi* ♦
 قصر ♦ *qaser* ♦ قصر *qasr* ♦
 قصه ♦ *qessa* ♦ قصه *qesse* ♦
 قصیر *qasir* ♦ کوتاه *kutāh* ♦
 قصیر المدت *qasirolmoddat* ♦ کوتاه مدت *kutāhmoddat* ♦
 - پلان قصیر المدت *pelāne qasirolmoddat* ♦ برنامه کوتاه مدت *barnāme kutāhmoddat* ♦
 краткосрочный план
 - قرضه قصیر المدت *qarzaye qasirolmoddat* ♦ وام کوتاه مدت *vāme kutāhmoddat* ♦
 краткосрочный кредит
 قضا زده *qazāzada* ♦ آسیب دیده *āsibdide* ♦
 قطار *qatār* ♦ ردیف *radif* ♦
 قطاره *qatāra*. کناره *katāra* ♦ حصار *hesār*. نرده *narde*. کناره *kenāre* ♦
 перила, парапет

کتلوی << کتله وی katlawi ✧ دسته جمعی dastejam ✧ массовый

کتله katla ✧ توده tude. انبوه anbuه ж толпа

کتله انسانی katlaye ensāni. کتله مردم katlaye mardom ✧ توده مردم tudeye mardom

толпа ж

یک کتله حماقت است yek katla hemāqat ast ✧ او واقعا احمق است u vāqean ahmaq ast ✧

Он крутлый дурак

کتله kate ✧ بزرگ bozorg. کلفت koloft ✧ большой, крупный, толстый

کتله گوی kataguy ✧ گرافگو gazāfgo ✧ сквернослов

کتی kati ✧ با همراه hamrāh. вместе с,

کتی شما آمده بود katie šomā āmada bud ✧

همراه شما آمده بود hamrāhe šomā āmade bud ✧ Он пришел с Вами

کچکول kajkul ✧ کچکول kačkul ✧ کشکول kaškul ✧ деревянный сосуд

کچالو kačālu ✧ سیب زمینی sibzamini م ✧ картофель

کچک kočak ✧ توله tule سگ tulesag م ✧ щенок

کچکول kačkul ✧ کچکول kajkul ✧ کشکول kaškul ✧ деревянный сосуд

کخ kex ✧ کثافت kešāfat ж ✧ грязь

کدوگ kadugak ✧ بادکش bādkeš. меd. банки

کدوگ نشانندن kadugak nešāndan ✧ بادکش انداختن bādkeš andāxtan ✧

ставить банки меd.

کراچی karāči ✧ گادی gādi ✧ ارابه arrābe. گاری gāri ж ✧ арба, телега

کراچی ران karāčirān. کراچی وان karāčiwān ✧ ارابه چی arrābeci م ✧ возчик

کراکت karāktar. کرکت karaktar ✧ اخلاق axlāq م ✧ характер

کرایی karāyi ✧ تاوه tāve. تابه tābe ж ✧ сковородка

کرایی karāyi ✧ نیم nimru ж ✧ яичница

کرت karat ✧ مرتبه martabe. دفعه daf. بار bār م ✧ раз

سه کرت گفت se karat goft ✧ سه بار گفت se bār goft ✧ сказал три раза

کرت korta ✧ کاپشن kāpšan ж ✧ куртка

کرتی korti ✧ کت kot م ✧ пиджак

کرتی و پتلون kortiopatlun. دریشی deriši ✧ کت و شلوار kotošalvār م ✧ костюм

کرشمه karašma. ابروگک abrugak ✧ چشمک češmak ✧ подмигивание

کرشمه کردن karašma kardan ✧ چشمک زدن češmak zadan ✧ моргать, подмигивать

کرکت karaktar. کراکت karāktar ✧ اخلاق axlāq م ✧ характер

کرم karam ✧ کلم kalam ж ✧ капуста

کرم پیله korme pela ✧ کرم ابریشم korme abrišam م ✧ шелкопряд

کرم گل karamgol. کرم گلداز karame goldār ✧ گل karamgol م ✧ цветная капуста

کرمچ kermec. تریال tarpāl ✧ برزنت brezent م ✧ презент

کامرای سینما kāmraie sinamā ✧ دوربین فیلمبرداری durbine filmbardāri ✧

киносъемочная камера

کامرای عکاسی kāmraie akkāsi ✧ دوربین عکاسی durbine akkāsi م ✧ фотоаппарат

کامره kāmre. کامرا kāmra. کامرا kamrā ✧ دوربین عکاسی durbine akkāsi م ✧ фотоаппарат

کامه kāmā ✧ ویرگول virgul ж ✧ запятая

کان kān ✧ معدن ma` dan ж ✧ руда

کانتین kāntin ✧ کافه kāfeteriā. بوفه bufe م ✧ буфет

کاندکتر kāndaktar ✧ رهبر rahbare م ✧ дирижер

کانسرت kānsart ✧ کنسرت konsert م ✧ концерт

کانسرو kānsarw ✧ کنسرو konserv م ✧ консервы

کانفرنس kānfarans ✧ سخنرانی soxanrāni ж ✧ лекция

کانفرنس kānfarans ✧ کنفرانس konferāns ж ✧ конференция

اتاق کانفرنس otāqe kānfarans ✧ سالن کنفرانس sālon konferāns م ✧ конференц-зал

کانکریت kānkreyt. کانگریت kāngreyt. بیتم bitum ✧ بتن beton م ✧ бетон

کانکریت آهن kānkreyte āhendār ✧ بتن آرمه beton ārme م ✧ железобетон

کانکریت ریز kānkreytriz ✧ بتن ریز betonriz م ✧ бетонщик

کانکریت کاری kānkreytkāri ✧ بتن کاری betonkāri م ✧ бетонирование

کانکور kānkur ✧ کنکور konkur. مسابقه mosābeqe م ✧ конкурс

کانگر kāngar ✧ سیمان simān م ✧ цемент

کانگرس kāngres ✧ کنگره kongere م ✧ конгресс, съезд

کانگریت kāngreyt. کانکریت kānkreyt. بیتم bitum ✧ بتن beton م ✧ бетон

کاوچوک kāučuk ✧ کا نوچو (کا نوچوک) kāuču م ✧ каучук

کاوه kāwa ✧ هویه لایم کاری hoviye lahimkāri م ✧ паяльник

کاوه برقی kāwaye barqi ✧ هویه برقی hoviye barqi م ✧ электропаяльник

کاوه لیم کاری kāwaye leimkāri ✧ هویه لایم کاری hoviye lahimkāri م ✧ паяльник

کابین kabin ✧ کابین kabin. کابین kabīn ж ✧ кабина

کابین پیلوت kabin pilut ✧ کابین خلبان kābine xalabān ж ✧ кабина пилота

کپ kap ✧ کاپ kāp م ✧ кубок

کپتان kaptān ✧ کاپیتان kāpitān م ✧ капитан

کپره kapra ✧ نوعی پارچه po`i pārče م ✧ вид ткани

کپک kapak ✧ گوز guz ✧ горбатый

کت kate. بخش (محاوړه ای) baxše ✧ با همراه hamrāh. вместе с,

کناره katāra. قطاره qatāra ✧ نرده narde. حصار hesār م ✧ перила, парапет

کنک kotak ✧ چوب چوبانی čube čupāni ж ✧ дубинка, палка

کنگوری katagori ✧ درجه darāje ж ✧ категория

کتلاگ katlāg ✧ کاتالوگ katalog ✧ каталог

- کف خورک *kafxorak* ✧ مرغ دریایی *morqe daryāyi* ✧ чайка ж
 گفتان *kaftān* ✧ مبصر *mobser* ✧ староста класса
 گفتان *kaftāne kelās* ✧ مبصر *mobsere kelās* ✧ староста класса
 کفچه *kafča* ✧ چمچه *čamča* ✧ ملاقه *malāqe* ✧ قاشق *qāšq* ✧ بزرگ *qāšoqe bozorg* ✧ م *m* ✧ половник
 کفچه مار *kafčamār* ✧ مار عینکی *māre eynaki* ✧ ж *zh* ✧ cobra
 کفیل *kafil* ✧ جانشین موقت *jānešine movaqt* ✧
 временно исполняющий обязанности м
 کل *kal* ✧ کچل *kačal* ✧ 1. лысый 2. плешивый
 کل شدن *kačal šodan* ✧ کچل شدن *kačal šodan* ✧
 کل کردن *kal kardan* ✧ کچل کردن *kačal kardan* ✧
 کلاگ *kolāgak* ✧ کلاهک *kolāhak* ✧ ж *zh* ✧ головка
 کلال *kollāl* ✧ سفال *sofāl* ✧ ж *zh* ✧ керамика
 کلالی *kollāli* ✧ سفالی *spfāli* ✧
 کلان *kalān* ✧ بزرگ *bozorg* ✧
 کلان سال *kalānsāl* ✧ بزرگسال *bozorgsāl* ✧
 کلاره *kalāwa* ✧ کلاف *kalāf* ✧ م *m* ✧ моток (ниток)
 کلاه فولادی *kolāhe fulādi* ✧ کلاه *kolāh* ✧ خود *kolāhxud* ✧ ж *zh* ✧ шлем м, каска
 کلاب *klab* ✧ کلب *klap* ✧ کلوب *kolub* ✧ کلوب *kolub* ✧ ж *zh* ✧ клуб
 کلب *kelep* ✧ کاغذگیر *kāqazgir* ✧ ж *zh* ✧ скрепка канцелярская
 کلتور *koltur* ✧ فرهنگ *farhang* ✧ ж *zh* ✧ культура
 کلبو *kaljaw* ✧ جو *sou* ✧
 کلچ *kalač* ✧ کلچ *kalač* ✧ کلاج *kelāč* ✧ ж *zh* ✧ муфта сцепления
 کلچر *kalčar* ✧ فرهنگ *farhang* ✧ ж *zh* ✧ культура
 کلچه *kolča* ✧ قالب *qāleb* ✧ دانه *dāne* ✧ تکه *tekke* ✧ تیکه *tikke* ✧ ж *zh* ✧ кусок м, штука
 کلچه *kolča* ✧ شیرینی *širini* ✧
 کلچه پیاز *kolčapeyāz* ✧ پیاز *piyāz* ✧ م *m* ✧ репчатый лук
 کلچه صابون *kolčasābun* ✧ قالب صابون *qālebe sābun* ✧ ✧ кусок мыла
 کلچه فروشی *kolčaforuši* ✧ قنادی *qannādi* ✧
 کلرا << کلرا *kolerā* ✧ وبا *vabā* ✧ ж *zh* ✧ холера мед.
 کلک *kelk* ✧ ۱- انگشت *angošt* ✧ ۲- انگشت کوچک *angošte kučak* ✧
 1. палец 2. мизинец м
 کلکین *kelkin* ✧ پنجره *panjare* ✧
 کلکینه *kelkinča* ✧ ملاقی *malāqi* ✧ هواکش *havākeš* ✧
 کلوله *kolula* ✧ گلوله *golule* ✧ ком м ✧ шар, шарик
 کلوله برف *kolulubarf* ✧ گلوله برف *goluley barf* ✧ ком м ✧ снежный
 کلوله نخ *kolulanax* ✧ کلاف نخ *kalāfe nax* ✧
 клубок ниток

- کرمچی *kermeči* ✧ برزنتی *brezenti* ✧ брезентовый
 کرن *kren* ✧ کرین *kreyṇ* ✧ جرثقیل *jarresaqil* ✧ м *m* ✧ подъемный кран
 کورو *koror* ✧ ده میلیون *dah miliyon* ✧
 کروی *karaway* ✧ نالی *nāli* ✧ نعلین *na' leyn* ✧ сабо ✧
 کرویات (خون) *korawiyāt* ✧ گلبولها (خون) *golobulhā* ✧
 کرویات سرخ *korawiyāte sorx* ✧ گلبولهای قرمز *golobulhāye qermez* ✧
 красные кровяные шарики
 کرویات سفید *korawiyāte safed* ✧ گلبولهای سفید *golobulhāye sefid* ✧
 белые кровяные шарики
 کره *kara* ✧ دستبند *dastband* ✧ م *m* ✧ браслет
 کری *kori* ✧ پاشنه *pāšne* ✧ م *m* ✧ каблук
 کری بلند *koriboland* ✧ پاشنه بلند *pāšneboland* ✧
 کری بوت *koriye but* ✧ پاشنه کفش *pāšneye kaš* ✧ م *m* ✧ каблук обуви, каблук
 کری پا *koriye pā* ✧ پاشنه پا *pāšneye pā* ✧ ж *zh* ✧ пятка
 کریدت *kredet* ✧ وام *vām* ✧ м *m* ✧ кредит
 کریم *kerim* ✧ کرَم *kerem* ✧
 کریم بوت *kerime but* ✧ واکس *vāks* ✧ ж *zh* ✧ крем для обуви, вакса
 کریم دندان *kerime dandān* ✧ خمیر دندان *xamirdandān* ✧ ж *zh* ✧ зубная паста
 کریم ریش تراشی *kerime rištarāši* ✧ خمیر ریش تراشی *xamire rištarāši* ✧
 پاستا для бритья ж
 کرن *kren* ✧ جرثقیل *jarresaqil* ✧ м *m* ✧ подъемный кран
 کش کردن *kaš kardan* ✧ کشیدن *kešidan* ✧
 کشاد *košād* ✧ گشاد *gošād* ✧
 کشال *kašāl* ✧ طولانی *tulāni* ✧ طویل *tavil* ✧ دراز *derāz* ✧
 کشک *kešek* ✧ کشیک *kešik* ✧
 کشکول *kaškul* ✧ کیف *kif* ✧ ж *zh* ✧ сумочка
 کشمیره *kašmira* ✧ پارچه پشمی *pārc̄eye pašmi* ✧ ж *zh* ✧ шерстяная ткань
 کشور رو به انکشاف *kešware ru ba enkešāf* ✧ کشور رو به توسعه *kešware ru be tousee* ✧
 развивающаяся страна ж
 کشور غنی *kešware qani* ✧ کشور ثروتمند *kešware servatmand* ✧ ж *zh* ✧ богатая страна
 کشیدن *kašedan* ✧ کندن *kandan* ✧
 لباس کشیدن *lebās kašedan* ✧ لباس کندن *lebās kandan* ✧
 لباس درآوردن *lebās darāvardan* ✧
 کشیدن *kašedan* ✧ اخراج کردن *exrāj kardan* ✧
 - او احمد را از خانه بیرون کشید *Ahamd rā az xāna berun kašid* ✧
 او احمد را از خانه بیرون کرد *u Ahmad rā az xāne birun kard* ✧
 Он выгнал из дома Ахмеда

кокосовый орех, кокос м ✧ *nārgil* نارگیل ✧ *kopra* کوپره
 куча ж, грудa ж ✧ *anbuh* انبوه ✧ *kout* کوت
 вешалка ж ✧ *raxtāviz* رخت آویز ✧ *kutband* کوت بند
 перевал м ✧ *gardane* گرده ✧ *kutal* کوتال
 комната ж, дом м ✧ *xāne* خانه ✧ *otāq* اتاق ✧ *kouta* کوته
 коттед ж, дом м ✧ *xāneye kučak* خانه کوچک ✧ *koti* کوتی
 тахта ж ✧ *taxt* تخت ✧ *kauč* کوچ
 диван м ✧ *kānāpe* کاناپه ✧ *kauč* کوچ
 переселение с, переезд м ✧ *asbābkeši* اسباب کشی ✧ *kaučkaši* کوچ کشی
 کوچ کشی کردن ✧ *asbābkeši kardan* اسباب کشی کردن ✧ *kaučkaši kardan* کوچ کشی کردن
 переселяться из одного дома в другой
 کوچی کوچ ✧ *kuč* کوچ ✧ *kučnešin* نشین کوچник м ✧ *kučnešin* کوچ
 کود химіаوی ✧ *kude kimiyāwi* کود شیمیایی ✧ *kude šimiyāyi* کود شیمیایی
 کودلی کودلی ✧ *kolbe* کلبه ✧ *kode* کودلی
 کوربه کوربه ✧ *vazaq* وزغ ✧ *kurbaqa* کوربه
 کورکی کورکی ✧ *saxt* سخت ✧ *mohkam* محکم ✧ *seft* سفت ✧ *kuraki* کورکی
 کوری کوری ✧ *pāšne* پاشنه ✧ *kuri* کوری
 کوری بوت ✧ *kuriye but* پاشنه کفش ✧ *pāšneye kaš* کفش
 کوری پا ✧ *kuriye pā* پاشنه پا ✧ *pāšneye pā* پاشنه پا
 کوکره کوکره ✧ *tarāxom* تراخم ✧ *kokra* کوکره
 کوکه کوکه ✧ *mix* میخ ✧ *koka* کوکه
 колбaр ж, мешок м, рюкзак м ✧ *kulebār* کوله بار ✧ *kolbār* کولبار
 колра << ✧ *kolerā* کلرا ✧ *vabā* وبا ✧ *kolerā* کلرا
 колонія м, духи ✧ *odokolon* ادوکلن ✧ *atr* عطر ✧ *koloniyā* کولونیای
 кома ✧ *gune* گونه ✧ *koma* кома
 коנה (محواره ای) ✧ *kuna* کونه ✧ *kohne* کهنه ✧ *kuna* کونه
 коне پیما ✧ *kohpaymā* کوه گرد ✧ *kohgard* کوهنورد ✧ *kuhnnavard* کوهنورد
 коне گردی ✧ *kohgardi* کوهنوردی ✧ *kuhnnavardi* کوهنوردی
 коне ✧ *koya* کویه ✧ *bid* بید (حشره) ✧ *bid* بید
 кибил ✧ *keybal* کابل ✧ *kābl* کابل ✧ *keybal* کибил
 кик ✧ *keyk* کیک ✧ *biskuit* بیسکویت ✧ *keyk* کیک
 киле << ✧ *kela* کله ✧ *mouz* موز ✧ *kela* کله
 химія ✧ *kimiyā* شیمی ✧ *šimi* شیمی ✧ *kimiyā* شیمی
 химіаوی ✧ *kimiyāwi* شیمیایی ✧ *šimi* شیمیایی ✧ *šimiyāyi* شیمیایی
 - کود химіаوی ✧ *kude kimiyāwi* کود شیمیایی ✧ *kude šimiyāyi* کود شیمیایی
 кинo ✧ *kinu* کینو ✧ *no 'i nārengi* نوعی نارنگی ✧ *no 'i nārengi* نوعی نارنگی

колунда ✧ *kolunda* کولونده ✧ *čambaxeyār* چمبه خیار ✧ *xiyārčambar* خیار چمبر
 сорт огурцов изогнутой формы
 келе << ✧ *kela* کيله ✧ *mouz* موز ✧ *kela* کيله
 человек с большой головой ✧ *kallegonde* کله گنده ✧ *kalla kata* کله کته
 келі ✧ *keli* کلید ✧ *kelid* کلید ✧ *kelid* کلید
 келі بند ✧ *keliband* جاکلیدی ✧ *fākelidi* جاکلیدی ✧ *keliband* جاکلیدی
 келі گک ✧ *keligak* کلي گک
 چوبی که در وقت شخم استفاده می شود ✧ *čubi ke dar vaqte šoxm estefāde mišavad* چوبی که در وقت شخم استفاده می شود
 палочка применяемая в пахоте
 کلز ✧ *kaliz* تقویم جیبی ✧ *taqvime jibi* تقویم جیبی ✧ *kaliz* کلز
 کلیگ ✧ *kaligak* لال شدن ✧ *šodan* لال شدن ✧ *šodan* لال شدن ✧ *šodan* لال شدن
 کلینر ✧ *kelinar* شاگرد شوفر ✧ *šāgerdšufar* شاگرد شوفر ✧ *kelinar* کلینر
 کمان رستم ✧ *kamāne rostem* رنگین کمان ✧ *ranginkamān* رنگین کمان ✧ *kamāne rostem* رنگین کمان
 کمایی ✧ *kamāyi* فایده ✧ *fāyede* فایده ✧ *kamāyi* کمایی
 کمایی کردن ✧ *kamāyi kardan* برنده شدن ✧ *barande šodan* برنده شدن ✧ *kamāyi kardan* کمایی کردن
 победить, добывать, зарабатывать
 کمبین ✧ *kambin* نزدیک بین ✧ *nazdikbin* نزدیک بین ✧ *kambin* کمبین
 کمپ ✧ *kamp* اردو ✧ *ordu* اردو ✧ *kamp* کمپ
 کمپل ✧ *kampal* پتو ✧ *patu* پتو ✧ *kampal* کمپل
 کمپودر ✧ *kampudar* داروساز ✧ *dārusāz* داروساز ✧ *kampudar* کمپودر
 کمچی ✧ *kamči* شلاق ✧ *šallāq* شلاق ✧ *kamči* کمچی
 کمرا ✧ *kamra* کامره ✧ *kāmra* کامرا ✧ *kāmra* کامرا ✧ *kāmra* کامرا
 کمرای عکاسی ✧ *kamrāye akkāsi* دوربین عکاسی ✧ *durbin akkāsi* دوربین عکاسی ✧ *kamrāye akkāsi* کمرای عکاسی
 کمرای فلم برداری ✧ *kamrāye felmbardāri* دوربین فیلم برداری ✧ *durbin filmbardāri* دوربین فیلم برداری
 киноаппарат м, кинокамера ж
 کمراگل ✧ *kamargol* سگک ✧ *sagak* سگک ✧ *kamargol* کمراگل
 کمود ✧ *kamud* توالت فرنگی ✧ *tuāletfarangi* توالت فرنگی ✧ *kamud* کمود
 کمیدی ✧ *komedi* کمدی ✧ *komedi* کمدی ✧ *komedi* کمیدی
 کمیدین ✧ *komediyan* کمیک ✧ *komik* کمیک ✧ *komediyan* کمیدین
 کناربادی ✧ *kenāre bādi* بغل کامیون ✧ *baqale kāmīyun* بغل کامیون ✧ *kenāre bādi* کناربادی
 борт грузовой автомашины м
 کنار آب ✧ *kenāre āb* تشناب ✧ *tašnāb* تشناب ✧ *tuālet* توالت ✧ *tuālet* توالت ✧ *tuālet* توالت
 туалет м, туалетная комната ж
 کنچی ✧ *kanči* رقاصه ✧ *raqqāse* رقاصه ✧ *kanči* کنچی
 کندک ✧ *kandak* گردان ✧ *gordān* گردان ✧ *kandak* کندک
 کنفرانس ✧ *konfarāns* همایش ✧ *hamāyesh* همایش ✧ *konfarāns* کنفرانس
 копан (верблюда) м ✧ *kuhān* کوهان ✧ *kuhān* کوهان ✧ *kuhān* کوهان

- گدی پران godiparān ♦ کاغذ پران kāqazparān ♦ بادبادک bādbādak ♦ змей бумажный
 گدی گک godigak ♦ ماسوره māsure ♦ ماکوک mākuk ♦ челнок
 گدی گک godigak ♦ سرخ شدن sorx šodan ♦ покраснеть от смущения
 گر gor ♦ قند ناپاک qande nāpāk ♦ нерафинированный сахар
 گراج garāj ♦ گاراژ garāj ♦ гараж m ♦ چرخنده čarxdande ♦ зубчатое колесо c
 گراف gerāf ♦ نمودار nemudār ♦ график m ♦ گارانتی garānti ♦ ضمانت zemānat ♦ гарантия ж
 گرده gorda ♦ کلیه kolie ♦ почка ж ♦ گرزندوی << * گرغندوی garzandoy ♦ جهانگرد sahangard ♦ турист m
 گرگ garǵ ♦ گر (بیماری) gar ♦ чесотка меd. ♦ گرگک (محاوړه ای) gargak ♦ جاسوس jāsus ♦ шпион m ♦ گرنگ gerang ♦ سنگین sangin ♦ тяжелый прил.
 گرو * geraw ♦ گرو gerou ♦ залог m ♦ گروپ gorup ♦ لامپ برقی lāmpa barqi ♦ лампочка (электрическая) ж ♦ گزاره gozāra ♦ زندگی zendegi ♦ شرایط زندگی šarāyete zendegi ♦ жизнь, условия жизни
 گسیل کردن gosil kardan ♦ فرستادن ferestādan ♦ посылать, отправлять ♦ گل gel ♦ گچ gač ♦ алебастр m ♦ گل ارمنی gele armani ♦ گل رس xāke ros ♦ گل سرخ gele sorx ♦ глина ж ♦ گل کار gelkār ♦ گچ کار gačkār ♦ штукатур m ♦ گل کاری gelkāri ♦ گچ کاری gačkāri ♦ оштукатуривание ♦ گل کاری کردن gelkāri kardan ♦ گچ کاری کردن gačkāri kardan ♦ оштукатуривать ♦ گل کردن gol kardan ♦ خاموش کردن xāmuš kardan ♦ потушить, выключать, погасить ♦ گل کرم golpī ♦ گل کرم golkaram ♦ گل کلم golkalām ♦ گل کلم golkalam ♦ цветная капуста ж ♦ گل گچ gelgač ♦ گچ gač ♦ гипс m ♦ گل گلاب gole golāb ♦ گل سرخ gole sorx ♦ роза ж ♦ گل و خشت geloxešt ♦ طبیعت انسان tabi ate ensān ♦ натура ж ♦ گل ولای (محاوړه ای) gelolāy ♦ گل gel ♦ грязь ж ♦ گللابی golābi ♦ صورتی (رنگ) surati ♦ розовый цвет прил. ♦ گلاس gelās ♦ گیلās gilās ♦ استکان estekān ♦ стакан m ♦ گلپی golpī ♦ گل کرم golkaram ♦ گل کرم golkaram ♦ گل کلم golkalām ♦ گل کلم golkalam ♦ цветная капуста ж ♦ گلدانی goldāni ♦ گلدان goldān ♦ گلدانه goldān ♦ цветочница, ваза ж ♦ گلگل galgal ♦ بتونه batune ♦ замазка ж ♦ گلو * голу ♦ گلو gelu ♦ горло c ♦ گلوله golulabāri ♦ تیراندازی tirandāzi ♦ обстрел

گ

- گادر gādar ♦ گاردر gārdar ♦ ستون sotun ♦ балка
 - آهن گادر ahengādar ♦ تیر آهن tirāhan ♦ швеллер m ♦ گادی gādi ♦ کالسکه kālaske ♦ коляска ж ♦ گادی gādi ♦ کراچی karāči ♦ گاری gāri ♦ ارابه arrābe ♦ арба, телега ж ♦ گادی gādi ♦ گاریچ gāriči ♦ گادیبان gādibān ♦ возчик m ♦ گادی گک gādigak ♦ کالسکه بچگانه kālaskeye baččegāne ♦ детская коляска ж ♦ گادی والا gādiwālā ♦ گاریچ gāriči ♦ صاحب گاری sāhebe gāri ♦ извозчик, владелец телеги ♦ گادی وان gādiwān ♦ گاریچ gāriči ♦ صاحب گاری sāhebe gāri ♦ извозчик, владелец телеги ♦ گراج garāj ♦ گراج garāj ♦ گاراژ garāj ♦ гараж ♦ گارنیزون gārnizon ♦ پادگان pādegān ♦ m. гарнизон воен. ♦ گاز gāz ♦ تاب tāb ♦ качели ♦ گاز بیهوشی gāze behuši ♦ نرکوز narkoz ♦ نرکوز narkoz ♦ наркоз m ♦ گاز خوردن gāz خوردan ♦ تاب خوردن tāb خوردan ♦ качаться ♦ گاز دادن gāz dādan ♦ تاب دادن tāb dādan ♦ качать ♦ گاززار gāzār ♦ گازره gāzara ♦ زردک zardak ♦ هویج havij ♦ морковь ж ♦ گالس gāles ♦ کش keš ♦ کش شلوار keše šālvār ♦ подтяжки ♦ گالس جراب gālese jorāb ♦ کش جوراب keše jorāb ♦ подвязка ж ♦ گپ gap ♦ حرف زدن harf zadan ♦ разговаривать ♦ گد gad ♦ مخلوط maxlut ♦ قاتی qāti ♦ смешанный ♦ گدام godām ♦ تحویلخانه tahwilxāna ♦ انبار anbār ♦ m. склад ♦ گدام تجارتی godāme tesārati ♦ انبار بازرگانی anbāre bāzargāni ♦ склад (торговый) ♦ گدام کردن godām kardan ♦ انبار کردن anbār kardan ♦ складировать ♦ گدامدار godāmdār ♦ تحویلدار tahwildār ♦ انباردار anbārdār ♦ m. кладовщик ♦ گد شدن gad šodan ♦ قاتی شدن qāti šodan ♦ مخلوط شدن maxlut šodan ♦ смешиваться, смешаться ♦ گد کردن gad kardan ♦ قاتی کردن qāti kardan ♦ مخلوط کردن maxlut kardan ♦ смешивать, перемешивать ♦ گدود gadwad ♦ مخلوط maxlut ♦ смешанный, перемешанный ♦ گده gada ♦ بسته baste ♦ пучок m, пачка ж, связка ж ♦ گدی godi ♦ عروسک arusak ♦ ж. кукла

لارد lārd ♦ lord م ♦ lord

لاری lāri ♦ motare lāri باری bāri. اتومبیل باری otomobile bāri. کامیون kāmīyun ♦

грузовая машина ж, грузовик м

لاری والا lāriwālā ♦ راننده ماشین باری rānandeye māšīne bāri. راننده کامیون rānandeye kāmīyun ♦

водитель грузовой машины м

لاشتک lāšteḱ ♦ لاستیک lāstīk ж 2. резина ж 1. шина ж

لاکت lāḱat ♦ گل سینه gole sine. سنجاق سینه sanjāqe sine ж ♦ брошь ж

للا lālā ♦ برادر بزرگ barādare bozorg م ♦ старший брат м

لاندی lāndī ♦ گوشت آفتاب پز (باستورمه) gušte āftābpaz с ♦ бастурма, вяленое мясо с

لايتار lāyṭar ♦ فندک fandak ж тех. ♦ зажигалка ж

- سگرت لايتار segret lāyṭar ♦ فندک fandak ж ♦ зажигалка ж

لايتار ولدنگ lāyṭare woldeng ♦ یک جوش poke ж ♦ зажигалка автогенной сварки

لايحه lāyeha ♦ پيش نويس pišnevis م ♦ проект м

لايحه lāyeha ♦ اساسنامه asāsname ♦ устав

لايسنس lāysans ♦ جواز javāz с ♦ лицензия ж, право с

لاين lāyn. لاین layn ♦ خط xatt. راه rāh ж ♦ линия ж

لاينقطع lāyanqat ♦ به طور مرتب be toure morattab. بدون وقفه bedune vaqfe ♦

به طور منظم be toure monazzam ♦ непрерывный прил.

لب سرين << لب سيرين labserin ♦ ماتيك mātik ж ♦ губная помада ж

لب نى labnay ♦ چوب سيگار čubsigār م ♦ мундштук м

لباس کشيدن lebās kašīdan ♦ لباس در آوردن lebās darāvardan. لباس کردن lebās kandan ♦

раздеваться

لبكى labakī ♦ حاشيه دور قالى hāšīyeye doure qālī ж ♦ бахрома, кромка, кайма ж

لبلبو lablabu ♦ چغندر čoqondar ж ♦ свекла ж

لبنيات * labniyāt ♦ لبنيات labaniyāt ♦ молочные продукты

لت lat ♦ کتک kotak с ♦ битье с

لت خوردن lat xordan ♦ کتک خوردن kotak xordan ♦

быть избитым, подвергаться побоям

لت کردن lat kardan ♦ کتک زدن kotak zadan ♦ бить, наносить побои

لته lata ♦ کهنه پاک کردن miz kohneye pāk kardane ♦

тряпье с, тряпка ж (кухонная)

لچ << لوچ loč ♦ لغت loxt. عريان oryān ♦ голый

لچک << لوچک ločak ♦ اوباش oubāš. رذیل razil ♦ сброд, подонок

لخت loxt ♦ قسمت qesmat. جز foz ж ♦ часть ж, кусок м

- یک لغت (محاوره‌ای) yak loxt ♦ کامل kāmēl ♦ целый

لخچیدن loxčīdan ♦ لغزیدن laqzīdan ♦ скользить, подскальзываться

لروبر lerober ♦ از اينطرف و آنطرف az intarafoāntaraf ♦ отовсюду

گلون golun ♦ گلو gelu с ♦ горло с

گلون دردی golundardi. آنچين ānjin ♦ آئين ānjin. التهاب لوزتين eltehābe louzateyn ♦ ангина

گليمچه gelimča ♦ پادری pādari ♦ маленький ковер без ворса, половик

گمنام gomnām ♦ بی نام bi nām ♦ неизвестный прил.

گندنه gandana ♦ تره tare م ♦ лук-порей м

گنده ganda ♦ گندیده gandidē ♦ вонючий прил.

گنگ gong ♦ کر kar ♦ глухой

گنگس gangs ♦ گنگ gong ♦ одурманенный прил.

گنگه gonga ♦ لال و کر lālokar م ♦ глухонемой м

گوت شطرنج goute šatranj ♦ مهره شطرنج mohreye šatranj ж ♦ фигура (в шахматах) ж

گوتک gotak ♦ قرقره qerqere ж ♦ барабан, катушка ж

گور کردن gor kardan ♦ فرو کردن foru kardan ♦ вонзать, воткнуть

گورنر gawarnar. والی wālī ♦ استاندار ostāndār م ♦ губернатор м

گوز زدن guz zadan ♦ گوزیدن guzīdan ♦ испускание газов анат.

گوگرد gugerd ♦ کبریت kebrit ж ♦ спичка ж

گول gul ♦ گرد gerd ♦ круглый

گول کبير golkipar ♦ دروازه بان darvāzebān م ♦ вратарь м

گولایی gulāyi ♦ پیچ و خم جاده pičoxame jādde ♦ изгиб дороги м (повороты)

گولی guli. تابليت tābleyt ♦ حب habb. قرص qors ж ♦ таблетка ж

گیر ger ♦ دنده dande ♦ скоростная ручка тех.

گیربکس gerbaks ♦ جعبه دنده ja beye dande ж ♦ коробка передач тех.

گیرموتار gere mutar ♦ دنده اتومبیل dandeye otomobil ♦

скоростная коробка в автомобиле

گیس gays ♦ گاز gāz م ♦ газ м

- ولدنگ گيسى woldenge gaysi ♦ جوشکاری juškāriye garm ж ♦ газовая сварка ж

ل

لابراتور lābrātwar ♦ آزمایشگاه āzmāyešgāh ж ♦ лаборатория ж

لاتری lātery ♦ قرعه کشی qor ekeši ж ♦ лотерея ж

لاچار lāčār ♦ ناچار nāčār ♦ вынужденный

لادار lādār ♦ چوب لادار čube lādār ♦ تختة سه لای taxteselāyi ж ♦ фанера ж

لادرک lādarak ♦ مفقود mafqodolasar ♦ исчезнувший, пропавший прил.

- لسان *lesān* ✧ زبان *zabān* ✧ язык м
 ليست *lest* ✧ ليست *list* ✧ список м, перечень м
 لشم *lašm* ✧ ليز *liz* ✧ скользящий
 لفت *left* ✧ بالارو *bālārou*. آسانسور *āsānsor* ✧ лифт м
 لک *lak* ✧ صد هزار *sadhezār* ✧ сто тысяч
 لک *lok* ✧ کلفت *koloft* ✧ крупный, толстый прил.
 - برنج *berenje lok* ✧ برنج *berenje dorost* ✧ крупно-зернистый рис м
 لک *lok lok* ✧ بسیار بسیار *besyār besyār* ✧ много-много
 لکچر *lekčar* ✧ سخنرانی *soxanrāni* ✧ лекция ж
 لکچر دهنده *lekčardehanda* ✧ سخنران *soxanrān* ✧ лектор, выступающий м
 للمی *lalmi* ✧ دیمی *deymi* ✧ богарный (земли)
 للو << له لولو *lalu* ✧ لالایی *lālāyi* ✧ колыбельная песня ж
 لمبر *lambār* ✧ نمره *nomre* ✧ номер м
 لمبر پالیت *lambarpalit* ✧ نمره اتومبیل *nomre otomobil*. شماره اتومبیل *šomāre otomobil* ✧
 لومبیدان *lombidan* ✧ تخریب کردن *taxrib kardan* ✧ разрушать
 لمپ *lamp*. لمپه *lampā* ✧ لامپ *lāmp* ✧ лампа ж
 لمری *lomray* ✧ نخست *naxost*. نخستین *naxostin* ✧ первый
 لمری بریدمن *lomraybridman* ✧ ستوان یکم *sotvān yekom* ✧
 старший лейтенант воен. м
 لمری وزیر *lomraywazir*. صدراعظم *sadra'zam* ✧ نخست وزیر *naxostvazir* ✧ премьер-министр
 لوا *lewā* ✧ تیپ (نظامی) *tipe* ✧ бригада воен. ж
 لواشه *lawāša* ✧ لواش *lavāš* ✧ лаваш м
 لوچ << لچ *luč* ✧ لخت *loxt*. عریان *oryān* ✧ голый м
 لوچک << لچک *ločak* ✧ اوباش *oubāš*. رذیل *razil* ✧ сброд, подонок
 لودسپیکر << لود سپکر *lodspikar* ✧ بلندگو *bolandgu* ✧
 динамик, громкоговоритель м
 لوده *louda* ✧ خل *xol*. خنگ *xeng* ✧ балда, болван м
 لوژستیک (لوجستیک) *lojestik* ✧ پشت جبہ *pošte jebhe* ✧ тыл воен. м
 لوک خاک *lokxāk*. سپر خاک *soporxāk* ✧ خاکریز *xākriž* ✧
 насыпь, землянное укрепление
 لوله پیچ *loulapec* ✧ کاغذ پیچ *kāqazpič* ✧ сверток м
 لونگ *lawang* ✧ گل میخک *gole mixak* ✧ гвоздика бот. ж
 لوی *loy* ✧ بزرگ *bozorg*. عظیم *azim* ✧ старший
 لوی اسقف *loy osqof* ✧ اسقف اعظم *osqofe a'zam* ✧ католикос м

- لوی درستیز *loy drestiz* ✧ فرمانده ستاد *farmāndeye setād* ✧ начальник штаба воен.
 لویه جرگه *loya jerga* ✧
 مجلس خبرگان *maslese xobregān*. مجلس سران قبایل *majlese sarāne qabāyel* ✧
 совет старейшин племен, собрание старейшин
 له لو << لولو *lalo* ✧ لالایی *lālāyi* ✧ колыбельная песня ж
 لیلبال *leybal* ✧ برچسب *barčesb* ✧ ярлык м, этикетка ж
 لیتراف کریدت *leytrāfkredet* ✧ اعتبار نامه (السی) *e' tebārnāme* ✧ аккредитив м
 لیدر *lida* ✧ رهبر *rahbar* ✧ лидер м
 لیسه *lisa* ✧ دبیرستان *dabirestān* ✧ средняя школа ж
 لیسه عسکری *lisa ye askari* ✧ آموزشگاه نظامی *āmuzešgāhe nezāmi* ✧ военное училище
 لیلام *lilām* ✧ حراج *harāj* ✧ аукцион м
 لیلامچی *lilāmči* ✧ حراج کننده *harāj konande* ✧ аукционист м
 لیلامی *lilāmi* ✧ حراجی *harāji* ✧ аукционный
 لیلون (محاوړه ای) *laylun*. نیلون *naylun* ✧ نایلون *nāylon* ✧ нейлон м
 لیلیه *layliya* ✧ خوابگاه *xābgāh*. زیستگاه *zistgāh* ✧ общежитие с
 - مکتب لیلیه *maktabe layliya* ✧ شبانه روزی *šabāneruzi* ✧ интернат м
 لیم *lim* ✧ لحیم *lahim* ✧ паяльник м
 لیم کاری *limkāri* ✧ لحیم کاری *lahimkāri* ✧ пайка ж
 لیمو * *lemu* ✧ لیمو *limu* ✧ лимон м
 لین *layn*. لاین *lāyn* ✧ خط *xatt*. راه *rāh* ✧ ж
 لین انتقال برق *layne ente qāle barq* ✧ خط انتقال برق *xatte ente qāle barq* ✧
 линия электропередачи (لایط) ж
 لین دوانی *layndawāni* ✧ سیم کشی *simkeši* ✧ прокладка линии, проводка ж
 لین من *laynman* ✧ ارتباطچی *erte bātchi* ✧ связист м

م

- مادر اندر *mādarandar* ✧ مادر ناتنی *mā dare nātani* ✧ мачеха ж
 مارتول *mārtul*. پلوك *paluk* ✧ پتك *potk* ✧ кувалда ж, молот м
 مارچ *mārc* ✧ مارس *mārs* ✧ март м
 مارکیت *mārkēt* ✧ بازار *bāzār* ✧ рынок м, базар м
 مارکیتنگ *mārkēteng* ✧ بازاربایی *bāzāryābi* ✧ поиск рынка
 ماستر *māstar* ✧ اوستا *ustā*. استاد *ostād* ✧ мастер м

генеральный план م * *barnāme ye omumi* ماستر پلان * *māstarpelān* برنامه عمومی
 ماستری ماستری دوره ماستری * *dawraye māstari* دوره ماستری
 аспирантура ж * *doureye fouqe lisāns* دوره فوق لیسانس
 маска ж * *māsk* ماسک * *māska* ماسکه
 двигатель м * *motor* موتور * *māšin* ماشین
 ماشین آب میوه کشی * *māšine ābmeywakaši* ماشین آب میوه گیری * *māšine ābmivegiri*
 соковыжималка ж
 ماشین چوپه کشی * *mašine čučakaši* ماشین جوجه کشی * *māšine jujakeši* *māšine* *jujakeši* *māšine* *jujakeši*
 швейная машина ж * *čarxe xayvāti* چرخ خیاطی * *māšine xayvāti* ماشین خیاطی
 ماشین دوخت * *māšine doxt* ماشین پنس * *māšine pans*
 машинка для скрепления бумаг
 машин рیش * *māšine riš* ریش تراش برقی * *rištarāše barqi*
 механик м * *mekānik* مکانیک * *māšinkār* ماشین کار
 мясорубка ж * *čarxe gušt* چرخ گوشت * *māšine gušt* ماشین گوشت
 ماشین موتور * *māšine mutar* موتور ماشین * *motore māšin*
 двигатель (автомобиля) м
 пулемет воен. м * *mosalsal* مسلسل * *māšindār* ماشیندار
 - تفنگچه ماشیندار * *tofangčaye māšindār* مسلسل * *mosalsal*
 автомат (оружие) воен. м
 оборудование с * *tajhizāt* تجهیزات * *māšinari* ماشینری
 продукты питания * *aqziye* اغذیه * *mākulāt* ماکولات
 مال و آل (محواره ای) * *māloāl* مال و منال * *mālo menāl* *mālo menāl* *mālo menāl*
 имущество с * *mālomenāl* مالیه * *mālta* پرتقال * *portoqāl*
 апельсин м * *mālta* مالدار * *māldāri* دام داری * *dāmdāri* دام پروری * *dāmparvari*
 животноводство с * *māleš* مالش * *māšāj* *māšāj* *māšāj*
 массаж м * *māšāj* مالیہ * *māliya* مالیات * *māliya* مالیات * *māliya* مالیات
 1.налог 2. богатство, финансы
 - وزارت مالیہ * *wazārate māliya* وزارت دارایی * *vezārate dārāyi*
 министерство финансов
 налогоплательщик м * *māliya de pardāz* مالیات پرداز * *māliya de pardāz*
 дядя (брат матери) м * *dāyi* دایی * *māmā*
 ماندن * *māndan* گذاشتن * *gozāštan* *gozāštan* *gozāštan*
 поставить, ставить, положить
 усталый прил. * *xaste* خسته * *mānda*
 ماندن نباشی * *mānda nabāši* خسته نباشی * *xaste nabāši*
 будь здоров, молодец
 ماهوار * *māhwār* ماهانه * *māhāne* *māhāne* *māhāne*
 ежемесячно
 - عادت ماهوار * *ādate māhwār* قاعدگی * *qādedegi* *qādedegi* *qādedegi*
 менструация, месячные

рыбак м * *sayyād* صیاد * *māhigiri* ماهی گیری
 рыбная ловля * *sayyādi* صیادی * *māhigiri* ماهی گیری
 мышца анат. ж * *māhiče* ماهیچه * *māhigak* ماهیگک
 состояние, имущество с * *dārāyi* دارایی * *māyamlak* مایملک
 обозреватель м * *mofasser* مفسر * *mobasser* مبصر
 мблایل << موبلایل * *moblāyil* روغن سوخت * *rouqane suxt*
 1. автол тех. 2. горячее
 циркулярное письмо с * *baxšnāme* بخشنامه * *mottahedomāl* متحد المال
 метод, способ м * *raveš* روش * *metod* میتود
 киножурнал м * *jurnāle sinemāyi* ژورنال سینمایی * *majallaye sinemāyi*
 мж خوردن (محواره ای) * *moč xordan* پیچ خوردن * *pičxordane pā*
 вывих ноги * *pičxordane pā* محاسب * *mohāseb*
 бухгалтер м * *hesābdār* حسابدار
 главный бухгалтер м * *hesābdāre aršad* ارشد حسابدار * *sarmohāseb*
 سرمحاسب
 бухгалтерия ж * *hesābdāri* حسابداری * *mohāseba* محاسبه
 محاسبه نقدی * *mohāsebaye naqdi* حسابداری نقدی * *hesābdāriye naqdi*
 финансовый учет
 - مدیر محاسبه * *modire mohāseba* رئیس حسابداری * *rayise hesābdāri*
 главный бухгалтер
 тиф мед. м * *hasbe* حصبه * *moharraqa* محرقه
 горячее с, топливо с * *suxt* سوخت * *mahruq* محروق
 горячее с, топливо с * *suxt* سوخت * *mahruqāt* محروقات
 горячее с, топливо с * *suxe havāpeymā* سوخت هواپیما * *mahruqāte tayyāra*
 محروقات طیاره
 горячее для самолета
 студент м * *dānešju* دانشجو * *mohassel* محصل
 محصل ماستری * *mohassele māstari* دانشجوی فوق لیسانس * *dānešsuye fouqe lisāns*
 аспирант м
 только, лишь * *faqat* فقط * *mahz* محض
 суд м * *dādgāh* دادگاه * *mahkama* محکمه
 окружность (города) ж * *atrāfe šahr* اطراف شهر * *mahallāt* محلات
 расходы * *hazine* هزینه * *masāref* مصارف * *maxāref* مخارج
 наркотики * *mavādde moxadder* مخدر * *moxaddarāt* مخدرات
 مذاق << مذاق * *mazaq* شوخی * *šuxi* *šuxi* *šuxi*
 шутка ж * *šuxi kardan* شوخی کردن * *šuxi kardan*
 шутить
 обращение с * *morājee* مراجعه * *morājaat* مراجعت
 обращение * *morājee kardan* مراجعه کردن * *morājaat kardan*
 обращаться
 возвращение с * *morājeat* مراجعت * *morājaat* مراجعت

- مسوده mosawada ♦ پیش‌نویس pišnevis. طرح tarh ♦ проект м
 مشترک moštarak ♦ آبونه ābone ♦ абонент м, подписчик м
 مشر mešer ♦ ارشد aršad. بزرگ bozorg ♦ старший прил.
 مشکوله maškula ♦ کیسه ābe garm kiseye ♦ گرم kiseye ♦ жарка ж
 مصارف masāref. مخارج maxārej ♦ هزینه hazine ♦ расходы
 مصالح masālah ♦ مواد mavādd ♦ مصالح تعمیراتی masālahe ta' mirāti ♦ مواد ساختمانی mavādde sāxtemāni
 مصستر mastar ♦ خردل xardal ♦ горчица ж
 مصروف masruf ♦ اشغال ešqāl. مشغول mašqul ♦ занятый
 - تلفون مصروف است telefon masruf ast ♦ تلفن اشغال است telefon ešqāl ast ♦ телефон занят
 مصروف بودن masruf budan ♦ مشغول بودن mašqul budan ♦ быть занятым, занятый
 مصروفیت masrufiyyat ♦ مشغولیت mašquliyyat ♦ занятость ж
 مضمون mazmun ♦ زمینه zamine ♦ (учебный) предмет м, тема ж
 مطبعه matbaa ♦ چاپخانه čāpxāne ♦ типография ж
 مظاهره mozāhera ♦ تظاهرات tazāhorāt ♦ демонстрация ж
 معاش maāš ♦ حقوق hoquq ♦ заработная плата ж
 معاینه خانه moāyenaḫāna ♦ مطب matab ♦ кабинет врача
 معدة * meda ♦ معدة me' de ♦ желудок м
 معرفت moarrefat ♦ شناخت šenāxt ♦ ознакомление с
 معرفت داشتن moarrefat daštan ♦ شناختن šenāxtan ♦ знать
 معرفت ندارم moarrefat nadāram ♦ نمی شناسم nemišenāsam ♦ не знаком
 معلم صاحب moallemsāheb ♦ آقای معلم āqāye moallem ♦ господин учитель
 معلوم دار (محاوره ای) ma' lumdār ♦ البته albatte ♦ конечно
 معلومات ma' lumāt ♦ اطلاعات ettelāāt ♦ информация ж
 معمار me' mār ♦ بنا bannā ♦ строитель м
 معمی moammā ♦ معما moammā ♦ загадка ж
 معیشتی maišati ♦ حیاتی hayāti. زندگانی zendegāni ♦ жизненный
 - شرایط معیشتی šarāyete maišati ♦ شرایط زندگی šarāyete zendegi ♦ жизненные условия
 مفروشات mafrušāt ♦ اثاثیه āsāsiye ♦ мебель ж, домашний обиход м
 مفکوره mafkura ♦ نظر nazar. عقیدة aqi'da. ایده ide ♦ идея, мысль, взгляд м
 مقبول maqbul ♦ پسندیده psandide. زیبا zibā ♦ избранный, приятный, красивый
 مقرری moqarrari ♦ انتصاب entesāb ♦ назначение с

- مراجعه کردن morājāa kardan ♦ مراجعت کردن morājēat kardan ♦ возвращаться
 مراجعین morājain ♦ مراجعه کنندگان morājee konandegān ♦
 клиенты, посетители, заявители
 مراننامه marāmnāma ♦ برنامه barnāme ♦ программа ж
 مرچ morč ♦ فلفل felfel ♦ перец м
 مرچل morčal ♦ خندق xandaq ♦ окоп воен. м
 مردار mordār ♦ کثیف kasif ♦ грязный прил.
 مرستون mrastun ♦ آسایشگاه سالمندان āsāyešgāhe sālmāndān ♦
 дом для престарелых
 مرستیال mrastiyāl ♦ معاون moāven. دستیار dastyār ♦
 помощник, ассистент, заместитель м
 مرغ * murq ♦ مرغ morq ♦ курица ж
 مرکب markab ♦ قاطر qāter ♦ мул м
 مرکز markaz ♦ پایتخت pāyext ♦ столица ж
 مرکز گرمی markazgarmi ♦ حرارت گرمی harāratgarmi ♦ отопление с
 مرمر mormor ♦ مورمر murmur ♦ мурашки
 - جانش مرمر می کند jānaš mormor mekonad ♦ تنش مور مور می شود tanāš mormor mišavad ♦
 побежали мурашки по телу
 مزاق * mazāq ♦ شوخی šuxi ♦ шутка ж
 مزاق کردن mazāq kardan ♦ شوخی کردن šuxi kardan ♦ шутить
 مزه دار mazadār ♦ خوشمزه xošmāze ♦ вкусный
 مژه * meja ♦ مژه moje ♦ ресница
 مژه بهم رساندن meja baham rasāndan ♦ چشم به هم زدن češm beham zadan ♦
 моргать глазом
 مساحه masāha ♦ مساحت masāhat ♦ площадь, территория ж
 مسافه masāfa ♦ مسافت masāfat ♦ расстояние с
 مساله masāla. چاشنی čāšni ♦ افزودنیهای خوراکی afzudanihāye xorāki ♦ приправа ж
 مستر mestar ♦ آقا āqā ♦ господин м
 مستری mestari ♦ اوستا usta ♦ мастер, слесарь
 مستعد mostaed ♦ توانا tavānā ♦ способный
 مستعد بکار mostaed bakār ♦ توانایی کار کردن tavānāiye kār kardan ♦
 трудоспособный
 مستوفیت mostofiyyat ♦ اداره مالیات edāreye māliyāt ♦ налоговая инспекция ж
 مسکه maska ♦ کره kare ♦ масло (сливочное) с
 مسلک maslak ♦ تخصص taxasos ♦ специальность ж
 مسلکی maslaki ♦ فنی fanni ♦ технический прил.

- منورین monawwarin ♦ روشنفران *roušanfekrān* ♦
 مواد انفلاقی *mawādde enfelāqi* ♦ مواد منفجره *mavādde monfajere* ♦
 взрывчатые вещества
 مواد مخدره *mawādde moxaddera*. مخدرات *moxaddarāt* ♦
 مواد مخدر *mavādde moxadder* ♦ наркотики
 مواشی *mawāši* ♦ مال (حيوان) *māl* ♦ скот
 مويل *mobl* ♦ مبل *mobl* ♦ мебель
 موبلائييل < > مبلاتيل *moblāyil* ♦ روغن سوخت *rouqane suxt* ♦
 موتور *mutar* ♦ خودرو *xodrrou*. اتومبيل *otomobil*. ماشين *māšin* ♦
 موتور تيز رفتار *mutare tezraftār* ♦ اتومبيل شخصي *otomobile šaxsi*. سواری *savāri* ♦
 легковая машина ж
 موتور دمترک *mutare damtarak* ♦ کمپرسور *kompresor* ♦ самосвал
 موتور سرويس *mutare sarvis* ♦ اتوبوس *otobus* ♦ автобус
 موتورران *mutarrān*. موتوروان *mutarwān* ♦ راننده *rānande*. شوفر *šufēr* ♦
 موتورانی *mutarrāni* ♦ رانندگی *rānandegi* ♦
 موتوررو *mutarraw* ♦ اتومبيلي *otomobli*. ماشين رو *māšinrou* ♦
 - سرک موتوررو *sarake mutarraw* ♦ راه اتومبيلي *rāhe otomobili*. راه ماشين رو *rāhe māšinrou* ♦
 автомобильная дорога, шоссе
 موتورسايکل *mutarsāykal* ♦ موتورسيکلت *motorsiklet* ♦ мотоцикл
 موتورکرين *mutare kreyn* ♦ جرثقیل *jarresaqil* ♦
 موتورلاری *mutare lāri* ♦ کاميون *kāmyun* ♦
 موتوروان *mutarwān*. موتورران *mutarrān* ♦ راننده *rānande*. شوفر *šufēr* ♦
 موج * *mawj* ♦ موج *mouj* ♦
 موجب * *mawjeb* ♦ موجب *moujeb* ♦
 موجودی *mawjudi* ♦ انبارگردانی *anbārgardāni* ♦
 موجی *muči* ♦ پينه دوز *pineduz* ♦
 مورچانه *murčāna* ♦ زنگ فلز *zange felezz* ♦
 مورد * *mawred* ♦ مورد *moured* ♦
 مورياته *muryāna* ♦ زنگ فلز *zange felezz* ♦
 موزه *muza* ♦ چکمه *čakme* ♦
 موزيم *muziyam* ♦ موزه *muze* ♦
 موسيقي نواز *musiqinawāz* ♦ نوازنده *navāzande* ♦
 موقع * *mawqa* ♦ موقع *moqe* ♦
 موی چينک *muyčinak* ♦ ابروچين *abručini* ♦
 مويک *muyak* ♦ قلم مو *qalammu* ♦
 مويک *muyak* ♦ شکاف *šekāf*. درز *darz* ♦
 трещина ж

- مقوله *maqula* ♦ کلام *kalām qesār* ♦
 مکاره *makkāra* ♦ بازار روز *bāzāre ruz* ♦
 مکتب *maktab* ♦ مدرسه *madrese* ♦
 مکتب لیلیه *maktabe layliya* ♦ شبانه روزی *šabāneruzi* ♦
 مکتوب *maktub* ♦ نامه *nāme* ♦
 میکروب *mekrob* ♦ میکروب *mikrob* ♦
 مکرویان *makroryān* ♦ ناحیه کوچک در شهر *nāhiyeye kučak dar šahr* ♦
 микрорайон м
 مگس پران *magasparān* ♦ مگس کش *magaskoš* ♦
 مگس هر کاسه *magase har kāsa* ♦ نخود هر آش *poxode har āš* ♦
 ملاریا *malāryā* ♦ ملاریا *mālāryā* ♦
 ملازم *molāzem* ♦ نوکر *noukar* ♦
 ملاقی *malāqi*. کلکینچه *kelkinča* ♦ هواکش *havākeš* ♦
 ملاگک *mollāgak* ♦ چکاوک (پرنده) *čakāvak* ♦
 ملخک *malaxak* ♦ عقربه *aqrabe* ♦
 ملخک ساعت *malaxake sāat* ♦ عقربه ساعت *aqrabeye sāat* ♦
 ملک *malak* ♦ فرشته *fereste* ♦
 ملکی *molki* ♦ کشوری *kešvari* ♦
 - لباس ملکی *lebbāse molki* ♦ لباس عادی *lebbāse āddi* ♦
 - هوانوردی ملکی *hawānawardiye molki* ♦ هواپیمایی کشوری *havāpeymāiye kešvari* ♦
 гражданская авиация ж
 ملگری *melgari* ♦ دوست *dust*. رفیق *rafiq* ♦
 ململ *malmal*. صافه *sāfa* ♦
 ملی *moli* ♦ ترب *torob* ♦
 ملی تراش *molitarāš* ♦ رنده نباتات *randeye nabātāt* ♦
 ملی سرخک *molisurxak* ♦ تربچه *torobče* ♦
 ممثل *momassel* ♦ هنرمند *honarmand*. آرتيست *ārtist* ♦
 مندوی *mandawi* ♦ بازار مواد خوراکی *bāzāre mavādde xorāki* ♦
 продовольственный рынок м
 مندهی *mandahey* ♦ بازار *bāzār* ♦
 منزل *manzel* ♦ طبقه *tabaqe* ♦
 منسوبين *mansubin* ♦ کارمندان *kārmāndān* ♦
 منشی *monši* ♦ دبیر *dabir* ♦
 منظورى *manzuri* ♦ مجوز *mojavvez* ♦
 منور *monawwar* ♦ روشنفر *roušanfekr* ♦
 интеллигент м

ن

- ناجور nājūr. خسته xasta ♦ بیمار bimār م ♦ большой м
 ناجور شدن nājūr šodan. خسته شدن xasta šodan ♦ بیمار شدن bimār šodan ♦ заболеть
 ناجوری nājūri ♦ بیماری bimāri ж ♦ болезнь
 ناخنک nāxonak. قوس کوچک qause ♦ گیومه giyume ♦ кавычки
 نار nār ♦ ساقه sāqe م ♦ стебель
 نارس nāras ♦ کال kāl ♦ неспелый
 نارگندم nāre gandom ♦ ساقه گندم sāqeye gandom ♦ стебель пшеницы
 ناریال nāriyāl ♦ نارگیل nārgil م ♦ кокос
 نازده nāzdah. نوزده nozdah ♦ نوزده nuzdah ♦ девятнадцать
 ناسره nāsera ♦ قلابی qollābi ♦ фальшивый прил.
 ناسکه nāsekka ♦ ناتنی nātani ♦ неродной, сводный прил.
 ناشتا nāštā. صباناری sabānāri ♦ صبحانه sobhāne م ♦ завтрак
 ناشتا کردن nāštā kardan ♦ صبحانه خوردن sobhāne خوردن ♦ завтракать
 ناشیاتی nāšyāti ♦ گلابی golābi ж ♦ груша
 ناک nāk ♦ گلابی golābi ж ♦ груша
 نالی nāli. کروی karawey ♦ کفشپای چوبی kašhāye čubi. نعلین na'leyn ♦
 نامور nāmwar ♦ نامی nāmi ♦ известный, популярный прил.
 نامه نگار nāmanegār ♦ خبرنگار xabarnegār م ♦ корреспондент, журналист
 نان پزی nānpazi ♦ نانوايي nānvāyi ♦ хлебопекарня, выпечка хлеба
 نان قاق << نان قاغ nān qāq ♦ نان خشک nāne xošk ♦ черствый хлеб
 ناوخت nāwaxt. ناوقت nāwaxt ♦ دير dir ♦ поздно
 ناوخته nāwaxta ♦ ديوقت dirvaqt ♦ поздно
 ناوه nāwa ♦ ناودان nāvdān ж ♦ желоб м, водосточная труба
 ناوه دان nāwadān ♦ ناودان nāvdān ж ♦ водосточная труба
 نایتروجن nāytrojen ♦ ازت azot. نیتروژن nitrojen م ♦ азот
 نباتات (نبات) nabātāt ♦ گیاهان giāhān ♦ травы
 نباتات طبی nabātāte tebbi ♦ گیاهان طبی giāhāne tebbi ♦ лекарственные травы
 نت nat ♦ مهره mohre ж ♦ гайка
 نت و بولت natobolt ♦ پیچ و مهره pičomohre ♦ болт и гайка

- مهتاب گرفته گی mahtābgeraftagi ♦ خسوف xosuf ♦ лунное затмение
 مهره kמר mohraye ♦ مهره پشت mohreye pošt م ♦ позвонок анат.
 مهندس mohandes ♦ معمار me`mār م ♦ архитектор
 مهین mahin. مئین ma'in ♦ نازک nazok. ظریف zarif ♦ тонкий, нежный прил.
 می mey ♦ مه meh م ♦ май
 میتر mitar ♦ کنتور kontor م ♦ счетчик (электр)
 میتر برق mitare barq ♦ کنتور برق kontare barq م ♦ электросчетчик
 میتود << متود metod ♦ روش raveš م ♦ метод, способ
 میخانیک mixānik ♦ میکانیک mikānik م ♦ механик
 میخانیکی mixāniki ♦ میکانیکی mikāniki ♦ механический
 - انسان میخانیکی ensāne mixāniki ♦ روابط robāt م ♦ робот
 میخکش mexkaš ♦ انبور anbor ♦ щипцы, клещи, плоскогубцы
 میخکوب mexkub ♦ چکش čakoš م ♦ молоток
 میدان * maydān ♦ میدان meydān ж ♦ площадь
 میدان محاربه maydāne mohāreba ♦ میدان نبرد meydānen nabard م ♦ поле боя
 میدان هوایی maydāne hawāyi ♦ فرودگاه forudgāh م ♦ аэропорт
 میده (محوړه ای) mayda ♦ خرده xorde. خرد xord ♦ мелкий
 میده باران maydabārān ♦ نم نم باران pamname bārān ♦ морозящий дождь
 میده بیز maydabez ♦ الک alake riz م ♦ мелкое сито
 میده فروش maydaforuš ♦ خرده فروش xorde foruš ♦ торговля мелкими товарами
 میده کردن mayda kardan ♦ خرد کردن xord kardan ♦ 1.разменивать 2.измельчать
 میده میده mayda mayda ♦ خرد خرد xord xord ♦ мелко-мелко
 میده گی نان maydagiye nān ♦ خرده ریز نان xorde rize nān ♦ крошки (хлеба)
 میرمن merman ♦ خانم xānom ♦ госпожа, женщина ж
 میرمنه mermana ♦ سرکار خانم sarkār xānom. کدبانو kadbānu ж ♦ госпожа
 میزان mizān ♦ مهر (ماد) mehr ♦ VII месяц солнечного года
 میز خطابه mize xatāba ♦ منبر manbar ♦ кафедра, трибуна
 میله mela ♦ جشن jašn ♦ праздник
 میله mela ♦ گردش gardeš. تفریح tafrih م ♦ пикник
 مین mayn ♦ مین min. خمپاره xompāre ж ♦ мина воен.
 مینه mina ♦ شهرک šahrak م ♦ городок, квартал
 میوه * meywa ♦ میوه mive ♦ фрукты
 میوه خشک meywaye xošk ♦ خشکبار xoškbār ♦ сухофрукты
 میهن * meyhan ♦ میهن mihan ж ♦ родина
 مئین ma'in. مئین mahin ♦ نازک nazok. ظریف zarif ♦ тонкий, нежный прил.

نال *nal* ♦ لوله *lule* ♦ труба жنال آب *nale āb* ♦ لوله آب *luleye āb* ♦ водопроводная труба жنلدوان *naldawān* ♦ لوله کش *lulekeš* ♦ водопроводчик, сантехникنلدوانی *naldawāni* ♦ لوله کشی *lulekeši* ♦ прокладка водопроводных трубنمبر *nambar* ♦ شماره *šomāre*. نمرة *nomre* ♦ число, номерنمکدانی *namakdāni* ♦ نمکدان *namakdān* ♦ солонка жنمونوی < > نمونه وی *namunawi* ♦ نمونه *nemune* ♦ примерный, образцовыйنمونه * *namuna* ♦ نمونه *nemune* ♦ пример м, образец мنندارتون *nandartun* ♦ نمایشگاه *ne māyēšgāh* ♦ выставка жننداری *nandāri* ♦ تاتر *teātr* ♦ театр мننو *nanu* ♦ خواهر شوهر *xāharšouhar* ♦ золовка, сестра мужа жننه گگ *nanagak* ♦ پیرزن *pirezan* ♦ старушка, пожилая женщинаننی گگ *nanigak* ♦ مردمک چشم *mardomake češm* ♦ зрачок мننی گگ شدن *nanigak šodan* ♦ اوج گرفتن *ouj gereftan* ♦ высоко подниматьсяنوازنده * *nawāzenda* ♦ نوازنده *navāzande* ♦ музыкантنواسه *nawāse* ♦ نوه *nave* ♦ внук, внучкаنویت * *nawbat* ♦ نویت *noubat* ♦ очередь жنوجه *nowča* ♦ نونهال *nounahāl* ♦ саженец мنوروز * *nawruz* ♦ نوروز *nouruz* ♦ новый год (норуз)نوش پیاز *nušpeyāz* ♦ پیازچه *piyāzče* ♦ лук зеленый мنوشته کردن *newešta kardan* ♦ نوشتن *neveštan* ♦ писатьنوع * *nau* ♦ نوع *no* ♦ вид, типنوکاری *nawkari* ♦ کشیک *kešik* ♦ дежурныйنوکاری کردن *nawkari kardan* ♦ کشیدن *kešik kešidan* ♦ дежуритьنوکاری والا *nawkariwālā*. نوکریوال *nawkariwāl* ♦ کشیکچی *kešikči*. کشیک *kešik* ♦

дежурный прил.

نوکاریوال *nawkariwāl*. نوکری والا *nawkariwālā* ♦ کشیکچی *kešikči*. کشیک *kešik* ♦

дежурный прил.

- داکتر نوکریوال *dāktare nawkariwāl* ♦ دکتر کشیک *doktore kešik* ♦ дежурный врач мنول *no* ♦ منتقار *menqār* ♦ м. ♦ ключنومبر *novambar* ♦ نوامبر *novāmr* ♦ ноябрь мنوین * *nawin* ♦ نوین *novin* ♦ новейшийنیکتایی *niktāyi* ♦ کراوات *kerāvāt* ♦ галстук мنیکر *nikar*. چوته *čouta* ♦ شورت *šort*. زیرشلواری *zīršalvāri*. تنبان *tonbān* ♦ трусыنیلون *naylun*. لیلون *laylun* ♦ نایلون *nāylon* ♦ нейлон мنیبی *payi* ♦ نی *ney* ♦ свирель муз. жنشر * *naser* ♦ نشر *nasr* ♦ прозаنچارک *načjārak* ♦ دارکوب (کاکلی) *dārkub* ♦ дятел мنرخ *nerx*. قیمت *qeymat* ♦ بها *bahā*. ارزش *arzeš* ♦ стоимость, цена жنرس *nars* ♦ پرستار *parastār* ♦ медсестра, сиделка жنرسری *narsari* ♦ نهالستان *nahālestān* ♦ питомник, рассадник мنرسنگ *narseng* ♦ پرستاری *parastāri* ♦ работа медицинских сестерنرکوز *narkoz*. گاز بیهوشی *gāze behuši* ♦ نارکوز *nārkōz* ♦ наркоз мنری *nari* ♦ ماریچ *mārič* ♦ резьба жنزده *nozdah*. نازده *nāzdah* ♦ نوزده *nuzdah* ♦ девятнадцатьنسا *nesā* ♦ زن *zan* ♦ жена жنسایی *nesāyi* ♦ زنانه *zanāne* ♦ женский прил.- داکتر نسایی *dāktare nesāyi* ♦ دکتر زنان *doktore zanān* ♦

женский врач, гинеколог м

نسب نامه *nasabnāma* ♦ شجره نامه *šajarenāme* ♦ генеалогическое дерево сنسخه ثانی *nosxaye sāni* ♦ نسخه دوم *nosxeye dovom* ♦ второй экземплярنسخه قلمی *nosxaye qalami* ♦ دست خط *dasxtatt* ♦ рукопись жنسک *nask* ♦ عدس *adas* ♦ чечевица бот. жنسواری *naswāri* ♦ قهوه ای *qahvei* ♦ коричневый прил.نسوان *naswān* ♦ زنان *zanān* ♦ женщиныنشاندن *nešāndan* ♦ کاشتن *kāštan* ♦ сажатьنشایسته *nešāyesta* ♦ نشاسته *nešāste* ♦ крахмал мنشرات *našarāt* ♦ نشریات *našriyāt* ♦ издательство сنشہ ٹی *našayi* ♦ معتاد *mo`tād* ♦ наркоман мنظم \* *nazem* ♦ نظم *nazm* ♦ 1. порядок 2. поэзияنفر *nafar* ♦ پادو *pādo*. خدمتکار *xedmatkār* ♦ курьер, слуга мنفس تنگی *nafastangi* ♦ تنگی نفس *tangiye nafas* ♦ астма, одышка жنفوس *nofus* ♦ جمعیت *jam`iyyat*. اهالی *ahāli* ♦ население сنفوس اناث *nofuse anās* ♦ اهالی مونث *ahālie moannas* ♦ женская часть населения жنفوس ذکور *nofuse zokur* ♦ اهالی مذکر *ahālie mozakkar* ♦ мужская часть населения жنقص * *noqs* ♦ نقص *naqs* ♦ недостаток мنقض کردن *naqz kardan* ♦ ضرر کردن *zarar kardan* ♦ потерпеть убытокنقل *naql*. کاپی *kāpi*. ورق *waraq* ♦ نسخه *nosxe*. کپیہ *kopiye* ♦ экземпляр, копияنکل *nekel* ♦ نیکل *nikel* ♦ никель мنگران *negarān* ♦ ناظر *nāzer* ♦ наблюдательنگران کلاس *negarāne kelās* ♦ کشیکچی کلاس *kešikčiye kelās* ♦ дежурный классаنگرانی کردن *negarāni kardan* ♦ نظارت کردن *nezārat kardan* ♦ наблюдать

و

وات wāt ✧ خیابان xiyābān ✧ جاده jāde ✧ prospect, улица ж ✧
 واثر pamp ✧ پمپ wātarpamp ✧ آب pompe ✧ آب pompe ✧ водонасос, pompa ж ✧
 وادی wādī ✧ دشت dašt. ✧ جلگه jolge ✧ ж ✧
 وارخطا wārḫatā ✧ دستپاچه dastpāče ✧ растерянный, смущенный ✧
 وارخطایی wārḫatāyī ✧ دستپاچی dastpāčegi ✧ ж ✧
 واری wārī ✧ مانند mānand. ✧ مثل mesl ✧ подобно, как ✧
 - ماواری کار کن mā wārī kār kon ✧ مثل ما کار کن mesle mā kār kon ✧
 Работай как мы ✧
 واسکت wāskat ✧ ژیت jilet. ✧ جلیقه jelitqe ✧ мужской жилет м ✧
 واسکت wāskat ✧ سینه بند sineband ✧ м ✧
 واسله wāsla ✧ اسلحه aslahe ✧ с ✧
 واسله wāslawāl ✧ اسلحه فروش aslaheforuš ✧ ж ✧
 واکсин wāksin ✧ واکسن vāksan ✧ ж ✧
 - تطبیق wāksin tatbiqe ✧ واکسن vāksan zadan ✧ ✧
 вводить вакцину, вакцинация ж ✧
 واکسین wāksine kolerā ✧ واکسن vāksane zedde vabā ✧ ✧
 противохолерная вакцина ж ✧
 وال wāl ✧ شیر falake ✧ شیر šire ✧ м ✧
 розетка электр. ✧ wālsāket ✧ کلید kelide barq. ✧ priz ✧ ✧
 والد wāleda ✧ مادر mādar ✧ ж ✧
 والی wālī ✧ گورنر gawarnar ✧ استاندار ostāndār ✧ м ✧
 وایлон wāylon. ✧ ویلون waylon ✧ ж ✧
 واین wāyn. ✧ وین wayn ✧ شراب šarāb ✧ ж ✧
 وترنر weterenar ✧ دامپزشک dāmpzešk ✧ м ✧
 ветеринар ✧
 وترنری weterenari ✧ دامپزشکی dāmpzeški ✧ ж ✧
 وجدان wejdān ✧ وجدان vojādan ✧ ж ✧
 وجوه wojuh ✧ پول pul ✧ ж ✧
 ودان wadān ✧ پتک potk ✧ ж ✧
 * ورع warsa ✧ روز ruz ✧ ж ✧
 * ورع رخستی warsa roxsati ✧ روز تعطیل ruze ta`til ✧ ж ✧
 выходной день ✧

1

ورق کاپی *waaraq*. کاپی *kāpi*. نقل *naql*. نسخه *nosxe*. کپیہ *kopiye* ж *ж* экзeмпляр м, копия ж
 ورکشاپ *warakšāp*. ترمیم گاه *tarmimgāh* ж *ж* کارگاه *kārgāh* мастерская ж
 وطن خواه *watanxāh* ж *ж* وطن دوست *vatandust*. وطن پرست *vatanparast* ж *ж* патриот м
 وطن دار *watandār* ж *ж* هموطن *hamvatan* ж *ж* соотечественник м
 وطن دوست *watandust* ж *ж* وطن پرست *vatanparast* ж *ж* патриот м
 وطنوال *watanwāl* ж *ж* هموطن *hamvatan* ж *ж* соотечественник, земляк м
 وعدہ دار *wa`dadār* ж *ж* راندو *rāndevu* с *с* свидание с
 ولدنگ *woldeng* ж *ж* جوشکاری *juškāri* ж *ж* сварка ж
 ولدنگ کاری *woldengkāri* ж *ж* جوشکاری *juškāri* ж *ж* сварка ж
 ولدنگ گيسى *woldenge gaysi* ж *ж* جوشکاری گرم *juškāriye garm* ж *ж*
 ولس *wolos*. اولوس *ulus* ж *ж* ملت *mellat*. مردم *mardom* ж *ж* народ
 ولسی *wolosi*. اولوسی *ulusi* ж *ж* مردمی *mardomi* ж *ж* народный прил.
 ولسی جرگہ *wolosi jerga*. اولوسی جرگہ *ulusi jerga* ж *ж* شورای ملی *šourāye melli* ж *ж*
 واکتون *walaktun* ж *ж* مہد کودک *mahde kudak* ж *ж* детский садик м
 ويار *wiyār* ж *ж* غرور *qorur* ж *ж* гордость ж
 ويال *wiyāl* ж *ж* تازه *tāze* ж *ж* свежий ж
 ويتو *weyto* ж *ж* وتو *veto* ж *ж* вето с
 ويزہ *wiza* ж *ж* رواديد *ravādid*. ويزا *vizā* ж *ж* виза дипл. ж, право с
 ويش *weš* ж *ж* بيدار *bidār* ж *ж* бодрствующий, неспящий ж
 وين *wayn*. واين *wāyn* ж *ж* شراب *šarāb* ж *ж* вино с

лошадиная сила ж ✧ *asbe boxār* اسب بخار ✧ *hārspāwār* هارس پاور
 гудок м (автомобиля) ✧ *buq* بوق ✧ *āran* آرن ✧ *hāran* هارن
 сигнализировать ✧ *buq zadan* بوق زدن ✧ *āran kardan* آرن کردن ✧ *hāran kardan* هارن کردن
 сигнал, сирена ж, гудок м ✧ *buq* بوق ✧ *ārang* آرنج ✧ *hārang* هارنج
 миномет воен. м ✧ *xompāreandāz* خمپاره انداز ✧ *hāwān* هاوان
 ступка ж ✧ *hāvan* هاون ✧ *hāwang* هاونگ
 шум, гам м ✧ *hayāhu* هياهو ✧ *hāyhuy* هوی
 шуметь ✧ *hayāhu kardan* هياهو کردن ✧ *hāyhuy kardan* هوی کردن

дрова ♦ *hizom* هيزم ♦ *hezom* هيزم
кардамон бот. ♦ *hel* هل ♦ *hel* هيل
чаяние с ♦ *omidvāri* امیدواری ♦ *heyra* هیله
страна, родина ж ♦ *vatan* وطن. *kešvar* کشور ♦ *haywād* هیواد
житель страны м ♦ *moqime kešvar* مقیم کشور ♦ *haywādwāl* هیوادوال

ی

یابیدن یافتن *yābīdan* ✧ *yāftan* نهایتی ✧
 یاد دهانی کردن *yād* یاد آوردن *yād āvardan* ✧ *yāddehāni kardan* ✧
 یازنه *yāzna* ✧ *šouhare xāhar* شوهر خواهر م ✧
 یالان *yālān* ✧ *mānto* مانتو ✧
 یخبندی *yaxbandi* ✧ *yaxbandān* یخبندان ✧
 یخمالک *yaxmālāk* ✧ *pātināj* پاتیناژ ✧
 یخمالک زدن *yaxmālāk zadan* ✧ *pātināj bāzi kardan* ✧
 یخن *yaxan* ✧ *yaxe* یخه *yaqe* م ✧
 یخن به یخن شدن *yaxan ba yaxan šodan* ✧ *yaqeye kasi rā gereftan* ✧
 یرغمال *yaraqmāl* ✧ *gerougān* گروگان م ✧
 یک انداز *yakandāz* ✧ *yeḡpārče* یکپارچه ✧
 یکالین یک انداز *qāline yakandāz* ✧ *farše yeḡpārče* ✧
 یک نیم *yaknim* ✧ *yeḡnim* یک و نیم ✧
 یکپارچه گی *yakpārčagi* ✧ *hambastegi* ✧
 یکجا *yakjā* ✧ *bā ham* با هم ✧
 یکسان *yaksān* ✧ *barābar* برابر ✧
 یکه (محاوړه ای) *yaka* ✧ *yeḡ* یکی *yeki* ✧
 یکه راست (محاوړه ای) *yakarāšt* ✧ *yeḡrāšt* ✧
 یکه یکه (محاوړه ای) *yaka yaka* ✧ *yeki yeki* ✧
 یگان وقت *yagānwaqt* ✧ *gāhi* ✧
 یله گرد (محاوړه ای) *yalagard* ✧ *āvāre* ✧
 یله گردی *yalagardi* ✧ *āvāregi* ✧
 ینگه *yanga* ✧ *zane barādar* زن برادر عروس *arus* ✧
 یورش بردن *yureš bordan* ✧ *hamle kardan* ✧

Պատվեր՝ 483
Չափսը՝ 60x84/16: 15 տպ. մամուլ:
Տպաքանակ՝ 700

Տպագրված է «Տիգրան Մեծ» հրատարակչության տպարանում

خ. پارسادانیان

۰۳ ۲۶
۱۷-۱۸
۶۲

فرهنگ

فارسی - دری - روسی و دری - فارسی - روسی

قاموس

فارسی - دری - روسی و دری - فارسی - روسی